

آثار الشیخ الإمام

جلد ۴

عبد العزیز جواہر اللہ

چاپ سری

آثار شیعه‌الامامیه

راجع بمقاید و افکار و ادوار سیاسی و ادبی و تاریخ بلاد و ممالک
و آثار ادبی و مادی و شرح حال سردمان نامی علمی
و سیاسی شیعه از ابتدای تشکیل این فرقه تا عصر حاضر

با بهترین طرز و روش مطابق اصول علمی

تألیفات جدید کفنگو مینماید

تألیف

عبد الغفر

جواهر الکلام

جزء چهارم

از بیست جزء

قسمت سوم از تاریخ سیاسی فرقه شیعه راجع بحالات وزراء و اسراء نامی
آن در دربار های شیعی و غیر شیعی در ایران و عراق عرب و سوریه
و مصر و هند و غیره از ابتدای تشکیل وزارت و امارت در اسلام
تا انقراض سلسله زندیه در ایران و متضمن مقاله مخصوص راجع
بتأثیر ایرانیان در سیاست و آداب اسلام و تاریخ روحانیت
و سیاست ایران و شرح حال باره از رجال نامی روحانی
که ایام صفویه در امور سیاسی مداخله کرده اند

ترجمه علی جواهر الکلام

کلیه مخارج طبع و ترجمه از طرف وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

بموجب حکم نامه ۱۳۱۴ مورخ خرداد ۱۳۰۰ و نامه ۹۰۹

مورخ آذر ۱۳۰۷ تأدیه گردیده است

در مطبعه مجلس بطبع رسیده

سنه ۱۳۰۷ شمسی

آثار شیعه‌الامامیه

راجع بعقاید و افکار و ادوار سیاسی و ادبی و تاریخ بلاد و ممالك
و آثار ادبی و مادی و شرح حال مردمان نامی علمی و سیاسی
شیعه از ابتدای تشکیل این فرقه تا عصر حاضر با بهترین
طرز و روش مطابق اصول علمی تألیفات
جدیده گفتگو مینماید

تألیف

عبد الغفر

جواهر الکلام

جزء چهارم

از بیست جزء

قسمت سوم از تاریخ سیاسی فرقه شیعه راجع بحالات وزراء و امراء نامی
آن در دربار های شیعی و غیر شیعی در ایران و عراق عرب و سوریه
و مصر و هند و غیره از ابتدای تشکیل وزارت و امارت در اسلام تا انقراض
سلسله زندیه در ایران و متضمن مقاله مخصوص راجع بتأثیر
ایرانیان در سیاست و آداب اسلام و تاریخ روحانیت و سیاست
ایران و شرح حال پاره از رجال نامی روحانی کهایام
صفویه در امور سیاسی مداخله کرده‌اند

ترجمه علی جواهر الکلام

کلیه مخارج طبع و ترجمه از طرف وزارت جلیه معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
بموجب حکم نمرة ۱۳۱۴ مورخ خرداد ۱۳۰۵ و نمرة ۹۰۹
مورخ آذر ۱۳۰۷ تأدیه گردیده است
در مطبعه مجلس بطبع رسیده
سنه ۱۳۰۷ شمسی

۹۴
۱۵۴

۲۳۷۶۷۶



بام خداوند بخشنده مهربان

مقدمه مترجم

کتاب آثار الشیعه یا دائرة المعارف این طایفه بطوریکه مؤلف در مقدمه آن ذکر نموده است یکی از مهمترین منابع تاریخی ایران بعد از اسلام محسوب میگردد زیرا در تألیف کتاب بقدر توانائی راجع به صحت اسناد و مدارک - جمع آوری اطلاعات مفیده - تقلید و پیروی از تألیفات جدیده علمی سعی و اهتمام بعمل آمده است و اقعا جای تعجب بود در عصر حاضر که هر جمعیتی رسایل و تألیفات مفصلی مربوط بمسلك و طریقه - آثار و مفاخر گذشته و حاضر خود نگاشته و منتشر مینمایند ایرانیان از طرز تشکیل مذهب شیعه و شاهکارهای نوابغ خود در رهائی و استخلاص از چنگال اجانب بیخبر باشند تا آنکه مؤلف محترم این کتاب که از فضلاء مشهور و مؤلفین و نویسندگان زیر دست میباشد در صدد تألیف دوره کتاب آثار الشیعه برآمده و برای کسب اطلاعات لازمه از عراق بایران مسافرت کرد وزارت جلیله معارف پس از اطلاع بر مراتب فضل و احاطه مؤلف و مطالعه سایر مؤلفات مشار الیه از بذل هر گونه مساعدتهای لازمه در اتمام و انجام این قضیه دریغ نفرموده و بالاخره برای استفاده عمومی بموجب حکم نمره $\frac{۱۴۱۴}{۵۹۳}$ مورخ ۱۵ خرداد ۱۳۰۵ این بنده بترجمه تمام دوره کتاب از عربی بفارسی مأمور گردید اینک که ترجمه جزء چهارم مشتمل بر قسمت سوم از تاریخ سیاسی طایفه امامیه با اتمام رسیده و با آنکه مؤلف محترم در نظر داشت پس از مراجعه بکتابخانه های

مصر و هند و قسمتی از مؤسسات علمی اروپا تألیفات خود را طبع و نشر نماید حسب الامر وزارت جلیله معارف بموجب حکم نمرة ۹۰۹ مورخه ۲ آذرماه ۱۳۰۷ در طبع و نشر این قسمت اقدام شد چون برطبق مفاد قرار داد فوق این بنده بایستی حتی الامکان از عبارت پردازی احتراز نموده و هرچه بیشتر ترجمه خود را با اصل تألیف مطابقت دهد لذا امیداست ارباب فضل و دانش از سستی الفاظ صرف نظر فرموده بحقایق اساسی و مهمه کتاب توجه فرمایند

تهران - آبان ماه ۱۳۰۷ - علی جواهر الکلام



مقدمه مؤلف

مقام شیعه در عالم سیاست و معارف

(۱) - این مطلب مسلم است که اگر فرقه شیعه در عظمت سیاسی و اهمیت علمی و ادبی و داشتن مردمان نامی و مقاومت در مقابل حوادث عظیم تاریخی با سایر فرق مقایسه شود از هیچ فرقه عقب نمیماند چگونه غیر از این تصور شود در صورتیکه فرقه معدود و محدودی با فقدان و سایل در برابر موانع دینی و سیاسی بسیار مقاومت نموده و مدتها از روی مصلحت در پرده تقیه بسر برده و با کمترین فرصت از موقعها استفاده نموده و در عین حال بنیان عقیده خود را استوار کرده باشند - فرقه که با وجود موانع مزبوره حکومت های مخالف خویش را بانیروی هوش و ذكاء در هم شکسته در مدت قلیلی از خود حکومت های مهم برقرار کرده اند مانند آل بویه - آل جلایر - قره قوینلو - کارکیا - صفویه - افشاریه - زندیه - و غیره در ایران - حمدانیّه در شام - بنی دبیس در حله - بنی شاهین در بطائح - بنی عقیل در موصل - دنباله در خوی - آل مشعشع در حویزه - قطبشاهیه - عادلشاهیه - نظامشاهیه در هند - بعلازه پادشاهان و فرمانروایان سرکش را از خاندان عباسی - فاطمی - اخشیدی - سلجوقی - چنگیزی - مغول - تاتار و غیره بسمت خود جلب نموده و در سایه مسلک و عقیده خویش آنها را پرورش داده اند بطوریکه بسیاری از سلاطین و فرمانروایان و رجال نامی سیاسی و روحانی و علمی و ادبی در بر تو این مسلک نشو و ارتقاء نموده صفحات تاریخ را از ذکر آثار و اخبار برجسته خویش مملو نموده باشند چنین فرقه را کوچک نمیتوان شمرد.

تحقیقات پاره از مورخین و عدم موفقیت آنان

در پی بردن باثار این فرقه

(۲) بدیهی است اگر ممالك اسلامی دچار انقلابات عظیمه و حملات خانه بر انداز اقوام مختلفه نمیکردید امروز آثار و مآثر شیعه بیش از آنچه که در دست مانده عالم علم و ادب را مزین مینمود - بنا بر این مطالعه در اوضاع سیاسی و اقوال علمی و ادبی چنین فرقه خالی از اهمیت نیست بلکه تحقیق و کنجکاوی در آن بر هر متبع

دانشمندی لازم است تا گرفتار اشتباهات تاریخی نشده بخوبی بحقایق پی برند متأسفانه پاره از مورخین از روی بی اطلاعی و یا بواسطه تعصبات مذهبی واغراض شخصی حقایق را بر خلاف واقع جلوه داده اند - مثلاً شهرستانی در کتاب ملل و نحل شیعه امامیه را با طایفه غالبه و مجسمه مخلوط نموده و هشام بن حکم شاگرد مخصوص جعفر صادق (ع) و محمد بن نعمان معروف بمؤمن طاق را به عقاید سخیفه تشبیه و تجمیع متهم کرده است و مقریزی در خطط مصر خویش اساس تشیع را مأخوذ از مقاله ابن سبا یهودی تصور نموده حتی ابن خلدون در مقدمه خود برخلاف حقیقت مینویسد: شیعیان منتظرند که امام غایبشان از سرداب حله (در عراق عرب) خارج شود یا آنکه سبکی در طبقات الشافعیه شیخ ابو جعفر طوسی را از علمای شافعی شمرده و سید رضی برادر سید مرتضی را از زبده تصور کرده است سایر مؤلفین و مورخین نامی هم مانند یاقوت رومی در معجم الادباء و صفدی در الوافی بالوقایات و ابن خلکان در وفیات الاعیان نیز مختصری از حالات رجال شیعه را با همان اشتباهات ذکر نموده اند و این روایه تا پسند از ایام پیشین تا زمان حاضر ادامه یافته است.

روایه نگارنده در تالیف این کتاب

(۳) - در این قرن علم و تمدن که هر دسته و حزب کوچک بی اهمیتی دارای تألیفات بسیار برای نشر و اثبات حقیقت مسلک خود میباشند - فرقه قدیم شیعه با آهنگ آوار قابل افتخار در مقابل سایر فرق دنیا کتابی که برای نویسندگان و مورخین ملل سند و مدرک تواند بود نداشته باشند جای تأسف است نظر بمقتضیات فوق نگارنده در هفده سال قبل بفکر افتاد که با عدم استطاعت وقت بضاعت بقدر توانائی خویش اقدامی نموده بمحد امکان راجع بتاریخ ادبی و سیاسی مردمان نامی و عقاید و افکار و آثار مادی و معنوی شیعه تألیفی بنگارم که مندرجات آن از هر گونه تعصب مذهبی برکنار بوده با نظر تاریخی بشرح حقایق مسلمة انجام یابد بدیهی است در ممالک متهمنه و در میان ملل متوره اقدام بچنین امر خطیر تا درجه آسان و انجام پذیر است زیرا هیئت های مختلفه برای هر گونه مساعدت حاضر بوده بعلاوه وسایل متفرقه از کتابخانه و مواد علمی

و تاریخی موجود و دسترس عموم میباشد ولی با اوضاع کنونی شرق اقدام بچنین کار ها بهزاران اشکال مصادف میگردد معذلتك محظورات و موانع محیط ما را از انجام این امر باز نداشت در کتابخانه های عمومی و خصوصی مهم عراق عرب و ایران بمطالعه کتب بسیار اشتغال داشته و مواد مهمی از نسخ نادره خطی و چاپی استفاده نمودیم و در مدت (۱۷) سال با استمداد از ارباب فضل و دانش تالیف مزبور در بیست جزء بترتیب ذیل انجام گرفت

جزء اول

در اصل تشیع و فرق مختلفه شیعه و فرقه امامیه و عقاید و افکار این فرقه و پاره از مطالب مربوطه

جزء دوم

در تاریخ سیاسی شیعه امامیه در مکه و مدینه و سوریه و عراق عرب و ایران و مصر و هند و ذکر شایده و آمده بر آنان در عرض این مدت

جزء سوم

شرح حال سلاطین و فرمانروایان شیعه در ایران و عراق عرب و سوریه و هند از اواسط قرن سوم هجری تا عصر حاضر (۱)

جزء چهارم

در حالات وزراء و امراء و نقباء و صدور و شیخ الاسلامهای ممالک مختلفه شیعه از ابتداء تشکیل وزارت و امارت و مراتب سیاسی در اسلام تا اواخر عصر زندیه

جزء پنجم

در تاریخ ایران جدید از انقراض زندیه تا عصر حاضر راجع باوضاع سیاسی و ادبی و اقتصادی آن و انقلابات اخیر از مشروطیت و جمهوریت و انقراض قاجاریه و شرح حالات مردمان سیاسی نامی این دوره

جزء ششم

در تاریخ معارف و آداب شیعه از ابتدای اسلام تا عصر حاضر

(۱) قسمتی از این جزء بهربی باخارج آقا سید حسن مدرس در مطبعه مجلس بطبع رسیده ولی نظریاره محظورات تا کنون تمام نشده است -

جزء هفتم و هشتم

در فهرس کتب خطی و چاپی شیعه مطابق مشهورات خودمان در کتابخانه های ایران و عراق عرب یا اقتباس از فهرس های مفصل کتابخانه های مشهور دنیا بترتیب کشف الظفون چلی

جزء نهم - تا - هفدهم

در شرح حالات رجال علمی و ادبی و تاریخی شیعه با ذکر تالیفات و آثار علمی آنان به ترتیب کتاب تاریخ آداب اللغة العربیة تألیف جرجی زیدان از قرن اول هجری تا اواسط قرن چهاردهم

جزء هیجدهم

در شرح حال زنان نامی دانشمند شیعه و مردمانی که تشیع آنان مشکوک بوده است و کتب مجهولة المؤلف و پاره از مطالب متفرقه

جزء نوزدهم و بیستم

در تاریخ آثارمادی شیعه مانند شهرهائیکه بدست آنان احداث گردیده (تهران - سلطانیته قم و غیره) کتابخانه ها - مدارس - مساجد و غیره

مقدمه جزء چهارم

عواطف انسانی و احساسات نوع پروری نسبت با افراد ضعیف تا توان و بینوائی که حقوق آنان در مقابل استیلاي زمامداران و سلطه سرکردگان پابمال گردیده و هر روزی بنام سیاست یا دیانت گرفتار تعدی و اجحاف دسته متنفذ زبر دست شده بار سنگین جامعه را بدوش کشیدند همان بینوایانی که قصور عالیه از حجمه آنان نباشده و باخونشان رنگین گردیده ستمدیدگانی که با دسترنج خود وسایل تجمل و تعیش عده را بنام فرمانفرما - وزیر - دستور - مفتی - قاضی فراهم نمودند و بناهای سنگین اهرامات مصر - حدائق بابل - دربار اصطخر را بشانه خود گرفتند آری همان عواطف و احساسات ما را مانعت مینمود که بذکر حالات و شرح زندگانی مردمان ستمگریبر دازیم ولی از طرفی ذکر حقایق معلومه تاریخی را عهده دار شده بودیم

لذا با نهایت احتیاط بشرح آثار باقیه و حالات معینه مردمان تاریخی پرداختیم و مخصوصاً بیشتر بذکر حالات اشخاصی توجه شده است که تا حدی در مقابل بدرفتاریها نیکو کاری هم نموده اند مانند برامکه که در عین تعدی بر زبردستان وجودشان بحال بسیاری از فقراء و بیچارگان مفید بوده است همچنین از حالات فضل بن سهل وزیر مامون و ابوالحسن علی بن فرات وزیر المقتدر طغرایی وزیر سلطان مسعود سلجوقی دانشمند نامی خواجه نصیر الدین طوسی وزیر هلاکو و صاحب بن عباد وزیر رکن الدوله دیلمی آل عمید و غیره که هر کدام بالنسبه دارای اخلاق حمیده و صفات پسندیده بوده اند در این مجلد کم و بیش نگاشته ایم و آنرا بترتیب ذیل مرتب ساختیم

باب اول در حالات وزراء مشتمل بر سه فصل

فصل اول - در حالات وزرائی که در دربارهای مخالف سیاست و مذهب خود وزارت نموده اند که عبارتند از وزرای عباسیان در عراق - اخشیدیه و فاطمیه در مصر - سلجوقیه و مغول در ایران - و مقدمه مخصوصی راجع بتأثیر آداب و سیاست ایرانیان در اسلام

فصل دوم - در حالات وزرائی که در دربارهای موافق مذهب و سیاست خود وزارت نموده اند مانند وزرای آل بویه - صفویه - زندیه - عادلشاهی و قطبشاهی

فصل سوم - در حالات رجال روحانی شیعه که تقریباً جزء وزراء بوده و در امور سیاسی شرکت نموده اند (نقیاء - صدور - شیخ الاسلامها) و مقاله در تاریخ روحانیت و سیاست در ایران

باب دوم در حالات امراء مشتمل بر سه فصل

فصل اول - در حالات امراء شیعه از صحابه و تابعین در ایام خلافت علی (ع)

فصل دوم - در حالات امراء دوره سلاطین مخالف مذهب شیعه مانند امرای

بنی عباس - امرای مصر و شام - امرای عثمانی در بعلبک - امرای مغول - امرای سلاطین غیر شیعی هند

فصل سوم - در حالات امراء دوره سلاطین موافق مذهب شیعه مانند امراء بنی حمدان - امرای کاکویه - امرای ایلخانی - امرای سربداریه - امرای صفویه از قبیل آل المشعشع - ذابله - فیلیه -

(استعدا و تمی از دانشمندان و معارف خواهان)

۱ - از عموم علاقه مندان بمسائل تاریخی و ادبی استعدا میشود پس از استحضار بر فهرست مجلدات کتاب آثار الشیعه هر گونه مواد علمی و ادبی را که مربوط بکتاب منبور بدانند لطفاً ارسال نموده و یا آنکه لا اقل محل و مأخذ آنرا بنکارنده اطلاع دهند گذشته از تشکرات صمیمانه نگارنده کتاب در موقع طبع و نشر عین موضوع را بنام آن شخص ذکر خواهد نمود

۲ - با کمال امتنان هر گونه اشتباهات و انتقادات علمی را (با ذکر سند و مأخذ آن) در قسمت این مجلد پذیرفته و در موقع طبع مجلد دیگر اشتباه یا انتقاد منبور را بنام فرستنده آن منتشر خواهیم نمود بدیهی است انتقادات مذهبی یا ایرادات بدون مدرک و سند مورد توجه واقع نشده بلا جواب خواهد ماند



باب اول

در حالات وزراء

فصل اول

وزرای شیعه که در دربار های مخالف مذهب و سیاست خود وزارت کرده اند

۱ - وزراء دولت عباسیان در عراق

تمهید

دولت بنی عباس پس از انقراض خلافت بنی امیه تاسیس یافت اولین خلیفه این سلسله ابو عبدالله بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس بن عبدالطلب است که در سنه ۱۳۲ بخلافت نایل گردید و آخرین خلیفه عباسی ابوالاحمد عبدالله المستعصم در سال ۶۵۶ بدست هلاکو کشته شد چون ارکان مهمه سیاست و علمی این سلسله از نژاد ایرانی بوده اند لذا بطور مقدمه مختصری از تاریخ نهضت علمی و ادبی ایرانیان و تاثیر آن در آداب و سیاست عرب بیان مینمائیم

(نفوذ ایرانیان در سیاست و ادبیات عرب بعد از اسلام)

۱- ایرانیان یکی از ملل قدیمه عالم بشمار میروند در ادوار سالفه بشوکت و عظمت میان تمام اقوام عالم شهرت داشتند فرمانروایان ایران ممالک آشور و بابل را مسخر کرده با هندوستان مجاور شدند و از تمدن یونانیان بهره مند گشتند

ملت ایران بهوش و استعداد طبیعی موصوف و معروف بوده در تتبع و تحقیق علوم و فنون دارای قریحه و قابلیت خاصی از علوم (۱) طبیعی و ریاضی مطلع و با خبر بوده اند در فنون موسیقی و نقاشی و حجاری مهارت داشته اند آثار برجسته و نقوش بدیعۀ ایران باستان در تخت جمشید و سایر نقاط برهان بر اثبات این مدعاست ایرانیان قدیم مانند برادران شرقی خود هندیان در شعر (۲) و ادبیات با ذوق بوده اند (اگر

(۱) و (۲) اداب اللغة العربیه ۲۹ ج ۲

چه آثار ادبی ایران قدیم بندرت یافت میشود) گویند (۱) بهرام بن یزدجرد بن شاپور بین اعراب تربیت شده زبان عربی آموخته بود و شعر عربی انشاد مینمود نهضت علمی ایرانیان قدیم از زمان شاپور (۲) بن اردشیر شروع میشود این پادشاه کتب فلسفی یونانی را به پایتخت خود وارد نموده بفارسی ترجمه کرد کسری مشهور بانوشیروان عادل (۵۳۱-۵۷۸ م) از پادشاهان دانش پرور ایران بوده است و بمطالعه کتب فلسفی رغبت تمامی داشت در ایام پادشاهی انوشیروان فلسفه روم بمحکال رسیده بود پوستان امپراطور مسیحی روم در اثر اختلافات مذهبی فلاسفه و متفکرین غیر مسیحی را از روم تبعید کرد آنان باطراف عالم پراکنده شدند از آنجمله هفت نفر فیلسوف مشهور رومی بمخدمت نوشیروان آمدند پادشاه دانشمند مقدمشان را گرامی داشته از ایشان خواهش نمود که بتألیف و تصنیف اشتغال یابند فلاسفه مزبور چندین کتاب در علم طب و منطق تألیف نمودند که بفارسی ترجمه شد (۳) انوشیروان با کمال دقت کتابهای آنها را مطالعه نموده شخصاً برای مناظره و مباحثه با علماء حاضر میشد و مجالس مخصوصی برای بحث در مسائل علمی تشکیل میداد (چنانکه مأمون عباسی نیز تقریباً دو قرن و نیم بعد از انوشیروان همین گونه مجالس علمی را ترتیب میداد) انوشیروان قسمی در علوم فلسفه و غیره مهارت و تتبع یافت که یونانیان صاحب وی او را از شاگردان افلاطون تصور مینمودند انوشیروان (۴) از کتب سانسکریت نیز مقدار وافی بزبان فارسی نقل و ترجمه کرد در شهر (جندی شاپور) مریضخانه برای معالجه مرضی و تدریس علم طب تأسیس کرد و اطبای بسیاری از هند و یونان برای آن مریضخانه استخدام نمود که در آنجا بتدریس طب هندی و یونانی اشتغال داشتند مریضخانه انوشیروان در زمان خویش مانند مدرسه اسکندریه مصر بوده است

ب- پس از ظهور اسلام و انقراض حکومت سیاسی ایرانیان نهضت علمی و ادبی این ملت متوقف گردیده و بانحطاط گذارد مخصوصاً در ایام خلفای اموی که با مسلمانان غیر عرب بطور حقارت و پستی معامله مینمودند و آنانرا از مداخله در امور سیاسی و علمی باز میداشتند تا آنکه از حسن اتفاق برای ایرانیان حکومت بنی امیه در سنه ۱۳۲ هـ منقرض و در تعقیب آن دولت بنی عباس بدستیاری

(۱) مسعودی ۱ ج ۱ (۲) ابوالفدا ۵۰ ج ۱ (۳) فهرست ابن الندیم خطی است اگر چه در اروپا طبع شده ولی نسخه آن کمیاب است (۴) ترجمه ادبیات ایران ادوارد برون ج ۱ خطی

ابومسلم خراسانی (۱) تشکیل یافت (ابومسلم در سنه ۱۳۷ هجری بقتل رسید) عباسیان برعکس بنی امیه ایرانیانرا معزز و محترم میداشتند و به تصدی امور مهمه میگماشتند (۲) و عده بسیاری از آنها را جزء ملازمین خاص دربار خود قرار دادند که مشهور ترین آنها برامکه و آل سهل میباشند برامکه برطبق طینت اصلیه ایرانی علم دوست و عالم پرور بوده اند علماء و فضلاء در نزد آنان مکرم و محترم میزیستند چیزی نگذشت که خاندان برامکه و پس از آن خاندان بنی سهل که هر دو اصلاً ایرانی بوده اند مرکز فضل و مقرر فضلاء گردید و مجالس آنها مانند دربار هرون و مامون از علماء و دانشمندان زیب و زینت یافت برامکه و سایر امرای ایرانی علماء و دانشمندان را بترجمه علوم قدیمه از السنه مختلفه بزبان عربی وادار نمودند از آنجمله خاندان نویخت (۳) است که در این امر سعی و اهتمام وافی نموده اند بیست کتاب (۴) در علم نجوم و سیر و تاریخ و حکمت و آداب و موسیقی از فارسی بعربی فقط در عصر برامکه ترجمه شد و اعتماد اعراب در این علوم کاملاً بر کتب و آثار ایرانیان بوده است (۵)

(۱) الفخری ص ۱۰۴ و ۱۲۴ (۲) اداب اللغة العربیه ۲ ج ۲۰ (۳) اداب اللغة ۲ ج ۳۲ شرح حالات خاندان نویخت در رجال قرن سوم و چهارم از این کتاب ذکر شده است (۴) اداب اللغة ۲ ج ۳۴ (۵) عصر المأمون ۳۸۷ ج ۱

کتب بسیاری (از قبیل سیر و اخبار و اشعار و مختصری در نجوم که از منقولات آل نویخت و علی بن زیاد تمیمی و غیرهما میباشد) در ایام بنی عباس از فارسی بعربی ترجمه شد اینک یاره از اسامی آن کتب را با ذکر نام مترجم ذیلاً درج مینمائیم نقل از فهرست ابن الندیم و تمدن اسلامی ۱۵۴ ج ۳

- (۱) کتاب رستم و اسفندیار جله بن سالم
- (۲) بهرام شوس
- (۳) خداینامه در سیر
- (۴) کلیله و دمنه عبدالله بن المقفع
- (۵) آئین نامه
- (۶) مزدک
- (۷) التاج در سیر انوشیروان
- (۸) الادب الکبیر
- (۹) الادب الصغیر
- (۱۰) الیتمه
- (۱۱) هزار افسانه

ناقل آن معلوم نیست

اهمیت (۱) و عظمت برامکه روز بروز در تزايد بود و قدر و اهمیت آنها نزد عموم طبقات میافزود بقسمیکه هرون از سطوت آنها بیمناک شده و در انقراض آن خاندان کوشید ولی انقراض برامکه مانع پیشرفت نفوذ ایرانیان نشد مخصوصا در زمان بنی سهل جانشینان برامکه نفوذ ایرانیان در علوم و ادبیات فارسی رو باز دید نهاد و از همان موقع علوم و آداب اسلامی در دست (۲) ایرانیان اداره میشد اوضاع مقهوریت سیاسی ایرانیان در تحت حکومت عربها با وجود سبقت علمی و ادبی مانند اوضاع یونانیان بوده است که با داشتن مزیت علمی و ادبی در تحت استیلای سیاسی رومیها در آمدند (به کتاب تاثیر آداب ایران در لغت عرب تالیف مستشرق روس انیوسترانسف منطبعة پترو گراد ۱۹۰۹ مراجعه شود) - ج - یکی از آثار مهمه ایرانیان در سیاست اسلام تشکیل مناصب سلطنتی و تاسیس اساس دیوان باج و خراج و ترتیب وزارت بوده است که قبل از ایرانیان اعراب از ان ترتیبات بکلی بیخبر بوده اند

۱- تشکیل دیوان مالیات - (۳) در سنه ۱۵ هجری پاره از امراء و عمال دربار سلاطین ایران نزد عمر بن الخطاب حاضر بوده حیرت و سرگردانی ویرا در تنظیم امور مالیاتی مشاهده نمودند لذا ترتیب دیوان باج و خراج پادشاهان ساسانی را شرح داده و عمر بر طبق دستور آنان تشکیل دیوان داد و تا زمان حجاج بن یوسف والی کوفه کلیه عمال و منشیان و مدیران دیوان مالیاتی فارسی زبان بوده و دفاترشان بفارسی تهیه میشد تا آنکه در زمان خلافت عبد الملك بن مروان (۱) الفخری ۱۵۵ (۲) مقدمه ابن خلدون ۴۷۷ و تمدن اسلامی ۴۹ ج ۳ (۳) الفخری ۶۰ و مقدمه ابن خلدون ۲۰۳ طبع بولاق

(۱۲) شهرزاد با ابرو

(۱۳) کتاب الکاف نامج انوشیروان کارنامه

(۱۴) دارا و الصنم الذهب

(۱۵) بهرام و نرسی

(۱۶) هزار داستان

(۱۷) الدب و الثعلب

(۱۸) سیر ملوک الفرس که ترجمه آن متعدد است (۱) ترجمه محمد بن جهم برمکی (۲) ترجمه زادویه بن شاهویه اصفهانی (۳) ترجمه محمد بن بهرام بن مضیار اصفهانی

صالح بن عبد الرحمن سجستانی که از منشیان زاد انفروخ بن ببری رئیس دیوان بوده بر حسب میل حجاج دیوان را از فارسی بعربی نقل کرد گویند ایرانی ها ناصد هزار دینار بصالح مذکور رشوه داده بودند که از ترجمه دیوان بعربی صرف نظر نماید ولی صالح رشوه آنانرا را رد نموده مطلب خود را انجام داد

۲- بطوریکه ذکر شد وزارت (۱) از مناصب ایرانی و بزرگترین درجات درباری است و از زمان بنی عباس بین مسلمانان معمول گشته اولین وزیر خاندان بنی عباس ابوسلمه الخلال حفص بن سلمان معروف بوزیر آل محمد بوده است که از اعظام شیعه و دوستداران خاندان علی (ع) میباشد تا آنموقع خلفای اسلامی وزیر نداشته اند و کسی بدان نام در دربار اسلام معروف نبود ابوسلمه (۲) اول کسی است که بین مسلمانان بوزیر معرفی گردید و در قرن چهارم هجری کلمه صاحب (۳) نیز بوزیر اضافه شد اسماعیل بن ابی الحسن عباد بن عباس وزیر مؤید الدوله دیلمی اول وزیری است که بصاحب معروف گردید در هر حال بسیاری از وزراء نامی و دانشمند از میان فرقه شیعه امامیه مخصوصا ایرانیان ظهور نموده که در دربار های مختلف اسلامی وزارت نمودند

وزیر آل محمد

ابوسلمه Abou-salmah

ابوسلمه (۴) حفص بن سلمان مولی بنی حارث بن کعب همدانی معروف بوزیر آل محمد بوده هماغسم که ابو مسلم خراسانی را امیر آل محمد میگفتند برای اشتها ابو سلمه به خلل چندین وجه ذکر شده که یکی از آنها اقامت وی در محله خللین از محلات کوفه بوده است و همدان نام قبیله از قبایل عرب میباشد که در نواحی یمن سکونت داشته اند

حالات ابوسلمه - دعوت وی بنام عباسیان

ابوسلمه از رجال معتبر متمول سخی الطبع کوفه بوده در علوم تفسیر و اخبار و مناظره و اشعار تتبع بسیار نموده اطلاعی کامل داشت در سواری و اسلحه بازی

(۱) تمدن اسلامی ۱۳۵ ج ۱ (۲) بن خلکان ۱۷۹ ج ۱ (۳) تمدن اسلامی ۱۴۶ ج ۱ (۴) الفخری ۱۱۱ و ۱۱۲ و بن خلکان ۱۷۹ ج ۱ و بن خلدون ۱۷۶ ج ۳

عشق و میل مفرط اظهار مینمود و شخصا مرد فصیح زبان آوری بوده است ابوسلمه ابتداء بنام عباسیان دعوت میکرد و قسمت مهمی از ثروت خود را صرف انکار نمود علت ارتباط ابوسلمه با عباسیان بطوریکه این طقطقی و ساین نگاشته اند این بوده که پدر عیال ابوسلمه بکر بن ماهان از منشیان و خواص ملازمین ابراهیم امام برادر سفاح بوده است و در دوستی با عباسیان خود داری نداشت اتفاقا بکر بن ماهان مریض شده اجل خود را نزدیک دید از این جهت بپراهمیم امام وصیت نمود که ابوسلمه خلال داماد خود را برای دعوت بنام عباسیان نایب خود قرار دادم پس از مرگ من از وجود وی استفاده نمائید ابراهیم بعد از وفات بکر با ابوسلمه در این خصوص مکاتبه نموده و پرا بدعوت برای عباسیان مستعد و آماده نمود ابوسلمه نیز امر ابراهیم را اطاعت نموده مشغول انجام کار شد موقعیکه (۱) مروان حمار آخرین خلیفه اموی ابراهیم امام را دستگیر کرده در حران حبس نمود برادران ابراهیم سفاح و منصور با تنی چند از خویشان و اقرباء بکوفه آمده در منزل ابی سلمه وارد شدند مشار الیه مقدمشان را گرامی داشته و آنان را مخفی داشت تا اینکه عدّه زیادی از شیعیان گرد آمده قوای منظمی تهیه نمودند و در همانموقع ابومسلم هم خراسان را تصرف نموده بکوفه آمد و با سفاح بیعت کرده و خلافت عباسیان علنی شد ۱۳۲ هـ

بازگشت (۲) ابوسلمه از دعوت بنام عباسیان برای علویان

قبل از اینکه خلافت سفاح رسمی و علنی گردد ابوسلمه از دعوت بنام عباسیان منصرف شده و بدعوت برای علویان کوشش کرد و عریضه حضور حضرت صادق (ع) ارسال داشت حضرت بفرستاده وی فرمود من با ابی سلمه کاری ندارم و ارتباطی بین ما نمیباشد فرستاده اصرار در اخذ جواب نمود حضرت خادم خود را فرمود چراغ را نزدیک آورد و نامه ابوسلمه را سوزانید و بفرستاده فرمود آنچه را که دیدی جواب نامه است بابوسلمه ابلاغ نما ابوسلمه سپس نامه بعبده بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب و عمر بن زین العابدین نگاشت عمر نامه را رد نموده جواب داد نویسنده را نمی شناسم ولی عبدالله مراسله را قرائت کرده خدمت حضرت

صادق آورد آن حضرت عبدالله را ملامت کرد که باغواي ابوسلمه فریب نخورد زیرا قریبا قضیه بنفع بنی عباس خاتمه خواهد یافت عبدالله از استماع این بیانات مکدر گردیده و از خدمت حضرت منصرف شد اما چیزی نگذشت که دولت اموی منقرض و حکومت عباسی بدست سفاح تشکیل یافت سفاح از اقدامات ابوسلمه راجع بدعوت برای علویان مستحضر شده از وی هراسید لذا ابتداء او را بوزارت انتخاب کرد و بعد بقتل رسانید چنانکه تفصیل آن ذکر خواهد شد

وزارت (۱) ابوسلمه برای سفاح و سیاست سفاح در قتل ابوسلمه

همینکه سفاح برمسند خلافت ارتقاء یافت ابوسلمه را بوزارت انتخاب نموده زمام امور لشگری و کشوری را بوی تفویض نمود و ازان موقع ابوسلمه بلقب وزیر آل محمد ملقب گردید مشارالیه اولوزیر دوره اسلامی بوده است بهر حال بطوریکه قبلا ذکر شد سفاح از اقدامات سابقه ابوسلمه راجع بدعوت علویان رنجیده خاطر بود ولی این مطلب را از بیم ابومسلم خراسانی مکتوم میداشت زیرا ابومسلم خراسانی با ابوسلمه در دعوت بنام عباسیان شرکت و رفاقت داشتند سفاح شرحی بابومسلم نگاشت که نظر بیاره اقدامات از ابوسلمه رنجیده خاطر م ولی جرم و پرا برای ابومسلم خواهم بخشید سپس نامه را بوسیله برادر خود منصور نزد ابامسلم فرستاد و باطنا وی را بقتل ابوسلمه تحریض کرد ابومسلم مقصد سفاح را دریافته عدّه از خراسانیانرا اعزام داشت و ابوسلمه را بقتل رسانیدند مدت (۲) وزارت ابوسلمه برای سفاح چهار ماه بوده و در ۱۳ ربیع الآخر ۱۳۲ هجری بقتل رسید

وزارت برامکه

قبل از شرح حالات خصوصی برامکه و تاثیرات سیاسی و ادبی آنان در اسلام لازم است بطور مقدمه مسائل ذیل را ذکر نمائیم
مقام برامکه قبل از اسلام

برامکه (۳) اصلا اهل بلخ و از اعظم زردشتیان بشمار میرفتند تصدی و اداره

(۱) و (۲) بن خلکان ۱۷۹ ج ۱ و الفخری ۱۱۱ (۳) الفخری ۱۴۵ و عصر المأمون ۱۲۶ ج ۱ و معجم البلدان ۳۲۱ ج ۸

یکی از آشکده های مهم بلخ موسوم به نوبهار (معبد جدید) با این خاندان بوده است و نظر باینکه متصدیان آن معبد را عموماً برمک مینامیدند لذا این خانواده به برامکه موسوم گردید بنا براین برمک بطوریکه پاره از مورخین توهم نموده اند اسم شخصی نبوده و نام خانوادگی است (همینکه فضل برمکی بامارت خراسان منصوب گردید وارد بلخ شده معبد نوبهار را خراب و بجای آن مسجدی بنا کرد) آشکده نوبهار دارای املاك و اراضی موقوفه بسیاری بوده که در دست برامکه اداره میشد یاقوت مینویسد قریه (روان) از قراء آباد شرقی بلخ در تصرف یحیی بن خالد بوده است خالد پدر یحیی آخرین کسی است که از این خاندان به برمک موسوم بوده و اول کسی است (۱) که بدین اسلام مشرف گردید (صاحب معجم البلدان مینویسد جد اعلاي خالد در زمان خلافت عثمان اسلام اختیار نموده ولي اولاد وی مجدد بدین زرتشت باز گشت نمودند)

سیاست برامکه در تشیع

خالد سرسلسله برامکه موقعی دیانت اسلام را قبول نمود که ابومسلم (۲) خراسانی بنام علویان و برای آن خاندان مشغول دعوت و بیعت بود خالد نیز فکر وی را پسندیده جزء ملازمین وی گردید و بامید درك مناصب عالیہ بتأسیس دولت علوی سعی و اهتمام میکرد اما همینکه دولت عباسی تشکیل شده وزعماء دولت علوی مانند ابومسلم و ابو ساعه گرفتار عقوبت سفاح شدند خالد نیز مصلحت چنان دید که ظاهراً از علویان صرف نظر نموده باتفاق فرزند خویش یحیی و سایر اقارب بخدمت گذاری منصور و سفاح قیام نماید و همینقسم اقدام نمود اما باطنا از شیعیان علویین بوده در کتمان آن کوشش داشتند مخصوصاً در زمان خلافت هرون برامکه از آل علی و تشیع بکلی اظهار تنفر مینمودند چه که هارون (۳) فوق العاده نسبت به علویان و فرقه شیعه بدین بوده است و قبل از ارتقاء بمقام خلافت علویین را بقتل رسانیده اذیت و آزار بسیار مینمود همینکه بمسند خلافت متمکن شد بیش از پیش در ایذاء و آزار آنان

(۱) معجم البلدان ۸ ج ۳۲۱ حالات برمک پدر بزرگ برامکه و وصف نوبهار و خراب شدن آن بدست عطاء بن السائب و قیس بن الهیثم ذکر شده است (۲) تمدن اسلامی ۱۲۷ ج ۴ (۳) العقد الفرید ۱۴۲ ج ۱

سعی کرد بقسمیکه تمام طالبیین را از بغداد بمدینه (۱) تبعید کرد (بجلداول تاریخ سیاسی شیعه مراجعه شود) برامکه از تعصب و کینه جوئی هارون متنفر بوده (۲) و رفتار ویرا ناپسند میدانستند اما عقاید خود را حتی الامکان مخفی داشته سرّاً با شیعیان مساعدت های لازمه مینمودند و زعمای قوم شیعه بطور مخفی نزد جعفر رئیس برامکه جمع شده مجالس و محافلی ترتیب میدادند بالاخره همینکه جعفر بفرمانفرمائی ایالات غرب معین گردید شخصی (۳) از حزب شیعه را بحکومت مصر گماشت (برای اطلاع کامل از جنایات هارون نسبت باین طایفه به جلد اول تاریخ سیاسی شیعه مراجعه شود)

مقام سیاسی و ادبی برامکه نزد دولت و ملت

مقام سیاسی و ادبی برامکه به دودوره مهم تقسیم میگردد که فترتی مابین آن واقع گردید

(۱) -- زمان سفاح و منصور

در آن ایام عظمت و اهمیت برامکه بواسطه اسلام خالد سر سلسله آنان و خدمتگذاری بنی عباس بحد کمال رسید و نزد عموم طبقات لشکری و کشوری قدر و منزلت مهم یافتند بقسمیکه خالد (۴) وزارت دو نفر از خلفای سرکش مانند سفاح و منصور را عهده دار شد و بحدی نزد سفاح تقرب یافت که روزی بوی اظهار نموده بود: خالد بالاخره مرا بخدمتگذاری خود گماشتی خالد عرض کرد چگونه چنین امری میسر میگردد در صورتیکه من بنده و خدمتگذار خلیفه هستم سفاح خندیده جواب داد آری دختر تو یا دختر من معمولاً در يك بستر میخوابند پاره از شبها می بینم که روپوش از روی آنان عقب رفته خودم شخصا روی آنها را میپوشانم خالد بعد از شنیدن این مطلب دست سفاح را بوسیده عرض کرد مولای من برای کسب اجر و ثواب با کنیز و غلام خود تفقد می نماید.....

برامکه بحد و حلم و عقل اشتها داشت و مخصوصاً بقدری در بذل و بخشش و نوازش فقراء مبالغه و اصرار مینمودند که محتاجان وسائلین را (۵) زوار

(۱) بن الاثیر ۴۷ ج ۶ (۲) الاغانی ۷۶ ج ۲۰ (۳) السیوطی ۱۰ ج ۲ (۴) الفخری ۱۱۳ و ۱۱۴

نامیده بودند لذا قدر و منزلت برامکه نزد عموم طبقات از کشوری و لشکری روز افزون بوده است بالجمله خالد واحفاد وی مالک قلوب فرمانروایان بنی عباس و عموم طبقات گردیدند و این حسن توجه خاص و عام نسبت به برامکه در ایام هرون رو باز دیاد نهاد چنانکه هارون قبل از ارتقاء بمقام خلافت یحیی بن خالد را کاتب و نایب و وزیر خویش قرار داد باری همینکه منصور عباسی در سنه ۱۳۶ بمقام خلافت رسید خالد را بوزارت خود انتخاب کرد اما نظر باستبداد رأی و مداخله شخصی این خلیفه در امور جزئی و کلی خالد (۱) و سایر وزراء از مقام سیاسی و تنفیذ اوامر خود استفاده نمیکردند چنانکه در باب انهدام (۲) ایوان کسری (مداین) با خالد مشورت نمود وی منصور را از اقدام باین عمل منع کرد منصور ممانعت خالد را مبتنی بر تعصب ایرانیست دانسته ایوان مداین را منهدم کرد و خالد با نهایت بی میلی از وقوع این قضیه بر هیچگونه اقدام قادر نبود روی هم رفته بر طبق مدارک تاریخی وزارت خالد در ایام منصور و سفاح فقط بعنوان استشاره و وساطت بین خلیفه و رعایا بوده است برعکس وزارت یحیی و پسرانش جعفر و فضل با نهایت اختیار و قدرت تام انجام گرفت

- دوره قنبرت -

از زمان منصور نفوذ سیاسی و ادبی برامکه رو با انحطاط و پستی نهاد و این مطلب تا ایام هارون ادامه یافت (از ۱۳۶-۱۷۰) منصور پادشاه مستبد خودرایی بود و به آراء وزراء خویش وقعی نینهاد از همین رو ابو ایوب موریانی را در وزارت با خالد بر مکی شرکت داد (موریان از قراء تابعه اهواز است) سپس ویرا هلاک نموده ربیع بن یونس را بجای او انتخاب کرد بعد از مرگ منصور پسرش محمد المهدی (۱۵۸) ابو عبدالله معاویه بن یسار را بوزارت برگزید معاویه بن یسار شخصاً نویسنده زیر دستی بوده و در ایام وی قدر و منزلت وزراء رو بارتقاء نهاد این وزیر پس از قتل پسرش به نهمت زنداقه از وزارت کناره گیری نموده مقام خود را بابی عبدالله یعقوب بن داود تفویض کرد پس از چندی خلیفه بر وی متغیر شده در چاه تاریکی محبوسش ساخت و فیض ابن ابی صالح را بوزارت خود انتخاب کرد

بالاخره محمد مهدی در سنه ۱۶۹ درگذشت و پسرش موسی الهادی خلیفه شد این خلیفه ربیع بن یوسف وزیر پدر را بوزارت خود گماشت و چندی ابراهیم بن ذکوان حرّانی وزارت وی را عهده دار بود تا آنکه موسی الهادی در سال ۱۷۰ وفات نموده هارون بخلافت رسید و در ایام خلافت وی عظمت و اهمیت برامکه تجدید شد

۲ - زمان خلافت هارون

(۲) زمان خلافت هارون برامکه با نفوذ سیاسی و ادبی بزمانمندی مهمام امور اشتغال یافتند بقسمیکه تا مدتی بعد آثار استیلاء و نفوذ برامکه در میان بنی عباس بر قرار ماند این طقطقی ایام استیلای برامکه را با عبارتهای ذیل که مطابق واقع بوده شرح میدهد:

" خلافت بنی عباس مانند تاج بر تارک روزگار میدرخشید و چون آفتاب بر سپهر دوار تابش داشت آستانش محط رجال و کعبه آمال بوده است یحیی و فرزندان وی چون ستارگان درخشان در آن آسمان میتابیدند و مانند باران بهاران بر خاص و عام میباریدند مملکت بوجودشان آباد و مردم از حسن رفتارشان دلشاد بودند بازار علم و ادب در ایام آنان رونق و اعتباری داشت خلاصه برامکه در ایام خویش پایه آبادی و مایه دلشادی ملک و ملت بوده اند چنانکه ابونواس نیز گفته است

سَلَامٌ عَلَى الدُّنْيَا إِذَا مَا قَعَدْتُمْ
بَنِي بَرْمَكٍ مِنْ رَائِحِينَ وَغَادٍ

در ایام وزارت جعفر بن یحیی اهمیت و عظمت برامکه بحدی رسید که شخص جعفر را سلطان (۱) میخواندند هرون آتی از جعفر جدا نبود بقسمیکه فرمان داد يك پیراهن (۲) با دو بقیه برای خود و یحیی ترتیب دهند که در مجالس بزم بان پیراهن مجلس میگرددند بالاخره برای تکمیل وسایل مصاحبت خواهر خود عباسه را برای جعفر عقد نمود (۳) مشروط بر آنکه با وی مزاجت نماید و فقط در مجالس انس با هم گردد آیند این خلدون (۴) مینویسد در منزل شخصی هرون ۲۵ نفر از اولاد یحیی بن خالد جزء رؤسای لشکری و کشوری میزیستند

باری کتب سیر و تواریخ بقدر مکفی از فضایل و مکارم برامکه مرقوم داشته اند که محتاج بتکرار و تذکار در اینموقع نخواهد بود و همین قدر باید دانست که از حسن

رفتار و کردار برامکه دولت عباسی بمنتهی درجه عظمت و جلال رسید بقسمیکه بعد از برامکه و قبل ازان هیچیک از دربارهای اسلامی دارای چنان عظمت و رفعت نبوده است وزارت برامکه در دوره اخیر وزارت مستقل تام الاختیار بوده که بر فکر و اراده و عزم خلیفه استیلاء داشتند

دارائی برامکه که بعد از بدبختی آنان مصادره شد

سهل بن هارون (۱) از خواص برامکه و کتابدار مامون راجع بدارائی و ثروت برامکه چنین میگوید: همینکه هرون الرشید مصادره اموال برامکه را فرمان داد از ۲۰ میلیون تقدینه موجودی دوازده میلیون آن در کیسه های مخصوصی بنام اشخاص معین سربمهر بوده که بعنوان هدیه جازیه صله شعرو غیره از طرف یحیی باشخاص متفرقه اتفاق میگردید و همین قسم نام جیره خواران و مواجب گیرندگان در دفاتر مخصوص ثبت شده بود که در واقع دیوان و دفاتر یحیی مخصوص جمع اموال و اتفاق آن بوده است

علاوه بر مبلغ مزبور سی میلیون و هفتصد و هفتاد و شش هزار دینار وجه نقد از ثروت و تمول برامکه مصادره گردید و مبالغ مزبوره فقط وجوه تقدینه بوده است و اضافه بران اموال و املاک منقول و غیر منقول از قری و قضبات و غیره مقدار بسیاری نیز مصادره و ضبط دولت گردید که تعیین میزان آن بطور کامل غیر مقدور میباشد و از همین رو میتوان میزان قدرت و عظمت برامکه را تصور نمود

خلاصه از حالات برامکه و شخصیات آنان

(۱) خالد بن (۲) برمك بن جاماس بن یشتاسف اولین وزیر ایرانی از خاندان برامکه

Khalid

بنا بعقیده صولی پس از قتل ابو سلمه خالد بن برمك بجای وی انتخاب گردید و بلقب وزیر ملقب شد سفاح پس از اطلاع بر هوش و ذکاوت خالد قدر و منزلت و برا مضاعف نمود و از هر طرف بدرگاه خالد روی آور شدند شعراء بمدیحه وی اشعار و قصاید سرودند خالد بانهایت میل و رغبت در انجام حوائج واردین و

(۱) ۱۳۸ عصر المامون ج ۱ - (۲) الفخری ۱۲۷ و ابن خلکان ۱۱۳ ج ۱

حاجتمندان سعی و اهتمام میکرد و چون بسیاری از محتاجان و تقاضا کنندگان را از اشرف و اکابر قوم مشاهده نمود لذا نام سائلین را بزوار تبدیل کرد و در این باب یکی از اشرف بخالد گفته است که شکر کدام يك از نعمت های تو را بجا آوریم رفع حوائج یا تبدیل نام و تغییر عنوان سائلین؟ باری همینکه منصور در صدد بنسای بغداد برآمد راجع بانهدام ایوان کسری باخالد مشورت کرد که مواد و مصالح آن ساختمان را بمصرف بنای بغداد رساند خالد اظهاری داشت که ایوان کسری آیتی از آیات اسلام و نماز گاه علی بن ابی طالب است در هدم آن مبادرت مفرما بعلاوه مصارف هدم آن بیش از منافع محصوله خواهد بود منصور رأی خالد را مبتنی بر تعصب ملی ایرانی دانسته به انهدام ایوان کسری امر داد ولی چون مصارف ویرانی آن گزاف بود از هدم بناء صرف نظر نمود بخالد گفت اینك حسن رأی تو را پسندیده و از انهدام ایران صرف نظر مینمائیم خالد جواب داد بهتر آنستکه خلیفه انهدام ایوان را با تمام رساند تا نگویند از خرابی ساختمان سایرین عاجز ماند ولی این مرتبه نیز رأی خالد مقبول نیفتاد مدت وزارت خالد برای منصور یکسال و چند ماه بوده و در سنه ۱۶۳ یا ۱۶۵ وفات نمود اگر چه منصور در توقیر و اعزاز خالد خود داری نداشت اما خشونت رأی و استبداد منصور مانع از ظهور نفوذ خالد بوده است و نه فقط خالد بلکه کلیه وزراء و درباریان منصور از بیم سطوت وی جرئت مداخله در امور نداشتند.

(۲) یحیی بن خالد بن برمك وزیر هارون

Yahya

بطوریکه قبلاً (۱) اشاره شد یحیی بن خالد در زمان ولایت عهد هرون متصدی جمیع امور داخلی وی بوده و سمت وزارت وی را داشت و پس از ارتقاء هرون بمقام خلافت یحیی وزیر مستقل تام الاختیار گردیده خاتم خلافت بوی تفویض شد و در جمیع امور مملکتی فرمانروا گردید ابراهیم موصلی در این موضوع چنین میگوید:

أَلَمْ تَرَ أَنَّ الشَّمْسَ كَانَتْ سَقِيمَةً قَلَمًا وَلِي هَرُونَ أَشْرَقَ نُورُهَا

(۱) عصر المامون ج ۱ ا ۱۴۱ والفخری ۱۴۶

يُؤْمِنُ آمِينَ اللَّهُ هَرُونَ ذِي النَّدَى قَهَارُونَ وَالْيَهَا وَيَحْيَى وَزَيْرُهَا

اینک برای استحضار از حالات و روحیات یحیی بهتر آنستکه بآراء و افکار وی مراجعه نمائیم تا کاملاً از خصلت و سیرت او مستحضر شویم گویند از یحیی پرسیدند کترین چیزها کدام است گفت: قناعت شخص باهمت زندگانی پست، دوست پر زحمت کم فایده، و سکونت خاطر در موقع مدح، موقع دیگر ویرا از معنی کرم وجود پرسیدند فرمود: کرم پادشاهی است که در سلک رعایا زیست کند و بخشش در حال توانائی جود واقعی است.

نیز یحیی میگوید: بهترین چیزها برای فرمانروایان اصابت در سیاست است و این مطلب جز در تحت اطاعت اوامر الهی انجام نمییابد که بایستی با خلق از دو راه وارد شد و با آنان معامله نمود اول راه رأفت و رحمت و بخشش و مهربانی دوم طریق خشونت و سختی و دوری و امساک: در محل دیگر گفته است مواعید دام بزرگان است که آزادگان را بدان صید مینماید

گویند وقتی فضل بن یحیی در خراسان حکومت داشت رئیس قسمت اطلاعات نامه بهرون نگاشته از اوضاع زندگانی فضل شکایت نمود که از امور فرمانروایی غافل و دائماً بعیش و عشرت اشتغال دارد هرون نامه را ملاحظه نموده نزد یحیی انداخت و فرمود: پدر جان مراسله را مطالعه کن و پسر را از تعقیب عیش و نوش باز دار. یحیی نامه را خوانده و فوراً با قلم رشید در پشت نامه چنین نگاشت: حفظك الله يابني وامتنع بك قد انتهى الى امير المؤمنين ما انت عليه من التشاغل بالصيد و مداومة اللذات من النظر في امور الرعية ما انكره فعاود ماهوازين منك والسلام

و در پایان نامه اشعار ذیل را انشاء نمود

انصب نهاراً في طُلُوبِ الْعُلَى
وَاصْبِرْ عَلَيَّ فَقَدِ لِقَاءُ الْحَبِيبِ
حَتَّى إِذَا اللَّيْلُ بَدَتْ مُقْبِلًا
وَغَابَ فِيهِ عَنْكَ وَجْهُ الرَّقِيبِ
قَبَا فِي الدَّلِيلِ يَمَا تَشْتَهِي
فَإِنَّمَا اللَّيْلُ نَهَارًا لَا رَيْبَ
كَمْ مِنْ فِتْنَى تَحْسَبُهُ نَاسِكًا
يَسْتَقْبِلُ اللَّيْلَ بِأَمْرِ عَجِيبِ

أَلْقَى عَلَيْهِ اللَّيْلُ اسْتَارَهُ قَبَاتٌ فِي لَهْوٍ وَعَيْشٍ خَصِيبُ
وَلَذَّةُ الْآحَقِ مَكْشُوفَةٌ يَسْعَى بِهَا كُلُّ عَدُوٍّ مُرِيبِ

مامون در باره یحیی و پسرانش گفته است: این پدر و پسران در عصر خوش در شجاعت و کفایت و سخاوت بی نظیر بوده اند:

یحیی بن خالد مرتباً ماهی هزار درهم برای سفیان ثوری که از زهاد زمان خود بوده ایفاء میداشت گویند سفیان موقع سجود چنین میگفت: بار الهایی امور دنیوی مرا مرتب نمود تو آخرت و پرا مرتب کن اشعار بسیاری در مناقب یحیی گفته اند که شرح آن مناسب مقام نیست و فقط بذکر این دو بیت راجع بکرم یحیی اکتفا مینمائیم که دارای پاره محسنات ادبی است

لَا تَرَانِي مُصَافِحًا كَفَّ يَحْيَى أَنَّنِي إِن فَعَلْتُ ضَعِيفَتُ مَالِي
لَوْ يَمَسُّ الْبَخِيلُ رَاحَةً يَحْيَى لَسَعَتْ نَفْسُهُ بِبَدَلِ الثَّوَالِ

باری (۱) پس از بدبختی و پریشانی امور برامکه (شرح آن ذکر خواهد شد) یحیی با رشید در رقه محبوس ماند تا آنکه در سنه ۱۹۰ بسن ۷۴ یا ۷۰ سالگی غفلة وفات نمود و در همان نواحی مدفون شد در لباس وی مکتوبی بخط خودش یافتند که این عبارت را نوشته بود: مدعی قبل از رفت و مدعی علیه نیز خواهد آمد قاضی و حاکم عادل و داد خواهی است که ستم نخواهد کرد و به بیته محتاج نیست: همینکه این مکتوب را بنزد هارون بردند تمام آن روز را گریان بود و تا مدتی آثار حزن و اندوه بر چهره وی آشکار میبود جهشیادی میبوسد هرون از کرده خود در باره برامکه پشیمان گردید

زنجشیری در کتاب ربیع الابرار نقل نموده که در زیر رختخواب یحیی ابن خالد مکتوبی یافته شد که بر وی نوشته بود

وَ حَقَّ اللَّهُ إِنَّ الظُّلَمَ لَوْمٌ وَإِنَّ الظُّلَمَ مَرَّتُهُ وَ خِيمٌ
إِلَى دِيَانِ يَوْمِ الدِّينِ تَمْضِي وَ عِنْدَ اللَّهِ تَجْتَمِعُ الْخُصُومُ

(۳) فضل بن یحیی بن خالد برمک

Fazl

در سنه ۱۴۸ هجری (۱) متولد شده و در سنه ۱۹۳ یا ۱۹۲ در حبس رقه وفات نمود (وفات هرون در طوس بتاريخ ۱۹۳ واقع گردید) از مردمان نامی دنیا و در وجود سخاوت یکنه عصر خویش بوده است مادر وی هرون را شیر داده و مادر هرون یحیی را شیر داده بود مروان بن ابی حفصه در این باب گفته است

كَفَى لَكَ فَخْرًا أَنْ أَكْرَمَ حُرَّةً غَذَّكَ بُشْدِي وَالْخَلِيفَةُ وَاحِدٌ
لَقَدْ زُنْتُ يَحْيَى فِي الْمَشَاهِدِ كُلِّهَا كَمَا زَانِ يَحْيَى خَالِدًا فِي الْمَشَاهِدِ

(۲) روزی رشید به یحیی بن خالد فرمود: میل دارم دیوان خاتم و توقع خلافت را از پسرت فضل به برادرش جعفر انتقال دهم و از مکاتبه در این خصوص شرمندم تو خودت این مطلب را انجام بده. یحیی فوراً به فضل چنین نوشت: امیر المؤمنین فرموده است که خاتم خلافت را از دست راست خود بدست چپ انتقال ده. فضل در جواب پدر نوشت: امر امیر المؤمنین را اطاعت نمودم البته نعمت و دولتی که به برادر انتقال یابد از دست من نرفته است و خسارتی بمن وارد نیاورده است؛ جعفر پس از اطلاع بر قضیه از حسن رای و جوانمردی برادر تشکر نمود

(۳) ضمن وقایع سال ۱۷۶ مذکور است که در این سال فضل بن یحیی از جانب خلیفه بامارت طبرستان و دیناوند و آذربایجان و قومس و کوهستان معین گردید و بامر خلیفه برای جلوگیری از قیام عبدالله بن یحیی طالبی حرکت کرد و بانهایت حسن تدبیران فتنه را اصلاح نموده با عبدالله صلح کرد و برای وی از پیشگاه خلیفه خط امان دریافت ابو ثمامه خطیب اشعاری در مدح فضل راجع باین قضایا سروده و یکصد هزار درهم جایزه دریافت نمود

(۴) طبری ضمن اخبار سال ۱۷۸ مینویسد همینکه فضل بامارت خراسان نایل شد با مردم بحسن سلوک رفتار نمود مساجد و کار و انسراهای زیاد بنا کرد با اهالی ماوراء النهر جنگهایی نموده بر آنها غلبه کرد مروان بن ابی حفصه ویرا مدح نموده هفتصد هزار درهم جایزه دریافت کرد سلم خاسر درباره فضل بن یحیی و

(۱) الفخری ۱۴۹ و ابن خلکان ۴۴۹ ج ۲ (۲) الفخری ۱۵۲ (۳) عصر المأمون ۱۴۱ ج ۱
(۴) عصر المأمون ۱۴۲ ج ۱

و بر امکه اشعار عالی گفته است از انجمله

وَكَيْفَ تَخَافُ مِنْ بُوْسٍ يَدَايِ تَكْتَفُهَا الْبِرَامِكَةُ الْبُحُورُ
إِذَا مَا الْبِرْمَكِيَّ غَدَى بَنَ عَشْرِ قَهْمَتُهُ وَزَيْرُ أَوْ أَمِيرُ

نیز طبری (۱) نوشته است همینکه فضل بن یحیی از خراسان باز گشت هارون الرشید بیاغ ابی جعفر خارج بغداد باستقبال وی رفت و کلیه بنی هاشم و عموم طبقات از لشکری و کشوری مراسم استقبال بعمل آوردند فضل بن یحیی در این موقع بشعراء و سایرین از يك مليون تا پانصد هزار درهم جایزه و صله میبخشید مروان ابن ابی حفصه اشعار بسیاری در این موضوع گفته است

(۴) موسی بن خالد بن برمک والی شام

Moussa-ebn-Khalid

طبری ضمن (۲) اخبار سنه ۱۷۶ مینویسد فتنه در شام بین نزاریه و بمائیه بدید آمد هرون موسی بن یحیی را بامارت شام تعیین نمود وی بمحل امارت خود شتافته بزودی کلیه امور را اصلاح کرد شعراء مدایح و قصاید بسیاری در این خصوص گفته اند. قاضی یحیی ابن اکثم میگوید از هرون الرشید شنیدم میفرمود یحیی بن خالد و پسرانش در بلاغت و کفایت و سخاوت و شجاعت بی نظیر بوده اند گفتم آن سه صفت اولی از ایشان مشهور است اما شجاعت آنها چه بوده است فرمود شجاعت در موسی بن یحیی بوده و در نظر داشتم ویرا بحکومت سند انتخاب کنم

(۵) جعفر بن یحیی برمکی

Djaafar-ebn-Yahya

جعفر شخص (۳) عاقل زبان آور با سخاوت بردباری بوده است گویند شبی نزد هرون بیش از هزار حکم امضا نموده که کلیه آنها از حدود فقه تجاوز نکرده بود فقه را پیش قاضی ابی یوسف حنفی تحصیل کرده است هرون الرشید با وی بیش از فضل برادرش مأنوس بود چه که جعفر از فضل خوشخوتر بوده وی را بامر هرون وزیر اصغر مینامیدند جعفر بن یحیی فوق العاده در انجام حوائج مردم

(۱) عصر المأمون ۱۴۳ ج ۱ (۲) عصر المأمون ۱۴۲ ج ۱ بناسبت ذکر برامکه در این مقام درج شده است اگر چه از وزراء محسوب نمیشوند (۳) ابن خلکان ۱۱۳ ج ۱

سعی مینموده است گویند (۱) روزی عبدالملک بن صالح غفلة در مجلس انس جعفر وارد شده در خواست نمود که با هرون در باره انجام سه حاجت وی مذاکره نماید (۱) تأدیه يك مليون درهم قروض عبدالملک (۲) حکومت مصر برای فرزندش (۳) ازدواج دختر هرون برای فرزند عبدالملک جعفر نزد هرون رفته و هر سه حاجت را انجام داد

قتل جعفر و گرفتاری برامکه

هرون (۲) در سال ۱۸۶ از حج مراجعت نموده از حیره بانباء حرکت کرده بود جعفر نیز بعیش و عشرت اشتغال داشت و از اطراف بلاد هدایا و تحف بخدمت رشید میرسید و رشید نزد جعفر ارسال مینمود تا آنکه شبی در کشتی بساط جشن بر پا بود و بختیشوع طبیب و جعفر نیز حضور داشتند در پایان شب هرون مسرور خادم را که با جعفر سابقه عداوتی داشت امر فرمود که بدون مراجعه سر جعفر را جدا کرده نزد وی آورد مسرور فوراً جعفر را برای انجام مأموریت بیرون برد همان موقع ابو زکراعی مغنی هرون این شعر را میسرانید

فَلَا تَبْعَدْ فَكُلَّ فِتَى سَيِّئَاتِي عَلَيْهِ الْمَوْتُ يَطْرُقُ او يُفَادِي

جعفر همینکه مرگ را در مقابل خود مجسم دید برپای مسرور افتاد تهنیتی نمود و بر او اجازه دهد که بخانه خود رفته وصیت کند مسرور و بر او فقط اجازه وصیت داد جعفر وصایای خود را بیان کرد سپس مسرور جعفر را بقتل رسانیده سروتش را بنزد هرون آورد هرون فرمان داد تا پدر و برادران و کسان یحیی را دستگیر نموده در رقه محبوس و جسد جعفر را دو نیم کرده هر نیمه بجسر های بغداد آویخته و در بورها پیچیده سوزانیدند

جعفر در سنه ۱۸۷ بقتل رسیده و در آن موقع سی و هفت ساله بود هارون الرشید (۳) شعراء و گویندگان را از گفتن مرثیه در باره برامکه منع نمود ولی حسن رفتار برامکه با اهالی و توجه آنان باین طایفه از تهدیدات خلیفه جلوگیری نکرد و مرثیه بسیاری سرانجام در قضایای برامکه سروده شد همین

(۱) الفخری ۱۵۲ و ابن خلکان گویند چهار میلیون درهم ۱۱۴ ج ۱ (۲) الفخری ۱۵۵ و ابن خلکان ۱۱۷ ج ۱ (۳) الفخری ۱۴۷ و ابن خلکان ۱۱۷ ج ۱

که رشید از جلوگیری احساسات عمومی مایوس گشت مرثیه سرانجام برامکه را رسماً اجازه داد و اهالی آزادانه از هر طبقه در مرثیه آنان اشعار بسیاری سرودند.

هرون الرشید بعد از دستگیری برامکه فضل بن ربیع را بوزارت انتخاب کرد تا آنکه در سنه ۱۹۳ در طوس وفات نمود

سبب بدبختی برامکه

راجع (۱) به بدبختی برامکه علل بسیاری ذکر نموده اند و ما بین مورخین در این موضوع اختلاف است بعقیده بعضی هرون خواهر خود عباسه را برای محرمیت نظری بعقد جعفر در آورد جعفر بدون اطلاع هرون با وی نزدیکی نموده (۲) دو پسر پیدا نمود هرون از این قضیه غضبناک شده امر بگرفتاری برامکه داد باره گویند هرون جعفر را بقتل شخصی از آل ابوطالب امر داد جعفر بواسطه تشیع و دوستی این خاندان طالبی را فراری کرد این قضیه بسمع هرون رسیده موجب بدبختی برامکه شد. عده از مورخین سبب بدبختی برامکه را غرور و تکبر آنان و قوت عظمتشان دانسته اند که این مطالب بهانه بدست مفسدین داده سبب تیره روزی آنها را نزد خلیفه فراهم آوردند

فلسفه بدبختی برامکه بعقیده ابن خلدون

ابن خلدون (۳) مینویسد علت بدبختی برامکه کثرت اقتدار و وسعت اختیار آنها بوده است زیرا مهم امور مالی و غیر مالی تماماً در دست آنان قرار گرفته بود بحدی که هرون خود اگر مستقیماً وجهی طلب مینمود بوی نمیرسید برامکه در امر سلطنت و حکومت با هرون شرکت تام داشته و با بودن آنان خلیفه از مداخله مستقیم در امور مملکتی محروم بود کلیه افراد این خاندان و دوستان آنان بمناصب دولتی منصوب بودند و در منزل شخصی رشید بیست و

(۱) الفخری ۱۵۶ (۲) ابن خلدون در صفحه ۱۱ از مقدمه خود این مطلب را جاداً تکذیب نموده است (۳) مقدمه تاریخ ابن خلدون ۱۲ طبع مصر

پنج سر کرده لشکری و کشوری از فرزندان خالد مأموریت داشتند هرون در ایام ولایت عهد با یحیی بن خالد مؤانس و مصاحب بود و در موقع خلافت نیز بهمان دوستی و مودت سابق بر قرار ماند بقسمیکه یحیی را (یا ابی) خطاب میکرد توجه هرون به برامکه و مداخله مستقیم آنان در کارها سبب شد که نفوس مختلفه از اطراف ممالک اسلامی باین خاندان متوجه شدند هدایا و تحفی که برای خلیفه میرسید به پیشگاه برامکه تقدیم میگردد و مدایحی که در باره آنها گفته میشد کمتر برای خلیفه میگفتند برامکه در مقابل با تمام طبقات با کمال جود و سخاوت معامله میکردند و مخصوصاً توجه تامی بشیعیان علی (مبعوضین خلیفه) داشتند این جاه و جلال و فزونی قدر و مال تولید رقابت و حسادت نموده بسیاری از مقربان درباری در باره آنها سعایت کردند و شك و حسادت خلیفه نیز اضافه گردید و بدبختی برامکه را عملی نمود

ابوالحسن احمد بن جعفر بن موسی بن یحیی بن خالد بن برمک المعروف بجحظة البرمکی در شعری قرن چهارم این کتاب ذکر شده است

بنی سهل وزرای مامون جانشینان برامکه

ابن طقطقی مینویسد بنی سهل مانند آفتاب در آسمان خلافت عباسی درخشان بودند پس از انقراض برامکه این طایفه که از خدمه برامکه محسوب میشدند جانشین آنها گشتند

(۱) ذوالریاستین فضل بن سهل سرخسی

Zoul-Reyassateyn-Feazl

بطور مقدمه لازم است قبل از شرح حال فضل و وزارت وی مختصری از حالات این طایفه ذکر نمائیم - اسلام سهل و علت ارتباط وی با برامکه - همینکه ابو مسلم خراسانی موفق بتأسیس سلسله عباسی و تجدید حکومت عربی گردید بسیاری از بزرگان ایران نیز در صدد برآمدند که در سیاست وارد شده مانند ابو مسلم در امور مملکتی ذیمدخل گردند برامکه از اهالی بلخ (مجاور خراسان) در اثر این قضیه قبول اسلام نموده و کاملاً از اقدامات خویش استفاده نمودند سهل سرخسی که از اهالی (۲) سرخس (جزء ایالت خراسان) و از خاندان (۳) سلطنت بوده بیش از برامکه خدام نوبهار

(۱) و (۲) الفغری ۱۶۴ (۳) ابن خلکان ۴۵۰ ج ۱

موقع را برای خویش مغنم شمرده در ایام هرون الرشید (۱) بایدرش مهدی (۲) قبول دیانت اسلام نمود و جزء ملازمین برامکه (۳) مشغول خدمتگذاری گردید سهل و فرزندان او بواسطه حسن کفایت و خوش رفتاری با اهالی بزودی مقبول خاص و عام شده دارای جاه و تقرب عالی گردیدند حسن (۴) بن سهل نزد مامون قرب و منزلت تامی داشته و مامون آنی از وی جدا نبود و حسن گاه گاهی از ملاقات مامون دوری نموده و بجای خود کسی دیگر میفرستاد یحیی (۵) بن خالد برمکی فضل سرخسی را در خدمت هرون توصیف و تعریف نمود هرون با حضار فضل امر داد فضل در مرتبه اول از هیبت و عظمت خلیفه هراسیده در پیشگاه وی حیران ماند هرون به یحیی متوجه شده و از انتخاب فضل اظهار تعجب کرد فضل بن سهل فوراً مطلب را درك نموده عرضه داشت: بزرگترین گواه بر زیرکی هر بنده آنکه عظمت مولای خود را فوراً دریافته و هیبت وی در دلش جای گزین گردد هرون فرمود اگر سکوت تو برای تنظیم این مطلب بوده است که نیکو گفتم و اگر بالبداهه گفتمی که بسیار نیکو گفته بهر حال پس از این سؤال و جواب فضل در حضور هرون با کمال رشادت مشغول صحبت گردید و آنچه یحیی بن خالد درباره وی تعریف نموده بود کاملاً مشهود شد فضل بن سهل مدتی قبل از خلافت مامون بخدمت وی اشتغال داشت (مانند یحیی که قبل از خلافت هرون وزارت وی را عهده دار بود و پس از ارتقاء بمقام خلافت بوزارت مامون تعیین گردید از فضل بن سهل حکایت میکنند که گفته است (۶) خدمتگذاری مامون را برای کسب مال اختیار نمودم بلکه تا حکم در شرق و غرب مملکت نافذ گردید فضل بن سهل در علم نجوم (۷) اطلاعاتی داشته و نوادر بسیاری از او نقل میکنند گویند مامون را قبل از وقت بارتقاء بمقام خلافت خبر داد و این مطلب سبب تقرب وی و برادرش حسن بن سهل گردید

وزارت فضل بن سهل برای مامون حسن سیاست وی در استقرار

امر خلافت مامون و قتل امین

هرون الرشید با تمام تشریفات رسمی عهد نامه محکمی تنظیم نموده فرزند خویش

(۱) الفغری ۱۶۴ (۲) ابن خلکان ۴۵۰ ج ۱ (۳) الفغری ۱۶۶ (۴) الفغری ۱۶۴ (۵) ابن

خلکان ۴۵۱ ج ۱ (۶) الفغری ۱۶۵ (۷) الفغری ۱۶۵ و ابن خلکان ۴۵۱ ج ۱

محمد امین را ولی عهد قرار داد و مفاد آنرا بجمیع ممالک و بلاد ابلاغ نمود سپس فرمان داد که نسخه از عهد نامه را در حرم کعبه نصب نمودند همینکه هرون در طوس بتاريخ ۱۹۳ هجری درگذشت فضل بن ربیع وزیر هرون عساکر و مهمات را جمع آوری نموده بسمت بغداد شتافت و در آنجا محمد امین بر مسند خلافت مستقر گردید و فضل بن ربیع بوزارت وی برقرار شد مامون در خراسان اقامت نموده عده از بزرگان مملکت را بدور خود جمع نمود (۱) و فضل بن سهل را بوزارت خویش برگزید چیزی نگذشت که مابین امین و مامون آتش فتنه بالا گرفت و امین برادر خود مامون را بدستور فضل بن ربیع از ولایت عهد خلع نموده پسر خود موسی بن امین را بولایت عهد برگزید فضل بن ربیع بیم داشت که مبادا مامون بخلافت رسیده ویرا بواسطه دوستی با امین عقوبت نماید و از اینرو فوق العاده در امر مامون سعایت میکرد و امین را وادار کرد تا برادر را از طوس به بغداد احضار نماید که در آنجا از ولایت عهد استعفاء داده با موسی بن امین بیعت کند ابتداء مامون امتناع نموده سپس در صدد حرکت برآمد فضل بن سهل مامون را از حرکت باز داشته به مخالفت امین اشاره نمود و بقدری ویرا تشجیع کرد که مامون علناً بنای مخالفت نهاد و از دو طرف به تجهیز قوی پرداختند امین پنجاه هزار نفر عده در تحت سرکردگی هلی بن عیسی بطوس مامور نمود مامون از واقعه خبردار شده طاهر بن حسین را با چهار هزار نفر برای جلوگیری آنها فرستاد و در نزدیکی ری جنگ سختی میان آنها واقع گردید علی بن عیسی کشته شده سرش را برای طاهر بن حسین آوردند با آنکه مسافت ری تا طوس دوست و پنجاه فرسخ بوده خبر این فتح بفاصله سه روز بمامون رسید و همانطور دامنه اختلاف برادران توسعه مییافت مامون هر نهمه و طاهر بن حسین را که از بزرگان امراء وی بودند به سمت بغداد روانه نمود آنان بغداد را محاصره کرده پس از چندی زود خورد شهر را متصرف شده امین را کشتند و سرش را برای مامون فرستادند ۱۹۸ پس از استقرار مامون بر مسند خلافت فضل بن سهل را وزیر خود نموده زمام امور لشکری و کشوری را بوی تفویض نمود تا آنکه در سنه ۲۰۳ فضل بن سهل در صدد انتقال خلافت از عباسیان بعلویان برآمد

اهتمام فضل (۱) در انجام ولایت عهدی حضرت رضا و قتل فضل بتوسط مامون فضل بن سهل از دوستان و شیعیان آل علی بوده و باین سبب مامون را وادار کرد تا خلافت را پس از خود بحضرت علی بن موسی الرضا تفویض کند مامون بعد از مطالعات بسیار کسیرا در میان عباسیان و علویان لایقتر از انحضرت نیافت لذا باصرار زیاد حضرت را وایعهد خویش قرار داد و در این خصوص عهد نامه بخط خود نگاشته تقدیم حضرت کرد حضرت رضا در پشت عهد نامه مرقوم فرمود این پیشنهاد را برای امتثال امر خلیفه اطاعت نمودم سپس کلیه اهالی باحضرت رضا بولایت عهد بیعت نموده جنابش به رضای آل محمد معروف شد و سگه بنام حضرت زدند مامون عباسیانرا از پوشیدن (۲) لباس سیاه که شعار عباسیان بوده منع نموده به پوشیدن لباس سبز امر داد عباسیان از این پیش آمدها غضبناک شده بروی شوریدند و ابراهیم بن مهدی عموی مامونرا بخلافت انتخاب کرده مامونرا خلع نمودند مامون برای اسكات مدعیان و غلبه بر خصم عده را مامور کرد تا فضل بن سهل (۳) که مسبب این وقایع و محبت علویان بود در حمام کشتند سپس برادرش حسن بن سهل را تسلیت گفته بوزارت انتخاب کرد و چیزی نگذشت که حضرت رضا ۴ نیز بدست مامون (۴) مسموم شده رحلت فرمود ۲۰۲ هجری سن فضل بن سهل را یارده (۵) از مورخین ۴۸ و بعضی ۴۱ نوشته اند فقط طبری سن ویرا ۶۰ سال ذکر می نماید سهل پدر فضل بعد از قتل فرزند بفاصله چند ماهی وفات نمود

(۲) - حسن بن سهل

Hassan - ebn - Sahl

بطوریکه ذکر شد مامون بعد از کشتن فضل برادرش حسن بن سهل را تسلیت گفته بوزارت انتخاب نمود و دختر حسن پوران دختر را برای خود تزویج کرد و در همان اوقات مامون با عده بسیاری از لشکریان و کشوریای در محلی موسوم به قم الصلح از توابع بصره بعنوان میهمانی نزد حسن رفت پذیرائی حسن از مامون جزء وقایع مهم تاریخی آن ایام میباشد چه که (۶) پنجاه میلیون درهم مصرف آن میهمانی

(۱) الفخری ۱۶۲ و مسعودی ۲۴ ج ۲ (۲) تفصیل وقایع مامون و ابراهیم بن مهدی در کتب تاریخ مفصلاً مذکور است (۳) الفخری ۱۶۲ و ۱۱۱ جزء ۶ ابن الاثیر (۴) الفخری ۱۶۲ تفصیل این وقایع را در شرح حالات حضرت رضا ذکر نمودیم (۵) ابن خلکان ۵۲ ج ۱ (۶) تمدن اسلامی ۱۳۹ ج ۵ و الفخری ۱۶۶ و ابن خلکان ۲۰۰ ج ۱ شرح حال پوران دختر نیز آنجا مسطور است

شده بود از جمله تشریفات آن ضیافت آنکه حسن خربوزه هائی از مشک و عنبر ترتیب داده درجوف هریک قبالة ملك وقریه قرارداد هرکس آن میوه مصنوعی را دریافت می نمود مالک آن قریه یا ملك میگردید دیگر آنکه برای جلوس مامون بساطی زربفت ترتیب داده هزار دانه مروارید گرانها نثار مقدم وی کرد مامون درموقع مشاهده آن بساط از ابونواس شاعر مشهور تذکر نموده اظهار داشت مثل اینکه ابونواس این بساط را دیده که بمناسبت وی گفته است

كَانَ صُغْرِي وَكُبْرِي مِنْ قَوَائِمِهَا حَصْبَاءُ دُرِّ عَلَى أَرْضٍ مِنَ الذَّهَبِ

مامون درمقابل این پذیرائی مالیات یکساله فارس و نواحی اهواز را بحسن بخشید و ده میلیون درهم نقداً بوی جایزه داد حسن ده میلیون درهم را همانموقع بین اعیان و اشراف مجلس توزیع کرد

باری مامون حسن را گرامی میداشت و هرموقع که بحضور خلیفه میامد مدتی با او صحبت میکرد در اواخر (۱) حسن از مصاحبت خلیفه و تصدی امور رسمی خسته شده بود و یکی از نویسندگان خود مانند احمد بن خالد و یا احمد بن یوسف را بجای خویش بمصاحبت مامون میگماشت بالاخره در اثر قتل برادر مبتلاء بمالخیولیا گشته و برای معالجه مقیم منزل گردید و احمد بن خالد بوزارت مامون تعیین شد معذک حسن تا آخر ایام زندگانی مورد احترام و توجه عموم بوده و در سنه ۲۳۶ در شهر سرخس درگذشت

(۱) الفخری ۱۶۶ و ابن خلکان ۱۵۴ ج ۱

(تذکر مهم)

پس از مطالعه حالات برامکه و بنی سهل و وزرای ایرانی مراتب حسن سیاست و تدبیر این دسته از امرای ایرانی معلوم میگردد که با فکر و رای خویش مقتدرترین دولت اسلامی عربی را تحت نفوذ و اقتدار خود در آوردند و نزد ملت و دولت دارای مقام عالی شدند حال بچریان امور دو طبقه از رجال معاصر توجه مینمائیم

(۱) رجال سیاسی ایران در عصر حاضر که زمام امور دولت و ملت مجانس هموطن هم زبان و هم کیش خود را اداره میکنند و در عصر طلائی واقع شده اند که انوار علم و معرفت عالم را درخشان نموده و قوای فکری بشری بمنتهی درجه کمال رسیده است بملاوه اصطکاک آداب و علوم غربیان در شرقیان برای تهییج افکار عمومی عامل مؤثری میباشد معذک رجال سیاسی امروزه پنج درصد نفوذ و اقتدار وزرای ایرانی را در دربار خلفای بنی عباس دارا نیستند بعقیده ما علت عدم تأثیر ناشی از فساد اخلاق عمومی است که حب جاه و راحت طلبی را بر هر چیز ترجیح داده ایم و از

ابو فضل جعفر بن محمود اسکافی وزیر المعتز بالله

Abou-Feazl

برطبق مندرجات آداب (۱) السلطانیة ابو فضل شخصاً فضیلت و لیاقتی نداشته است ارتقاء او بمقام وزارت در نتیجه بذل و بخششهای فوق العاده و توجه عمومی بوده است اتفاقاً المعتز نیز با ابو فضل روابط خوبی نداشت و بواسطه تشیع ابو فضل از وی متنفر بود و نظر به نفوذ رجال ترك در باری متعرض ابو فضل نمیشد تا آنکه در اثر بی لیاقتی وی قتنه واقع شد و المعتز او را معزول کرد بنی فرات وزراء مقتدر و الراضی بالله

بنی فرات خاندانی مشهور بعلم و فضل و دانش بوده اند چند نفر از آنان در دربار عباسی بغداد و دربار بنی اخشید سلاطین مصر بوزارت رسیدند در کتاب (۲) الشیعة والفنون تشیع بنی فرات ذکر شده است صولی نیز در کتاب تحفة الامراء و تاریخ الوزراء منطبقه بیروت شرح حالات آنانرا مفصلاً نگاشته و چنین مینویسد بنی فرات از اهالی صریفین از توابع دجیل (نواحی فرات) معروف بفضل و دانش و خوش رفتاری بوده اند سه نفر از آنان در عراق و یک نفر در مصر بوزارت نایل گردید (۱) ابو الحسن علی بن محمد بن موسی بن حسن بن فرات وزیر مقتدر بالله

Aboul-Hassan-Ali

از رجال (۳) نامی عصر خود بوده بچود و سخاوت اشتهار داشت پنج هزار (۴) (۱) ص ۱۸۰ (۲) ص ۸۶ طبع صیدا (۳) الفخری ۱۹۵ حالات بنی فرات مفصلاً در کتاب تحفة الامراء و تاریخ الوزراء تألیف ابی هلال صابی طبع بیروت نیز مسطور است از صفحه ۹-۲۶۰ (۴) ابن خلکان ۳۷۹ ج ۱

اروپائیان به تقلید کور کورانه در تجملات و ظواهر قناعت نمودیم باضافه خود را فرب داده مدعی هستیم که دارای اراده قوی و فکر روشن بوده و میبایستیم شکی نیست که سیاست خارجی در شرق بیشتر مؤید و مؤسس این عوامل بوده و هست (۲) اوضاع حکومت جدید الاحداث عراق که بایستی رجال سیاسی آن از هر چیز بیشتر متوجه احوال اسلاف خود گردیده ملاحظه نمایند چگونه دول اسلامی مخصوصاً خلفاء بنی عباس از رجال کشوری و لشکری ایران مانند ابومسلم و برامکه و بنی سهل استفاده نمودند آیا سزاوار نبود که حکومت فعلی عراق نیز از آباء هاشمی خویش سرمشق و دستور گرفته دوره هرون و مامون را تجدید مینمود متأسفانه برخلاف مصلحت و انتظار مردمان اجنبی که در دین (و هابی ها) و نژاد (ترك ها) مخالف با حکومت عربی بوده و هستند بدسائس و تحریکات اجنبی تجدید مظالم عصر امویانرا ننموده به تفریق کلمه اسلامی و تجدید تفاهل عرب و عجم پرداختند از طرف دیگر ایرانیان نیز مقابله بمثل نموده بر طبق میل و انتظار خارجی بادولت عراق قطع روابط کردند و دوباره بساط نزاع و گفتگوی قادیسیه مطرح گردید حال دولت استعماری انگلیس از حسن موقع برای خود استفاده کرده و بیش از هر موقع وضعیت خود را در این اقطار مستحکم میسازد

نفر از مردمان دانشمند و غیره به نفقه وی میزیستند که حد اقل شهریه هر کدام پنج درهم حد اکثر صد دینار بوده است و سالانه (۱) دو میلیون دینار عایدات املاک خود را بین مردم تقسیم می کرد صولی مینویسد از مکارم اخلاق این وزیر آنکه هر کس نزد وی سعایت از سایرین نموده فتنه انگیزی میکرد فوراً شخصی را مأمور مینمود که بین اهالی نام و نشان شخص مفتن را اعلان بدارد و بدین ترتیب کسی مبادرت بقتنه جوئی نمینمود باری مکارم اخلاق ابوالحسن بسیار و برای مطالعه آن به کتب مفصله مراجعه شود ابوالحسن (۲) سه مرتبه برای مقتدر عباس وزارت نمود ابتداء در سنه ۲۹۶ بوده که پس از چندی خلیفه از وی رنجیده فرمان داد تا اموالش را غارت نمودند مرتبه دوم در سال ۳۰۴ بوده که مجدد گرفتار غضب خلیفه گردید و مرتبه سوم در سال ۳۱۱ بوده است ولادت این وزیر در سال ۲۴۱ اتفاق افتاد و در سنه ۳۱۲ خود و پسرش محسن بن علی بدست نازوک داروغه بغداد کشته شدند ابوالحسن (۳) اولین وزیری بوده که پس از رفع غائله المستظهر مدعی خلیفه بوزارت مقتدر نایل گردید و با نهایت حسن تدبیر در یک روز فتنه و انقلاب را تسکین داده کلیه امور مملکتی را مرتب کرد چنانکه یکی از شعراء معاصر وی گفته است

دَبَّرْتَ فِي سَاعَةٍ دَوْلَةً تَمِيلُ بِقَيْرَكٍ فِي أَشْهَرِ

۲ - ابوالفضل جعفر بن محمد بن موسی بن حسن بن فرات

Aboul - Feazl - Djaafas

ابن طقطقی (۴) مینویسد این وزیر دارای اخلاق نیکوئی نبوده مدت وزارتش طول نکشید و در ایام وزارت وی مقتدر خلیفه عباسی کشته شد ابن خلکان (۵) ضمن حالات ابی الحسن علی بن محمد سابق الذکر مینویسد پس از وی منصب وزارت را برادرش ابوالخطاب جعفر بن محمد پیشنهاد نمودند وی نپذیرفته پسرش ابوالفتح فضل بن جعفر آن منصب را پذیرفت ابوالفتح معروف به ابن حنزابه تا ۲۶ شوال ۳۲۰ بوزارت مقتدر باقی بود که آنموقع خلیفه را بقتل رسانیده وزارت ابوالفتح خاتمه یافت

(۱) الفخری ص ۴۶ (۲) بن خلکان ۳۷۹ ج ۱ (۳) الفخری ۱۹۵ (۴) ص ۲۰۳ (۵) ص ۱۸۰ ج ۱

در کتاب فضایح الروافض نقل شده پس از قتل المقتدر جعفر فرات را به الحاد و تشیع متهم نموده خائنه اش را غارت و اموالش را مصادره کردند که از آنجمله هزار رطل کافور ریاحی هفت هزار نAFE مشک و بسیاری از تفایس از منزل شخصی وی به یغما بردند و در کتاب الشیعة و الفنون (۱) شرح حال جعفر نیز ذکر شده است

۳ - ابوالفتح فضل بن جعفر بن محمد بن موسی بن حسن بن فرات وزیر راضی بالله
Aboul-Feath-Feazl

ابوالفتح معروف به ابن حنزابه (حنزابه مادر ابوالفتح کنیزی رومی بوده و حنزابه بمعنای زن فربه کوتاه قد میباشد)
ابن خلکان مینویسد (۲) در سنه ۳۳۰ المقتدر وی را بوزارت انتخاب نمود و همان سال المقتدر کشته شده برادرش القاهر بالله خلیفه شد و محمد بن مقله نویسنده معروف را بوزارت خود انتخاب کرد تا آنکه در سنه ۳۲۲ القاهر خلع شد و الراضی بالله خلیفه شد در آنموقع ابن حنزابه را بامارت شام تعیین نمود و در سنه ۳۲۵ ویرا بوزارت انتخاب کرد ابن حنزابه آنموقع در حلب بود و پس از ارتقاء بانمقام ببغداد آمده چندی اقامت کرد سپس از ابن رائق امیر الامراء در خواست نمود وی را بشام عودت دهد و بشام مراجعت کرده در رمله بتاريخ ۳۲۶ و بقولی در غزه بتاريخ ۳۲۷ وفات نمود و در خانه خود مدفون گردید ابن طقطقی مینویسد (۳) همینکه ابن رائق بسمت امیر الامرائی تعیین شد وزارت ابوالفتح فضل بن جعفر بن فرات را به الراضی بالله پیشنهاد نموده بگمان اینکه از وزیر جدید استفاده مالی نماید خلیفه نیز پیشنهاد ابن رائق را پذیرفت و ابوالفتح را بوزارت تعیین کرد ابوالفتح مرد شریف متهور با قدرتی بوده است از مقام پستی با علو همت خود از مقام پستی بدرجه عالی رسید و همین قسم کارش در صعود و نزول بود تا آنکه عده را جمع آوری نموده بر خوزستان و بصره غلبه یافت بعد از آن بوزارت الراضی بالله تعیین گردید و پس از چندی معزول شده سلیمان ابن حسن بن مخلد بجای او تعیین شد از مطالعه دو عبارت

(۱) ص ۸۶ (۲) ص ۳۸۰ ج ۱ (۳) ص ۲۰۸

فوق راجع بوزارت ابوالفتح اختلاف نظر بین ابن خلکان و ابن طقطقی مشهود میگردد و اکثر مورخین قول ابن طقطقی را تایید مینمایند

۴ - ابوالفضل جعفر بن فضل بن جعفر

بن محمد بن موسی بن حسن بن فرات معروف بابن حنزابه (حنزابه مادر پدر فضل بوده است) وزیر بنی الاخشید در مصر (بوزراء شیعه در مصر مراجعه شود)

ابوالعباس احمد بن محمد بن موسی بن حسن فرات

نیز از این خاندان و جزء نویسندگان مشهور عصر خویش محسوب میگردد و در سال ۲۹۱ وفات نمود (برجال قرن سوم این کتاب مراجعه شود)

ابوشجاع (۱) ظهیر الدین محمد بن حسین همدانی وزیر مقتدی بالله

Abou-Shodja-Zahir-ed-Din

ظهیر الدین از وزراء عادل دانشمند خیر خواه بنی عباس بوده است متجاوز از یکصد هزار دینار از اموال خویش بمصارف خیریه تخصیص داده وقف نمود هر روز پس از ادای فریضه ظهر برای رسیدگی بامور عمومی تا موقع عصر جلوس میکرد و دربانان مردم را برای عرض شکایات بحضور وی دعوت میکردند بالاخره ملک شاه سلجوقی از مقتدی عزل ویرا خواستار شد مقتدی با نهایت احترام و کمال بی میلی فرمان عزل ویرا صادر کرد بقسمیکه تا کنون این قبیل انفصال از وزارت سابقه نداشت ظهیر الدین در موقع عزیمت به منزل این شعر را می خواند

تَوَلَّاهَا وَ لَيْسَ لَهُ عَدُوٌّ وَ فَارَقَهَا وَ لَيْسَ لَهُ صَدِيقٌ

ظهیر الدین پس از انفصال از وزارت بعبادت و گوشه گیری اشتغال یافته مجاور حرم مطهر نبوی گردید و شخصاً جاروب کشی آن آستان مبارک را عهده دار شد و همان موقع شروع بحفظ کتاب مجید نموده پس از چندی تمام قرآن را حفظ نمود اشعار چندی از وی نقل میکنند که در کتاب الفخری مندرج است وفات وزیر مزبور در سنه ۵۱۳ واقع شد

ابوالمعالی (۲) هبة الله بن احمد بن مطلب وزیر المستظهر بالله

Aboul-Maali-Hebatolla

ابوالمعالی یکی از دانشمندان و فضلاء عصر خویش بوده تشیعش (۳) در جامع التواریخ

(۱) الفخری ۲۱۷ (۲) الفخری ص ۱۱۹ و الشیعه و القنون ص ۸۲ (۳) تألیف رشید الدین وزیر غازان خان خطی و نسخه آن در کتاب خانه سلطنتی ایران موجود است

و سایر کتب مذکور است و بدین جهت محمد بن ملک شاه بخلیفه اظهار داشت که چگونه وزیر خلیفه مسلمانان شخص را فضا تواند بود و بجای اصرار نمود تا خلیفه ویرا عزل کرد ولی ابوالمعالی نزد محمد بن ملک شاه رفته بوسیله سعد الملك آوجی وزیر برای اعاده منصب سابق متوسل گردید محمد شاه بوزارت او موافقت نمود مشروط بر اینکه از مذهب سنت به تشیع عدول ننماید و بدین ترتیب چندی بوزارت المستظهر منصوب شد اما بزودی روابط خلیفه و ابوالمعالی تیره گردید ابوالمعالی باصفهان مراجعت نموده تا آخر ایام حیات در خدمت محمد بن ملک شاه بسر میبرد

(۱) ابو علی حسن بن علی بن صدقه وزیر المسترشد (۱) عباسی

Abou-Ali-Hassaan

ابوعلی یکی از وزرای دانشمند دربار عباسی محسوب میشود در سال ۵۱۳ بوزارت مستر شد عباسی نائل گشت و به القاب جلال الدین سید الوزراء صدرالشرق والغرب مفتخر شد معظم له در علم حساب مهارتی تام داشت از سخاوت و جودوی چیزی نقل شده است بهر حال المستر شد باصرار وزیر سلطان سنجر سلجوقی که سستی و متعصب بود ابوعلی را عزل کرد و پس از رفع محذور مجدد ویرا وزیر نمود و تمام امور ملک را بابوعلی واگذار کرد

مشارالیه نخستین وزیر است که سواره حرکت نموده و رجال دولت پیاده در رکابش راه می پیمودند روزی سدید الدوله انباری منشی دیوان وزارت بحضور ابن صدقه آمده اتفاقاً ابیات چندی که در هجو وزیر گفته بود از جیبش بزمین افتاد و وزیر اشعار را برداشته مطالعه کرد و از جمله بیت ذیل نیز جزء آن اشعار بوده

أَنْتَ الَّذِي كَوْنُهُ فَسَادٌ فِي عَالَمِ الْكَوْنِ وَالْفَسَادِ

سدید الدوله از خوف و خجلت بر جای خویش خشک شد وزیر مطلب را در یافته فرمود من این اشعار را بخونی میدانم و این بیت نیز از همین قصیده است

وَ لَقَبَّوهُ السَّدَادَ جَهْلًا وَ هُوَ بَرَّاءٌ مِنَ السَّدَادِ

سدید الدوله از حاضر جوابی و حسن درایت وزیر متعجب شده از جواب عاجز ماند در اواخر ایام همینکه سلطان سنجر عازم بغداد شده خلیفه را تهدید کرد ابن

صدقه بسنجر چنین نگاشت که اگر حرکت از جای خود نمودی بخدا قسم از هر چه باز گذاردی محرومت خواهم ساخت و آنها را از تو جدا میکنم و اگر يك فرسخ بدین سمت متوجه شوی دو فرسخ سمت تو خواهم شتافت

باری المستر شد در اوقات بیماری ابن صدقه بعیادتش آمده این بیت را خوانده بود
دَفَعْنَا بِكَ الْاَفَاتِ حَتَّى اِذَا اَتَتْ تَرْيِدُكَ لَمْ نَسْطَعْ لَهَا عَنْكَ مَدَقَمًا

وفات ابن صدقه بقول ابن طقطقی (۱) در ۵۲۲ هـ واقع شد

انوشیروان بن خالد بن محمد کاشانی وزیر مستر شد عباسی در وزراء دولت سلجوقی ذکر شده

(۲) مؤمن الدوله ابو القاسم علی بن صدقه وزیر المعقنی بالله

Moatamer-Dowleh

مشار الیه شخص خوش سیرت خوب صورتی بوده ولی اطلاعات علمی و آثار مهمه از وی ذکر نکرده است

سید نصیر الدین ناصر بن مهدی علوی رازی وزیر الناصر بالله (۳)

Seyd Nassred-Din

ابن طقطقی مینویسد سید نصیر الدین مازندرانی الاصل والولاده رازی المنشأ و بغدادی الوفا بوده و از فضلاء نامی عصر خویش محسوب میگردد در آغاز جوانی بتحصول آداب مشغول بوده و در آن قسمب بحد کمال رسید سپس به خدمتگذاری عزالدین مرتضی قمی تقیب کل بلاد ایران اشتغال یافت و از محضروی راجع بآداب و رسوم زمامداری استفاده بسیار کرد همینکه عزالدین مذکور بدست علاء الدین خوارزمشاه کشته شد فرزندش شرف الدین تقیب محمد برای التجاء به خلیفه بسمت بغداد گریخت سید نصیر الدین به مصاحبت تقیب به بغداد رفت الناصر بالله افسکار و آراء نصیر الدین را پسندیده و برا جزء مقربان خود قرارداد و سرآدر بسیاری از امور مهمه مملکتی مخصوصاً راجع باخلاق و عادات فرمانروایان ایران با نصیر الدین مشورت نموده از افسکار او استمداد میکرد سپس الناصر بالله نصیر الدین را تقیب الطالبین تعیین کرد و بعد از چندی وزارت خود را بوی

(۱) ص ۲۲۲ (۲) الفخری ۲۲۶ (۳) در صفحه ۱۱۹ از جلد دوم این کتاب مشتمل بر شرح حالات سلاطین شیعه منطبقه طهران شرح حال الناصر بالله ذکر شده است که از بین خلفای عباسی فقط این خلیفه دارای مذهب شیعه امامیه بوده است

تفویض کرد نصیر الدین مدتی باحسن رأی و تدبیر صائب امور مملکتی را اداره کرد بالاخره الناصر خلیفه بروزیب متغیر شده وی را در یکی از قصور سلطنتی بتاریخ ۶۰۴ هجری حبس نظر نمود مشار الیه تاسنه ۶۱۷ در حبس بوده و در همان تاریخ وفات نمود

ابن طقطقی نقل کرده است که ابهری شاعر معروف ایرانی سید نصیر الدین را بقصیده مشهوری در ایران مدح نمود که دو بیت آن ذیلا درج میشود

وزیر مشرق و مغرب نصیر ملت و دین که با درایت عالیش تا ابد منصور صریر کلک تو در کشف مشکلات امور که هم چو نغمه داود داده صوت زبور ابهری قصیده را بوسیله یکنفر از تجار نزد وزیر فرستاده وی را سفارش نمود که حتی الامکان گوینده قصیده را معرفی نکند سید نصیر الدین پس از استماع قصیده هزار دینار طلا بوی داد و خواهش نمود که دهنده وجه را نام نبرد

مؤید الدوله محمد بن عبد الکریم قمی وزیر الناصر والظاهر والمستنصر
Moayed-Dowleh

در آداب (۱) سلطانیه مذکور است که مشار الیه اصلاقمی و در بغداد متولد و تربیت شده است نسبش بمقداد ابن اسود کندی منتهی میشود در هر صورت مؤید الدین وزیر ادیب فاضل مطلع با کفایت نادر الوجودی بوده محامد اوصافش بسیار و بیشمار است امور مملکتی در ایام وزارت وی بخوبی اداره میشد معظم له در فنون علمی و ادبی نیز مهارت تام داشت در دوره خلافت الناصر و الظاهر و المستنصر بوزارت باقی بوده بالاخره المستنصر بر مؤید الدوله متغیر گشته وی را در داخل عمارات سلطنتی محبوس نمود مؤید الدوله در محبس مریض شده بهمان حال مرض از حبس خارج شد و بزودی وفات نمود سنه ۶۲۹

مؤید الدین ابوطالب محمد ابن کمال الدین احمد ابن علی علقمی وزیر المستعصم بالله
Moayed-Din

ابن علقمی (۲) از مشاهیر وزراء دانشمند با فضل و ممدوح بسیاری از شعراء بوده است کتب و تألیفات گرانها بنام وی تألیف نموده اند از آنجمله کتاب العباب الزاخر و اللباب الفاخر تألیف ابو الحسن صاغانی و شرح نهج البلاغه تألیف عزالدین

(۱) ص ۲۳۷ والشیعه والقانون ۸۷ (۲) الفخری ۱۲ و ۲۴۶

عبد الحمید بن ابی الحدید میباشد ابن علقمی اصلاً از بنی اسد توابع نیل بوده و چون یکی از اجدادش نهر علقمی مشهور را حفر نموده بعلقمی معروف شده است کتابخانه شخصی ابن علقمی در بغداد از کتابخانه های مهم آن عصر و دارای ده هزار مجلد کتب عالی بوده است (۱) عده از مورخین ابن علقمی را نظریه تعصبات مذهبی خائن و مکار معرفی نموده اند که با مخدوم خویش المستعصم بد رفتاری کرد ولی موافق اظهارات ابن طقطقی در آداب سلطانیه ابن علقمی از تمام اتهامات مبری بوده است اینک عیناً اظهارات ابن طقطقی را (۲) در این موضوع مینگاریم:

ابن علقمی محسود جمیع درباریان بوده و تمام بستگان خلیفه با وی غرضانی مینمودند شخص خلیفه بر خلاف سایرین نهایت اعتماد به مومی الیه اظهار میداشت خیانتی که از ابن علقمی نسبت به خلیفه بین عموم اشتهار دارد مبتنی بر اصل صحیحی نبوده و نیست زیرا هلاکو پس از فتح بغداد و قتل خلیفه حکومت شهر را بوی تفویض کرد البته در صورت احساس خیانت نسبت به مخدوم سابق چنین معامله از طرف هلاکو با وی معمول نمیشد

و نیز ابن طقطقی نوشته است کمال الدین احمد بن ضحاک همشیره زاده ابن علقمی برای من نقل نمود که پس از تهاجم هلاکو به بغداد حمله تاتار در اطراف آن بلده هلاکو خان ابن علقمی را احضار کرد خلیفه وی را امر نمود که نزد هلاکو برود وزیر اظهار داشت که اگر من نزد هلاکو بروم کلیه امور مختل خواهد ماند معذک خلیفه اصرار کرد این علقمی بمنزل خویش شتافت و از آنجا بحضور هلاکو رفته و در حضور هلاکو مورد اکرام و توجه واقع گردیده و سبب عمده پیشرفت ابن علقمی در خدمت هلاکو خواجه نصیر الدین طوسی بوده است بهر حال پس از فتح بغداد حکومت آن بلده باین علقمی تفویض گشت و معظم له پس از چند ماه حکومت مریض شده وفات

نمود سنه ۶۵۶ -



(۱) از جمله صلاح الدین کتبی درج ۲ وفات الوفات ص ۱۸۹ - و سبکی شافعی در ج ۳ - کتاب طبقات الشافعیه ص ۱۱۰ متأسفانه متاخرین از قبیل جرجی زبدان و غیره از این کتابها هم در کتابهای خود همانطور نقل کردند (۲) ص ۲۴۶

۲ - از وزرای دولت اخشیدی در مصر

مقدمه

سر سلسله دولت اخشیدی مصر محمد بن طغج است که از قبل الراضی بالله عباسی در مصر حکومت مینمود همینکه سلطنت عباسی رو بضعف نهاد و هریک از امراء در صدد سرکشی و یاغی گری برآمدند محمد بن طغج حاکم مصر نیز در سنه ۳۲۷ اعلان استقلال داد خلیفه از ناچاری استقلال ویرا پذیرفته اورا بلقب اخشید ملقب نمود اخشید از القاب ملوک فرغانه و بمعنای پادشاه پادشاهان است محمد بن طغج نیز از همان خاندان بوده و مدت حکومت او تا سنه ۳۳۴ دوام یافت و بعد از او پسرش ابوالقاسم انوجور بن اخشید تا سال ۳۴۹ سلطنت نمود و سپس برادرش ابوالحسن علی بن اخشید تا سنه ۳۵۵ حکومت کرد و پس از آن کافور اخشیدی تا سال ۳۵۷ و بعد از وی ابوالقوارس بن علی بن اخشید آخرین پادشاه اخشیدی است که تا سنه ۳۶۲ حکومت کرد (۱) جعفر بن فضل فراتی که ظاهراً شیعه امامی اثنی عشری بوده است از وزرای نامی اخشیدی ها میباشد اگرچه نس صریح تاریخی به تشیع وی در دست نیست ولی نظر به تشیع اجداد او (۲) خاندان فرات وزراء دولت عباسی و توجه شخصی جعفر بن فضل با شراف مدینه که از امرای شیعیان بوده اند و تجلیل اشراف مدینه از جنازه جعفر میتوان اورا شیعه امامی اثنی عشری دانست بهر حال پس از ذکر این مقدمه بشرح حال جعفر میپردازیم

ابن حنزابه جعفر بن فضل بن جعفر بن محمد بن موسی بن حسن بن فرات (حنزابه مادر فضل بن جعفر بوده و در لغت عرب حنزابه زن فربه کوتاه قدرا گویند)

Djafar-ibn-Fazl

(۳) جعفر از وزرای دانشمند دانش پرور بوده است از محمد بن هرون خضرمی و سایر علمای معاصر خود اخبار و سیر روایت مینمود حتی در ایام وزارت و اقامت در مصر علماء و دانشمندان اطراف بملاقات وی آمده از محضرش استفاده میکردند جعفر در زمان امارت کافور وزارت ویرا مینمود و پس از استقلال کافور نیز جعفر به وزارت خود باقی ماند بعد از مرگ کافور بوزارت احمد بن علی بن اخشید تعیین گردید و عده از امراء را دستگیر نموده اموالشانرا مصادره کرد که از انجمله یعقوب بن کلس وزیر عزیز عبیدی بوده است بالاخره جعفر از عهده تمثیت امور لشکری و اداره کردن مملکت برنیامد و در نتیجه بر وی شوریدند

(۱) تاریخ دول الاسلام منقر یوس ۷۸ ج ۳ و ابن خلکان ۴۹ ج ۲ (۲) بیاب دوم از این جزء که در شرح حالات امرای امامیه است مراجعه شود (۳) ابن خلکان ۱۱۹ ج ۱

خانه وی و منزل پاره از رفقایش را غارت کردند تا آنکه ابو محمد حسن بن عبدالله بن طغج صاحب رمله بمصر آمده جعفر را دستگیر نموده اموالش را مصادره کرده و کاتب وی حسن بن جابر ریاحی را بوزارت خود انتخاب کرد سپس ابی جعفر شریف حسینی شفاعت نموده جعفر را مستخلص ساخت حسن امور مملکت مصر را به جعفر واگذار نموده خود بسمت شام رهسپار شد

۳۵۸ هجری

ولادت جعفر در ۴ ذیحجه ۳۰۸ و وفاتش در ۱۳ صفر ۳۷۱ در مصر اتفاق افتاد حافظ بن عساکر در تاریخ دمشق مینویسد جعفر بن فضل باهالی حرمین شریفین احسان بسیار نمود و خانه در جوار مسجد و حرم مطهر نبوی ابتیاع نموده با اشراف مدینه قرار گذارد که پس از مرگ ویرا در آنجا مدفون نمایند همینکه جعفر وفات نمود اشراف مدینه بیاس محبت های وی جنازه اش را استقبال نمودند و در کعبه طواف داده بمدینه آوردند و در خانه سابق الذکر مدفون شد ابن خلکان مینویسد قاضی حسین بن محمد بن نعمان بر جنازه جعفر نماز گذارد و در منزل خود واقع در قراه صغری مدفون گردید ابن خلکان مدعی است که خود مزار جعفر را در قراه زیارت نموده و بر وی نوشته بود (هذه تربة ابی الفضل جعفر بن فرات)

از ابو القاسم صوفی نقل شده است که بخط خود چنین نگاشته بود: جعفر بن فضل در خانه خود مدفون گردید و سپس جسدش بمدینه طیبه منتقل شده در آنجا بخاک سپرده شد



۳- وزراء دولت فاطمی در مصر

مقدمه

دولت فاطمیه (۱) یا عبیدیه (منسوب بعبدالله بن مهدی مؤسس این سلسله) در بلاد مراکش و مصر حکومت و استیلاء داشتند سر سلسله آنان عبیدالله بن مهدی و آخرین پادشاهان العاضد لدین الله بن یوسف است ظهور این سلطنت در مراکش اتفاق افتاد و در ایام سلطنت (۱) تاریخ دول الاسلام ۲۹۹ و ۳۰۸ ج ۱ و ابن الانیر ۸ و ۱۹۴ جزء ۸ و ۱۳ جزء ۱۰ و مقریزی ۱۶۰- ۱۷۴ ج ۲

چهارمین پادشاه این سلسله العز لدین الله بن المنصور مملکت مصر بدستبازی سردار نامی جوهر در سال ۳۵۸ مسخر این خاندان گردید بطور کلی چهارده تن از خلفای فاطمی در افریقا حکومت نموده اند که ده نفر از آنها بر مصر نیز استیلاء داشته اند ابتداء ظهورشان در افریقا سنه ۲۹۶ و در سال ۵۶۷ حکومتشان منقرض گردید و مملکت مصر بدست اکراد ایوبی افتاد

در جلد دوم این کتاب راجع بتاریخ سیاسی شیعه شرح سیاست خلفای فاطمی و حسن روابط آل بویه با آنان ذکر شده است ولی نظر باینکه خلفاء فاطمی و غالب وزرای این سلسله از شیعیان اسماعلیه و باطنیه بوده اند و با موضوع این کتاب مربوط نبوده لذا از شرح حالات آنان صرف نظر نموده بذکر حالات وزرای شیعه اثنا عشریه این خاندان اکتفا مینمائیم

۱- ملك صالح ابو الغارات طلائع بن رزیک معروف بفارس المسامین و

نصیرالدین در ۴۹۵ متولد شده و در تاریخ ۵۵۶ بقتل رسید

Talayeh-ibn Rozik

طلایع از بزرگان وزراء شیعه بوده در نشر و ترویج این مذهب اهتمام بسیار نمود مقریزی (۱) ابن خلکان (۲) و یوسف صنعانی در کتاب نسمة السحر (۳) و ابن طاووس در فرحة الغری (۴) و ضامن (۵) بن شدقم در تحفة الازهار شرح حال طلائع را نوشته و اوصاف حمیده او را ذکر نموده اند

طلایع در ابتدای امر باعدۀ از فقراء به نجف مشرف شدند ابن طاووس در کتاب فرحة الغری و مقریزی (۶) از ابن معصوم که در موقع تشرف طلائع به نجف متولی آستان مبارک علوی بوده است منقبتی در بارۀ طلائع نقل کرده و مینویسد که عزیمت طلائع بمصر بر حسب امر و دستور حضرت امیر واقع شد (بکتاب فرحة الغری مراجعه شود) بهر حال طلائع ابتداء در مصر بحکومت منیۀ خصیب از توابع صعید مصر تعیین گشت و همینکه الظافر بدین الله خلیفه فاطمی بدست نصر بن عباس کشته شد زنان حرم سرای خلیفه بنا بعبادت اثرمان گیسوان خود را بریده نزد طلائع فرستادند و از وی برای خونخواهی ظافر استمداد کردند طلائع عدۀ راجع آوری نموده بسمت قاهره حرکت کرد عباس پدر نصر از عهدۀ جلوگیری بر نیامده قاهره را تخلیه نمود

(۱) ص ۱۷۳ ج ۲ و ۸۱ ج ۴ (۲) ص ۲۵۹ ج ۱ (۳) خطی و نادر است مجلد دوم که در اول آن حالات طلائع ذکر شده در کتابخانه شیخ علی کاشف الغطاء در نجف موجود است مؤلف از مشاهیر علماء زیدیه در قرن ۱۱ هجری میزیست (۴) خطی است در ایران نیز طبع شده است (۵) در انساب است نسخه آن نادر الوجود و ظاهرا منحصر بکتابخانه شیخ علی کاشف الغطاء میباشد (۶) ۸۱ ج ۴

طلایع مظفراً وارد قاهره گشت و بملك صالح فارس المسلمين نصير الدين ملقب گردید و نظر به صغر سن العاضد لدين الله عبدالله بن محمد فاطمی اسماً نایب السلطنه و وزیر اعظم گردید ولی در واقع سلطنت مصر بوی تفویض شد ۵۴۹

کشته شدن طلائع و جانشین شدن پسرش العادل

همینکه طلائع بر تمام امور مصر دست یافت العاضد بالله خلیفه فاطمی از وی هراسیده عده از سپاهیان خود موسوم باین الراعی را ماموریت داد تا در کین طلائع بوده ویرا بقتل رسانند اتفاقاً شی که طلائع بقصر آمده بود یکی از آن عده در صدد قتل وی بر آمد اما بواسطه باز نشدن درب اطاق موفق نگردید چندی بعد همان عده در وسط روز بر طلائع هجوم نموده چندین زخم کاری بر سر و تن طلائع زدند همراهان طلائع بر قتله حمله کرده آنها را بقتل رسانیدند و طلائع را بمنزل بردند ولی در اثر همان زخم ها پس از چند روز وفات نمود ۵۵۶ العادل فرزند وی جنازه پدر را از قاهره به قراهه کبری نقل نموده در آنجا دفن کرد العاضد خلیفه سواره در پشت جنازه طلائع حرکت میکرد عماره فقیه قصیده در مرثیه طلائع گفته که بمناسبت مقام يك فرد آن درج میگردد

فَسَكَانُهُ تَأْبُوتُ مُوسَى أَوْ دَعَتْ فِي جَانِبِهِ سَكِينَةٌ وَ وَقَارُ

آثار و اخلاق طلائع

طلایع در تمام مدت وزارت خویش با اشتغال به مهام امور مملکتی آنی از دفاع و مهاجمه صلیبیین فارغ نبود و معذلك از مراعات اهل فضل و کمال خود داری نمیکرد سخا و کرم وی مشهور است اثیرین بیان از گماشتگان وی مبلغ شصت هزار دینار به طلائع مدیون بود همینکه از وی مطالبه شد اشخاصی نزد طلائع فرستاده سابقه خدمت خود و پیروی نمودن از مذهب شیعه را وسیله شفاعت قرار داد طلائع بمناسبت محل این بیت را انشاء نمود

أَتَى بَنُ بَيَانَ بَهْتَانِهِ يُحْصِنُ بِالِدِينَ مَا فِي يَدَيْهِ
بَرَّئْتُ مِنَ الرِّقْصِ الْآلِهَ وَ تَبْتُ مِنَ النَّصَبِ الْآلِيَهَ

و دوازده هزار دینار از اثیر دریافت داشته بقیه را باو بخشید طلائع

همه ساله هدایا و تحف بسیاری برای علویین و اشراف حرمین شریفین حتی لوح و دوات کودکان دبستان ارسال میداشت

قلقشندی در مقاله دوم صبح اعشی چاپ مصر می نویسد که طلائع بن رزیک مسجدی در قاهره (خارج بابی زویل) بنا نمود تا سر مطهر حضرت سیدالشهدا را بدانجا انتقال دهد (۱) و در مقاله پنجم همان کتاب راجع بوظایف نظار مینویسد که از انجمله نظارت اوقاف محل دفن سر حضرت سیدالشهداء است و عین وقف نامه محلی را بانشاء شیخ شهاب الدین محمود حلبی ذکر مینماید که بر طبق آن وقفنامه محل مزبور دارای موقوفات مهمی بوده است (برای اطلاع از تفصیل قضیه به مجلد آثار مادی شیعه مراجعه شود) طلائع مزبور نیز ناحیه مقس را بدین ترتیب وقف نمود که دو ثلث منافع آن با اشراف سادات حسینی و حسنی داده شود و نه قیراط درباره اشراف مدینه طیبه منظور گردد و يك قیراط بمصرف بقعه ابن معصوم متولی آستان مقدس علوی تخصیص یابد ضامن بن شدقم مینویسد که تا کنون منافع ناحیه مقس مرتباً بمدینه طیبه ایفاد گشته و بین سادات حسینی از کوچک و بزرگ فقیر و متمول تقسیم میگردد در صورتیکه غالباً از منبع آن بی اطلاعند و تصور میکنند موقوفه مزبوره از طرف دولت عثمانی بانها داده میشود

در اوایل قرن یازدهم هجری در موضوع نقابت اختلافی بین سادات علوی مقیم مدینه رخ داده و عوائد موقوفه مزبور را بسلطان مکه ادریس بن حسن بن ابی نمی واگذار نمودند ولی سید محمد بن صالح بن عامر مدنی حسینی باسلامبول مسافرت نموده از سلطان مراد خان عثمانی تمنا کرد که موقوفه مذکور بین مستحقین توزیع شود سلطان مراد بر طبق خواستش وی امر صادر نمود و مصریان نیز رفتار نمودند ۱۰۳۹ هجری

خوخه (۲) صالحیه از محلات معروف قاهره است چه که صالح مزبور قبل از وزارت

(۱) مقریزی ص ۸۱ ج ۴ در جوامع ذکر کرده است ملاحظه شود (۲) خط خط مصر ۷۳ ج ۳ و دار اصالح نیز ص ۱۰۹

ظافر در آن محل اقامت داشته است تشکیل امراء برقیه از تأسیسات طلایع در مصر بوده و ضرغام نامی بر حسب امر طلایع بریاست امرای مزبور تعیین گردید تا آنکه ضرغام ترقی نموده و جزء درباریان خلیفه شد قضیه طلایع باشاور سعدی در کتاب خطط مقریزی مفصلاً مذکور است

کتاب الاعتماد فی الرد علی اهل العناد مشتمل بر احادیث نبوی راجع بامامت امیر المؤمنین علی (ع) از تألیفات طلایع مزبور و دیوان شعری مشهور است ابن خلکان میگوید دیوان را دیدم در دو جزء بوده است قصیده جوهریه در رد بر قدریون از بدایع افکار طلایع میباشد شبها عده از شعراء و ادباء بحضور طلایع جمع آمده و مجلسش محفل انس و آستان علم و کمال بود اشعار و قصائد بسیاری در مدح وی گفته شده است

۲ - عادل بن طلایع بن رزیک

Adel

(۱) پس از قتل طلایع پسرش عادل بن طلایع بن رزیک ملقب به العادل در سنه ۵۵۶ هجری بوصیت پدر وزارت العاضد عبیدی خلیفه مصر را قبول کرد همینکه قدری پیشرفت حاصل نمود در صدد عزل شاور سعدی حاکم صعيد مصر از طرف العاضد برآمد در صورتیکه پدرش ویرا از مبارزه باشاور منع نموده بود بهر حال شاور پیش دستی نموده در سال ۵۵۸ هجری عادل را مقتول نمود و خود بوزارت رسید سبب قتل العادل ضمن شرح حال امیر سیف الدین حسین ابی الهیجاء داماد ابن رزیک در امرای مصر مذکور شد بدانجا مراجعه شود قلقتندی مینویسد عادل بن طلایع در زمان حیات پدر رسیدگی به مظلالم و سرداری قشون را از جانب العاضد داشته و صورت فرمان آن را نقل کرده است (۲)



(۱) نسمة السحر خطی و خطط مقریزی ۱۸۳ ج ۲ و ابن خلکان ۲۶۱ و ۲۳۷ ج ۱ (۲) در کتاب صبح الاعشی مطبوعه مصر ۳۲۵ ج ۱

۴ - وزرای دولت سلجوقیان در ایران

مقدمه

سلجوقیان طایفه ترک و رئیس آنان موسوم بسلجوق در اواخر دوره سامانیان باقیله خویش از ترکستان بپاوراء النهر مهاجرت کرد و بدیانت اسلام متدین گشت در ایام سلطان محمود غزنوی دسته دیگر از ترکان بخراسان مهاجرت کردند و پس از مرگ سلطان محمود قدرت و قوت ترکان در ایران رو بفرونی نهاد طغرل بیک و جفریک از احفاد سلجوق بخراسان و طبرستان استیلاء یافته سپس خوارزم وری و عراق عجم و اصفهان و آذربایجان بدست آنها افتاد و تا مالک روم تاخت و تاز نمودند در سنه ۴۴۷ طغرل بیک به بغداد رفته القائم عباسی را مقهور نمود و بر موصل دست یافت سپس ملک رحیم دیلمی را اسیر کرد و فارس و کرمان را جزء قلمرو خویش نمود در زمان سلطنت جلال الدین ملکشاه اب ارسلان چهارمین پادشاه سلجوقی مملکت آنان از مدیترانه تا حدود چین توسعه یافت مدت حکمرانی سلاجقه از سنه ۴۳۱ تا ۵۹۰ هجری بوده و یازده تن از آنان بسلطنت رسیدند که اولشان طغرل بیک و آخرشان طغرل سوم پسر اب ارسلان میباشد حکومت این خاندان در طول مدت دو قرن تقریباً مراحل قدرت و ضعف بسیاری را طی نموده است حکومت های کوچک دیگری از سلطنت سلاجقه منشعب گردیده است که معروف بآتابکان میباشد و در بلاد کرمان و آذربایجان و فارس و طبرستان و غیره حکومت نموده اند (۱)

در ایام حکمرانی سلاجقه وزرای دانشمند سیاست مدار مهمی ظهور کرده اند که اکثرشان شیعی مذهب بوده اند و شرح حالاتشان ضمن کتب مخصوصه ذکر شده است که از آن جمله کتاب نصره الفتره و عصرة الفطره در حالات وزراء سلجوقی تألیف عباد الدین محمد بن محمد بن حامد اصفهانی میباشد فتح بن علی بن محمد بانداری اصفهانی این کتاب را مختصر نموده و در سنه ۱۳۱۸ در مصر بطبع رسیده است دیگر از کتب مخصوص سلاجقه کتاب راحة الصدور و کتاب (۲) وزیر انوشیروان بن خالد یزبان فارسی و بسیاری از کتب دیگر میباشد پس از اطلاع بر تشکیل سلسله سلجوقیان اینک بشرح حال وزراء شیعی این طایفه میردازیم

ابونصر محمد بن منصور بن محمد ملقب به حمید کندری

(کندر از قراء طریثیت از توابع نیشابور و موطن بسیاری از علماء و دانشمندان است)
Abou Nassr Mohammed

ابونصر (۳) کندری در جود و سخاوت و شهامت و نویسندگی مشهور بوده است طغرل بیک سلجوقی ویرا بوزارت خویش انتخاب کرد و نخستین وزیر این خاندان میباشد و تا آخر عمر طغرل بوزارت باقی بود پس از مرگ طغرل اب ارسلان برادرزاده

(۱) تاریخ ایران فارسی ذکاء الملک و تمدن اسلامی ۱۷۵ ج ۴ و ابن الاثیر ۱۶۲ جزء ۹
(۲) کتاب مزبور در شرح حالات انوشیروان ذکر شده است (۳) ابن خلکان ۱۸۴ ج ۲ و مختصر تاریخ ال سلجوق للبنداری ۹ و راحة الصدور ۱۰۹ و ۱۰۹ و الفخری ۵۰

و جانشین وی کندری را بوزارت برقرار نموده بر اکرامش افزود کندری خواهر خلیفه عباسی را تزویج کرد بالاخره بسعایت خواجه نظام الملک پادشاه بر کندری غضبناک شده ویرا معزول کرده (۴۵۶ هـ) ابتداء در نیشابور و بعد در مرو محبوس ساخت و در همانجا او را بقتل رسانید ۴۵۶

گویند علت خشم و غضب الب ارسلان آن بوده که پادشاه کندری را برای خواستگاری دختر خوارزمشاه روانه کرد دشمنان وزیر باب ارسلان خبر دادند که کندری دختر را برای خود خواستگاری کرده است لذا الب ارسلان امر داد ریش او را تراشیدند و . . . و بقول ابن طقطقی ویرا بامر الب ارسلان مخنث نمودند این خلکان مینویسد از عجایب روزگار آنکه خون کندری در مرو ریخته شد تنش در کندر بخاک رفت و سرش در نیشابور دفن شد و . . . را بر از کاه نموده بکرمان نزد نظام الملک بردند و همانجا بخاک سپرده شد این اثر ضمن تاریخ سنه ۴۵۶ نوشته که کندری شافعی مذهب بوده و در آن مذهب تعصب قاطعی ابراز مینمود در کتاب الشیعه (۱) و الفنون از تاریخ این کثیر شامی شرح تشیع وی ذکر شده است

ابو منصور بن حسین آبی برادر ابو سعد آبی وزیر طغرل شاه سلجوقی

Abou - Mansoor - Abi

یاقوت (۲) در معجم البلدان مینویسد ابو منصور مزبور از بزرگان نویسندگان و اجله وزراء پادشاهان طبرستان بوده است عبدالجلیل رازی در کتاب نقض فضاویح الروافض گوید ابو منصور دارای اختیارات تام و اهمیت شایان بود معذک از اعمال و عوائد مذهبی دقیقه فروگذار نمیکرد و همه روزه از طلوع فجر تا طلوع آفتاب بخواندن اوراد اشتغال داشت پس از اتمام مراسم عبادت بخدمت سلطان میرفت اتفاقاً روزی طغرل برای انجام کار مهمی قبل از موقع معمول ویرا احضار نموده وزیر اهمیت باحضر وی نداد پس از اتمام ادعیه (۱) ۸۹ (۲) ۵۴ ج ۱ (یاقوت مینویسد ابی شهری مقابل ساوه و بین عوام معروف است و شکی در آن نیست و اهالی ابی شیعه مذهب هستند و اهالی ساوه سنی مذهب اند و جنگ مذهبی بین اهالی این دو شهر دائماً برپاست (۲) از کتاب مجالس المؤمنین قاضی نور الله تستری . . .

معمول نزد او رفت دشمنانش این قضیه را نزد طغرل بزرگ نمودند و نسبت نافرمانی باو دادند طغرل از وی باز خواست نمود ابو منصور گفت که یا خدای خود عهد نمودم تا از انجام بندگی او فارغ نشوم بخدمت دیگری نپردازم سلطان از این جواب رنجیده او را معزول نمود

ابو سعد آبی برادر ابو منصور مزبور در وزراء دولت بویهی ذکر شده است

تاج الملک ابو الغنائم قمی وزیر ملکشاه

Tadjol - Molk

در تاریخ (۱) وزراء مسطور است که اخیراً سلطان ملکشاه سلجوقی بسعایت زوجه اش ترکان خاتون از نظام الملک رنجیده ویرا معزول نمود و تاج الملک قمی را به وزارت انتخاب کرد بین نظام الملک و تاج الملک کدورتی حاصل شده و بالاخره نظام الملک بدست ابو طاهر از فدائیان اسماعیلیه مقتول شد گویند قتل نظام الملک به تحریک تاج الملک بوده است که پس از قتل وی مستقلاً در وزارت ملکشاه باقی ماند مجد الملک اسعد بن محمد براوستانی قمی وزیر برکیارق سلجوقی (۲)

Madjdol - Molk

(صاحب معجم البلدان مینویسد (۳) براوستان قریه از توابع قم و مجد الملک قمی ابو الفضل اسعد بن محمد براوستانی وزیر برکیارق سلجوقی از آنقریه است گویند لشکریان بر شاه شوریده قتل وزیر را تقاضا کردند شاه ویرا ناچار معزول نموده و از قشونیها درخواست نمود از خون او بگذرند امال الشکریان اطاعت ننموده و وزیر را گشتند صاحب حبیب السیر ترتیب قتل وزیر را قسمی دیگر نوشته که ذکر آن اهمیتی ندارد بهر حال مجد الملک در سنه ۴۷۲ مقتول شد از حسن اخلاق وزیر مزبور حکایتها بسیاری نقل شده در کتاب فضاویح الروافض مطالبی به مجد نسبت داده شده که خالی از حقیقت است جنازه مجد الملک را پس از قتل بکریلا نقل نموده و آنجا دفن کردند

آثار مادّی مجد الملک (۴)

مجد الملک قبه در بقیع بر بقعه مبارکه حضرت حسن مجتبی بنا نموده و بنای مختصری (۱) از الشیعه و الفنون ۸۹ (۲) راحة الصدور ۱۳۹ و ۱۴۵ (۳) ص ۱۰۳ ج ۲ (۴) جنة النعیم در احوال سید عبدالعظیم و مجالس المؤمنین که هر دو فارسی است

برای مرقد عثمان بن مظعون ساخت که سنیان تصور مینمایند قبر عثمان بن عفان است آثار بقعه مبارکه حضرت عبد العظیم حسنی را بنا نموده و روضه مطهره حضرت امام موسی کاظم و امام محمد تقی را احداث کرد (بمجلد آثار مادی امامیه ازین کتاب مراجعه شود)

سعد الملك ابی وزیر سلطان محمد بن ملک شاه سلجوقی

So adlmolk

مشار الیه از وزرای نامی عصر خود بوده در راحة الصدور ذکر شده است بزرگان اصفهان مانند قاضی القضاة عبید الله خطیبی و صدر الدین خجندی و مؤید الملك حاجب در حق وی نزد سلطان محمد سعایت کرده و او را بالحداد و دشمنی سلطان متهم نمودند تا آنکه بالاخره سلطان او را بقتل رسانید (۱)

شرف الدین ابوطاهر بن سعد قمی وزیر سلطان سنجر سلجوقی

Charaffed - Din

در ایام جوانی از قم به بغداد مسافرت کرد و جزو قشونیان سلطان ملک شاه سلجوقی درآمد همینکه در سال ۴۸۱ هجری مری از رفتار خواجه نظام الملك شکایت نمودند ملک شاه شرف الدین را بحکومت مرو فرستاد مشار الیه قریب چهل سال در آن ناحیه بحکومت باقی ماند سپس بریاست دیوان سلطان سنجر تعیین شد پس از فوت وزیر بوزارت سنجر انتخاب گردید شرف الدین شخص عاقل فعال متدبیری بوده است پس از سه ماه وزارت وفات نمود و در جوار مشهد رضوی مدفون شد در نواحی مشهد قریه وقف بقعه آن وزیر بوده است (۲)

طغرایی

Toghraei

مؤید الدین فخر الکتاب ابو اسمعیل حسین بن علی بن محمد بن عبد الصمد اصبهانی وزیر سلطان مسعود بن محمد سلجوقی منشی و شاعر مشهور ملقب بطغرایی در سنه ۵۱۳ هجری مقتول شد. از شعراء و نویسندگان نامی در علم کیمیا مهارت کامل داشته و کتابی در آنخصوص تألیف نموده بصحت آنعلم اعتقاد داشت در امل الامل تألیف حرغاملی (۱) ۱۳۹ راحة الصدور و ۸۹ الشیعه و الفنون و راحة الصدور ۱۶۰ (۲) راحة الصدور ۱۶۷ و الشیعه و الفنون ۸۹ و جامع التواریخ خطی

منطبعه ایران مذکور است که طغرایی وزیر عالم صحیح العمل فاضل متدبیری بوده در سن شصت سالگی مقتول شد این خلکان از عماد کاتب روایت میکنند که طغرایی مشهور باستاد وزیر سلطان مسعود بن محمد سلجوقی بوده و در موصل مدتی وزارت نموده تا آنکه در نزد یکی همدان میان سلطان مسعود و برادرش سلطان محمود جنگی اتفاق افتاد سلطان مسعود شکست خورد و استاد ابو اسمعیل طغرایی گرفتار شد همین که نظام الدین ابو طالب علی بن احمد بن حرب سمیری از گرفتاری طغرایی مطلع شد و برا احضار نمود شهاب اسعد طغرایی که در آنموقع بجای نصر کاتب رئیس تحریرات بوده حضور داشت و بوزیر گفت ابو اسمعیل ملحدست وزیر گفت ملحد بایستی کشته شود سپس بطوریکه سابقاً ذکر شد او را بقتل رسانیدند قتل طغرایی در سال ۵۱۳ اتفاق افتاد و مشار الیه در آنموقع متجاوز از شصت سال عمر داشت صفدی در شرح لامیه العجم مینویسد که شمس الدین محمد بن ابراهیم بن ساعد انصاری مقیم قاهره برای من نقل نمود که سلطان محمد پس از دستگیری طغرایی فرمان داد ویرا بدرختی بسته و تیر باران نمایند و شخصی را بدون اطلاع طغرایی در پشت درخت مأمور کرد تا بیانات ویرا در آنموقع استماع نماید و تیر اندازان را امر داد که تا صدور فرمان ثانی تیر نیندازند طغرایی اشعار ذیل را در آن هنگام سرانید از آنجمله

بِالله فِتْنَسٌ فِي فُؤَادِي هَلْ يُرَى فِيهِ لَمِيرٌ هَوَى الْأَحْبَةِ مَوْضِعُ
أَهْوَنَ بِهِ لَوْ لَمْ يَكُنْ فِي طَيْبِهِ عَهْدُ الْحَبِيبِ وَ سِرُّهُ الْمُسْتَوْدَعُ

سلطان محمود پس از استماع این ابیات بروی رقت نموده باستخلاصش امر داد ولی وزیر محمود از تقدم طغرایی اندیشید مجدداً سعایت کرده ویرا بقتل رسانید ۵۱۳ هجری

آثار طغرایی

قصیده معروف لامیه العجم که صفدی ویرا شرح نموده و پیر فیروز بوکوک آنرا بزبان لاتینی ترجمه کرده و باحواشی بسیار در آکونیا سنه ۱۶۶۱ م بطبع رسانیده است و نیز جولای بلاتینی ترجمه نموده و در سنه ۱۷۰۷ م چاپ شده طغرایی در علم کیمیا

چندین کتاب تالیف کرده که قسمتی از آن در کتابخانه‌های اروپا موجود است قصیده لامیه نیز کراراً بطبع رسیده است کتاب مفاتیح الحکمه و مصابیح الرحمه در علم اکسیر و کیمیا از تألیفات طغرایی است افندی مینویسد در شهر اردبیل صاحب کتاب المصباح فی علم المفتاح را ملاقات نمودم مشارالیه کتاب مفاتیح الحکمه را بطغرایی نسبت میداد و بنا باظهار وی طغرایی در کتاب مزبور دلائل محکمی در اثبات علم کیمیا ذکر نموده است دیگر از آثار طغرایی دیوان شعر لطیفی است که در سال ۱۳۰۰ در اسلامبول طبع شده و نسخ خطی از آن در کتابخانه خدیوی و کتابخانه برلین و موزه بریطانی و بطرسبورغ موجود است و اشعار ذیل بطور نمونه از آن دیوان نگاشته میشود

إِذَا مَا لَمْ تَكُنْ مَلِكًا مُطَاعًا فَكُنْ عَبْدًا لِحَالِقِهِ مُطَاعًا
وَ إِنْ لَمْ تَمْلِكِ الدُّنْيَا جَمِيعًا كَمَا أَحْبَبْتَ فَأَتَرُكُهَا جَمِيعًا
هُمَا نَهْجَانِ مِنْ نُسْكٍ وَفَتْكٍ يُحَلِّلَانِ الْفَتَى الشَّرَفَ الرَّفِيعًا

طغرایی بضم طاء مهمله و سکون غین و فتح راء با الف مدود و همزه و یاء منسوب بکلمه طغراء میباشد که عبارت از سر لوحه فرامین سلطانی است و غالباً بعد از اسم یا خطوط منسوب راجع باوصاف ملوک و سلاطین نوشته میشد و سیر می بضم سین مهمله و فتح میم و سکون یاء شهرست بین اصفهان و شیراز آخر حدود اصفهان است (۱)

انوشیروان بن خالد بن محمد کاشانی وزیر سلطان محمود سلجوقی

Anovshirewan

(۲) از دانشمندان و بزرگان دوره خود بوده چندین مرتبه وزارت سلاطین و خلفاء را عهده دار بود غالباً ویرا بوزارت انتخاب میکردند انوشیروان با کمال آکراه قبول مینمود و بزودی استعفاء میداد و مجدد منصوب میگردد این حریری مقامات حریری را برای وی تصنیف نمود و در اول کتاب خود با عبارت ذیل بوی اشاره مینماید :

(۱) ابن خلکان ۱۷۵ راحة الصدور ۲۳۵ و مختصر تاریخ وزرای آل سلجوق ۱۰۷ و ریاض العلماء میرزا عبدالله افندی خطی و تاریخ آداب اللغة العربیه ۱۲۳ ج ۳ (۲) الفخری ۲۲۳

فاشار من اشارته حکم و طاعنه غم. (۱) ابن کثیر شامی بر تشیع وی تصریح نموده است بهر حال موقعیکه انوشیروان در بغداد اقامت داشت (۲) سلطان محمود سلجوقی مکتوبی بوی نگاشته او را احضار کرد و پس از یکسال و چند ماه استعفا داده به بغداد مراجعت کرد و در گزینی بجای وی تعیین شد در سنه ۵۲۰ در گزینی معزول شده مجدد انوشیروان بوزارت رسید المسترشد عباسی پس از مرگ وزیر خود احمد بن نظام الملک طوسی انوشیروان را بوزارت انتخاب کرد انوشیروان بزبان فارسی و عربی احاطه داشت تاریخ آل سلجوقی را بزبان فارسی تألیف نموده و محمد بن محمد بن حامد کاتب اصفهانی آن کتاب را بعربی ترجمه کرده است کاتب مزبور در کتاب خود موسوم به نصره الفتره و عصره الفطره راجع بحالات وزراء سلجوقیان اخبار بسیاری از تاریخ کندی نقل مینماید فتح بن علی بنداری در مختصر کتاب مزبور منطبع مصر در سال ۱۳۱۸ نیز همان رویه را تعقیب کرده و اینک بذکر چند محل از منقولات وی میپردازیم

صفحه ۵۱ عماد اصفهانی میگوید در اینجا شروع بنقل کردن از این کتاب میکنیم صفحه ۶۴ ذکر حوادثی که انوشیروان از ذکر آن غفلت نموده است

صفحه ۷۵ راجع به تعریب کتاب انوشیروان

صفحه ۸۹ راجع به تعیین انوشیروان بسمت خزانه داری سلطان محمد بن ملکشاه

صفحه ۹۹ راجع به نیابت وزارت انوشیروان

صفحه ۱۳۸ - ۱۳۶ وزارت انوشیروان برای سلطان محمود سلجوقی

در مجالس المؤمنین کتابی بنام نقشه المصدور بانوشیروان منسوب است و ظاهراً همان کتاب تاریخی است که عماد اصفهانی از وی نقل مینماید وفات انوشیروان در سال ۵۳۲ واقع شد

بر حسب روایت ابن الطقطقی در کتاب آداب السلطانیه

معین الدین احمد کاشانی وزیر محمود بن محمد بن ملکشاه

Moined - Din

شیخ عبد الجلیل رازی در کتاب نقض فضایح الروافض ویرا از وزرای شیعه شمرده مینویسد معین الدین و برادرانش محمد الدین و بهاء الدین مدارس و جوامع بسیاری (۱) از الشیعه و الفنون ۸۷ (۲) کتاب مختصر تاریخ آل سلجوقی للبنداری ۱۳۶ و ۱۳۸ و ۵۱

احداث کردند که ذکر آنها در این کتاب گنجایش ندارد صاحب کتاب تاریخ الوزراء (۱) شرحی از محامد اخلاق معین الدین ذکر نموده مینویسد مشارالیه در انهدام بنیان ملاحظه جدیدت داشت بالاخره بدست آنان کشته شد

فخرالدین طاهر بن معین الدین کاشانی وزیر ارسلان بن طغرل

Fakhred - Din

بن محمد بن ملک شاه در ابتدای سلطنت ارسلان مذکور بوزارت رسیده کفایت فوق العاده بروز داد امیر علی یار حاکم ری و معین الدین ساوجی از او نزد سلطان سعایت کردند فخرالدین از مطلب مسبوق شده سلطانرا از بی اساسی قضیه آگاه کرد و امیر علی را دستگیر نموده در قلعه جیحون حبس نمود و معین الدین را مجازات کرد بالاخره پس از چند روزی وزارت بطور ناگهانی در گذشت (۲)

معین الدین بن فخرالدین طاهر بن معین الدین مربوط

Moined - Din

پس از فوت پدر بمقام وزارت رسید



وزرای دولت مغول و تاتار

مقدمه

مهمترین حوادث تاریخی شرق همانا هجوم و حمله مغول است که در اوایل قرن هفتم هجری از مشرق اقصی فرود آمده در مدت مختصری ممالکی را متصرف شدند که طول آن از سواحل دریای چین تا سوریه و مصر و عرض آن از منتهای دشت قباچاق و روسیه و لهستان و هنگری تا خلیج فارس و بحر عمان امتداد می یافت بزرگترین و قدیمترین خلافت عربی اسلامی بدست این طایفه منقرض شد (مختصری از عوائد و اخلاق و عادات مغول و اسامی پادشاهان مسلمان و غیر مسلمان و شیعه مذهب آنان در جلد چهارم این کتاب راجع بحالات سلاطین شیعه منطبقه طهران ذکر شده است از صفحه ۳۲ تا ۴۱) بهر حال (۳) مدت سلطنت این طایفه ۱۳۰ سال و از اینجمله برای آن ۱۱۴ سال و عده پادشاهان آنان ۱۳ نفر بوده اند که دو نفر از آنها مذهب شیعه داشته اند تاریخ مغول و شرح زندگانی آنها در بسیاری از کتب مهمه قدیمه و جدیده نگاشته شده است که مهمترین آنها

(۱) و (۲) توسط مجالس المؤمنین قاضی نورالله از کتاب تاریخ وزراء و کتاب نقض فضایل الروافض نقل شده است . . . (۳) تاریخ گریده ۱۷۵

در زبان فارسی بقرار ذیل میباشد :

(۱) - تاریخ جهانگشای تألیف علاء الدین عطا ملک جوینی صاحب دیوان که شرح حال وی ضمن وزراء مغول ذکر خواهد شد تاریخ جهانگشا در سال ۱۳۲۹ در لندن بطبع رسیده است

(۲) - جامع التواریخ تألیف رشیدالدین فضل الله طیب (وزیر غازان خان و برادرش اولجایتو رشیدالدین این کتاب را بامر غازان خان شروع نموده و بنام الجایتو ختم نموده است و مشتمل بر دو مجلد میباشد جلد اول آن در تاریخ مغول و جلد دوم در تاریخ عالم تدوین شده است قسمت اول در پاریس به جزء طبع شده و ظاهراً قسمت دوم نیز در شرف طبع میباشد نسخ خطی آن در موزه های اروپا و کتابخانه سلطنتی ایران موجود است

(۳) - تاریخ وصاف تألیف شهاب الدین عبدالله بن عزالدین فضل الله شیرازی معاصر خواجه رشیدالدین سابق الذکر تاریخ وصاف مشتمل بر شرح حالات مغول از فتح بغداد بدست هولاکو (۶۵۶ هـ) تا خاتمه پادشاهی ابوسعید آخرین پادشاه مغول (۷۲۸ هـ) میباشد و بطور استطراد شرح حال یازده از سلاطین نیز در آن کتاب مذکور است تاریخ وصاف در سال ۱۲۶۹ در بمبئی بطبع رسیده ظاهراً کتاب مذکور ذیلی از تاریخ جهانگشای محسوب میشود که فقط تا وقایع سال ۶۵۵ را ذکر مینماید

بهر حال قبل از اسلام و بعد از اسلام و تشیع مغول رجال سیاست مدار مهمه شیعی در خدمت پادشاهان تاتار وزارت و حکومت نموده اند که عابترین و مهمترین آنها خواجه نصیر طوسی میباشد

خواجه نصیر الدین طوسی

Khadjeh Nassired - Din Toossi

ابو جعفر محمد بن محمد بن حسن شیخ الحکماء معروف بعقل حادی عشر بوده است ولادت و وفات خواجه

امین احمد رازی در کتاب (۱) هفت اقلیم بمناسبت ذکر فضایل ساوه چنین مینویسد که خواجه اصلاً اهل قهرود ساوه بوده و بمناسبت متولد شدن در طوس بطوسی مشهور شده است ولادتش اول طلوع آفتاب ۱۱ جمادی الاول ۵۹۷ هـ و فاتهش ۱۸ ذیحجه ۶۷۲ و مدت حیاتش هفتاد و هفت سال و هفت روز بوده است وفات خواجه در رصافه بغداد اتفاق افتاد و در جامع رشیدی (۲) مسطور است که خواجه طوسی وصیت نمود ویرا در جوار امام موسی کاظم دفن نمایند لذا او را در سرداب مخصوصی که ناصر بالله خلیفه عباسی در پای قدم امام (ع) برای خوش ترتیب داده بود دفن کردند حمد الله مستوفی تاریخ و وفات خواجه را به نظم در آورده است

(۱) خطی است در کتابخانه مدرسه سپهسالار جدید در تهران موجود است و مؤلف از رجال قرن دوازدهم هجری و شیعه مذهب بوده است (۲) خطی و مجلد اول آن در اروپا طبع شده است

نصیر ملت و دین پادشاه کشور فضل یکنانه که چه او مادر زمانه نژاد
بسال ششصد و هفتاد و دو بذی الحجه بروزیجدهم درگذشت در بغداد (۱)

استادان و شاگردان خواجه (۲)

خواجه نصیر علوم نقلیه را از پدر خویش محمد بن حسن آموخته و وی شاگرد فضل الله راوندی است که او شاگرد سید مرتضی بوده است در هفت اقلیم مذکور است که خواجه در علم حکمت شاگرد دائی خویش فرید الدین داماد بوده و فریدالدین نزد صدر الدین سرخسی تلمذ کرده است و صدر الدین شاگرد بهمینا بوده و بهمینا در علم حکمت از شاگردان بلاواسطه ابن سیناست قطب الدین مصری کمال الدین مصری معین الدین بن بدران معتزلی از مشایخ و استادان خواجه نصیر طوسی میباشند معظم له با سید علی بن طاوس حسینی و شیخ میثم بن علی بن میثم بحرانی در مدرسه ابو السعادات اصفهانی متفقاً تلمذ نموده اند بنا بقعیده پاره (۳) از مورخین ابن هیثم در فقه استاد و در حکمت شاگرد خواجه بوده است خواجه نصیر از شیخ برهان الدین همدانی روایت اخبار نموده که استاد شیخ مزبور در روایت منتخب الدین قمی صاحب فهرس بوده است سید غیاث الدین عبدالکریم بن طاوس صاحب فرحة الغری و قطب الدین محمود بن مسعود شیرازی صاحب درة التاج و جمال الدین حسن بن یوسف بن مطهر علامه حلی از مشاهیر شاگردان خواجه بوده اند علامه حلی در موقع اجازه دادن ابن زهره این کیفیت را تصدیق نموده است

وزارت خواجه برای هولاکو

(۴) ناصر الدین محتشم امیر قهستان از فضایل امراء اسماعیلی بوده و پس از اطلاع بر کالات خواجه ویرا درقائین از توابع قهستان احضار نموده کتاب طهارت در علم اخلاق از تالیفات خواجه بنام ناصر الدین و در قصبه قائین تالیف شده است پس از اندکی خواجه قصیده عربی در مدح مستعصم عباسی انشاد نمود بامکتوبی نزد ابن علقمی وزیر خلیفه فرستاد که بحضور خلافت تقدیم نمایند ابن علقمی (۵)

(۱) تاریخ گزیده ص ۸۱۱ (۲) و (۳) گنج شایگان فارسی ۳۴۲ وفوات الوفيات ج ۲ ص ۱۲۹
(۴) گنج شایگان ۳۴۳ (۵) ابن طقطقی ص ۲۴۶ آداب سلطانیه مینویسد سبب عدم پیشرفت ابن علقمی خدمت هولاکو خواجه نصیر الدین طوسی بوده است بصفحه ۴۰ از این مجلد مراجعه شود

عین مکتوب و قصیده را نزد ناصر الدین فرستاده در باره خواجه سعایت کرد ناصر خواجه را محبوس نمود همینکه بسمت قزوین حرکت کرد علاء الدین محمد سلطان اسماعیلیه را به محارست وی گماشت خواجه در قلاع اسماعیلیه تا سنه ۶۵۳ بتالیف و تصنیف اشتغال داشت در همان ایام هولاکو خان بطلب قاضی شمس الدین احمد به محاصره قلاع اسماعیلیه پرداخت نصیر الدین خورشاه قائد اسماعیلیه خواجه نصیر را از محبس بیرون آورده نزد هولاکو فرستاد خواجه بحضور هولاکو آمده و این دوییت را بخواند

سال عرب چوششصد و پنجاه و چار شد یکشنبه روز اول ذیقعدۀ بامداد
خورشاه پادشاه اسماعیلیان ز تخت برخاست پیش تخت هلاکو بایستاد
هولاکو که از فضایل خواجه سابقه داشت ویرا باخود به بغداد برد اهالی شیعه
نجف و کربلا و حله و بیل از برکت قدوم خواجه (۱) از تعرضات مغول محفوظ
ماندند خواجه شخصا به حله اسدیه رفته محقق اول نجم الدین و شیخ سدید الدین
یوسف والد علامه حلی و سعید الدین محمد بن جهم و بسیاری دیگر از علماء را
ملاقات نموده شرح مناظرات و مباحثات خواجه با علمای مزبور در کتب
تواریخ مشهور است (۲)

بنای زیج مراغه بوسیله خواجه

چندی (۳) از فتح بغداد نگذشت که هولاکو خواجه را بساختن رصدخانه بزرگی مأمور نمود سابقاً نیز خواجه نصیر الدین هولاکو را بساختن رصدخانه تشویق نموده و کتاب زیج ایلخانی را برای وی تألیف کرده بود هولاکو کلیه موقوفات را بخواجه واگذار کرد تا عشر آنها را بمصرف بنای رصدخانه برساند و از هر جهت در پیشرفت مقصود خواجه مساعدت کرد خواجه بامر هولاکو خان مشاهیر علمای علم هیئت را مانند قطب الدین محمود شیرازی که از شاگردان خواجه بود و مؤید الدین عرضی دمشقی و فخر الدین اخلاطی و نجم الدین قزوینی و محی الدین مغربی و فخر الدین مراغه و غیره را بمراغه احضار کرد تا آنکه در سال ۶۵۷ رصدخانه مراغه را بانعام (۱) و (۲) بکتاب لؤلؤ البحرین و مجالس المؤمنین و ج ۳ مستدرک الوسائل مراجعه شود (۳) کتکول میبندی

۱۸۲ و مقدمه زیج ایلخانی خطی و ۵۸۱ تاریخ گزیده ج ۱

رسانید و کتابخانه بسیار عالی در اطراف رصد خانه تأسیس کرد و مقدار بسیاری از کتب نفیسه قدیم و جدید در آنجا جمع آوری نمود (۱) که قسمت مهم آن از کتابهای بغداد و شام و جزیره بوده که در قننه تاتار غارت شده است و عده آن بالغ بر چهار صد هزار مجلد میگردد چرچی زیدان مینویسد (۲) زیج حاکم بامر الله فاطمی (۳۸۶ - ۴۱۱) که بر کوه المقطم بنا نموده محل اعتماد ستاره شناسان بوده تا اینکه نصیرالدین طوسی زیج خود را در مراغه ترکستان بنا نمود سنه ۶۵۷ زیج سابق متروک شد خواجه در سال ۶۷۲ با عده از شاگردان از مراغه به بغداد عزیمت نموده و همانجا وفات نمود ۶۷۲ هجری

باز ماندگان خواجه

خواجه نصیرالدین (۳) سه پسر داشت صدرالدین علی اصیل الدین حسن فخرالدین احمد بعد از وفات خواجه صدرالدین جانشین پدر شد و پس از مرگ وی اصیل الدین قایم مقام پدر و برادر شد و با غازان خان بشام مسافرت نموده وزارت اوقاف بوی محول گردید سپس با غازان خان به بغداد مراجعت نموده از طرف وی نایب السلطنه بغداد گردید ولی کارهای نامناسبی از او سرزده که غازان خان ویرا معزول کرده اموالش را مصادره نمود راجع بفخرالدین نیز از ظلم و تعدی وی شکایت نموده اند غازان او را مقتول نمود (۴) در کتب دانش مذکور است (۵) که عده از باز ماندگان خواجه مقیم اردو باد و آذربایجان در دوره صفوی بمنصب عالی نایل شده اند من جمله حاتم بیگ اردو بادی از احفاد خواجه در دوره شاه عباس کبیر به لقب اعتماد الدوله ملقب شد که در آن موقع لقب مزبور مرادف لقب صدر اعظم بوده است اسکندر بیگ شرح مسافرت اعتماد الدوله را بار دو باد برای باز دید خویشاوندان و سایر اخبار وی در کتاب (۶) عالم آراء مفصلاً شرح داده است و خود اسکندر بیگ نیز در سفر مزبور مصاحب اعتماد الدوله بوده است

آثار خواجه

از خواجه کتب (۷) و تالیفات نفیسی در علوم عقلیه و سایر فنون باقی مانده که در هر دور وزمانی طرف توجه فلاسفه و حکماء عالم بوده است و از تالیفات مزبوره تقدیر نموده تعلیقات و شروح (۱) آداب اللغة العربیه ۲۳۴ ج ۲ (۲) آداب الله ۲۳۰ ج ۲ (۳) (۴) کچ دانش ۳۴۵ و ریاض العلماء افندی خطی (۵) سن ۳۴۵ (۶) از این جمله سن ۵۴۴ - ۵۴۸ و ۵۵۹ - ۵۶۶ و ۵۸۵ (۷) مؤلفات خواجه که در اینجا ذکر میکنیم یا اینکه عیناً در کتابخانههای مختلفه ملاحظه کردیم یا اینکه توسط قهارس کتابخانههای دنیا نقل نمودیم

مفصلی بر آنها نوشته اند اینک با نهایت دقت شرح آثار معظمه را با ذکر محل فعلی آنها و تفکیک قسمت چاپی و خطی و سایر تفصیل لازمه آنرا مبتکاریم تصور نمیرود تا کنون راجع بتالیفات خواجه این قسم تحقیقات مفصله بعمل آمده باشد

۱ - زیج ایلخانی بزبان فارسی مشتمل بر چهار مقاله مقاله اول در تواریخ مقاله دوم در سیر کواکب و مواضع آنها از حیث طول و عرض مقاله سوم در اوقات مطالع مقاله چهارم در بقیه اعمال نجوم خواجه پس از ذکر تاریخ چنگیز خان و اولاد وی در مقاله اول چنین مینویسد: هلاکوخان همدانرا قهر کرد و بغداد را بگرفت و خلیفه را برداشت تا حدود مصر بگرفت و کسانی که باغی بودند نیست کرد و هنرمندانرا همه نوع بنواخت و بفرمود تاهنرهای خود را گشاده و رسمهای نیکو نهادند و این بنده نصیر که از طوسم و بولایت همدان افتاده بودم از آنجا بیرون آورد و رصد ستارگان فرمود و حکماء را که فن رصد میدانستند چون مؤیدالدین العرضی که بدمشق بود و فخرالدین مراغی که بموصل بود و فخرالدین اخلاطی که به قفلیس بود و نجم الدین دبیران که بقزوین بود از آن ولایت ها بطلبید و زمین مراغه را رصد اختیار کردند و بفرمود تا کتابها از بغداد و شام و موصل بیاوردند. از کتاب مزبور چنین معلوم میشود که در سال ۶۵۷ شروع بساختن رصد خانه مراغه شده است باری یک نسخه از کتاب زیج ایلخانی فعلاً در کتابخانه رودس موجود میباشد و شرحی بر وی نگاشته اند که بکشف الحقایق موسوم است میرزا غیاث الدین چشیدن مسعود کاشانی تکمله بنام زیج خاقانی در تکمله زیج ایلخانی نوشته است غیاث الدین مزبور در کتاب مفتاح الحساب چنین مینویسد که زیج خاقانی را در تکمله زیج ایلخانی نوشته و یک سلسله ادله بی نظیر هندسی در آن کتاب ذکر نمودیم علی شاه بن محمد قاسم معروف بملاء منجم مختصری از زیج ایلخانی بنام عده ایلخانی مشتمل بر دو اصل و چندین باب برای وزیر محمد بن احمد تبریزی تالیف نموده و در کتاب کشف الظنون ذکر آن کتاب وارد است

۲ - زیج شاهی در کشف الظنون مذکور است که نجم الدین لبودی زیج شاهی را ملخص نموده زیج زاهی نامید

۳ - سی فصل یک نسخه از آن در کتابخانه وین موجود است در کشف الظنون مینویسد که کتاب سی فصل عبری و فارسی تالیف شده است قسمت عربی آن بکلمات ذیل شروع میشود اما بعد حمد الله علی نواله مختصر لنصیر الدین محمد بن محمد طوسی

محمد بن یحیی معروف بملاء شیرازی شرح فارسی بر آن کتاب نوشته و متن فارسی را نیز تحریر نموده است شرح سی فصل توسط علاء الدین مزبور بتاریخ جمادی الاخر ۹۳۶ در شهر حلب باتمام رسیده است

عبد الواحد بن محمد نیز شرحی بر کتاب مزبور عربی نگاشته و اول آن بدین کلمات شروع میشود سبحان من زین الرفیع بالانجم الزهر و بعضی از شرقین نیز شرح مزوجی بر آن کتاب نوشته اند که از متن متمایز نیست

۴ - رساله بیست باب در معرفت الاسطرلاب مختصر صد باب بطوریکه در کشف الظنون مسطور است

سید امیر نظام الدین بن حبیب الله شرحی بزبان فارسی در سال ۸۷۳ بر رساله بیست باب نوشته است شرح و متن هر دو فارسی است

حسین بن خواجه شرف الدین معروف بالهی نیز بر حاشیه مزبور بر رساله بیست باب شرحی نوشته است
۵ - شرح ثمره بطلمیوس یا ترجمه ثمره بزبان فارسی در علم نجوم آغاز کتاب الحمد لله حمد الشاکرین نسخه از آن کتاب در کتابخانه غرناطه اسپانیول موجود است و عبارات ذیل بعد از مقدمه کتاب شروع میشود

وبعد يقول مولينا محمد بن محمد بن الحسن الطوسي ان بحكم اشارة صاحب المولى المعظم صاحب الاعظم دستور العرب و العجم محمد بن محمد الجويني شرح كتاب ثمره بطلمیوس و مطلع كتاب الثمرة في الاحكام و هي تمام الكتب الاربعة التي فيها في الاحكام لسورس تلميذه قال قدمنا ياسورس كتباً احدها اربع مقالات فيما يؤثره الكواكب في عالم التركيب كثير المنفعة في مقدمة المعرفة وهذا كتاب ثمره ما اشتملت عليه تلك الكتب و ما على التجربة منها وليس يصل الى معرفته من لم يمعن النظر فيما قدمنا قبله و في العلوم الاخر من العلوم الرياضية فكن به سعيد الخ و در آخر کتاب چنین نگاشته شده است فهذا تمام الكلمات لكتاب الثمرة و تفسیرها وقد تم بحمد الله و حسن توفيقه

۶ - کتاب صد باب در معرفت اسطرلاب آغاز کتاب حمد بیحد و ثنای بیحد قادریرا که بیدایع حکمت ... خواجه علیه الرحمة کتاب مزبور را برای حاجی امیر محمد نوشته است و مختصر آن بیست باب میباشد

۷ - کتاب تجرید العقاید که در فن خویش بی نظیر و مشتمل بر شش مقصد است
۱ - در امور عامه

ب - در جواهر و اعراض

ج - در اثبات صانع و صفات او

د - در نبوت

ه - در امامت

و - در معاد

این کتاب مستقلاً در ایران طبع شده است
شروح مفصله ذیل بر کتاب تجرید نوشته شده است

۱ - تحفه شاهی تألیف زین الدین علی بدخشی

ب - شوارق الالهام عبد الرزاق بن علی بن حسین لاهیجی

ج - شرح فارسی تألیف میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی

د - براهین قاطعه تألیف محمد جعفر استرآبادی

ه - شرح فصل مقصد اول تجرید در امور عامه تألیف لاهیجی فوق الذکر

و - شرح تجرید تألیف علامه حلی اولین شرحی است که بر تجرید نوشته شده و کراراً بطبع رسیده است

ز - شرح ابوالقاسم اصفهانی بر تجرید که دومین شرح کتاب مذکور است

ح - شرح تجرید تألیف قوشچی مکرر در ایران طبع شده است

تعلیقاتی که بر تجرید الکلام نوشته شده است

(۱) تعلیقه محقق شرف الدین ابوالحسن علی بن عبد العالی الکرکی

(۲) صدرالدین شیرازی

(۳) د سید رکن الدین ابی محمد حسن بن محمد بن شرف شاه علوی شاگرد خواجه طوسی

(۴) تعلیقه محمد جعفر استرآبادی که در سنه ۱۲۶۳ وفات نموده است مؤلف مزبور کتابی بنام

البراهین القاطعه تألیف نموده که تعلیقه مزبوره اصل آن کتاب میباشد

۸ - تجرید المنطق: علامه حلی شرحی بر این کتاب نوشته متن و شرح در اثر ان ضعیف شده است مولی

محمود بن محمد بن محمود تبریزی بتاريخ ۹۱۳ در قزوین شرحی بر کتاب تجرید المنطق نوشته است

۹ - اساس الاقتباس در علم منطق بزبان فارسی آغاز آن خداوند متعالمان

حکمت را بالهام حق و تلقین صدق

نسخه این کتاب در کتابخانه حیدریه در اسلامبول موجود است و ذیل کتاب

ادب الندیم بطبع رسیده است کتاب مزبور مشتمل بر یک مقدمه در تقسیم

علم و نه مقاله است

۱۰ - آغاز و انجام راجع باحوال قیامت و بهشت و جهنم ابتدای آن ربنا لاترغ

قلوبنا بعد از هدیتنا خواجه کتاب مزبور را برای پاره از دوستان خویش

تألیف نموده و در طهران بطبع رسیده است

۱۱ - تحریر المغطیات در علم هندسه مغطیات اقلیدس را در آن کتاب نگاشته است

ابتدای آن السطوح للخطوط المعلومة القدر هي التي يمكن ان تجد مساوية لها
۱۲ - تحریر المتوسطات یعنی کتابی که دارای تعلیمات متوسطه بین اصول اقلیدس و
کتاب مجسطی بطلمیوس است کتاب انا لاوس در اشکال کروی ضمن کتاب تحریر
متوسطات مرقوم شده است بهر حال کتاب مزبور مطابق پاره از نسخات موجوده
مشمول بر سه مقاله است که مقاله اول دارای سی شکل است و ثانی ۱۸ شکل
و مقاله سوم مشتمل بر دو ازرده شکل است

ابتدای کتاب اقول بعد الحمد لله و الثناء عليه بما يليق والصلوة على محمد وآله
اني كنت اريد ان احرر الكتب الموسومة بالمتوسطات

۱۳ - تحریر مجسطی در هیئت مبرهنه تحریر مجسطی از تالیفات بطلمیوس فلذی
نسبت بشهر فلذ از بلاد یونان کتاب مزبور مشتمل بر ده مقاله و ۱۴۱
فصل میباشد و از اوضاع آسمان و کرویّت آن و استداره حرکات افلاک و کرویّت
زمین و حرکت ماه و آفتاب و غیر ذلك در آن کتاب مذاکره میشود دارای ۹۶
شکل است مطابق نسخه که اسحق بن حنین ترجمه نموده و ثابت بن قره اصلاح
کرده است آغاز کتاب الحمد لله مبدء كل مبدء و غاية كل غاية و مفيض كل
خير و ولي كل هداية : چند نسخه از تحریر مجسطی موجود است که در عراق عرب
دیده شده و نسخه اصل آن در کتابخانه شیخ عبدالحسین تهرانی که در کربلا بوده باقی
است و نسخه دیگری از آن کتاب را این جانب در خراسان ملاحظه نموده که باتعالیق
خواجه تزیین یافته و در سنه ۱۰۵۱ توسط محمد صادق بن عبدالمعلی ترشیزی
از نسخه اصل کتاب استنساخ شده بود

۱۴ - تذکره در علم هیئت مشتمل بر چهار باب ابتدای آن الحمد لله مفيض الخير و
ملهم الصواب و صلوته على محمد المبعوث بفصل الخطاب نسخه از کتاب مزبور
در نجف موجود است

شروح ذیل بر کتاب تذکره نوشته شده است

۱ - شرح تذکره تألیف شیخ عبدالعلی بن محمد بیرجندی که در سال ۹۴۴ وفات نموده است يك
نسخه از آن کتاب در کتابخانه راغب پاشا و نسخه دیگر در کتابخانه سلطان محمد فاتح در اسلامبول
موجود است

ب - توضیح التذکره تألیف نظام الدین حسن بن محمد بن حسین قمی نیشابوری مؤلف شرح نظام معروف

ج - تكملة شيخ شمس الدين محمد بن احمد خفري با حاشیه میرابوطالب سبط میر فندرسکی

د - حاشیه تذکره تألیف شیخ عبدالوهاب مشهدی از علمای قرن سیزدهم هجری

۱۵ - تلخیص المحصل او نقد المحصل - در علم کلام است بطوریکه در دیباچه
ذکر شده کتاب مزبور را بعنوان هدیه برای بهاء الدین محمد جوینی تألیف
نموده است تلخیص المحصل در مصر بطبع رسیده است

۱۶ - زبدة الادراك في هيئة الافلاك مشتمل بر يك قاعدة و دو مقاله آغاز آن
الحمد لله فاطر السموات فوق الارضين .. در کشف الظنون مذکور است که خواجه
نصیرالدین خلاصه محتویات کتب هیئت را در زبدة الادراك جمع نموده است

۱۷ - زبدة الهيئة با سایر رسائل خواجه در ایران طبع شده است
شیخ علی بن محمد کاشانی کتاب زبده را تعریب نموده و شیخ کمال الدین عبدالرحمن بن محمد
عتایقی حلی شرحی بر معرب آن موسوم بشهده مرقوم نموده است نسخه از کتاب زبده بخط
قباد بن بهمن یار بتاریخ ۶ جادی الاخر سنه ۶۷۷ در سامراء ملاحظه شد

۱۸ - کتاب فصول در علم کلام قسمتی از آن در کاظمین نزد حضرت سید حسن
صدر موجود است کتاب مزبور بزبان عربی ترجمه شده و شروح مرقومه بر آن
کتاب عبارتند از

ا - شرح فصول تألیف مولی کمال الدین حسن بن محمد بن حسن استرآبادی نجفی صاحب ایات الاحکام
ب - جامع الاصول تألیف شیخ نجم الدین خضر بن شمس الدین محمد بن صفی جیلودی معاصر
اوائل صفویه بوده است

ج - شرح فصول تألیف شیخ سلیمان بن احمد آل عبدالجبار بحرانی که در سنه ۱۲۲۶ وفات نموده است

د - شرح فصول تألیف امیر سید عبدالوهاب متکلم بن طاهر بن علی بن داود حسین استرآبادی

ه - منتهی السؤل تألیف مولی علی بن یوسف نسخه از آن در نجف موجود است (بطوریکه
در کشف الحجب مذکور میباشد)

و - شرح فصول تألیف فخر المحققین بن علامه حلی

ز - انوار الجلالیه تألیف ابی عبدالله مقداد سیوری حلی شاگرد شهید اول

۱۹ - قواعد العقاید در طهران طبع شده است شروح قواعد العقاید بقرار ذیل است

ا - شرح رازی متن و شرح در کتابخانه برلین موجود است

ب - کشف الفوائد علامه حلی نسخه از شرح و متن در کتابخانه ایا صوفیا موجود است و در سال

۱۳۰۵ بطبع رسیده است

ج - شرح القواعد تألیف سید رکن الدین ابی محمد حسن بن شرف شاه که در سال ۷۱۵ یا ۷۱۷ وفات نموده است اقتدی در ریاض العلماء مینویسد که نسخه از شرح مزبور نزد وی موجود است سپس از ابن رافع در ذیل تاریخ بغداد نقل میکند که فرزند علامه طوسی شرحی بر قواعد پدر نوشته و شرح سید رکن الدین از کتاب کشف القواعد علامه حلی مفصل تر است سید رکن الدین شرح مزبور را در ایام حیات خواجه بامر فرزند خواجه نوشته و نسخه از شرح مزبور نزد سید حسن صدر در کاشمیر موجود میباشد در کتابخانه سرای همایون اسلامبول يك نسخه از قواعد با شرح آن موجود است

۲۰ - جواهر الفرائض که بین فقهاء مشهور است و شروح کتاب مذکور عبارتند از

ا - شرح جواهر تألیف مولی ابوالحسن بن احمد شریف

ب - شرح جواهر تألیف شیخ بهائی

تعالیق بر جواهر الفرائض

ا - تعلیق شیخ عبد الصمد برادر شیخ بهائی

ب - شیخ حسین بن شیخ عبد الصمد برادر زاده شیخ بهائی

ج - عبدالله بن خلیل مؤلف رساله موارث که در سال ۱۰۰۶ تألیف شده است

۲۱ - اقسام الحکمه که نسخه آن در برلین است

۲۲ - شرح حل مشکلات الاشارات در طهران طبع شده است

تعالیق بر کتاب حل مشکلات الاشارات

ا - تعلیق عبدالرزاق لاهیجی

ب - سید ظهیر الدین میرزا ابراهیم بن قوام الدین حسین بن عطاء الله حسین همدانی که در سال ۱۰۶۶ وفات نموده است

ج - تعلیق محمد باقر بن محمد مؤمن سبزواری

د - تعلیق آقا حسین خونساری که در سنه ۱۰۹۹ وفات کرده است

ه - تعلیق سلطان العلماء معروف به خلیفه سلطان وزیر شاه عباس

و - تعلیق غیاث الدین منصور دشتکی شیرازی

ز - تعلیق قاضی محمد سعید قمی ملقب به حکیم کوچک

ح - تعلیق امیر رفیع الدین محمد بن حیدر الحسینی استاد مجلسی

ط - تعلیق میرزا عبدالله افندی صاحب ریاض العلماء

ی - تعلیق سید معز الدین بن فخر الدین مشهدی

ک - سید اسماعیل خاتون آبادی برالیهات شرح اشارات

ل - میرزا محمد بن حسن شیروانی

۲۳ - شرح رساله تنجیم نسخه از آن در پاریس است

۲۴ - رساله سی فصل در هیئت و نجوم يك نسخه از آن در وینه است

(این رساله غیر از رساله سی فصل سابق الذکر میباشد) که در طهران طبع شده است

کتب ذیل از تألیفات خواجه در کتابخانه راغب پاشا در اسلامبول موجود میباشد

۲۵ - رساله در بقاء نفس انسانی يك نسخه از آن نیز نزد دوست دانشمند

محترم میرزا ابو عبدالله زنجانی موجود و تعلیقی بروی نگاشته است

۲۶ - اسئله رکن الدین از خواجه و جواب آن سئوالات

۲۷ - جواب وسئوالات متفرقه

۲۸ - رساله در فائده ضرورت مرگ

۲۹ - رساله در بیان صدور کثرت از مبدء واحد و فصلیست در اقسام حکمت

بطور اختصار

۳۰ - فوائد ثمانیه در حکمت

۳۱ - اسئله صدر الدین قونی در جواب آن کتاب که بنام مفاوضات موسوم است

۳۲ - مکتوب خواجه به اثیر الدین ابهری

۳۳ - کلام در نفوس و قوای آن

۳۴ - سئوالات وارده از روم و جواب آن

۳۵ - رساله در امامت

(بر طبق مندرجات فهرست کتابخانه خدیوی مصر کتب مزبوره از تألیفات خواجه

و در آن کتابخانه موجود میباشد)

۳۶ - تحریر کتاب الکرة المتحرکه که اصل آن از او طویوقس بوده و ثابت بن قره

ویرا اصلاح نموده است مشتمل بر يك مقاله و دوازده شکل و نسخه آن

در کتابخانه خدیوی بتاریخ سنه ۱۱۴۶

۳۷ - تحریر کتاب المساکن که اصل آن از تاذوسیوس بوده و قسطنین اوقای

بعلبکی ویرا ترجمه نموده است مشتمل بر دوازده شکل

۳۸ - تحریر کتاب مناظر اقلیدس و ترجمه اسحق بن حنین طیب مشتمل بر ۹۵

شکل یا ۶۴ ثابت بن قره کتاب مزبور را اصلاح نموده است تاریخ نسخه ۶ رجب

سال ۱۱۴۶

۳۹ - یکصد و پنج مسئله از اصول اقلیدس تحریر خواجه طوسی بتاریخ ۲۹

ذیحجه ۱۱۴۷

۴۰ - تحریر کتاب طلوع و غروب که اصل آن از او طویوقس بوده کندی ویرا اصلاح نموده و قسطنطنیه بن لوقا ترجمه کرده است مشتمل بر دو مقاله و ۳۶ شکل تاریخ نسخه ۱۱۴۶

۴۱ - تحریر کتاب مأخوذات تألیف ارشمیدس و ترجمه ثابت بن قره مشتمل بر یک مقاله و پانزده شکل ابوالحسن علی بن احمد نسوی کتاب مزبور را ترجمه نموده است تاریخ کتابت نسخه ۱۹ جمادی الثانیه سال ۱۱۴۶

۴۲ - تحریر کتاب ظاهرات الفلك ترجمه ثابت بن قره مشتمل بر ۲۳ یا ۲۵ شکل که فقط دو شکل آن موجود است

۴۳ - تحریر کتاب جرمی النیرین و بعدیها تألیف ارسطو خس مشتمل بر ۱۷ شکل
۴۴ - تحریر کتاب مفروضات مشتمل بر ۳۴ یا ۳۶ شکل ترجمه ثابت بن قره
بتاریخ ۲۰ ج ۲ سال ۱۱۴۶

کتاب ذیل نیز از مؤلفات خواجه است

۴۵ - کتاب اثبات جوهر فارق موسوم بعقل یاعقل کل از کتب بسیار نفیسه و نسخه آن در برلین است آغاز آن انالانشک فی کون الاحکام النفسیه الی قد حکم اذهاننا

مولی جلال دوانی شرحی بر کتاب مزبور نوشته است

۴۶ - مقالات شش گانه در سال ۱۸۲۴ م در اروپا طبع شده است

۴۷ - مختصر کرات ارشمیدس ترجمه ثابت بن قره در لیدن موجود است

۴۸ - کتاب انعکاس شعاعات

۴۹ - کتاب البارع در تقویم و حرکات افلاک و احکام نجوم و بلاد در کتابخانه های برلین موجود است

۵۰ - رساله عروض بفارسی

۵۱ - رساله آداب المتعلمین در ایران طبع شده است

۵۲ - رساله در خواص جوهر و جواهر الاحجار (معروف است)

۵۳ - کتاب نقد التنزیل

۵۴ - کتاب خلاف نامه

۵۵ - رساله معینیّه در هیئت با شرح آن تألیف خواجه که هر دو نسخه آن در کاظمین موجود است

۵۶ - رساله در تحقیق صبح کاذب که آن نیز در کاظمین موجود است و تاریخ کتابت هر سه در سال ۱۰۴۰ می باشد

۵۷ - رساله خلق الاعمال

۵۸ - شرح رساله العلم شیخ علی بن سلیمان بحرانی

۵۹ - رساله در مسئله جبر و اختیار

۶۰ - کتاب الوافی فی العروض والقوافی

۶۱ - شرح التهافت در کتابخانه بشیر آغا در اسلامبول موجود است

۶۲ - کتاب تحریر المساکین در کتابخانه محمد پاشا کوپری زاده در اسلامبول موجود است

۶۶ - دوازده بند معروف خواجه در نعت و ثنای ائمه و توسل به آن ذوات مقدسه

۶۴ - کتاب نصیحت نامه اباقاخان بن هولاکو که پس از فوت هولاکو و امتناع اباقاخان از قبول سلطنت توسط خواجه تألیف شده است

۶۵ - کتاب شرح ابولونوس

از کتاب اخیر ذکری در فهرست های موجوده نبود از مدیر مجله المقتطف پانزده سال قبل مؤلف راجع بکتاب مزبور سؤال نمود بنا باظهار مشار الیه که در فصل سؤال و جواب مجله المقتطف درج شده کتاب مزبور در هشت جزء متفرق در کتابخانه های اروپا موجود است و یک جزو از آن بخط مهمل در بیروت بنظر مدیر مجله رسیده است بستانی در ماده ابولونوس از کتاب دائرة المعارف و جمال الدین قفطی در تاریخ الحکماء مینویسد ابولونوس هشت کتاب تألیف کرده هشتی مفقود شده و خواجه طوسی هفت جلد از آن تحریر نموده است

۶۶ - رساله در رمل اول آن چنین است حمد بی عدد و ستایش بلا حد حضرت موجودی را که چندین هزار اشکال مختلفه سعد و نحس از یک نقطه واحده در دایره وجود الخ

نورالدین فتح الله ابهری شرحی بر این کتاب نوشته است شرح و متن نزد شیخ ابوالقاسم بن محمود خونساری موجود می باشد

۶۷ - رساله در صلیح و تعیین آن نسخه از او در کاظمین موجود است که تاریخ کتابت او در سال ۱۰۴۰ می باشد

۶۸ - تحریر اللیل والنهار تألیف ثاودسیوس نسخه از آن در کتابخانه خوانساری در نجف است

۶۹ - جام گیتی نما... در کتاب (اکتفاء القنوع بما هو مطبوع) مذکور است که ابراهیم جعلان این کتاب را به عربی ترجمه نموده به (مختصر مقاصد حکمة فلاسفة العرب) نام نهاد و ترجمه عربی آن در سال ۱۶۴۱ میلادی در پاریس و در سال ۱۶۴۲ در آلمان بطبع رسید

۷۰ - کتاب خریده العجائب در جغرافیا نسخه از آن در کتابخانه بشیر آغا در اسلامبول موجود و باجد اول قرمزی خط کشی شده است

۷۱ - رساله کیفیت صدور اشیاء از مبده اول آن چنین شروع میشود: الحمد لله رب العالمین نسخه از این در کتابخانه ناصری طهران موجود است (۱)

۷۲ - رساله در اقل معتقدات واجبه بر مکلف مختصر آن تقریباً ۳۰ بیت است در آخر رساله خواجه طوسی بکتاب فراید العقاید خود ارجاع کرده است و ابتدای آن باین عبارت شروع میگردد ابدک الله آیهها الاخ العزيز... نسخه آن در سامرا موجود است

۷۳ - کتاب اخلاق ناصری فارسی که در واقع شرح و ترجمه کتاب طهاره الاعراق ابن مسکویه میباشد خواجه ایبانی در باب آن کتاب گفته است که مصرع اول آن این است:

بنفسی کتاباً حاز کلّ فضیلة سلطان العلماء کتاب اخلاق ناصری را تلخیص نموده و بطوریکه در دیباچه کتاب بعد تصریح کرده از روی تقیه خطبه آن را تغییر داده است بهر حال ابتدای کتاب چنین شروع میشود: حمد بی حد و مدح بی عد...

کتاب اخلاق ناصری کراراً در هند و ایران بطبع رسیده است و اخیراً در سال ۱۳۲۰ با کتاب اوصاف الاشراف طبع شده است

عبدالرحمن بن عبدالکریم بن عباس برها پوری بنام سلطان محمد عالم اکبر شاه کتاب اخلاق ناصری را شرح نموده است شرح مزبور مشتمل بر دو قسمت است قسمت اول در شرح لغات کتاب و حل آن قسمت دوم در تفسیر آیات و احادیث و گفتار خلفاء را شریک و حکماء و متکلمین و شعرائی که مؤلف ذکر نموده است شش نسخه خطی بسیار نفیس از این کتاب در کتابخانه سلطنتی طهران موجود است

(۱) احتمال میرود باینکه رساله مسطوره با رساله که در تحت نمره ۲۸ متحد باشد

۷۴ - کتاب التجرید در هندسه در کشف الظنون مذکور است که خواجه نصیر کتاب التجرید را برای سید ابی الحسن مطهر بن ابوالقاسم تألیف و اهداء نمود و در آخر آن کتاب مذکور شده که خواجه نصیر کتابی بنام البلاغ در شرح اقلیدس تألیف نموده است

۷۵ - تحریر اصول الحساب والهندسه تألیف اقلیدس نسخه از آن موجود است که در ۲۲ شعبان ۶۴۶ تحریر شده است این کتاب بتاریخ ۱۲۹۲ در تهران و ۱۶۵۷ میلادی در لیدن و ۱۲۱۶ هـ در اسلامبول بطبع رسیده است شش مقاله این کتاب در کلکته بتاریخ ۱۸۲۶ نسخه دیگر با شرح و حواشی در لکنهو بطبع رسیده است نسخه خوش خط آن بقلم فارسی در کتابخانه خدیوی موجود است

۷۶ - کتاب البلاغ در شرح اقلیدس باید دانست که این کتاب غیر از تحریر معروف خواجه میباشد چنانچه در آخر کتاب التجرید فی الهندسه خواجه طوسی اشاره بتألیف البلاغ نموده و در کشف الظنون نیز نام البلاغ مذکور است نسخات البلاغ در کتابخانههای اسلامبول موجود میباشد

۷۷ - تحریر اصول اقلیدس (غیر از تحریر معروف خواجه است) در سال ۱۵۹۴ با حروف سربی در ایتالیا طبع شده است

مؤلفات خواجه بالسنه فارسی و عربی و ترکی ترجمه شده و قسمت جغرافیائی و هیئت تألیفات معظم له بزبان لاتینی ترجمه گشته و در سال ۱۶۵۲ میلادی در لندن بطبع رسیده است بروکلمن در جزو دوم کتاب خود از تألیفات مزبوره به تفصیل ذکر نموده است

کتاب اثبات لوح محفوظ نیز بخواجه نسبت داده شده است ولی در کشف الحجب مذکور است که کتاب اثبات لوح محفوظ با کتاب اثبات الجوهر الفارق سابق الذکر متحداً تألیف شده است... جرجی زیدان در ج ۳ تاریخ آداب اللغة العربیه ص ۲۲۴ بخواجه نسبت تألیفاتی در طب و سحر داده است...

اشعار خواجه

مؤلف (۱) تاریخ طوس بعضی از اشعار خواجه را در ضمن حالات وی ذکر نموده رباعی ذیل در

(۱) محمد حسن خان صنیع الدوله در ج ۲ مطلع الشمس در تاریخ ارض اقدس منطبعه ایران

تذکره هفت اقلیم از خواجه نقل شده است

ای بیخبر این شکل مجسم هیچ است

خوشباش ۵ در نشیمن کون و قساد

وین دایره سطح مجسم هیچ است

نو بسته یکسمی و آن دم هیچ است

خاندان صاحب دیوان

مقدمه

خاندان صاحب دیوان از خانواده های شرافتمند دانش پرور مشهور ایران بوده و رجال این طایفه در خدمت سلاطین سلجوقی خوارزمشاهی و مغول بخدمات مهمه اشتغال داشتند چون غالب افراد این خاندان دارای منصب صاحب دیوانی بوده (مستوفی الممالک سابق و وزیر مالیه فعلی ایران) لذا بصاحب دیوانی شهرت یافتند اگر چه عده از آنها مانند شمس الدین و دویسرش شرف الدین و بهاء الدین و برادرش عطا ملک برتبه وزارت و امارت نیز نایل گشتند (۱) چنانکه شرح حال آنها ذکر خواهد شد باری بطوریکه ذهبی در کتاب تاریخ اسلام موجود در موزه بریتانی (۲) لندن ذکر نموده نسب این خاندان بفضل بن ربیع حاجب خلفای عباسی منتهی میگردد هر چند نسب فضل بن ربیع شخصاً مطعون و بعقبه بعضی از مورخین مشارالیه مجهول الالب و گمشته بوده است و این طبعی در کتاب آداب سلطانی (۳) انتساب عطاء ملک را بفضل بن ربیع انتقاد نموده است بهر حال صاحب دیوان محمد بن علی معاصر سلطان نکش خوارزمشاهی (۴) جد سوم خواجه شمس الدین محمد و برادرش عطاء ملک از رجال نامی آن خانواده است دیگر منتجب الدین بدیع کاتب مؤلف مشهور که شرح حالش در جلد اول لباب الالباب (۵) عوفی مذکور میباشد منتجب الدین دائی بهاء الدین فوق الذکر و رئیس دیوان سلطان سنجر سلجوقی بوده است دیگر از رجال مشهور خانواده صاحب دیوان شمس الدین محمد بن محمد بن علی جد اول خواجه شمس الدین است که نزد سلطان محمد خوارزمشاه تقریبی داشته و رئیس دیوان وی بوده است موقعیکه سلطان محمد خوارزمشاه در سال ۶۱۷ از یم مغول از بلخ به نیشابور فرار کرد شمس الدین نیز در خدمت (۶) او بود دیگر از افراد مهم آنها بهاء الدین محمد بن محمد والد خواجه شمس الدین و عطاء ملک است که مدت سی و پنج سال تمام از زمان فتوحات چنگیز تا ورود هولاکو بایران ملازم امراء مغول بود و آنان در بلاد غربی امارت و حکومت داشتند سپس بهاء الدین بحکومت خراسان و مازندران تعیین گشته و ریاست دیوان را عهده دار شد و در نزد او کتای قان تقریباً تام یافت تا آنکه در سنه ۶۵۱ در اصفهان وفات نمود بهاء الدین شخص فاضلی بوده بهر بی و فارسی شعر میگفت و اشعار آن در تاریخ جهانگشای و تاریخ و صاف و کتاب شرف ایوان البیان در شرف خاندان صاحب دیوان تألیف قاضی نظام الدین اصفهانی به طور متفرق مذکور است (۷)

(۱) مقدمه تاریخ جهانگشای ص ۱ یا ج ۱ (۲) از مقدمه تاریخ جهانگشای (۳) ص ۱۲۹ قاضی نورالله در مجالس المؤمنین و هدایت در مجمع الفصحاء نسب این خانواده را با امام الحرمین ابی المغانی جوینی میرسانند و منشاء این اشتباه جوینی بودن هر دو خانواده است (۴) جهانگشای ص ۶۹ (۵) ۷۸-۸۰ طبع لیدن (۶) حبيب السیر ج ۳ در ترجمه حال خواجه شمس الدین محمد و جهان گشای ۱۳۴ ج ۱ (۷) مقدمه تاریخ جهانگشای بط و کا

وزراء و امراء آل جوین مؤلفین و مصنفین را باتواع جوایز و صلات گرامی داشته و میتوان خاندان مزبور را مرکز مؤلفین عصر خود دانست ذمبی در تاریخ الاسلام مینویسد هر مؤلفی که بنام آل جوین کتابی تألیف مینمود ویرا هزار دینار جایزه میدادند هینکه آباخان وارد بغداد شد خاندان جوین برای مقدم او جشنی ترتیب داده و هزار جایزه بین ادباء تقسیم کردند کتب بسیاری درباره آل جوین تألیف گردیده و قوافی مخصوصی در اشعار مدیحه آنان سرانیده شده است قاضی نظام الدین اصفهانی در کتاب شرف ایوان البیان راجع بشفاف خاندان صاحب دیوان مدایح و اشعار آل جوین را جمع آوری نموده است نسخه از کتاب مزبور در کتابخانه ملی پاریس موجود میباشد

وزراء آل جوین

۱- خواجه شمس الدین محمد بن بهاء الدین محمد بن محمد بن

Shams-ed-Din

محمد بن علی بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن علی بن

محمد بن احمد بن اسحق بن ایوب بن فضل بن ربیع جوینی

ذهبی در کتاب تاریخ اسلام از قول عبد الرزاق غوطی مؤرخ مشهور نسب

آل جوین را بطریق مذکور نوشته است.

خواجه شمس الدین محمد از وزراء نامی دانشمند و از سنه ۶۶۱ تا ۶۸۳ بوزارت (۱)

هولاکو و دویسرش آباقا و تکودار معروف بسلطان احمد اشتغال داشت و در تمام این

مدت دارای جاه و جلال (۲) بسیار بوده شرح حالش در کتب تاریخی مفصلاً مذکور است

شمس الدین بطوریکه ذکر شد مرد دانش پرور با فضلی بوده علماء و دانشمندان

را گرامی میداشت سمرقندی در تذکره (۳) خود مینویسد که شمس الدین مشغول

تألیف کتابی راجع بشرح شمس در علم منطق بود و کتاب شمس را بنام وی تألیف

کرده بودند اما قبل از اتمام کتاب کشته شد خواجه نصیر طوسی رساله معروف

باوصاف الاشراف فارسی در سیر و سلوک اهل طریقت بنام او برای خواجه شمس الدین

تألیف کرده و شیخ سعدی شیرازی قصاید بسیاری در مدح او گفته است

قتل شمس الدین و اولادش

فخر الدین قزوینی مستوفی نزد ارغو خان سعایت نمود و خواجه شمس الدین

را به تهیه سم برای قتل آباخان متهم کرد و ارغو خان در ۴ شعبان ۶۸۳

(۱) مقدمه جهانگشای ص ۲ مقدمه جهانگشای (۳) ۱۰۵ چاپ لیدن

هجری در حوالی اهر از توابع قرجه داغ آذربایجان شمس الدین را بقتل رسانید و پس از اندک زمانی چهار پسر وی یحیی و فرج الله و مسعود و اتابک نیز کشته شدند و در سال ۶۸۸ علی بن بهاء الدین بن شمس الدین نواده خواجه درکاشان بقتل رسید و قبر او زیارتگاه عمومی بوده است در آخر سلطنت کیخاتو پسر شمس الدین محمود از ترس و بیم بمرض خفقان در گذشت و همان موقع منصور بن علاء الدین عطاء الملک را از حله به بغداد آورده در آنجا کشتند (۱) از اولاد شمس الدین فقط پسرش زکریا سالم ماند و بقیه هلاک شدند صاحب تاریخ و صاف در سال ۶۹۲ هجری در چرنداب تبریز قبور شمس الدین و برادرش عطاء ملک و هفت نفر دیگر از آنها را زیارت نموده است (۲) ادباء و شعراء بالسنه مختلفه شمس الدین را مرتبه گفته اند و شیخ سعدی شیرازی در این باب میگوید

در ماتم شمس از شفق خون بچکید مه روی بکند و زهره کیسو ببرد
شب جامه سیاه کرد دران ماتم و صبح برزد نفسی سرد و گریبان بدرید
سمرقندی در تذکره خود این ابیات را از نظام التواریخ بیضاوی نقل نموده است

۲ - شرف الدین هرون بن شمس الدین محمد جوینی

Sharaf-ed-Din

از افاضل عصر خویش بود و مخصوصاً در فن موسیقی مهارت داشت استاد صنی الدین عبد المؤمن بن یوسف بن فاخر ارموی از موسیقی دانهای معروف شاگرد وی بوده و رساله (۳) شرفیه را بنام او تألیف کرد که فعلاً در کتابخانه ملی پاریس موجود میباشد شرف الدین سیده رابعه نبویه دختر ابوالعباس احمد بن مستعصم آخرین خلیفه عباسی را با صدق صد هزار دینار تزویج کرد عبدالله ملقب بمأمون احمد ملقب بامین و زبیده فرزندان خواجه شرف الدین از بطن رابعه مذکوره میباشد شرف الدین بسعایت خواجه فخرالدین قزوینی پسر عموی حمدالله مستوفی قزوینی صاحب تاریخ گزیده در جمادی الاخره ۶۸۵ بامرار غون بن آباقا بقتل رسید زوجه اش رابعه نیز همان روز در گذشت بنا بقول و صاف و ابن تغری در جلد سوم از کتاب منهل صافی موجود در کتابخانه (۴)

(۱) تاریخ و صاف ۱۴۰ - ۱۴۳ و تاریخ گزیده ۵۸۶ (۲) جامع التواریخ خطی (۳) مقدمه تاریخ جهانکتاب و تاریخ و صاف ۶۰ - ۶۵ (۴) تاریخ گزیده ۵۸۷ و مقدمه تاریخ جهانکتاب

ملی پاریس هیچکدام از زوج و زوجه از قتل و وفات خود خبردار نشدند
۳ - خواجه بهاء الدین محمد بن شمس الدین محمد جوینی

Baha-ed-Din

در زمان آباکان خان حکومت اصفهان و عراق عجم باوی بود و بتاریخ ۶۷۸ در حیات پدر وفات کرد بهاء الدین به هیبت و شدت خوی معروف بوده (۱) معذک در فضل و دانش نیز مشهور میباشد ادباء و فضلاء از اطراف بنزد وی گرد میامدند حسن بن علی طبرسی کتاب معروف بکامل بهائی را در امامت بنام وی تألیف نمود این کتاب در بمبئی بطبع رسیده است محقق نجم الدین جعفر بن حسین بن یحیی هذلی کتاب المعبر فی شرح المختصر را برای بهاء الدین تألیف کرد از کتاب مزبور در قسمت عبادات تاحج و مختصری از تجارات در دست میباشد و در مقدمه کتاب پاره مطالب اصولی ذکر شده است خواجه طوسی کتاب شرح ثمره بطامیوس یا ترجمه انرا بطوریکه در دیباچه کتاب ذکر نموده برای بهاء الدین تألیف کرده است (۲) قاضی نظام الدین اصفهانی در پاره اشعار خود دراجع بمدح آل محمد ذکری از بهاء الدین نموده است از انجمله

قُلْ لِلنَّوَّاصِبِ كُفُوٌ لِأَبَائِكُمْ لِشِيعَةِ الْحَقِّ يَا بَنِي اللَّهِ تَوْهِينَا
أَعَادَ أَهْلُ مَلُوكِ التُّرْكِ رَوْقَهُمْ وَزَادَهُمْ بِبَهَاءِ الدِّينِ تَمَكِينَا
يَرَى عَلِيًّا وَلِيَّ اللَّهِ مَدْحَرًا لِلْحَشْرِ أَوْلَادَهُ الْغُرَّاءَ الْمَيَامِينَا

باری بهاء الدین قبل از سی سالگی بعزت سکنه وفات نمود ادباء بالسنه مختلفه ویرا مرتبه گفته اند از انجمله پدرش شمس الدین سروده است

فرزند محمد ای فلک هندویت بازار زمانه را بهایک مویت
در حسرت قدالفت پشت پدر خم گشته بر مثابه ابرویت (۳)

(۱) تاریخ و صاف ۶۰ - ۶۶ (۲) بصفحه ۶۰ از این جزء مراجعه شود (۳) تذکره

۴ - صاحب الدیوان خواجه علاء الدین عطا ملک

Alaa-ed-Din

بن بهاء الدین محمد برادر خواجه شمس الدین سابق الذکر مؤلف تاریخ جهانگشای وزیر آباقا خان بطوریکه نویری در نهایت الارب نوشته

در سنه ۶۲۳ متولد شد و در ۶۸۰ وفات نمود (۱)

ذهبی در تاریخ الاسلام (۲) مینویسد در زمان سلطنت آباقا خان عطاء ملک و برادرش شمس الدین به منتهای جلال و عظمت رسیده امور حل و عقد مملکت بدست آنها اداره میگردد و در سال ۶۸۰ مجد الملک عجمی به بغداد آمد صاحب دیوان ویرا دستگیر نموده مغلول کرد اموالش مصادره گردید و کسائن بامر صاحب دیوان گرفتار شدند همینکه منکو نمر از شام مراجعت کرد علاء الدین را با خود به همدان برد و در همانجا آباقا خان و منکو تملوفات نمودند و در ایام ملک احمد روزگار علاء الدین بخوشی گذشت اما همینکه ارغون بن آباقا بسطنت رسید در صدد ایذاء دو برادر برآمد و آنان از ترس وی پنهان شدند تا آنکه علاء الدین پس از یک ماه پنهانی در گذشت و ملک لور یوسف از ارغون برای خواجه شمس الدین امان نامه دریافت نموده و خواجه را بحضور ارغون خان برد ارغون با وی خیانت نموده او را بقتل رسانید و حکومت عراق را به سعد الدین عجمی و مجد الدین بن اثیر و امیر علی جکینان واگذار کرد اما بفاصله یکسال ارق وزیر ارغون هر سه نفر را از پای در آورده بقتل رسانید

بهر حال علاء الدین و برادرش از بزرگان رجال سخی الطبع خیر خواه عادل مهربان بوده اند علاء الدین در حدود سال ۶۶۰ بعد از عماد قزوینی بحکومت عراق معین شد با رعایا به مهربانی و حسن سلوک رفتار نمود قسمتی از مالیات آنرا بخشید و در نتیجه قراء و قصبات آباد گردید علاء الدین نهری از فرات حفر نمود که مبدء آن انبار و به نجف اشرف منتهی میگردد و یکصد و پنجاه قریه در کنار آن نهر بناء نمود پاره از مورخین در باره وی مبالغه نموده گفته اند در ایام حکومت وی آبادی بغداد بهتر از دوره خلفا بوده است صقاعی در ضمن کتاب ذیل ابن خلکان (۱) و (۲) از مقدمه جهانگشای قبح و قیو ابوالفداء نیز در حوادث سال ۶۸۰ ذکر نموده است

مینویسد همینکه مجد الملک علاء الدین را دستگیر و مغلول نمود مشار الیه این اشعار را انشاء کرد

لَا تَيَاسَنَّ لِمَا جَرَى قَالَتْ خَيْرُ فِيهِ لَعَلَّه
قَدْ كَانَ عَبْدًا آيَقًا يَعْصِي إِلَّا لَهُ قَوْلَهُ (۱)

وفات علاء الدین

همینکه تکه دارین هولاکو معروف بسططان احمد جلوس نمود بین او با پسر برادرش ارغون بن آباقا نزاعی واقع شد و ارغون خان از تقرب و منزلت علاء الدین و شمس الدین نزد تکه دار غضبناک گردید بعلاوه عدّه علاء الدین را به مسموم نمودن آباقا خان متهم کردند (۲) تا آنکه ارغون در سال ۶۸۱ به بغداد آمد و از علاء الدین بقایای مالیات زمان آباقا خان را مطالبه کرد و خواص یاران علاء الدین را دستگیر نمود از آنجمله نجم الدین اصغر یا اصغر از خواص علاء الدین چند روز قبل از ورود ارغون به بغداد وفات نموده بود ارغون فرمان داد قبرش را نبش نموده و جسدش را در کوچه انداختند همینکه علاء الدین این مطلب را شنید از شدت تأثر صداعی بروی عارض گشته فوراً وفات نمود ۴ ذیحجه ۶۸۱ (۳) وفات علاء الدین در شهر مغان اتفاق افتاده و جسدش را بتبریز نقل نموده و در مقبره چرنداب دفن کردند سلطان احمد خواجه هرون برادر زاده شمس الدین را بحکومت بغداد بجای علاء الدین ارسال نمود (۴) علاء الدین از بزرگان اهل فضل و کمال بوده کمال الدین مینم بن علی بن مینم بحرانی متوفی در سال ۶۷۹ کتاب شرح نهج البلاغه را بنام وی تألیف کرده قاضی نظام الدین اصفهانی کتاب شرف ایوان البیان فی شرف بیت صاحب الدیوان که نسخه از او در کتابخانه ملّی پاریس موجود است برای وی تألیف کرده همچنین شمس الدین محمد بن نصر الله بن رجب معروف به ابن صیقل جزری مقامات زینبیه که عبارت از پنج مقامه است و بطرز مقامات حریری ترتیب داده شده برای علاء الدین وضع کرده و از او هزار دینار طلا جایزه دریافت داشته است... شیخ سعدی شیرازی و

(۱) تاریخ و صاف ۱۱۹ و از نهایت الارب نویری از مقدمه جهانگشای صفحه نط (۲) تاریخ و صاف ۱۱۹ و جامع التواریخ و این اصح اقوال است در تاریخ وفات او (۳) تذکره سمرقندی ۱۵۷

[۴] جامع التواریخ و ابوالفداء در حوادث سال ۶۸۰

خواجه هماد الدین تبریزی اورا بانواع مدایح مدح کرده اند

آثار علمی علاء الدین

۱ - کتاب تاریخ جهانگشای مشتمل بر وقایع مهمه تاریخ مغول و خوارزمشاهیان و اسماعیلیه که مؤلف عیناً شاهد قضیه بوده یا از اشخاص موثق بلا واسطه شنیده است علاء الدین از کتب اسماعیلیه استفاده بسیار نمود چه کتابخانه آنان در الموت بامر هولاکو تحت اختیار وی گذارده شد از آنجمله کتابی موسوم به (سرگشت سیدنا) راجع بحالات حسن صباح در دست علاء الدین افتاد و شرح حال حسن را از آن کتاب بطور خلاصه در جلد سوم جهانگشا نگاشته است رشیدالدین فضل الله در جلد دوم جامع التواریخ این قضیه را بتفصیل ذکر مینماید باری کتاب تاریخ جهانگشای مورد اعتماد و وثوق مشاهیر مؤرخین میباشد از آنجمله عبدالله بن فضل الله شیرازی صاحب تاریخ و صاف خلاصه از مجلدات جهانگشای ترتیب داده و بمجلد چهارم الحاق نموده است ۶۰۰ - ۷۲۸ رشیدالدین فضل الله وزیر غازان خان و اولجائیو کلیه مواد جهانگشایرا در کتاب جامع التواریخ خود درج نموده است کتاب مزبور در حدود سنه ۷۱۰ تألیف شده است

ابوالفرج غریغور موسی بن هرون طبیب ملطی معروف بابن عبری متوفای در سنه ۶۸۵ ساکن مراغه در تاریخ عمومی خود بزبان سریانی و تاریخ مختصر الدول بعربی از کتاب تاریخ جهانگشای نقل و اقتباس مینماید

ابن طباطبای معروف بابن طقطقی در کتاب خویش موسوم به فخری و احمد بن یحیی بن فضل الله کاتب دمشق در کتاب مسالك الابصار از مندرجات تاریخ جهانگشای نقل نموده اند کتاب مسالك الابصار مشتمل بر بیست مجلد در کتابخانه ملی پاریس موجود میباشد ... باری کتاب تاریخ جهانگشای مشتمل بر سه مجلد است

(۱) در عادات و رسوم مغول و قوانین موضوعه چنگیز خان معروف بیاسای چنگیزی و تاریخ چنگیز و خروج وی و فتوحات او در ممالك ایغور و در اینجا شرحی راجع بتاریخ و عوائد و رسوم اقوام ایغور نیز ذکر مینماید سپس بطور تفصیل از فتوحات چنگیز در ماوراء النهر و ایران ذکر نموده شرح خرابی و قتل و غارت مغول

و انقراض خوارزمشاهیان و غیره را تا زمان مرگ چنگیز بیان میکنند ۶۱۵ - ۶۲۴ بعد از آن بذکر حوادث تاریخ سلطنت او کتای قان بن چنگیز ۶۲۶ - ۶۳۹ و سلطنت توراکینا خاتون و سلطنت کیوک خان پرداخته و در تاریخ توش خاتمه مییابد

۲ - در تاریخ خوارزمشاهیان ملوک قراختای گور خانیان و پادشاهان افراسیابی ایلک خانی آل خاقان شرح حالات حکام و امراء مغول از عهد او کتای قان تا ورود هولاکو بایران ۶۲۶ - ۶۵۳

۳ - در شرح تاجگذاری و جلوس منکوقاء ان بن تولی بن چنگیز خان ۶۴۹ و پاره وقایع اوایل سلطنت وی و تفصیل حرکت هولاکو بایران (۶۵۳) و انقراض اسماعیلیه و تاریخ ملوک اسماعیلیه در الموت و شرح مذاهب آن که از سنه ۶۵۰ یا ۶۵۱ تا ۶۵۸ تألیف این قسمت انجام یافته است

از کتاب تاریخ جهانگشای نسخه های بسیاری در موزه های اروپا موجود است که مهمترین آن هفت نسخه مختلفه در کتابخانه ملی پاریس است شیخ محمدخان قزوینی معاصر هفت نسخه مزبوره را مطالعه نموده و در موقع طبع تاریخ جهانگشای مقدمه و شرحی بر آن نگاشته و در تصحیح آن اهتمام نموده است (بکتاب تاریخ جهانگشای جلد اول منطبعه لیدن در سال ۱۳۲۹ هـ مراجعه شود) مانیز قسمتی از حالات آل جوین (۱) را از کتاب مزبور اقتباس نمودیم بصفحه (د - تکو) مراجعه شود

۲ - دیگر از مؤلفات علاء الدین رساله موسوم به تسلیه الاخوان میباشد کتاب مزبور مشتمل بر ذکر مصائب و محنی است که بسعایت مجدالملک بر علاء الدین وارد آمده و آن کتاب در حدود سنه ۶۸۰ موقعیکه آباقان ویرا از حبس رها نمود تألیف گردید

۳ - رساله که مؤلف آن معلوم نیست و ظاهراً تمه رساله تسلیه الاخوان (۲) است تا موقع جلوس سلطان احمد و قتل مجدالملک یزدی میباشد کتاب مزبور شش ماه قبل از مرگ علاء الدین تألیف شده است و دو نسخه آن در کتابخانه ملی پاریس موجود است

(۱) مقدمه جهانگشا ص ۷۷ و ۷۸ (۲) نیز ص ۷۸

خواجه سعد الدین آوی

Saad-ed-Din

بعد از شهادت خواجه صدرالدین احمد زنجانی غازان خان سعدالدین آوی را بامشارکت خواجه رشیدالدین آوی بوزارت تعیین نمود پس از مرگ غازان در سنه ۷۰۶ سلطان محمد خدا بنده جانشین وی هر دوی آنها را بوزارت باقی گذارد اتفاقاً نزاعی بین سعدالدین و رشیدالدین در گرفته سعدالدین باعده از همراهان نزد خدا بنده از رشیدالدین شکایت نمود خدا بنده شخصاً مطلب را تحقیق نموده بی گناهی رشیدالدین بروی ثابت گشت لذا بر سعدالدین متغیر شده ویرا معزول و اموالش را مصادره کرد بهر حال سعدالدین در ترویج مذهب شیعه و تکریم علماء اهتمام بلیغ داشت علامه حلی رساله سعدیه را بنام او تالیف کرد نظام الدین اعرج نیشابوری شرح محسطی را برای وی ترتیب داده است (۱)

خواجه علاء الدین فریومدی

Alaa-ed-Din

از رجال نامی خراسان در زمان سلطان ابوسعید بمقام وزارت نایل گشت صحن مقدس حضرت رضا و دو مناره و چندین بنای عالی در آن روضه مبارکه بنا نمود پس از مرگ ابوسعید عبدالرزاق سر سلسله امراء سربداریه با هفتصد نفر از همراهان بر وی خروج نمود پسر خواهر علاء الدین را شبانه کشته و در روز جسدش را تیر باران کرد علاء الدین خواجه جلال الدین را با هزار نفر بجنگ وی اعزام داشت در خارج قریه مغیثه بین جلال الدین و عبدالرزاق جنگ مفصلی روی داد بالاخره عبدالرزاق غالب شده اتباع جلال الدین فرار نمودند و خودش در قریه دلآباد از توابع کوهبار کبود بتاريخ ۷۳۷ کشته شد عبدالرزاق خزاین و اموال علاء الدین را غارت کرد و از راه باشین مراجعت کرده شهر سبزوار فتح نمود از این به بعد کارش بالا گرفت (۲) تفصیل این قضایا ضمن حالات ملوک سربداریه کاملاً مذکور شد بمجلد حالات ملوک از این کتاب مراجعه شود

(۱) و (۲) از مجالس المؤمنین و تذکره سمرقندی و رحله بن بطوطه نقل شده است

فصل دوم

وزرای شیعه

که در دربار های موافق مذهب و سیاست خود وزارت نموده اند

۱- وزراء آل بویه در عراق

مقدمه

شیعه امامیه از دیر زمانی در ایران و عراق و آذربایجان و موصل و شام و هند حکومت ها و سلطنت های مستقل یا نیم مستقلی تشکیل داده اند که شرح حال سلاطین و فرمانروایان آن در قسمت سلاطین این کتاب مطبوعه طهران ذکر شده است نخستین دولت مهم شیعی در ایران که محتاج به تعیین وزراء و تشکیل دوائر بوده ابتداء دولت آل بویه سپس صفویه و زندیه و افشاریه (این دو قسمت اخیر وزراء مهمی نداشته اند) و قاجاریه بوده اند اگر چه حکومت های نیم مستقل دیگری مانند چوپانیان ایلخانیان آل جلایر قره قونلو در آذربایجان سربداریه در سبزوار و خراسان و مرعشیه در طبرستان و کار کیا در گیلان و آل المشعشع در خوزستان و بنی شاهین در بطیحه بین واسط و بصره و بنی مزید در حله و بنی عقیل در موصل و بنی حمدان در حلب و شام و عادلشاهیان در پیچاپور و نظامشاهیان در احمد نگر و قطبشاهیه در حیدر آباد تاسیس و تشکیل یافته اند ولی نظر بعدم اهمیت و دوام آنان یا نبودن وزراء نامی دانشمند در دربار سلاطین مزبور عیناً بشرح حال وزرای چهار دولت سابق الذکر میردازیم

آل بویه یا دیاله از سنه ۳۲۵ تا ۴۴۷ حکومت نموده اند آثار مادی و ادبی این طایفه در ترویج مذهب امامیه در عراق و ایران و تقویت آنها از دولت فاطمی مصر و حکومت حمدانی شام و حلب در جزء اول از تاریخ سیاسی این کتاب شرح داده شد و شرح حالات ملوک آل بویه با خلاصه حوادث زندگانی آنان در جلد دوم این کتاب ذکر شده است (از صفحه ۵ تا ۲۱)

آل عمید

۱- سر سلسله این خاندان حسین بن محمد

ملقب به عمید وزیر مرداوینج میباشد

Amid

عمید و پسرش ابو الفضل بن عمید وزارت رکن الدوله بن بویه را نموده است عماد الدوله بن بویه به مساعدت عمید مذکور از دست مرداوینج رهائی یافت بدین ترتیب که مرداوینج بن زیار حکومت کرج و سایر نواحی آن بلده را به عماد الدوله و عده از سرکردگان سپاه واگذار نمود عماد الدوله بسمت ری حرکت کرد پس از عزیمت

عماد الدوله مرداوینج از کرده خود پشیمان شده به برادر خویش وشمیکیر بن زیار حاکم ری مرقوم داشت که عماد الدوله و سایر سرکردگان را توقیف نماید این مکتوب موقع مغرب به عمید وزیر در ری رسید عمید نظر بسابقه مودت با عماد الدوله قضیه را سرّاً باو خبر داده مشار الیه فوراً با یاران راه بسمت کرج حرکت نمود و فردای آروز مراسله را به وشمیکیر ارائه دادند وشمیکیر در صدد برآمد که عدّه را به تعاقب عماد الدوله اعزام دارد ولی عمید وشمیکیر را از وخامت وضعیت هراسانیده از این خیال باز داشت تفصیل این وقایع در شرح حالات عماد الدوله مذکور گردید (۱)

۲ - ابو الفضل محمد بن حسین عمید بن محمد وزیر حسن بن بویه
Abol-Fasl-Mohamed.

پدر عضد الدوله بوده است ابن عمید در علم نجوم و فلسفه تتبع کامل داشت و در علم انشاء از استادان معروف است ثعالی درباره وی مینویسد که انشاء به عبد الحمید شروع گشته و باین عمید خاتمه مییابد در ادبیات نیز سرآمد اقران بود شعراء نامی قصاید بسیار در مدح وی سروده اند از آنجمله متنبی است که سه هزار دینار برای یک قصیده راثیه از ابن عمید دریافت نمود وزیر مذکور در علوم متقدمه بهره وافر داشته و متنبی در یکی از اشعار خویش بدین قسمت اشاره مینماید

مَنْ مُبْلَغُ الْأَعْرَابِ أَنَّى بَعْدَهَا شَاهَدْتُ رِسْطَ الْيَسْرِ وَالْأَسْكَندَرَا
صاحب ابن عباد و ابن عمید با یکدیگر معاصر و الفت نامی داشته اند شعار ذیل را صاحب ابن عباد بمناسبت ورود ابو الفضل باصفهان سرانیده است .

قَالُوا رَبِّعُكَ قَدْ قَدِمَ قُلْتُ الْبَشَارَةُ أَنْ سَلِمَ
أَهْوَالُ الرَّبِّيعِ أَخْوَالُ الشِّتَاءِ أَمَ الرَّبِّيعِ أَخْوَالُ الْكَرَمِ
قَالُوا الَّذِي يَنْوَالُهُ أَمِنَ الْمَقِيلُ مِنَ الْعَدَمِ

(۱) صفحه ۶ - ۸ از مجلد ملوک امامیه منطبعة تهران مراجعه شود .

قُلْتُ الرَّئِيسُ بْنُ الْعَمِيدِ إِذَا فَقَالُوا لِي نَعَمْ

نثر و نظم ابن عمید

کلمات ذیل از قصار ابن عمید ذیلاً درج میشود :
خَيْرُ الْقَوْلِ مَا أَغْنَاكَ جَدُّهُ وَ الْهَاكُ هَزْلُهُ . . . الرَّتْبُ لَا يُبْلَغُ إِلَّا بِتَدَرُّجٍ
وَتَدَرُّبٍ وَلَا تُدْرِكُ إِلَّا بِتَجَشُّمٍ كَلْفَةٍ وَ تَعَصُّبٍ . . . الْمَرْءُ أَشْبَهُ شَيْئًا بِزَوَانِهِ
وَ صِفَةُ كُلِّ زَمَانٍ سَجِيَّةٌ مِنْ سَجَايَا سُلْطَانِهِ . . . الْمَرْءُ يَبْذُلُ مَالَهُ فِي إِصْلَاحِ
أَعْدَائِهِ فَكَيْفَ يَذْهَبُ الْعَاقِلُ عَنْ حِفْظِ أَوْلِيَائِهِ . . . هَلْ السَّيِّدُ إِلَّا مَنْ
تَهَابَهُ إِذَا حَضَرَ وَ تَعْتَابَهُ إِذَا دَبَّرَ

اشعار مندرجه ذیل را ابن عمید به ابو الفرج بن هند که از مشاهیر ادبای معاصر وی بوده در صبح دامادی ادیب مزبور نگاشته است

إِنِّمَ أَبَا حَسَنِ صَبَاحًا وَ أَزْدَدَ بِنَوْجِيكَ ارْتِيَا حَا
قَدْ رَضْتَ طَرَفَكَ خَالِيًا فَهَلْ اسْتَبْنَتْ لَهُ جَمَا حَا
وَقَدَحْتَ زَنْدَكَ جَاهِدًا فَهَلْ اسْتَبْنَتْ لَهُ انْقِدَا حَا
وَ طَرَقْتَ مُنْغَلِقًا فَهَلْ هَيَّا إِلَاهُ لَهُ أَنْفِثَا حَا

مقداری از نظم و نثر ابن عمید در جزء سوم یتیمه الدهر ثعالی مندرج است و از او دیوان شعری با مجموعه نثر بما تا بحال نرسیده است
ابو حیان توحیدی در هجو و انتقاد صاحب بن عباد و ابن عمید کتابی موسوم به مثالب الوزيرین تألیف نموده و با نهایت بی انصافی شرحی از نقایص و عیوب مشار الیهما مذکور داشته است ابن خلکان در باره کتاب فوق معتقد است که از کتب منحوسه بشمار میرود زیرا هر کس مالک وی شده سریعاً دچار پریشانی و بدبختی گردیده است (۱)

(۱) این عقیده ابن خلکان موهوم است و علت طبیعی ندارد زیرا که مالکین کتابهای ردود و انتقادات بر کتابهای آسمانی و دینی و مذهبی یشمارند و دچار پریشانی و بدبختی نگردیده اند

وفات ابن عمید

بنا بروایت ابوالحسن هلال بن اسحاق صابی وفات ابن عمید در اثر مرض نفرس و قولنج در ماه محرم ۳۵۹ هجری اتفاق افتاد و بعقیده (۱) بعضی در سنه ۳۶۰ بوده است کتاب تاریخ ابن عمید که جزو کتب موجوده در کتابخانه اسلامبول است منسوب بمومی الیه و ممکن است از تألیفات وی بوده باشد (۲)

۳ - ابو الفتح ذوالکفایتین علی بن محمد بن عمید وزیر رکن الدوله

Abol-Fath Ali

درنسخه السحر (۳) مذکور است که پس از فوت ابن عمید پسرش ابوالفتح بوزارت رکن الدوله نایل شد ابوالفتح مانند پدر از ادباء دانشمندان نامی بوده بلکه مشبه بر مشبه به برتری داشته است و در استقامت رأی نمونه از اخلاق والد خویش بوده حصری اندلسی شعر ذیل درباره وی تمثل نموده

فَكَانَ الْمَيِّتَ حَيًّا غَيْرَ أَنَّ الضَّادَ مَيِّمٌ (۴)

فضل و کمالات ابوالفتح

نعلالی مینویسد که ابن عمید عده جاسوسان مخفی برای اطلاع از حالات فرزندان خویش ابوالفتح گماشته بود که سرّاً با وی مراد و قضا را برای ابن عمید راپورت میدادند اتفاقاً یکی از جاسوسان چنین خبر داد که ابوالفتح بیشتر اوقات خود را به عیش و نوش گذرانیده و در خوش گذرانی افراط مینماید مخصوصاً چند شب قبل مراسله به یکی از رفقا نوشته و در نیمه شب از وی شراب خواسته است ابن عمید شخصی نزد رفیق پسر خود ارسال داشته و مراسله ابوالفتح را مطالبه نمود

(۱) جرجی زیدان در تاریخ ادب اللغة ۲۶۹ ج ۲ (۲) شرح حالات ابن عمید مبسوطاً در ج ۲ ابن خلکان ۱۷۳-۱۶۹ طبع ایران و ج ۳ بیتة الدهر نعلالی مسطور است (۳) نسمة السحر فین تشیع و شعر تالیف ضیاء الدین کواکبی زیدی یعنی در دو مجلد است نسخه مجلد دوم منحصر بکتابخانه شیخ علی کاشف العطاء میباشد و از آن کتاب در این مجلد نقل نمودیم (۴) حصری اندلسی نایبنا از شعراء معروف اندلس بوده پس از مرگ معتضد بن عبّاد و جلوس معتد بن عبّاد اشعاری سرانیده که دویست آن ذیلا درج میشود

مَاتَ عَبَّادٌ وَلَكِنْ بَقِيَ الْفَرْعُ الْكَرِيمُ

فَكَانَ الْمَيِّتَ حَيًّا غَيْرَ أَنَّ الضَّادَ مَيِّمٌ

مراسله مزبور بخط ابوالفتح و چنین نگاشته شده بود
قَدْ أَتَعْتَمْتُ الدَّلِيلَ يَا سَيِّدِي أَطَالَ اللَّهُ بَقَاءَكَ رَقْدَةً مِنْ عَيْنِ الدَّهْرِ وَانْتَهَزْتُ
فُرْصَةً مِنْ فُرْصٍ وَانْتَهَزْتُ مَعَ أَصْحَابِي فِي سِمَطِ الشَّرِيفَانِ لَمْ تَحْفَظْ عَلَيْنَا
بَاهِدَاءِ الْمُدَامِ عِدْنَا كِبَنَاتٍ نَعِشِ وَالسَّلَامِ

ابن عمید پس از مطالعه مکتوب از فضل و کمال فرزند خویش شادمان شده دو هزار دینار بعنوان انعام برایش ایفاد نمود

سبب بدبختی ابوالفتح و آغازان

پس از فوت رکن الدوله ابوالفتح بوزارت مؤید الدوله پسرش تعیین گردید صاحب بن عبّاد با ابوالفتح میانه خوبی نداشته و از یکدیگر ناراضی بودند بالاخره سعایت صاحب مؤثر شده و مؤید الدوله ابوالفتح را دستگیر نموده و فرمان داد ریشش را بریده و دماغش را قطع نمایند ابوالفتح همینکه از زندگانی مایوس گردید صورت فهرست اموال خویش و پدر را از بغل در آورده و در حضور مامورین مؤید الدوله سوزانید و بموکلین اظهار داشت که آنچه مأموریت دارید انجام دهید بخدا قسم دیناری از اموال من نصیب مؤید الدوله نخواهد گردید و بالاخره در زیر شکنجه و عقوبت مامورین مؤید الدوله جان سپرد سال ۳۶۶ (۱) نعلالی مینویسد که ابوالفتح پس از قطع بینی و محاسن و نومیذی از حیات در ساعات آخر زندگانی دو رکعت نماز گذارده قلم و کاغذ خواسته اشعار ذیل را انشاء و تحریر نمود

بَدِّلَ مِنْ صُورَتِي الْمُنْتَظَرُ لَكِنَّهُ مَا غَيَّرَ الْمَخْبَرُ

وَلَسْتُ ذَا حَزْنٍ عَلَى فَائِتٍ لَكِنْ عَلَى مَنْ بَاتَ يَسْتَعِيرُ

ابن خلکان (۲) مینویسد که اشعار ذیل راجع بال برمک و آل عمید گفته شده است

آلُ الْعَمِيدِ وَآلُ بَرْمَكٍ مَا لَكُمْ قَلَّ الْمُعِينُ لَكُمْ وَدَلَّ النَّاصِرُ

كَانَ الزَّمَانُ يُحِبُّكُمْ قَبْدِي لَهُ إِنَّ الزَّمَانَ هُوَ الْخَوْنُ الْغَادِرُ

(۱) بیتة الدهر ج ۳ (۲) ۱۷۲ ج ۲ طبع ایران

ابو محمد حسن بن محمد بن حاتم

بن قبیصة بن ابی صفره ازدی مهلبی وزیر معز الدولة بویه

Abou Mohamed — Hassan.

حسن بن محمد از رجال با شرافت عظیم القدر دانشمند بوده است قبل از درک خدمت معز الدولة دیلمی با کمال فقر و فاقه میزیست و ابیات بسیاری حسب الحال خویش گفته بود که دو شعر آن ذیلاً نقل میشود:

أَلَا مَوْتُ يُبَاغُ فَأَشْتَرِيهِ فَهَذَا الْعَيْشُ مَا لَا خَيْرَ فِيهِ

أَلَا مَوْتُ لَذِيذُ الطَّعْمِ يَا بِي يُخْلِصُنِي مِنَ الْمَوْتِ الْكَرِيهِ

تا آنکه در سال ۳۳۹ بوزارت معز الدولة نایل گشته دارای جاه و جلال گردید ولادت وی در شهر بصره بتاریخ ۲۹۱ و وفاتش در سال ۳۵۲ بین راه واسط اتفاق افتاد جسدش را بیغداده حمل نموده در مقابر قریش دفن کردند ابو عبد الله حسین بن حجاج شاعر مشهور مرانی چندی در باره وی گفته از آنجمله است

فَلْيَعْلَمَنَّ بَنُو بُوَيَّةٍ أَنَّهُ فُجِعَتْ بِهِ آيَامُ آلِ بُوَيَّةٍ (۱)

صاحب بن عباد وزیر مؤید الدولة و فخر الدولة (۲)

Saheb-ibn Abbad.

کافی الکفاة ابو القاسم اسماعیل بن حسن بن عباد بن عباس بن احمد بن ادريس طالقانی ولادتش بقول یا قوت در معجم الادباء بتاریخ ۳۲۶ هجری و وفاتش در شهر ری بتاریخ ۳۸۵ واقع شد جنازه اش را از ری باصفهان حمل نموده و در محلی موسوم بیاب دریه دفن کردند (قبر صاحب تا این ایام در مقبره باب طوقچی اصفهان معروف است) صاحب روضة الصفا مینویسد در موقع تشییع صاحب بن عباد تمام امراء و اعیان آل بویه مقابل جنازه وی بخاک افتادند و تجلیل فوق العاده منظور داشتند

(۱) ابن خلکان ۱۵۵ ج ۱ طبع ایران (۲) شرح حالات ابن عباد مذکور در صفحه ۷۵ ج ۱ ابن خلکان و ۲۷۳ ج ۲ معجم الادباء یا قوت و ۳۱ ج ۳ و ۱۵۷ ج ۴ نیتة الدمر و ۱۳۵ فهرس ابن النديم و ۳۹۷ طبقات الادباء مسطور است و از آن کتابها در اینجا نقل نموده ایم

عباد پدر صاحب

یا قوت در کتاب معجم الادباء از کتاب منتظم (تاریخ) نقل مینماید که ابو الحسن عباد از دانشمندان عصر خویش بوده و در خدمت ابو حنیفه الفضل و سایر فضلاء دانشمندان ری و اصفهان تلمذ نموده است و کتابی در احکام قرآن از تالیفات عباد باقی است که در آن مذهب اهل اعتزال را تصحیح کرده است

باری عباد و پسرش صاحب هر دو در سال ۳۸۵ هجری وفات نمودند مراسلات و مکاتبات بین عباد و حسن بن عبد الرحمن بن حماد قاضی معروف و مشهور است صاحب بن عباد شخصاً از نوایع عصر خویش بوده که بین امور سیاسی و ادبی مقام ارجمند را حائز شده بود و در علوم مختلفه مخصوصاً علم لغت و کلام و انشاء مهارت تامی پیدا نمود علماء علم رجال در شرح حال و فضایل صاحب مطالب مشروحی نگاشته اند ولی یا قوت در معجم الادباء چندان بمقام صاحب اهمیت نداده است اینک تشیع صاحب را ذکر نموده سپس بوزارت و علم و کلات وی را بیان خواهیم نمود

تشیع صاحب بن عباد

شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه که از مشاهیر زعماء شیعه محسوب میشود در اول کتاب خویش موسوم بعیون اخبار الرضا (۱) راجع بصاحب بن عباد چنین مینویسد وقع الی قصیدتان من قصائد صاحب الجلیل کافی الکفاة ابو القاسم اسمعيل بن عباد اطال الله بقائه و ادام الله توفيقه و نعمائه فی اهداء السلام الی الرضا علیه السلام فصنفت هذا الكتاب لخزائنه المعمورة ببقائه اذ لم اجد شيئاً آثر عنده و احسن موقعاً لديه من علوم اهل البيت (ع) لتعلقه ادام الله عزه بحبهم و استمساکه بولایتهم و اعتقاده بفرض طاعتهم و قوله بامامتهم و اکرامه الی ذریتهم و احسانه الی شیعتهم ابو الفتوح رازی در تفسیر کبیر (۲) خویش چنین نقل میکند که نقش انگشتی صاحب بن عباد عبارت ذیل بوده است

علی الله توکلت و با الحس توسلت و در سایر انگشتی های وی چنین درج شده بود

(۱) در ایران طبع شده است (۲) خطی است و نصف او در عهد مظفر الدین شاه قاجار طبع شده است و تا حال ناقص مانده است

(شفیع اسماعیل فی الاخره محمد و العتره الطاهره) ابن شهر آشوب در کتاب معالم العلماء (۱) و عده از شعراء شیعه تشیع صاحب را بطور قطع مدلل و ثابت نموده اند شیخ حرّ عاملی در کتاب امل الامل راجع بصاحب بن عباد مینویسد... و کان مستقیماً اعجمیاً الا انه يفضل العرب علی العجم... حسن بن علی طبرسی در کتاب کامل البهائی (۲) ده هزار بیت در مدیحه ائمه اطهار بصاحب بن عباد نسبت میدهد بعلاوه مطالبی از کتاب صاحب در علم کلام نقل مینماید که پس از ذکر نبی (ص) اظهارات مفصل راجع بائمه اطهار و حضرت امیرالمؤمنین ذکر شده است که تماماً بر خلوص نیت صاحب و تشیع او دلالت مینماید (۳)

وزارت صاحب

معظم له اولین (۴) وزیری است که بصاحب ملقب شده است زیرا از هنگام طفولیت بامؤیدالدوله دیلمی مصاحب بوده و بدین جهت به صاحب ملقب گردیده است صاحب بن عباد مدت هیجده سال و چند ماه بوزارت مؤیدالدوله و برادرش فخرالدوله پسران رکنالدوله اشتغال داشته است در تمام مدت وزارت دارای اختیارات تام و فی الواقع سلطنت مینمود شعراء و ادباء اطراف بحضورش گرد آمده مجلس صاحب بزرگترین مجمع ادبی و علمی دوره خود بود و از قول صاحب نقل مینمایند که گفته است صد هزار قصیده عربی و فارسی در مدیحه من سرائیده شده ولی گفتار ابوسعید شاعر رستمی اصفهانی بدین از تمام آن قصائد مرا سرور نمود که چنین میگوید

وَرَّثَ الْوِزَارَةَ كَأَبْرًا عَنْ كَأْبَرٍ
مَوْصُولَةَ الْأَسْنَادِ بِالْأَسْنَادِ
يُرْوِي عَنِ الْعَبَّاسِ عِبَادٍ وَزَا
رَتَهُ وَاسْمَاعِيلُ عَنْ عِبَادٍ (۵)

توجه صاحب بفضل و فضلا

صاحب بن عباد در ادبیات شاگرد ابن عمید و ابن فارس و پدر خویش بوده است (۱) خطی است (۲) خطی است (۳) ابن شهر آشوب ص ۴۳ ج ۲ از کتاب مناقب اشعار صاحب در مدح حضرت امیر (ع) نقل نموده است (۴) تمدن اسلامی ۱۴۶ ج ۱ (۵) ابن خلکان ج ۱ و یقیمه الدهر ج ۲ و ۳

و بقسمی در آن فن متتبع بود که مورد توجه استادان خویش و عموم فضلا گردید در علم لغت و کلام و نحو و شعر و ادبیات استاد زبردستی بوده است ابن بابویه کتاب عیون اخبار الرضا را برای وی تألیف نمود حسن بن عبدالمملک قمی کتاب تاریخ قم را (۱) بامر وی ترتیب داد (مجلسی در بحار الانوار از کتاب مزبور مطالب بسیاری نقل مینماید) ثعالی کتاب یتیمه الدهر را در حالات صاحب و شعرای معظم له تألیف نموده است ثعالی در کتاب مزبور پس از ذکر صاحب باستایش و نعوت فراوان چنین مینویسد

(و أَصِفُ بِهِ مِنْ نَجُومِ الْأَرْضِ وَ أَفْرَادِ الْعَصْرِ وَ ابْنَاءِ الْقُضَلِ وَ قُرَّانِ الشِّعْرِ مَنْ يَرْبُو عَدَدَهُمْ عَلَيَّ شُعْرَاءُ الرَّشِيدِ وَ لَا يَقْصِرُونَ عَنْهُمْ فِي الْإِخْذِ بِرَقَابِ الْقَوَافِي وَ مِلْكِ رَقِّ الْمَعَانِي) : در جای دیگر از همان کتاب راجع بصاحب بن عباد مینگارد: (وَمَدَّحَهُ مَكَاتِبُهُ الشَّرِيفُ الْمُوسَوِيُّ الرَّضِيُّ وَ أَبُو إِسْحَاقَ الصَّابِيُّ وَ ابْنُ الْحِجَاجِ وَ ابْنُ سَكْرَةَ وَ ابْنُ نَبَاتَةَ) احمد بن فارس مؤلف کتاب المجمل کتاب الصاحبی در فقه و قواعد لغت عربی را باسم صاحب مذکور وضع نموده و در سنه ۱۹۱۰ در مصر طبع (۲) شده است ابو منصور ثعالی نیز کتاب لطائف المعارف را باسم صاحب تألیف نموده است (۳)

صاحب بن عباد دارای کتابخانه بسیار عالی نفیسی بوده که از انواع کتب نفیسه نافعیه نادره تشکیل میدیافت چنانچه خود صاحب در وصف کتاب آغانی راجع به کتابخانه خویش اظهار میدارد که در کتابخانه یکصد و هفده هزار مجلد کتب نفیسه موجود میباشد.

آثار صاحب

کتاب محیط در علم لغت مشتمل بر هفت مجلد که به ترتیب حروف تہجی ترتیب داده شده و الفاظش بیش از شواهد آن میباشد سیوطی در طبقات مینویسد (۴)

(۱) نسخه اصل عربی آن دست حقیر نیامده است ولی يك جلد خطی از چهار جلد که تمام ترجمه اوست و در قرن ۸ هجری ترجمه شده است در کتابخانه مدرسه سپهسالار جدید در تهران ملاحظه شده است و از او در این کتاب نقل نموده ایم (۲) آداب اللغة ۳۰۹ ج ۲ (۳) ۲۳۰ ج ۲ آداب اللغة (۴) ص ۳۹۸

که کتاب مزبور مشتمل بر ده مجلد است :

میر محمد اشرف در کتاب فضایل السادات که در سنه ۱۱۰۳ تألیف شده از محیط صاحب مطالبی نقل مینماید از قرار مسموع قسمتی از کتاب محیط در کتابخانه شیخ عبد الحسین شیخ العراقین تهرانی در کربلا موجود است جرجی زبدان ص ۳۰۸ آداب اللغة ج ۲ مینویسد کتاب محیط بترتیب حروف ابجدی امروزه در هفت مجلد نوشته شده است مؤلف الفاظ را در آن کتاب زیاد و شواهد را کم نموده است و جزء سوم آن در کتابخانه خدیوی موجود است و از فهرس کتابخانه مذکوره معلوم میشود باینکه اول آن ناقص و بحرف (ز) منتهی میشود کتاب نهج السبیل فی اثبات التفضیل - یکی از فضلاء ادعای رؤیت آن کتاب را نموده و نزد نویسندگان اوراق اظهار مینمود که مطالب آن کتاب در کمال متانت و رزانت تحریر شده است

کتاب جوهرة الجمهرة کتاب اسماء الله تعالى و صفاته کتاب الاعیاد کتاب الامامه کتاب الابانة عن الامامه کتاب اخبار الوزراء ابن خلکان در صفحه ۳۰۸ ج ۱ حالات بنی فرات از این کتاب نقل مینماید کتاب الکشف عن مساوی شعره رساله مخصوص در فن کتابت و تحریر که مشتمل بر ده باب است کتاب الکافی در فن انشاء و ترسل که منتخبات خطی آن در کتابخانه پاریس موجود است

دیوان اشعار صاحب مشهور و در کتابخانه ایا صوفیا در اسلامبول موجود میباشد قصیده از اشعار آن دیوان نیز در برلین (۱) است که اشعار ذیل از آن نقل میشود

يَا خَاطِرًا يَخْطُرُ فِي تَيْهَةٍ ذَكَرْتُكَ مَوْقُوفٌ عَلَيَّ خَاطِرِي

ان لم تكن آخر من ناظري عندي فلا متعت با لناظري

امین احمد رازی در کتاب تذکره هفت اقلیم (۲) شرح حال صاحب بن عباد را ذکر نموده و از شعرهای فارسی او در آنجا نقل مینماید

(۱) آداب اللغة ۲۷۰ ج ۲ (۲) خطی است در کتابخانه سپهسالار جدید در تهران موجود است ...

وزیر مغربی وزیر شرف الدوله بویه

Waziri - Magrabihi

ابو القاسم حسین بن علی بن حسن بن علی بن محمد بن یوسف بن بحر بن بهرام بن مرزبان ... از احفاد بهرام گور و چون در قسمت غربی بغداد اقامت داشته بوزیر مغربی مشهور شده است مادرش فاطمه دختر ابی عبد الله محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی است ابی عبد الله مزبور از مشاهیر علماء شیعه و صاحب کتاب الغیبه میباشد (شرح حال علی بن حسین پدر وزیر مغربی در تنه فصل دوم از این کتاب ذکر شده است ملاحظه شود)

باری وزیر مغربی در ۱۳ ذی حجه ۳۷۰ هجری متولد شده بر طبق مندرجات و قیامات الاعیان (۱) و فهرس نجاشی (۲) و فهرس شیخ طوسی (۳) در ۱۵ رمضان سال ۴۱۸ و یا ۴۲۸ هجری در میا فارقین وفات نمود (وفات وزیر مذکور بطور اصح در ۴۲۸ واقع شد) و جنازه اش را بنا بوصیت خود بوادی السلام نجف حمل نموده در همانجا دفن کردند

در وقایع الاعیان مذکور است که ابو القاسم در موصل از طرف معتمد الدوله و در بغداد از طرف شرف الدوله دیلمی و در دیار بکر از طرف سلطان احمد بن مروان وزارت نموده است نجاشی ویرا از شیعیان امامیه دانسته و در فهرست خویش ذکری از او مینماید ابن خلکان و سایر علماء علم رجال نیز شرح حالات وزیر مزبور را نگاشته اند گویند پدر وزیر مغربی کتابی در علم منطق موسوم باصلاح المنطق تألیف نموده بود و پسرش وزیر مزبور آن کتاب را مختصر نموده و در پشت کتاب اختصار اصلاح المنطق مطالب ذیل بخط والد وزیر مندرج بوده است :

(ابو القاسم حسین (مقصود وزیر مغربی است) در سنه ۳۷۰ متولد گردید و در ابتدای جوانی علم نحو و لغت اطلاع کامل یافت قرآن مجید را حفظ نمود متجاوز از پانزده هزار ابیات قدیم و جدید را محفوظ داشت در خط و سایر معلومات بر همه کنان فایق آمد در حساب و جبر و مقابله مهارت تامی پیدا نمود در نثر معاصر تصرفات بدیعه کرد و اشعار منظوم سرانید و این کتاب اصلاح المنطق را به بهترین ترتیب مختصر نمود از خداوند سلامتی ویرا مسئلت مینمایم)

(۱) ص ۱۷۱ ج ۱ (۲) طبع بیای (۳) خطی است و در برلین نیز طبع شده است

باری همینکه الحاکم سلطان مصر پدر و عمو و برادران ابوالقاسم را کشت مشار الیه نزد مفرج بن دغفل بن جراح بن طائی حاکم رمله رفته ویرا بر الحاکم شورانید و از آنجا به حجاز متوجه شده امیر مکه را بخمال تصرف و غلبه بر الحاکم وادار نمود الحاکم از این مطلب مضطرب گردید ولی ابوالقاسم از حجاز مهاجرت نموده بدیار بکر عزیمت کرده و در آنجا بوزارت احمد بن مروان کردی تعیین گردید تا ایام آخر زندگی در آنجا اقامت نمود

آثار وزیر مغربی

کتاب خصایص علم القرآن (۱) کتاب اختصار علم المنطق کتاب اختصار غریب المصنف (۲) رساله در قاضی و حاکم کتاب الالحاق و الاشتقاق کتاب اختیار شعرا بی تمام و اختیار شعر البحتری مختصر اصلاح المنطق کتاب الایناس که از کتب کوچک نفیس محسوب میشود کتاب ادب الخواص کتاب المانور فی ملح الخدور کتاب السیاسة که نسخه از آن در کتابخانه خدیوی مصر میباشد دیوان شعرونثر ابن شهر اشوب شمه از اشعار وزیر مغربی که در مدح حضرت امیر (ع) گفته در کتاب مناقب تالیف خود نقل کرده است (۳)

حسن بن مفضل بن سهلان

ابو محمد رامهرمزی وزیر سلطان الدوله بویه

Hassan-ibn-Mofazzal

از وزراء نامی شیعه سواد اطراف کربلا را بنامود در تاریخ وزراء مذکور است (۴) که سلطان الدوله و برادرش مشرف الدوله برای وزارت فخر الملك زد و خورد های بسیار کرده و بالاخره معاهده نمودند بر اینکه هیچیک از آنان مومی الیه را بوزارت تعیین ننهید و مشرف الدوله نیابتاً از طرف برادرش در عراق عرب حکومت کند و سلطان الدوله در اهواز و فارس امارت داشته باشد اما سلطان الدوله پس از ورود باهواز خلاف عهد نموده فخر الملك را بوزارت انتخاب کرد و عده

(۱) این شهر آشوب در کتاب معالم العلماء کتاب المصایح در تفسیر قرآن مجید را بوزیر مذکور نسبت داده است و ظاهراً بعینه کتاب خصایص فوق الذکر میباشد (۲) افندی در ریاض العلماء کتاب مختصر غریب الکلام را باو نسبت داده است و او را با کتاب اختصار غریب المصنف متحد دانسته است (۳) ص ۳۵ ج ۳ (۴) از مجالس المؤمنین قاضی شوشتری

همراه وی نموده به جنگ مشرف الدوله اعزام داشت فخر الملك از مشرف الدوله شکست خورده بسمت واسط فرار نمود مشرف الدوله ویرا در واسط محاصره نمود بقسمیکه کار آذوقه سخت شده همراهان فخر الملك بگوشت سگ و گربه تغذیه مینمودند بالاخره فخر الملك از قلعه بیرون آمد و دست مشرف الدوله را بوسید و تسلیم وی گردید ۴۱۱ مشرف الدوله در امارت خویش استقلال تام یافته نام سلطان الدوله را از خطبه خارج کرد و در سال ۴۱۲ با برادر خود جلال الدوله متفقاً بر سلطان الدوله شوریده فخر الملك را مقتول نمودند

ابو غالب فخر الملك علی بن خلف واسطی وزیر بهاء الدوله دیلمی

Abou Ghaleb

پدرش صراف بازاری بوده و در نتیجه کفایت شخصی بمقام وزارت بهاء الدوله بن عضد الدوله دیلمی رسید اموال بسیاری جمع آوری نموده و عمارت مشهور بفخریه را در بغداد بنا کرد فخر الملك اول کسی است که در نیمه شعبان بین فقراء حلوا تقسیم نموده و آنانرا اطعام کرد شخصاً با سخاوت و نیک فطرت بوده گویند هر روز صبح هزار فقیر را لباس نو عطا میکرد در تشیع و حب آل محمد علناً خودداری نداشت سلطان الدوله در اهواز فخر الملك مزبور را بسن پنجاه سالگی در سنه ۴۰۷ بقتل رسانیده و ششصد هزار دینار نقدینه بعلاوه مقدار زیادی اموال غیر منقول و منقول وزیر مزبور را متصرف شد این کثیر شامی در تاریخ وزراء شرح حال فخر الملك را ذکر نموده است (۱)

ابو القاسم علی بن احمد ابرقوئی وزیر بهاء الدوله

Abol-Ghassem Ali-ibn-Ahmed

یاقوت مینویسد (۲) ابرقوه از توابع اصطخر واقع در نزدیکی یزد ابوالقاسم علی بن احمد ابرقوئی وزیر بهاء الدوله دیلمی از انقریه است بیش از این از حالات وزیر مزبور بدست نیامده

ابو نصر سابور وزیر بهاء الدوله بن عضد الدوله

Aou Nassr

ابو نصر سابور بن اردشیر از مردمان نامی فاضل دانشمند مترشح جایگاه فضلاء و مجمع حکماء بوده است تعالی در یتیمه الدهر باب مخصوصی برای اشعار وارده

(۱) از مجالس المؤمنین (۲) معجم البلدان ۸ ج ۱

در مدح ابونصر مزبور ذکر مینماید که شعرای بسیاری مانند ابوالفرج بیضاوی و ابواسحاق صابی و غیره ویرا مدح نموده‌اند در بغداد دارالعلم مخصوصی تأسیس نموده بود که ابی‌العلاء معزی بآن اشاره مینماید

وَعَنْتَ لَنَا فِي دَارِ سَابُورٍ قَيْنَةً مِنْ الْوَرَقِ مَطْرَابِ الْأَصَائِلِ مَهْيَابِ
ابو نصر بتاريخ ۳۳۶ در شیراز متولد شده و در بغداد بتاريخ ۴۱۶ وفات نمود (۱)

ابو سعد منصور بن حسین آبی وزیر مجد الدوله

رستم بن فخر الدوله بن رکن الدوله برادر ابومنصور بن حسین آبی وزیر طغرل سلجوقی (۲)
یا قوت در معجم البلدان مینویسد ابو سعد منصور بن حسین وزیر از این قریه بوده است مشار الیه متصدی مشاغل عالی گردید و مدتی مصاحب صاحب بن عباد بود سپس وزیر مجد الدوله رستم بن فخر الدوله بن رکن الدوله بن بویه شد در نظم و نثر مهارت داشت کتاب نثر الدرر و کتاب تاریخ ری و بسیار کتب دیگری را تألیف نمود برادر ابوسعید ابو منصور محمد از نویسندگان بزرگ بوده و وزارت پادشاه طبرستان را نمود (۳)

کتاب نثر الدرر در محاضرات مشتمل بر هفت مجلد کتاب نزهة الادب که مختصری از کتاب مفصل وزیر مزبور در علم محاضرات است از تألیفات ابو مسعود سابق‌الذکر میباشد جلد اول کتاب نثر الدرر فعلاً در کتابخانه شیخ هادی آل کاشف‌الغطاء در نجف موجود است شیخ کبیر صاحب الجواهر راجع باستحباب تحنك از کتاب مزبور مطالبی نقل مینماید اساساً کتاب نثر الدرر از کتب نفیسه و تألیفات نادره و مشتمل بر چهار فصل است و فصل اول محتوی بر پنج باب میباشد

باب اول در آیات متشابه از حیث صورت

باب دوم در موجزات کلام رسول اکرم

باب سوم در نکات کلام امیر علیه السلام

باب چهارم در نکات کلام ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین

باب پنجم در نکات کلام سادات بنی هاشم

(۱) دائرة المعارف فرید وجدی ۴ ج ۵ و ابن خلکان ج ۱ ص ۲۱۷ (۲) صفحه ۴۸ از این جزء مراجعه شود (۳) صفحه ۵۳ ج ۱ معجم البلدان

فصل دوم مشتمل بر ده باب از مطالب جدی و هزلیات

فصل سوم مشتمل بر بیست باب

فصل چهارم مشتمل بر بیست و یک باب که اول آن بدین عبارت شروع میشود

:بحمد الله نستفتح اقوالنا و اعمالنا

جزء اول تا آخر فصل ثانی و جزء دوم تا آخر فصل چهارم از کتاب نثر الدرر در کتابخانه خدیوی مصر و تمام مجلدات کتاب مزبور در کتابخانه محمد پاشا در اسلامبول موجود است

۲ - وزرای دولت صفویه

مقدمه

دولت صفوی از بزرگترین حکومت‌ها و دول شیعه امامیه است که از سال ۹۰۶ تا ۱۱۴۲ حکومت نموده است در زمان سلطنت صفویه استقلال سیاسی ایران تجدید شده قشون و تشکیلات آن که پس از حمله مغول و تاتار تلاشی و ساقط شده بود منظم و مرتب گردید اهالی ایران به تشویق پادشاهان صفویه بنشر علوم و معارف مخصوصاً قسمت دینی پرداختند مذهب و دیانت در زمان این خاندان به اوج عظمت رسید زیرا گذشته از آنکه صفویه خود از خاندان مهم دینی و مذهبی بوده اند ترویج و تقویت مذهب شیعه را برای جلوگیری از حملات عثمانیان متعصب که شیعیان را نوعی از خوارج میدانستند قسماً سیاست بوده که سبب تحکیم و استقرار حکومت صفویان میگردد اینک در این قسمت بشرح حال رجال و بزرگان سیاسی شیعه میپردازیم که در دربار صفویه وزارت داشته اند اما راجع بحالات رجال و امرائیکه در روحانیت و سیاست شرکت داشتند و آنانرا صدر و شیخ الاسلام میخواندند در فصل سوم این کتاب ذکر خواهیم نمود حالات پادشاهان صفویه و تاریخ سیاسی و مذهبی و نهضت علمی و معارفی آن عصر را در جزء سوم منطبعة طهران و جزء دوم و ششم که هنوز طبع نگردیده مبسوطاً ذکر نموده ایم

از وزراء شاه اسماعیل صفوی

۱ - سید امیر عبد الباقي نواده شاه نور الدین نعمه الله ولي معروف

Amir Abdol Baghi

صفوی و جزو علمای عصر خویش محسوب میشد در زبان فارسی شعر میگفت و نویسنده عالی بود سام میرزا در تحفه سامی ویرا ذکر نموده مشار الیه دارای همتی بس عالی و اراده رزین بوده در ابتدای سلطنت شاه اسماعیل بمقام وزارت نایل گشت سپس وکیل الدوله شاه اسماعیل شد و بدون تصویب وی امر مهمی در سر تا سر مملکت انجام نمیگرفت وزیر مزبور در یکی از جنگهای شاه اسماعیل با سلاطین

عثمانی کشته شد ۹۲۰

دیوان شعر فارسی امیر عبد الباقی مشهور و باقی تخلص مینموده است سام میرزا قسمتی از اشعار وی را در تحفه سامی ذکر نموده و رضا قلیخان هدایت نیز در ذیل روضه الصغای چاپی در بیت ذیل را که دلالت بر معرفت و سلوک وی مینماید نقل نموده است

مسکن شده کوچه ملامت ما را ره نیست بوادی سلامت ما را
درویشانیم ترك دنیا کرده این است طریق تاقیامت ما را

افندی در ریاض العلماء بعد از ذکر حالات سید امیر عبد الباقی مینویسد شاید سید امیر عبد الباقی حسینی عیناً همان فقیهی است که تصور می‌رود از معاصرین شهید ثانی بوده بهر حال فوائد و فتاوی او را مشاهده نمودم (۱)

۲ - میرزا شاه حسین اصفهانی از اولاد شیخ محمد بن یوسف بنای صوفی
[Mirza Shah Hossein]

معروف که محله شیخ یوسف بناء را در اصفهان بمشارالیه نسبت میدهند میرزا شاه حسین شخص عارف عاقل با اهمیتی بوده است حسن بیک در کتاب احسن التواریخ (۲) شرح حالات ویرا نگاشته چنین مینویسد میرزا شاه حسین در اوایل جوانی به بنائیان اشتغال داشت بعدها بخدمت شاه اسماعیل صفوی پرداخت و کم‌کم بوزارت وی نائل شد جود و سخاوت وی معروف است یکی از نوکران شاه اسماعیل میرزا شاه حسین را ناگهانی مقتول نمود و بنا بگفته بعضی قتل وی بامر شاه انجام گرفت بهر حال وزیر مزبور روز چهارشنبه ۲۸ جمادی الاولی ۹۲۹ هـ یکسال قبل از وفات شاه اسماعیل بقتل رسید

۳ وزیر کبیر معصوم بیک

Maassoum Bik

پدر عالم بزرگوار شهید مشهور خان میرزا مدت ها وزارت شاه اسماعیل و شاه طهماسب را نموده و ریاست دیوان را عهده دار بود مشارالیه از محترمین رجال

(۱) تنه روضه الصفا ج ۲ طبع ایران و ریاض العلماء افندی خطی (۲) از ریاض العلماء افندی

دربار صفوی و بین شمیر و قلم رتبه عالی برای خویش احرار نمود کراراً شاه اسماعیل ویرا به پسر عمو خطاب میکرد پس از انعقاد صلح بین شاه اسماعیل و سلطان سلیم بن سلطان مراد عثمانی معصوم بیک با پسرش خان میرزا عازم حج گردید عثمانیها از روی غدربه لباس اعراب بادیه ملبس شده مشارالیه را با عده از همراهان و رجال احرام شهید نمودند اسکندریک در کتاب عالم آرا شرح حال معصوم بیک را مر قوم داشته است (۱)

۴ خواجه جلال الدین محمد کججی

Djalal-ed-Din

از وزراء معروف حوزه شاه طهماسب و شاه اسماعیل است پس از قتل میرزا شاه حسین شاه اسماعیل مشارالیه را که از رفقای قتیل مزبور بود بوزارت انتخاب کرد روزی خواجه جلال الدین بیادرفیق خود میرزا شاه حسین افتاد و رباعی ذیل را سرانیده ای نور دو دیده جهان افرورزم رفتی تو و چون شب سیه شد روزم
گویا من و تو دو شمع بودیم بهم کایام تو را بکشت و من میسوزم
خواجه جلال الدین پس از یکسال وزارت شاه طهماسب بدست دیو سلطان رو مو کشته شد و جسدش را بامر مومی الیه در حصیری پیچیده سوزانیدند پس از قتل خواجه قاضی جهان سیفی قزوینی (شرح حال وی ذکر خواهد شد) و بعد از او میر جعفر ساوچی بوزارت رسید وزیر اخیر در معرکه منازعه که بین امراء واقع شد بقتل رسید سپس احمد بیک نور کمال از بزرگان طایفه کالیه اصفهان مدت شش سال مستقلاً وزارت شاه طهماسب را عهده دار شد خواجه غیاث الدین ممدوح شریف تبریزی آقا محمد فراهانی و خواجه امیر بیک مشهور بامیر بیک مهرداد از خویشان میرزا کربا کججی و میرزا بیک ابهری و معصوم بیک صفوی در دوره سلطنت شاه طهماسب بنوبه خویش پی در پی بوزارت رسیدند خواجه امیر بیک مزبور در علم نیرنگ و جفر معرفت تام داشت ادعای تسخیر شمس نمود شاه بر وی غضب کرده در قلعه الموت حبس نمود تا آنکه در ایام اسماعیل میرزا رهائی یافته وفات کرد (۲)

(۱) ص ۱۷۵ عالم آرا و ریاض العلماء افندی (۲) ریاض العلماء

از وزرای شاه طهماسب

۱ - سید شریف زین الدین علی باقی وزیر شاه طهماسب

Seyed-Sharif

افندی مینویسد نام ویرا در کتب و تاریخ ندیدم و شاید از احفاد سید شریف جرجانی است

مولی قوامی شیرازی معاصر وزیر مزبور و نایب وی در رساله فارسی راجع به ترتیب دادن اوراق قبالحات و حوالجات چنین می نگارد عالیحضرت متعالی رتبت سید تقیب عالی امیر شریف باقی البالغ علو شأنه الى الدرجة العليا والرتبة القصوى جامع بین منصب ایالت شرعی و حکومت ملیّه یکی از حکام شریعت در فارس و در اواخر عمر بوزارت عظمای دربار سلطنت شاه طهماسب ارتقاء یافت قوامی فوق الذکر راجع به محکمه قضاوت سید شریف در شیراز شرح ذیل را مرقوم میدارد

(اعلی محاکم الشرع الشریف واسنی محافل الدین المنیف بدار الملك شیراز صاحبها الله عن الاعواز في ظل على حضرة واليها و حاكمها السيد الاعلم المطاع الاجل الاعظم الامجد المتحتم الاتباع قاضي القضاة في البلاد المانوسه و والى الولاية في الممالك المحروسة حاكم امور جمهیر الانام علامة العلماء الاعلام نهاية الحكماء العظام مرتضى ممالك الاسلام الذى شيد بوجوده الشریف محافل الدرس والفنوى بصائب احكام مستند الافادة والقضاء زين الاسلام والمسلمين خلد الله تعالى ظلال سيادته و احكامه بين الوري) سپس قوامی مینویسد این بنده قریب چهل سال در خدمت حضرتش بوده و مدتی نیز بسمت نیابت قضاوت آن جناب اشتغال داشتم (۱)

(۲) قاضی جهان سیفی قزوینی

Ghazi Djahan

از بزرگان علماء و سادات سیفیه قزوین در علم و زهد سرآمد اقران بوده ابتدا بملازمت قاضی محمد کاشانی اشتغال داشت و در ایام وکالت میرزا شاه حسین با مشارکت خواجه جلال الدین محمد بوزارت میرزا شاه حسین نایل شد همینکه

(۱) ریاض العلماء افندی خطی

دیو سلطان جلال الدین محمد را سوزانید مستقلاً بوزارت میرزا شاه حسین تعیین کردید اتفاقاً بین طوایف استاجلو و تکلو نزاعی رخ داده و قاضی بطرف گیلان مسافرتی کرد مظفر سلطان بن امیر حسام الدین که با قاضی جهان عداوت مخصوصی داشت به تحریک سلسله نوربخشیه متصوفه قاضی را حبس نموده و باقسام سختیهای گوناگون معذب کرد پس از مرگ مظفر سلطان قاضی رهائی یافته و با مشارکت امیر سعد الدین عنایت بوزارت شاه طهماسب ارتقاء یافت و پس از مرگ سعد الدین مدت پانزده سال مستقلاً وزارت شاه طهماسب را نمود در اواخر عمر قاضی جهان بواسطه پیری و شیخوختت مجبور بکناره گیری از مشاغل رسمی شد در همان اوقات عدّه بشاه طهماسب خبر دادند که قاضی بسیاری از املاک موقوفه قزوین را تصرف نموده است شاه طهماسب در صدد استرداد املاک و جریمه قاضی برآمد مشار الیه از واقعه خبر دار شد نزد شاه طهماسب آمد شاه ویرا عفو نمود و مقداری سیور غلات باو بخشید و اجازه فرمود که بقزوین مراجعت نماید وفات قاضی بتاريخ ۹۶۰ هـ واقع شد و پسرش شرف جهان وارث اموال وی گردید (۱)

از مشاهیر وزرای شاه عباس

۱ - سید علاء الدین حسین بن صدر کبیر

Seyed Alaaed-Din

حسین بن صدر کبیر از وزرای نامی شاه عباس نبش بطریق ذیل میباشد حسین بن صدر کبیر میرزا رفیع الدین محمد بن امیر شجاع الدین محمود بن امیر علی مشهور بخلیفه سلطان بن خلیفه هدایت الله اصفهانی مازندرانی مرعشی معروف بخلیفه سلطان و سلطان العلماء از خاندان علم و دانش بوده امیر قوام الدین مشهور بمیر بزرگ والی طبرستان و مازندران جد معظم له است باری علاء الدین در مازندران بتاريخ ۱۰۶۴ هـ وفات نموده و جسدش را به نجف اشرف حمل نمودند بعقیده سید علیخان مذکور در سلافه وفات مشار الیه در سال ۱۰۶۶ هـ واقع شده است و بنا بگفته افندی ممکن است در تاریخ وفات وی سهوی رخ داده چه که وزیر مزبور بعد از مراجعت از فتح قندهار در شهر اشرف مازندران اوایل (۱) ریاض العلماء افندی

سلطنت شاه عباس ثانی وفات نمود چه که تا عصر افندی یعنی سنه ۱۱۰۶ پیش از پنجاه سال فاصله نبوده است سید علاء الدین در عالم علم و فضل دارای مقام ارجندی بوده و اکثر علوم معموله عصر خود مخصوصاً در فقه و اصول تتبع کامل داشت و بسمت مصاهرت شاه عباس کبیر ارتقاء یافت بعد از وفات سلیمان خان وزیر در سال ۱۰۳۳ بوزارت شاه عباس نایل گردید و همانموقع پدرش رفیع الدین منصب رفیع صدارت را متصدی بوده است پدر و پسر در یک دارالحکومه جلوس نموده به تمشیت امور می پرداختند تا آنکه والدش دارفانی را وداع گفت بعد از شاه عباس کبیر شاه صفی مدت دو سال منصب وزارت را بوی واگذار نموده سپس بر وی متغیر شده پسر وزیر را کور نمود و خودش را به اقامت قم امر نمود اما پس از چندی علاء الدین را باصفهان خواست علاء الدین چندی در اصفهان اقامت نموده عازم حج شد و بعد از مراجعت در زمان شاه عباس ثانی پس از قتل محمدتقی وزیر بوزارت شاه عباس ثانی تعیین گردید ۱۰۵۵ و با شاه بفتح قندهار حرکت نموده هنگام مراجعت در ملازمت رکاب همایونی بتاریخ ۱۰۶۴ در مازندران وفات نمود جسده را بطوریکه سابقاً ذکر شده نجف حمل نموده و آنجا دفن نمودند سید علاء الدین مدت پنج سال وزارت شاه عباس کبیر را نموده و دو سال تمام وزارت شاه صفی را عهده دار بوده است مدت اخیر وزارت سید علاء الدین در دوره شاه عباس ثانی هشت سال طول کشید

تحصیلات سید علاء الدین

مشار الیه نزد پدرش که از فضایی مشهور بوده قسمتی از علوم را فرا گرفت حاشیه بر قسمتی از شرح لمعه مرقوم داشته است و از شیخ بهائی عاملی معروف تحصیل اجازه نموده بود و از همدرسان مولی خلیل قزوینی میباشد خلیل قزوینی کتاب الشافی در شرح کافی را برای وی تألیف کرده است

باز ماندگان و اولاد سید علاء الدین از فضایی دوره خود بودند با آنکه شاه صفی غالب آنها را در کودکی کور نموده بود بر اکثری از همکنان در علم و کمال سبقت داشتند پسر وسطی سید علاء الدین میرزا ابراهیم از فضلاء و محققین نامی است در بسیاری از کتب مهمه فقه و اصول مطالعاتی نموده که بهترین تحقیقات وی حاشیه

بر شرح لمعه میباشد از حاشیه مذکور فقط قسمت طهارت آن در دست است وفات مومی الیه در سال ۱۰۹۸ واقع شد فرزند وی میرزا ابراهیم بن خلیفه سلطان از رجال نامی قرن یازدهم بوده و شرح حالش مذکور خواهد شد

تألیفات سید علاء الدین

حاشیه شرح لمعه حاشیه معالم این دو شرح بضمیمه متن و مستقلاً بطبع رسیده است حاشیه شرح مختصر عضدی شرح مزبور از مسئله چهارم از مسائل چهار گانه در بحث واجب از مبادی احکام شروع میشود و تقریباً سید شریف ناهمین قسمت شرحی بر مختصر نوشته و علاء الدین آنرا تکمیل نموده است بهر حال شرح علاء الدین از شروح مفیده نافع کتاب مختصر عضدی بشمار مرود

کتاب توضیح الاخلاق که در سنه ۱۰۵۱ بامر شاه صفی بزبان فارسی تألیف نموده و در واقع مختصری از کتاب اخلاق ناصری خواجه نصیر الدین طوسی است حاشیه بر حاشیه خفزی که بر الهیات شرح تجرید نوشته شده و اول کتاب عبارت ذیل مرقوم است :

و بعد فهذه تعليقات كتبها الغريق في بحر العصيان خليفه سلطان .. حاشیه بر مختلف علامه

تعليقات بر من لايحضره الفقيه

فوائد و تعليقات متفرقه

رساله فارسی در آداب حج

تعليقات بر حاشیه قدیمه جلالیه

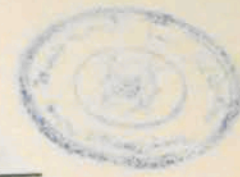
شبهات در علوم متفرقه و جواب آن

۲ - میرزا حاتم بیک اردو بادی

Mirza Hatem

میرزا حاتم ملقب به اعتماد الدوله چندی وزارت شاه عباس کبیر را نموده در سنه ۱۰۹۰ هنگام محاصره قلعه دمدگشته شد در صفحه ۵۸ از این جزء اشاره شده است باینکه وی از احفاد خواجه نصیر طوسی است و در صفحه ۳۴۵ از کتاب گنج دانش و ص ۵۴۴ - ۵۴۸ از کتاب عالم آراء شرح حال او مسطور است بدانجامراجع شود





رضاقلی خان در جلد دوم از کتاب تتمه روضة الصفا منطبقه طهران راجع بوزرای شاه صفی چنین مینویسد:

(وزیر اول خلیفه سلطان پس از وی میرزا ابوطالب خان بن حاتم بیگ اردوبادی سپس میرزا تقی ساری اعلان ملقب بساری تقی ...)

از مشاهیر وزرای صفویه - میرزا سلیمان اصفهانی

Mirza Soleyman

نسب میرزا سلیمان بجابر انصاری منتهی میگردد مشار الیه در پاره از علوم تتبع داشته چندی وزارت سلطان محمد بن شاه طهماسب را نمود و در شهر هرات بدست امراء قزلباش کشته شد رباعی ذیل از اوست

بیقدر ترم گر چه وفا دار ترم آورده ترم گر چه کم آزار ترم
آنکو زویم عزیز تر نیست کسی سبحان الله یحشم او خوار ترم (۱)

میرزا طاهر قزوینی متخلص بو حید

Mirza Taher

میرزا طاهر از وزرای شاه سلیمان صفوی و در سن صد سالگی وفات نمود دیوان مومی الیه مشتمل بر هفتاد هزار بیت نظم و نثر فارسی و ترکی است رساله های مختلف دیگری در علوم متفرقه تألیف نموده است کتاب تاریخ وقایع صفویه از تألیفات میرزا سلیمان مذکور میباشد اشعارش ناملازم و غیر مطبوع است شاه عباس صفوی ویرا کاتب اخبار معین نمود و در اواخر ایام انحلال سلطنت شاه سلطان حسین صفوی از وزارت استعفاء داد شرح حال او در مجمع الفصحاء مذکور است (۲)



(۱) شمه از حالات وزیر مزبور در ضمن حالات سلطان محمد بن شاه طهماسب در نسخه کتاب روضة الصفا تألیف هدایت مذکور است (۲) ص ۵۰

۳- از وزرای زندیه

مقدمه

در ایام صفویه قبایل و عشایر بسیاری موسوم به زند در نواحی ملایر و عراق عجم اقامت و توطن داشتند نادر شاه از قوت و قدرت آنها اندیشیده قسمتی از آنها را بیاد قتل و غارت داد و قسمت باقی را با طرف درجز و ایورد. از توابع خراسان کوچانید پس از مرگ نادر شاه ایلات زند بقیادت یکی از زعمای خویش موسوم بکریم خان بن ایناق از نواحی خراسان عزیمت نموده بمقر اصلی عودت کردند کتب مفصله بسیاری راجع بحالات زندیه بزبان فارسی نوشته شده که مهمترین آنها کتاب تاریخ زندیه تألیف میرزا صادقخان از معاصرین زندیه و دیگر تاریخ میرزا علیرضا بن عبدالکریم شیرازی است کتاب اخیر در سنه ۱۸۸۸ میلادی در لندن بطبع رسیده است بطوریکه سابقاً اشاره شد پس از قتل نادر شاه آشوب و غوغای عظیمی در سرتاسر مملکت رخ داد محمد حسن خان بن فتحعلی خان قاجار در استراپاد دعوی سلطنت اظهار داشت و آزادخان در آذربایجان رایت عصیان بر افراشت هدایت خان درگیلان هرا کلیوس در گرجستان و بالاخره کریم خان زند در قسمت عراق عجم و فارس لوای استقلال و سلطنت را بدست گرفت حکومت زندیه بکریم خان شروع و بطرفعلی خان خاتمه مییابد (۱۱۶۳ - ۱۲۰۳)

۱- حاجی ابراهیم خان کلانتر (۱)

Hadji Ebrahim khan

پسر حاجی هاشم شیرازی میرزا جعفر خان در کتاب حقایق الاخبار (۲) مختصری از

حالات ابراهیم خان و اولادش بطریق ذیل بیان میدماید

ابراهیم خان کتاب مختصری راجع به تاریخ پادشاهان ایران قبل از اسلام تألیف نموده است و نسب خود را در آن کتاب به قوام الدین حسن شیرازی ممدوح خواجه منتهی میسازد پدرش حاج هاشم بن طالب بن محمود از اشخاص مهم عصر خویش بشمار میرفت در نزد نادر شاه از وی شکایت کردند و بامر او از دیده نابینا گشت ابراهیم خان در ابتداء بملازمت لطفعلی خان بن جعفر خان بن صادق خان زند پرداخت و در خدمت وی بمقام کلانتری رسید و از سرکردگان سپاه وی بود ولی بالاخره با وی خیانت بکرده و با آغا محمد خان همراه شد و در شیراز برای او دعوت نمود پس از قتل لطفعلی خان و استیلای آغا محمد خان بر شیراز بحکومت آن شهر معین گردید و بلقب بیگلربیگی نایل گشت پس از چندی بمقام صدارت مفتخر گردید و اعتماد الدوله لقب یافت بعد از قتل آغا محمد

(۱) اگرچه شخص مذکور در دولت زندیه لقب وزیر نداشته ولی نظر باینکه نفوذ و اقتدار او در سیاست و تغییر رژیم پیش از افتدار وزیر بوده است لذا مؤلف او را در جزو وزراء شمرده است (۲) در تهران طبع شده است و نسخه آن کباب است

خان ناسال ۱۲۱۵ بوزارت فتحعلی شاه و لقب سابق خود باقی بود در اواخر آن سال فتحعلی شاه بروی متغیر شده زبانش را قطع کرد و چشمش را کور نمود سپس ویرا با تمام اولاد و بستگان مقتول نمود فقط پسر کوچکش میرزا علی اکبر قوام الملك را که آنوقت طفل خرد سالی بود از شر شاه محفوظ ماند میرزا علی اکبر مزبور شخص زیرک باهوشی بوده و تدریجاً در مناصب دولتی ارتقاء یافت تا آنکه بسمت تولیت آستان رضوی معین گشت و در سنه ۱۲۸۲ در همان شهر وفات نمود (۱)

۲ - میرزا محمد حسین

Mirza Mohammed Hossein

پدر میرزا عیسی ملقب بقایم مقام بزرگ فراهانی وزیر نایب السلطنه عباس میرزا قاجار از وزراء سلاطین زندیه بوده پس از انقراض آن خاندان تا هنگام مرگ بدولت قاجاریه خدمت نمود وفات مومی الیه در شهر قزوین اتفاق افتاد دیوان اشعارش بسی مطبوع و بیت ذیل از آن نقل میشود

دل از هجرم بجان و صبر فرما و عده جانان چو بیداری که زهر اندر دواریز دیر ستارش (۲)

۴ - از وزرای عادلشاهی و قطبشاهی

مقدمه

همینکه کلیم الله شاه بهمنی آخرین پادشاه بهمن به بیجاپور فرار کرد پادشاهان دکن به پنج دسته تقسیم شدند سال ۹۳۵ ۱ - عادلشاهی ۲ - نظامشاهی ۳ - قطبشاهی

این سه طایفه از پادشاهان شیعه هند محسوب میشوند

۴ - بریدشاهی ۵ - عمادشاهی

این دو طایفه از سلاطین سنی هند هستند

پای تخت عادلشاهیان بیجاپور - پای تخت نظامشاهیان احمد نکر - پای تخت قطبشاهیان حیدر آباد بوده است

شرح حال سلاطین فوق در کتابهای مختلف مانند تاریخ سلاطین هند تألیف محمد قاسم فرشته و کتاب حقیقة العالم در حالات قطبشاهی و سایر کتب مهمه تاریخی هندوستان مذکور است و در اینجا مختصراً شرح حال بعضی از وزرای شیعه قطبشاهی و عادلشاهی را مینگاریم

۱ - شیرجنگ بهادر

Shir Djang Bahador

شمس الدین محمد حیدر بن محمد تقی بن باقر بن محمد علی بن اویس نسبش

(۱) از کتاب حقایق الاخبار و کتاب تاریخ ایران تألیف سرجان مالکم ص ۶۴ ج ۲

(۲) تاریخ سرجان مالکم صفحه ۶۳ ج ۲ چاپ بمبای و ذیل روضه الصفا تألیف هدایت

باویس قرنی که در سال ۱۱ هجری وفات نموده منتهی میشود
شیخ اویس از اهالی مدینه بوده و با پسرش محمد علی به بحرین مهاجرت کرد و از آنجا بکوکی در جنوب هند انتقال نموده بالاخره به بیجاپور رفته نزد عادلشاه امیر بیجاپور تقرب نام یافت سپس محمد باقر به شاهجهان آباد منتقل شد از آنجا به دکن رفت و از امارت و وزارت کناره گیری نمود وفاتش در سنه ۱۰۲۸ واقع شد در علم فقه و اصول دین و حکمت الهی متبحر بوده است .. کتاب تاجخیص المرام فی علم الکلام: کتاب مفصل در اصول دین از آثار اوست (۱)

۲ - محمد خاتون

Mohammed khatoon

عالم دانشمند در علم فقه و حکمت و ریاضی دست داشت بمعیت امیر فصیح الدین امور سلطنتی محمد عادلشاه را اداره مینمود سپس بسعایت حساد مغضوب عادلشاه واقع شده و در خانه اش چند روزی محبوس گردید مجدداً مورد لطف شاه واقع شده در سنه ۱۰۴۳ رهائی یافت عادلشاه هدایای نفیسه برای وی فرستاد و چندین مرتبه در خانه اش از او دیدن کرد ولی ثانیاً از او رنجیده عزلش نمود (۲)

۳ - امیر محمد مؤمن استرآبادی

Mohammed Moamen

مؤلف تاریخ فرشته مینویسد پدران میر محمد مؤمن از قربان دربار سلاطین ایران بودند امیر محمد مذکور در عهد شاه طهماسب معلم سلطان حیدر میرزا بوده است و در ایام محمد قلی قطبشاه به هند رفته مدت ۲۵ سال در دربار آن پادشاه بوزارت و امارت اشتغال داشت (۳)

۵ - بعضی - از وزرای مختلف امامیه

۱ - ابوالحسن علی بن الحسین بن محمد بن یوسف بن بحر بن بهرام

Ali

وزیر سعد الدوله بن سیف الدوله بن حمدان و پدر ابوالقاسم مغربی وزیر شرف الدوله بوده است که در صفحه ۸ از این جزء شرح حال او ذکر شد صفدی مورخ مشهور در جلد ۱۸ از کتاب خود الوافی بالوفیات که مؤلف در کتابخانه امام جمعه فعلی کرمانشاهان

(۱) حقیقة العالم در تاریخ قطبشاهی (۲) و (۳) تاریخ محمد قاسم فرشته و حقیقة العالم

ملاحظه نموده راجع بشرح حالات وزیر مزبور چنین مینویسد: وزیر مذکور در حلب متولد شده و سعد الدوله بن سیف الدوله بن حمدان صاحب حلب او را وزیر خود نمود سپس ابوالحسن از سعد الدوله هراسیده بمصر فرار کرد و وزارت الحاکم بالله فاطمی را قبول نمود ولی حاکم بر او متغیر شده و فرمان قتل وی را صادر کرد سنه ۴۰۰ هجری وزیر مزبور شعر نیکو میگفت و حافظ بن عبد الغنی از او روایت کرده است (۱)

۲ - جمال الدین علی بن یوسف بن ابراهیم بن عبدالواحد قفطی
Ali

وفاتش در سال ۶۴۶ واقع شد وزیر الظاهر بالله در حلب و صاحب کتاب اخبار العلماء باخبار الحکماء منطبعه مصر (سنه ۱۳۲۶) میباشد ترجمه آن ضمن حالات رجال مظنون التشیع و التسنن این کتاب ذکر شده است و همچنین حالات وی مفصلاً در ص ۹۶ فوات الوفيات ج ۲ و معجم الادباء صفحه ۴۷۷ ج ۵ مسطور است بدانجا مراجعه شود ...

۳ - یحیی خان آصف الدوله نسابوری لکهنوی وزیر محمد شاه

Yahya khan

در سنه ۱۲۱۰ وفات نموده جنب تعزیه خانه که نزدیک خانه خویش بنا کرده بود مدفون شد مشار الیه از احفاد سعدتمند خان برهان الملک و از اعظم وزراء سلطان محمد شاه هندی محسوب میشد و بمساعدت دولت بریطانی امور مملکتی را کاملاً اداره کرد (از آثار وی)

۱ - ریاضی در لکهنو برای واردین و مسافرن ائمه عراق عرب بنا نموده که دارای اوقاف بسیاری است

۲ - نهر معروف به نهر هندیه در حوالی حله از عراق عرب که بامر او برای نقل آب بنجف حفر شده و امروزه در امور زراعتی عراق عرب اهمیتی تام دارد

۳ - حسینیه بزرگ مهی که در نزدیکی خانه اش بنا نموده است

۴ - ابنیه عالی در اکبر آباد و شاهجهان آباد بنا کرد و بتاج گنج نام نهاده است جزائری در کتاب تحفه عالم عمارات مزبور را شرح و توصیف نموده است

۵ - کتابخانه نفیس قیمتی داشته است که کتب ثمینه خطی عربی و فارسی از علوم قدیمه و جدیدیه در آن موجود بوده از آنجمله هفتصد جلد کتب خطی نادر که بخطوط مؤلفین تحریر یافته است و ظاهراً بعد از انقراض دولت تیموریان هند از کتابخانه آنان منتقل گردید (۲)

(۱) الوافی بالوفیات تألیف صفدی خطی است این کتاب از کتب مهمه تاریخ و رجال بشمار میرود متأسفانه فقط چهار مجلد از ۱۸ مجلد که تمام کتاب است در کتابخانههای اروپا پیدا شده است و مجلد ۱۸ در کتابخانه امام جمعه کرمانشاه بدست مؤلف آمده (۲) الجصون المنبیه فی طبقات الشیعه خطی و تحفه العالم جزائری طبع بمبای

فصل سوم

دو حالات مشاهیر روحانیون که تقریباً از وزراء بوده و در امور سیاسی شرکت نموده اند

تقیاء (۱) - صدور - شیخ الاسلام های معاصر صفویه

تاریخ روحانیت و سیاست در ایران

قوای روحانی - دوره های مختلفه آن - تأثیر قوای روحانی در قوای

سیاسی و مزاحمت این دو قوه بایکدیگر - جنگ سید مجاهد

باروسیته - الغای امتیاز دخانیات بدست میرزای شیرازی

مشروطیت - انحلال جمهوریت - انحطاط روحانیت

علل آن - اصلاح اساسی قوای روحانی

ایران مرکز مذهب شیعه و از زمان صفویه تا کنون امور داخلی و خارجی این مملکت با دو قوه سیاسی و مذهبی اداره میگردد کمتر اتفاق افتاده بود که این دو قوه از یکدیگر جدا شده باشد باین ترتیب دولت مظهر اراده ملت بوده پیشرفت سیاسی حکومت وقت منوط بتوافق قوای روحانی میگردد مخالفت با قوای روحانی سبب شکست سیاست دولت و غالباً بعدم موفقیت حکومت منتهی میشد زیرا دولت در هر موقع جز خود پشتیبانی نداشته و عملاً تابع اراده قوای روحانی میبود بنا بمعینده عمومی علمای مذهب شیعه نمایندگان امام عصر و جانشینان ولی شرع بوده سلطنت واقعی مختص آنان است و فرمانروایان ظاهری بقوه قهریه حقوق آنان را غصب کرده اند افراد شیعه خود را از هر حیث تابع و مطیع امام عصر دانسته در غیبت امام اطاعت پیشوایان شیعه را فرض و واجب میدانند ولی برای تقیه یا ترویج شریعت و استحکام مبانی آن ظاهراً از حکام و امرای ظاهری نیز اطاعت میکنند قوای روحانی مذهب شیعه از ابتدای تأسیس تا کنون دوره های مختلفه را طی نموده چندین مرتبه ترقی و یا انحطاط نموده است

دوره اول

اولین دوره ظهور و بروز قوای روحانی شیعه را میتوان در شهر قم مشهور بدار المؤمنین تعیین نمود که در اواسط سلطنت بنی عباس طایفه اشعریه بقم آمده لوای تشیع را بر افراختند اما در این دوره قوای روحانی شیعه فقط قادر بوده است که این مذهب را در مقابل اهالی سنی آبه و اصفهان علنی و آشکار نماید زیاده بر این اقتدار و نفوذی را دارا نبود و همینقسم تا انقراض سلسله آل بویه کم و بیشی قوای روحانی شیعه در صعود و نزول بود

دوره دوم

بعد از انقراض سلطنت آل بویه (نگاهبانان مذهب شیعه) (سنه ۴۴۷) نزدیک بود آثار روحانی و مادی این مذهب در ایران منقرض گردد تا آنکه سلطان محمد خدا بنده از احفاد چنگیز خان

(۱) با اجازه و تصویب مؤلف از ترجمه شرح حال تقیاء صرف نظر نموده بذكر حالات صدور و شیخ الاسلامهای معاصر سلاطین صفویه میردازیم - مترجم

باسران سپاه و امرای خود بارشاد حسن بن مطهر معروف بعلامه حلی مذهب تشیع را قبول نمود و کتاب نهج الحق و کشف الصدق را باسم سلطان محمد تألیف کرد و مراکز تشیع در شهر حله (از عراق عرب) شد و بدینوسیله این طریقت و مسلک پیشرفت نموده و بیش از زمان اشعریین در ایران و عراق عرب منتشر گردید

دوره سوم

دوره سوم نشو و نمو قوای روحانی شیعه از دوره صفویه شروع میگردد سلسله سلاطین صفویه بدست شاه اسماعیل اول سنه (۹۶۱) تأسیس یافت سیاست این دولت از هر حیث مؤید و مروج مذهب شیعه بوده است که برای مقاومت با دولت عثمانی و استقرار سلطنت شیعی در صدد استحکام و ترویج مذهب شیعه برآمدند طبعاً رؤسای روحانی شیعه دارای اختیارات تامه شده در کلیه امور سیاسی مداخله و شرکت نموده اند مخصوصاً صاحب منصبان روحانی در ایام صفویه بنام صدر یا صدر الصدور یا شیخ الاسلام تعیین شده متولی امور موقوفه و سایر قضایای مهمه قضائی و سیاسی بودند در زمان شاه عباس کبیر اقتدار و عظمت رؤسای روحانی بعد اعلی رسید این پادشاه از عاقبت کار اندیشیده ب فکر الغاء منصب صدر الصدوری برآمد ولی بزودی عدم پیشرفت قضیه را درک کرده از خیال خود منصرف شد (بشرح حالات صدور و شیخ الاسلامها مراجعه شود) پس از انقراض سلطنت صفویه و ظهور نادر شاه نفوذ و استیلا روحانیت رو بکاستن نهاد زیرا نادر شاه غیر از کشورگیری و جنگجویی و تشدید مبانی سلطنت نظر دیگری تأیید نمینمود مخصوصاً سعی داشت که مجد و عظمت ایران را با شمشیر (نه بقوای روحانی) اعاده داده و مستحکم نماید باین لحاظ موقوفات و خیرات را کاملاً مصادره نموده رتبه صدر الصدور و شیخ الاسلام را ملغی و باطل کرد نفوذ روحانیون شیعه که در شهرهای اصفهان قم قزوین خراسان شیراز بحرین مرکزیت یافته بود بدست این فاتح کشور گشای بکلی منهدم و از پای درآمد این ضعف و انحطاط قوای روحانی شیعه تا اواخر زندیه و ابتدای ظهور قاجاریه ادامه یافت

دوره چهارم

در ابتدای جلوس فتحعلیشاه تدریجاً مذهب شیعه رونق و شکوهی پیدا نمود چونکه این پادشاه شخصاً متایل بمسلک تصوف بوده و طرفداری از آئین مذهب و مذهبیان مینمود همانوقع در هند و عراق عرب نیز مراکز مهمی برای پیشرفت و ترویج مذهب شیعه تأسیس گردید نفوذ و اقتدار روحانیون شیعه در ایران از آنوقع تا کنون ادامه یافته ولیکن در نتیجه پاره جهات اساسی از چندی باینطرف غلبه و استیلا روحانی ایران رو بضمحلال و انحطاط میباشد در این دوره اخیر روحانیت و سیاست با یکدیگر مصادمه نموده و تولید مزاحمت نمودند

روحانیت و سیاست در این دوره

بطوریکه سابقاً اشاره شد علماء و پیشوایان مذهب شیعه در انظار عامه جانشینان ائمه و ثواب امام عصر میباشد مقام آنان مقدس تر از آنستکه در امور سیاست با سلاطین و امرای ظالم غاصب مداخله و شرکت نمایند اطاعت و سکوت آنان از حکومت های غاصبه فقط برای تقیه یا ترویج شریعت میباشد علماء مذهب نیز صلاح خود را هینقسم تشخیص داده موافق نظر عامه کمتر در امور سیاسی مداخله مینمودند و اگر گاه گاهی علماء یا رؤسای روحانی از طرف دولت بمنصب صدارت یا وزارت یا غیره تعیین میگرددند مداخلات آنان فقط در امور مربوطه نهی بوده و کمتر بمسائل دنیوی میپرداختند از زمان فتحعلیشاه بعد روحانیون برخلاف مصلحت

و عادت دیرین وارد قضایای سیاسی شده با قوای دولتی مصادمه و مزاحمت نمودند و در غالب اوقات بر دولت غلبه نموده از عظمت و اهمیت آن بقدر مقدور کاستند

جنگ سید مجاهد با دولت روس

همینکه در سال ۱۲۴۰ تعدیات دولت روس بر اراضی ولایت ایران به حد کمال رسید سید محمد مجاهد (۱) از رؤسای نامی شیعه در عراق عرب صلاح ملک و ملت را در غضب و قیام دانسته بر علیه دولت روس اعلان جهاد داد و از کربلا حرکت نموده دولت ایران را وادار بجنگ کرد خود نیز در میدان جدال حاضر شده با قشون روس مقابله کرد و بدون هیچگونه موفقیتی در اثنای جنگ وفات کرد از همان زمان خط مشی و پرگرام علمای روحانی شیعه در ایران تغییر کرده از دائره محدود مذهب وارد سیاست شده مستقیماً در امور مملکتی مداخله کردند

الغاء امتیاز دخانیات بامر میرزای شیرازی

در سنه ۱۳۰۷ هجری قمری ناصرالدین امتیاز انحصار معامله دخانیات را (توتون تنباکو انقیه) بنام هیئت شاهنشاهی دخانیات ایران تادمیت پنجاه سال بکیانی رژی انگلیسی واگذار کرد و در ۲۸ ماه رجب ۱۳۰۸ این معاهده و امتیاز در ایران عملی گردید علماء و روحانیون قضیه را برخلاف مصالح مملکت تشخیص داده به مخالفت آن قیام کردند در اینموقع مرکز روحانی شیعه (سامرا) بوده و کلیه امور روحانی در دست سید محمد حسن شیرازی قائم مشهور شیعه معروف بمیرزا اداره میگردد میرزای شیرازی مطابق میل عامه با انحصار دخانیات مخالفت نموده فتوی بحرم استعمال دخانیات داد تحریم دخانیات شورش و تأثیر عظیمی در بلاد شیعه نمود بسمیکه داخله بیوات سلطنتی ناصرالدین از تأثیر و نفوذ فتوای میرزا محروم نماند ناصرالدین خود را مقهور قوای روحانی دیده در سال ۱۳۰۹ امتیاز مزبور را ملغی کرد و در مقابل خسارات کیانی مبلغ نیم میلیون لیره انگلیسی بفرع صدی شش از بانک شاهنشاهی ایران (مؤسسه انگلیسی) استقراض نموده برئیس کیانی تادیه نمود قرضه مزبور اولین قرض دولت ایران از اجانب بشمار میرود

مشروطیت - انقلابات سیاسی در زمان مظفرالدین

بعد از شکست دولت روس از ژاپون نهضت های پی در پی برای استقلال و آزادی در ممالک شرق شروع گردید که از آنجمله بیداری ایرانیان و مطالبه مشروطیت میباشد اساس مشروطیت ایران بشهادت تاریخ با مساعدت و همراهی علمای مذهبی بوده است علمای ایران در عراق عرب با موافقت نظر عامه که همواره حکومت های حاضره را عمال ظلم و جور میدانستند در صدد تأسیس مشروطیت و تدوین قانون اساسی موافق با اصول مذهب شیعه برآمدند قائم و رئیس توانای روحانیون در ایران و عراق حاج میرزا حسین بن حاج میرزا خلیل طهرانی مقیم نجف بشمار میرود این مرد بزرگ توانا در نتیجه شیوخیت و فتوای کامل در انظار عمومی بعد اکل محترم و عالیمقام بوده و یگانه موافقت چنین پیشوای مشهوری برای برکنند اساس استبداد ایران کافی بوده است بعد از حاج میرزا حسین طهرانی سایر علمای عراق عرب نیز در تشدید مبانی مشروطیت مساعدت و همراهی نمودند ولی در مقابل سید محمد کاظم یزدی

(۱) شرح حالات سید مذکور در جزء ۵ این کتاب که متعلق بتاریخ ایران جدید میباشد ذکر شده است

از علمای ساکن نجف بمخالفت قیام نموده مشروطیت را مخالف مذهب شیعه جلوه داد این مخالفت و نفاق نه فقط اسباب ضعف قوای روحانی و تفرقه کلمه اسلام شد بلکه سید یردی و اتباع وی در انظار آزادخواهان بواسطه مخالفت با اصول آزادی و عدالت بیقدر و قیمت شدند در ایران نیز سید عبد الله بهبهانی و سید محمد طباطبائی از علمای مذهبی به تشدید اساس مشروطیت قیام کردند و در مقابل شیخ فضل الله نوری از رؤسای نامی روحانیون تهران با آنان مخالفت نموده بر ضد مشروطه خواهان مقاومت نمود ولی ضدیت شیخ نوری تأثیری ننموده بعد از غلبه مشروطه خواهان شیخ فضل الله علناً در میدان سه پدار مجازات آویخته شد (گویند قتل و صلب شیخ بقوای بعضی علمای عراق عرب بوده است) بهر حال از همان موقع دوره انحطاط قوای روحانی شروع شده مقدمات سقوط استیلا و نفوذ این طایفه فراهم گردید

برهم خوردن اساس جمهوریت

تفصیل این واقعه ضمن تاریخ ایران جدید تألیف نگارنده این کتاب ذکر شده بدانجا مراجعه شود

دوره پنجم

همینکه حکومت مطلقه ایران بمشروطیت تبدیل یافت ایرانیان خواه نا خواه با دنیای جدید آشنا شده و با سایر ممالک اروپائی ارتباط یافتند این تغییر رژیم و آشنائی ایرانیان با اصول تمدن اروپائی با انحطاط قوای روحانی توأم گردید ایرانیان تدریجاً از اطراف روحانیون پراکنده شده وقوای مذهب رو بضعف نهاد توجه عامه بر خلاف سابق از علمای مذهبی برگشته بمراکر دیگری معطوف شد بعقیده ما این انحطاط روحانیت شیعه را علل و جهانی سبب شده است که اگر در رفع و اصلاح آن اقدامات اساسی بعمل نیاید مختصر نفوذ و اقتدار روحانیون در ایران و عراق از میان رفته اساس آنان منقرض خواهد شد

علل اساسی انحطاط جامعه روحانی

اساس روحانیت و نفوذ کلمه آن در ایران یا سایر ممالک دنیا فقط موکول بدو قضیه اساسی میباشد اول - اطلاع روحانیان و احاطه بر علوم دینی برای تشدید مبانی شرع موافق مقتضیات زمان بقسمیکه جامعه روحانیت محیط بر اطلاعات لازمه بوده از عقاید و افکار محیط با خبر باشد تا مطابق آراء و نظریات توده بترویج مذهب و تشدید مبانی آن اقدام نماید

دوم - پیروی و تبعیت از قوانین و نظامات مذهبی بطور انفرادی - اجتماعی - نوعی - شخصی و غیره با روح اخلاص و صمیمیت خالص بدون اینکه کمترین توجهی به هوا و هوسهای نفسانی یا اغراض شخصی خصوصاً بعمل آید در دوره تاریخ روحانیت اسلام و سایر ادیان نوابغ و رجال بزرگی کاملاً دو قضیه اساسی فوق را در نظر گرفته جامعه روحانیت را به منتهی درجه اقتدار و کمال رساندند وجود آنان سبب اعتلاء کلمه دینی بوده و سرمشق مردمان آینده گردید

از ابتدای تاریخ اسلام مخصوصاً در قسمت مذهب شیعه پیشوایان و رؤسای روحانی بزرگی بوجود آمدند که از هر جهت جامع مراتب علم و عمل بوده زمامدار جامعه روحانیت شده اند و شهرت آنان در اطراف دنیا پراکنده شد فی الواقع نظام هیئت روحانی شیعه باین دواصل مهم - علم - عمل - اداره میگردد رؤسای روحانی حتماً بایستی متصف باین اوصاف باشند این نظام و روش تا اواخر سلطنت ناصرالدین قاجار در ایران ادامه داشت و امتیاز فضلای کاملاً مراعات میشد متأسفانه از ان موقع این امتیاز اساسی رو بانحلال نهاد حقایق مقدسه بالقاب

وتظاهرات مادی تبدیل گردید ناکسان و نا اهلان داوطلب مقام عالی روحانی شده و باوسایل غیر مشروع موفق گردیدند بدون استحقاق اجازه نامه اجتهاد صادر و مجری شد مقتبان نادان مصدر امور شرعی کشته حکمشان مطاع و مجری گردید تدریجاً مقاسد روحانی از مرکز سایر بلاد ایران سرایت نموده و تا عراق عرب مرکز اساسی روحانیت شیعه امتداد یافت القاب مبتذل گشت و اهمیت روحانیون از میان رفت انقلاب سیاسی ایران نیز چونکه بانقلاب ادبی مسبوق نبود در فساد اخلاق توده ایرانیان مؤثر گردید ایرانیان از روی جهالت و تقلید اروپائیان نسبت باین مذهب بیعلاقه شدند آزادی و حریت افکار سبب تجاهر و جسارت مردمان فاسدالعقیده گردیده آنان نیز در تخریب اساس روحانیت سعی شدند شاکردان مدارس جدید ایران حتی محصلین ایران در اروپا تمدن و ترقی و تعالی ملی خود را در تزلزل اساس دینت و تبلیغ لاقیدی و بی مذهبی تصور نمودند در صورتیکه ملل متمدنه روشن فکر عالم - اتاژونی - انگلستان - آلمان - و غیره یش از هر چیز جامعه دینی را مقدس و محترم میشمارند از این گذشته رجال سیاسی ایران هم بشو به خود جامعه روحانیت را بارتوده و مانع پیشرفت اساس تمدن جدید معرفی کرده علوم دینی را مخالف اصلاحات جامعه تشخیص داده اند بقسمیکه هرگاه بیم و شورش بلوای عمومی نبوده آخرین رمق روحانیت را قطع مینمودند با این وضع استفاک و مدعیان زبردست اگر جامعه روحانی ایران و عراق عرب شروع باصلاحات علمی و عملی ننماید و نهضت اصلاح دینی شروع نشود خرافات پوسیده اوهام و تقلید قدیمه زایل نگردد مبادی دینی با تمدن عصری تطبیق نشود و مدارس و اونیورسسته های مخصوص مذهبی تأسیس نگردد نظامات روحانی اسلام شیعه کاملاً مطابق نظامات دینی اروپائی تأسیس نشود - بزودی بنیان روحانیت منهدم گشته اساس آن منقرض خواهد شد بنظر مامهمترین موادی که بایستی فوراً درصدد اجرای آن برآمد عبارت است از

۱ - اصلاح کل تعلیمات علوم مذهبی (عربی - منطق - معانی بیان - فقه - اصول فقه) طریقه فعلی و طرز تدریس امروزه علوم قدیمی به منتهی درجه اغتشاش و فساد رسیده است فی الواقع ادامه این سبک و روش نه تنها سبب تضییع وقت طلاب و بد بختی آنان خواهد شد بلکه بعقیده ما بزرگترین خبانتی است که در مقابل اصلاح مقاسد روحانی مرتکب میشوند شرح این مطلب را در مقدمه کتاب النهایه شرح برکفایه آخوند خراسانی نگاشته ایم (این کتاب فعلاً تحت طبع است)

۲ - تعیین پرگرام مدارس مذهبی بقسمیکه یاره از علوم جدید (با مراعات الاهم فلاحهم) نیز ضمیمه معلومات قدیمه گردد و معلومات قدیمه نیز کاملاً مهذب و اصلاح شود پیروی از اصول معموله در جامع از هر مصر مناسبترین راه بنظر میرسد

۳ - امتحان علمی و عملی هر ساله در حضور عده از نمایندگان رسمی و غیر رسمی واعطاء تصدیقنامه و جایزه و غیره بر طبق نظامنامه امتحانات مداس عالی دولتی

۴ - تفکیک و تشخیص لباس و عنوان و حیثیات روحانیون مستخدم دولت از روحانیون غیر مستخدم (۱) ۵ - تعیین جریمه و مجازات مخصوص برای اشخاصیکه بدون استحقاق و امتحان بلباس اهل علم ملبس شده اند و اعطاء اجازه نامه رسمی بروحانیان از طرف هیئت ممتحنه روحانی و البته این اصلاحات اساسی بایستی بوسیله عده از رجال خیر اندیش مملکت با نهایت خلوص و صمیمیت انجام پذیرد در اینصورت میتوان به نهضت حقیقی روحانی ایران امیدوار بوده و نتایج

(۱) اقدامات حکومت توانای فعلی در اجرای این اصل راجع به روحانیان مستخدم دولت قابل تشکر و تقدیر است ولی انتظار می رود که قضاة رسمی و رؤسای محاضر شرع حکومتی نیز مستثنی نشوند

مقدمه آنرا انتظار داشت

۱ - از صدور نامی پادشاهان صفویه

مقدمه

پادشاهان صفوی برای پیشرفت امور سیاسی بیش از تمام دول شیعی مذهب در صدد ترویج این مذهب برآمده و زمامداران روحانی این کیش را در اغلب قضایای سیاسی مداخله و شرکت میدادند از آنجمله ایجاد رتبه صدر الصدور بود باین ترتیب که یکی از روحانیین پای تخت از طرف دولت بعنوان صدر الصدور انتخاب شده کلیه موقوفات و تعیین قضات مملکتی با صدر الصدور مذکور بود شاه عباس چنان مقتضی دید که رتبه صدر الصدوری را ملغی نماید ولی از تقوّد کلیه واقدار آنان هراسیده فسخ عزیمت کرد شاه صفی صفوی پس از جلوس بر سرپرست سلطنت مقام صدر الصدوری را به شخص سلطان تخصیص داد و از اینروز قسمی از تقوّد و قدرت صدور کاسته شد

نادر شاه افشار اسماً و رسماً منصب صدر الصدوری را لغو و ابطال کرده کلیه اموال و موقوفات آنان را متصرف شد

بطوریکه از تاریخ جهان آرا معلوم میشود تا زمان شاه اسماعیل صفوی رتبه صدر الصدوری به شخص پادشاه تخصیص داشت در ایام قاجاریه لقب صدر یا صدر اعظمی به شخص اول مملکت اطلاق میشد تا اینکه در اواخر سلطنت ناصرالدین رتبه صدر اعظمی ملغی شده و دوباره بوسیله خود ناصرالدین تجدید شد بعد از اعلان مشروطیت در سنه ۱۳۲۴ لقب صدراعظم برپیس الوزرا تبدیل شد

ایتک بشرح حال عده از مشاهیر رجال فوق الذکر خواهیم پرداخت که پس از نایل بمقام مزبور در سیاست مملکتی نیز مداخله داشتند و تقریباً جزو وزراء بشمار میروند

از صدور نامی شاه اسماعیل

۱ - صدر جلیل امیر قوام الدین

Emir Ghavamed-Din

حسن اصفهانی از قراریکه سام میرزا فرزند شاه اسماعیل در کتاب تحفه سامی فارسی نوشته مشار الیه از سادات قباوی اصفهان بوده و بقارسی نیز شعر میگفته است چندی در اصفهان به شغل نقابت مشغول بود تا آنکه در سنه ۹۳۰ اوائل جلوس شاه اسماعیل با مشارکت امیر جمال الدین محمد استرآبادی بصدارت اشتغال داشت و بعد مستقلاً عهده دار آن شغل گردید شخصی دانشمند فاضلی بوده در علم انشاء مهارت تام داشت اهل فضل را مراعات مینمود زهد و تقوایش مشهور است

رضاقلی خان در ذیل روضه الصفا ویرا بعنوان میر قوام الدین حسین اصفهانی ذکر نموده مینویسد که ابتداء میر جمال الدین استرآبادی باوی در امر صدارت شرکت داشت

سپس امیر نعمه الله باوی شرکت نمود و پس از چندی میر غیاث الدین منصور شیرازی با امیر نعمه الله شرکت نموده

مدت هشت سال میر معز الدین محمد اصفهانی مستقلاً صدارت داشت پس از وی میر اسدالله مرعشی و شاه تقی الدین محمد اصفهانی و میر محمد یوسف استرآبادی و میر سید علی بن میر اسدالله شوشتری هر یک بنوبت پس از یکدیگر صدارت نمود (۱)

۲ - صدر کبیر امیر سید شریف

Emir Seyed Sherif

بن امیر تاج الدین علی بن امیر مرتضی بن امیر تاج الدین علی استرآبادی الاصل شیرازی الوطن از اجله سادات علماء و دانشمندان بوده است نسبش به علامه جرجانی مشهور منتهی میگردد پدرش از احفاد محمد بن زید داعی صغیر والی مازندران بوده است ایام شاه اسماعیل صفوی در سنه ۹۱۵ مستقلاً بصدارت نایل شد بطوریکه از تاریخ جهان آراء مستفاد میشود تا آن ایام منصب صدارت اختصاص بسادات داشت بمر حال ممکن است میر سید شریف همان صدر کبیری باشد که در واقعه چالاران هنگام محاربه شاه اسماعیل و سلطان سلیم عثمانی با سایر امراء کشته شد از قرار مندرجات تاریخ جهان آراء همینکه شاه اسماعیل در ۹۱۷ از غزوه بلخ بقم مراجعت نمود میر سید شریف از منصب صدارت استعفاء داده بزیارت ائمه عراق مشرف شد و بعد از وی مرتضی مالک الاسلام امیر عبد الباقی بصدارت رسید حسن بیگ در کتاب احسن التواریخ ضمن وقایع سنه ۹۱۷ نیز عزیمت میر سید شریف را مذکور داشته مینویسد مشار الیه از اسباط سید شریف علامه شیرازی بوده و مدت زمانی در ایام شاه اسماعیل منصب صدارت را عهده دار گشت در ترویج مذهب شیعه و اهانت علمای تسنن اقدامات جدی نمود بالاخره در سال ۹۲۰ در جنگ چالاران هنگام محاربه شاه اسماعیل و سلطان سلیم عثمانی با عده دیگر از سادات مانند امیر عبد الباقی و سید محمد کمونه و غیره کشته شداند واقعه مزبوره در سال چهار دهم سلطنت شاه اسماعیل و یکسال بعد از ولادت شاه طهماسب بوده است (۲)

(۱) ریاض العلماء میرزا عبدالله افندی خطی است (۲) ریاض العلماء و جهان آراء و احسن التواریخ

مورخ مزبور صدارت میر سید شریف را جزء وقایع ۹۱۵ تصریح نموده است

۳ - میر محمد بن یوسف

Mir Mohamed

بن حسین هروی از اجله سادات هرات بوده و در آن بلده متولد شده و نشو و نمو نمود از طرف شاه اسماعیل صدر الصدور خراسان شد در سال ۹۲۷ بفرمان امیرخان حاکم خراسان کشته شد سبب قتلش عزل امیرخان مزبور بوده است (۱)

۴ - امیر غیاث الدین منصور

Emir Manssoor

بن امیر صدر الدین دشتکی امیر مزبور از اهالی شکر آب از توابع دماوند بوده ابتداء نزد عمویش فخر الدین و بعد در خدمت سیف الدین تفتازانی تلمذ نمود شاه اسماعیل ویرا قاضی تمام ممالك خراسان قرار داد سپس به منصب صدارت نایل گشت و کارش بالا گرفت ولی بالاخره امیرخان بروی خشمگین شده در یکی از قلاع خراسان حبسش کرد و پس از چندی ویرا مقتول نمود و اموالش را ضبط کرد

امیر غیاث الدین مزبور ۶۵ سال عمر نمود شعر نیکو میگفت و خلقی تخلص میکرد کتابی در اثبات واجب بنام المشارق تألیف نموده که نسخه از آن در کتابخانه راغب پاشا در اسلامبول و کتابخانه حمیدیه موجود است در هفت اقلیم شرح حال او مذکور است (۲)

از صدور نامی شاه طهماسب

۱ - سید میرزا رفیع الدین

Rafied - Din

معروف به صدر کبیر بن امیر شجاع الدین محمود اصفهانی بن میر سید علی معروف به خلیفه سلطان شخصی فاضل دانشمندی بوده است خاندان وی در اصفهان و مازندران به علم و دانش اشتها دارد مشار الیه در بسیاری از علوم مهارت داشته بعد از عزل قاضی جهان سینی بصدارت شاه طهماسب نایل شد در سیاست

(۱) و (۲) ریاض العلماء افندی و تذکره هفت اقلیم که هر دو خطی است

و امور دیانت خوشرفتاری نمود هنگام مسافرت از فرح آباد مازندران به سمت یساق در فیروز کوه مریض شد ویرا در عمارت نهاده بزایه عبدالعظیم مجاور تهران حمل کردند و همانجا وفات نمود جسدش را بامر شاه حمل بکربلاء نموده و در روضه مبارکه دفن کردند پس از مرگ وی میرزا رفیع الدین شهرستانی به صدارت رسید شرح حال وی در تاریخ عالم آراء مذکور است (۱)

۲ - سید صدر کبیر امیر نعمة الله

Emir Nematollah

حلی از فضلاء شهر حله است در دوره شاه طهماسب صفوی بمشارکت امیر قوام الدین حسین منصب صدارت را عهده دار بود پس از فوت قوام الدین امیر غیاث الدین منصور با وی در امر صدارت اشتراك یافت سپس سید نعمة الله بواسطه منازعه با شیخ علی معروف به کرکی معزول گردید و غیاث الدین مدتی مستقلاً باقی ماند وی نیز بواسطه زد و خورد با کرکی معزول شد حسن بیك دوملو در احسن التواریخ شرح قضیه را ذکر نموده خلاصه اش اینست که امیر نعمة الله حلی از علماء سادات حله و بحسن ذکاوت و کثرت فضیلت مشهور بود ابتداء در خدمت کرکی تلمذ نموده بود ولی بعد با وی جنگیده ملازمت خدمت شیخ ابراهیم قطینی را اختیار کرد شیخ ابراهیم از دشمنان کرکی بوده و در نجف اقامت داشت و چون کرکی به صحت و جوب نماز جمعه با حضور مجتهد جامع الشرایط در مرقع غیبت امام معتقد بود لذا امیر نعمة الله عده از علماء مخالف کرکی را مانند قاضی مسافر و مولی حسین اردبیلی و بسیاری از درباریان که میانه خوبی با کرکی نداشته سرآ ملاقات نمود که در مجلس شاه با کرکی در موضوع مسئله فوق الذکر مناظره نمایند ولی این تدبیر بجائی نرسیده انعقاد مجلس مذکور محقق نگردید سپس عده از اشرار مجهول الهویه شرح مفصلی بهتان و جعلیات نسبت به کرکی نوشته در تبریز در میدان صاحب آباد بخانه سلطان انداختند شاه از مضمون آن مطلع گردید و چون در آن موقع ین کرکی و امیر نعمة الله

(۱) ریاض العلماء و عالم آراء و غیره

منازعه سختی جریان داشت لذا امیر نعمة الله را به بغداد تبعید کرد و بحاکم بغداد محمد خان تکلو شرحی نوشته شد که امیر نعمة الله را از ملاقات با شیخ ابراهیم قطیفی و سایر علماء ممنوع دارد تا دسته بندی و توطئه بر علیه کرکی روی ندهد چندی بعد شاه بسمت بغداد حرکت نمود و کرکی نیز قبل از وی به بغداد وارد شد اتفاقاً کرکی در همان ایام وفات نموده و بفاصله ده روز رقیبش امیر نعمة الله هم درگذشت (۱)

۳ - قاضی شمس الدین کیلانی

Shamsed - Din

ابتداء معلم شاه اسماعیل بوده سپس در زمان شاه طهماسب چندی صدر الصدور گردید مؤلف هفت اقلیم شرح حالش را نوشته (۲)

۴ - میرزا اشرف جهان بن قاضی جهان قزوینی

Ashraf - Djahan

از فضلاء و دانشمندان عصر خویش بوده در زمان شاه طهماسب مدت پانزده سال منصب صدر الصدور بوی واکذار گردید مؤلف تذکره هفت اقلیم و برا تمجید بسیار نموده مینویسد که از آثار خیریه میرزا اشرف احداث نهر آبی در کر بلا بوده پدرش قاضی جهان مبالغی برای انجام آن مصرف نموده موفق نشد بهر حال ولادت میرزا اشرف در ۱۸ ربیع الآخر ۹۲۲ و فوتش در ۱۷ ذیقعد ۹۶۲ واقع شده در حال احتضار اشعاری گفته که بیت ذیل از آنجمله است

رفتیم و این سراچه پر غم گذاشتیم دنیا و محنتش همه با هم گذاشتیم
در تذکره هفت اقلیم اشعاری از وی نقل شده که مشوش و نامتناسب بنظر میرسد (۳)

از صدور شاه عباس کبیر

۳ - صدر کبیر ابو الولی بن امیر شاه محمود انجوی شیرازی

Abol - Vali

از فقهاء نامی و در زمان شاه عباس کبیر برتبه صدر الصدور نایل شده و در ایام شاه طهماسب از رجال نامی دولت بوده تولیت آستانه مقدس رضوی بوی واکذار گردید سپس بین او و سلطان ذو القدر حاکم مشهد مشاجره واقع شده بهمین سبب (۱) ریاض العلماء افندی خطی است (۲) تذکره هفت اقلیم (۳) ریاض العلماء و تذکره هفت اقلیم

معزول گردید ولی با شراکت برادر خود امیر شاه ابو محمد بتولیت اوقاف غزانی معین گشت در اواخر ایام طهماسب بتولیت بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی منصوب گردید در زمان شاه محمد خدا بنده قاضی عسکر بود و ایام شاه عباس صدر الصدور گردید مشار الیه معاصر شیخ بهائی بوده و با شیخ مذکور مطار حانی و مراجعانی داشته است برادر صدر کبیر شاه مظفر الدین علی انجوی نیز از فضلاء و دانشمندان محسوب میشود - (۱)

از صدور محمد خدا بنده و شاه حسین

۱ - میر شمس الدین محمد خبیصی کرمانی

Shamsed - Din

از فضلاء و دانشمندان نامی است در علم هیئت و نجوم و رمل و اعداد مهارت داشت شعر نیکو میگفت و فهمی تخلص میکرد در زمان شاه محمد خدا بنده صدر الصدور بوده است اسکندر بیگ در کتاب عالم آراء شرح حال ویرا ذکر نموده است (۲)

۲ - سید محمد باقر معروف بصدر خاصه

Mohamed Bagher

بن حسن بن خلیفه سلطان حسینی فقیه شریف در زمان شاه حسین صفوی صدر الصدور بوده است صاحب کتاب نجوم السماء فی احوال العلماء و شیخ عبد النبی در کتاب تکملة امل الامل شرح حال ویرا ذکر نموده گویند تا زمان نادر باقی بوده ولی نگارنده کتاب اخیر را ندیده است

رساله در شکایات نماز و تعلیق بر شرح لمعه از آثار سید محمد باقر باقی است (۳)

۲- از مشایخ اسلام دوره صفویه

مقدمه

در ایام سلاطین صفویه رتبه شیخ الاسلامی یکی از مناصب دولتی بوده و شخص سلطان یکنفر از اعظم فقهاء را بعنوان شیخ الاسلام تمام مملکت انتخاب نموده فرمان و خلعت شیخ الاسلامی برایش ارسال میداشت پس از قرائت فرمان مزبور در مجمع عمومی و پوشیدن خلعت شاهانه شیخ الاسلام (۱) ریاض العلماء افندی (۲) عالم آراء طبع تهران (۳) نجوم الساعی احوال العلماء طبع هندوستان

رسماً زمام امور شرعی مملکت را عهده دار شده فوراً بآن سمت معرفی میگردد گاه گاهی بر حسب درجات و شئون اشخاص شیخ الاسلام برای يك ایالت و ولایت معین انتخاب میشد و یاره اوقات يك شیخ الاسلام در سر تاسر مملکت مدیر امور شرعیه بوده است بعد از انقراض دولت صفوی رسمیت و اعتبار لقب و رتبه فوق الذکر از میان رفت و غالباً باشخاص غیر متناسب باین لقب ملقب میشدند چنانکه در عصر حاضر کلبه عناوین و القاب سیاسی و روحانی ایران از هرگونه مفاد و مفهوم حقیقی عاری و پری است ... بهر حال چون رتبه مزبور از مراتب و درجات دولتی بوده لذا شرح حال مشاهیر جالی که در عهد صفویه باین عنوان معرفی شده اند بطور اختصار مینگاریم

(در دوره شاه طهماسب)

۱ - محقق ثانی زین العابدین

Zeyn-el-Abedin

ابوالحسن علی بن حسین بن عبد العالی العاملی کرکی معروف به محقق ثانی در سنه ۹۳۹ وفات نمود و بقول صاحب تاریخ جهان آراء وفاتش در ۱۸ ذی الحجه ۹۴۰ واقع شد بهر حال از پیشوایان ارجمند عالیقدر طایفه امامیه در عصر خود محسوب میشود از شام به مصر مهاجرت نمود و از بسیاری از علماء سنی و شیعه روایت کرده است در میان علماء عامه از ابو یحیی زکریای انصاری و از علماء خاصه از شیخ علی بن هلال جزائری و شیخ شمس الدین محمد بن داود روایت نموده است از مصر به عراق عرب مسافرت کرد و چندی در آنجا مقیم شد سپس بایران آمده مورد توجه شاه طهماسب صفوی گردید شاه طهماسب ویرا قاضی القضاة و شیخ الاسلام تمام مملکت ایران نمود وظایف و املاک بسیاری در عراق عرب بوی تفویض کرد و بر تمام علمای معاصر برتری داد بالاخره در ۱۶ ذی الحجه ۹۳۹ فرمان فارس شاهانه صادر گردیده و تمام امراء فرمان مزبور را مهر و امضاء نمودند بموجب آن فرمان محقق ثانی دارای اختیارات نامه گردید و عموم امراء و حکام بلاد مخصوصاً مأمورین عراق عرب باطاعت و پاس احترامات محقق مأمور شدند بقسمیکه تا کنون چنین فرمانی برای هیچیک از شیخ الاسلام های سابق نشده بود افتدی در کتاب ریاض العلماء و قاضی نورالله در مجالس المؤمنین و غیره عین فرمان را نقل نمودند شیخ علی مزبور نیز در ترویج مذهب امامیه سعی وافیه نمود و در انتشار آن بین اهالی ایران و عراق عرب جدیت کامل بخرج داد سپس در صدد تعدیل قبله بلاد ایران بر آمد و برای انجام این مرام شخصی به شیراز اعزام داشت امیر

غیاث الدین منصور شیرازی که از سر آمد علماء ایران مقیم شیراز بوده از اقدام شیخ رنجیده با فرستاده او ضدیت کرد و اظهار داشت تعدیل و استقامت قبله فقط بایستی توسط علماء متخصص ریاضی انجام یابد رسول شیخ بدون انجام مقصود مراجعت کرد

باری موقع مراجعت ثانوی شیخ علی بایران امیر غیاث الدین صدر الصدور بوده و در حضور شاه طهماسب بین آنان منازعه واقع شد شاه طرفداری از شیخ نموده غیاث الدین را معزول کرد آثار محقق ثانی مزبور

۱ - المقاصد فی شرح القواعد درشش مجلد که تألیف بحث تفویض نکاح منتهی شده است و در يك مجلد ضخیم در ایران بطبع رسیده است ۱۳۱۲

۲ - کتاب النفحات

۳ - رسالة الجعفریه فی احکام الصلوات من الواجبات والمندوبات که شروح ذیل بروی نگاشته شده است

آ - المطالب المظفریه تألیف سید امیر محمد بن ابی طالب الحسینی الاسترآبادی شاگرد محقق ثانی نسخه از آن کتاب در کتابخانه مشهد رضوی است شرح مزبور بنام امیر کبیر المظفر جرجانی تألیف و به اسم او موسوم میباشد شرح متوسط لطیفی خالی از اطناب و دارای ایجاز میباشد ابتدای آن بعبارات ذیل شروع میشود:

الحمد لله الذی فضلنا علی سایر الامم باعدل الادیان و اوضح لنا شرایع الاسلام باتم الايضاح و اكمل ابیان...

مؤلف کشف الحجب شرح مزبور را تألیف شیخ علی میسی همنام محقق ثانی تصور نموده ولی قول اصح همان بود که ذکر شد

ب - الفوائد العلیه تألیف جواد بن سعید بن جواد کاظمی شاگرد شیخ بهائی شرف الدین بن علی استرآبادی نجفی شاگرد محقق کرکی حرعالمی مینویسد که کتاب مزبور را در کتابخانه مشهد رضوی مشاهده نمودم

ت - شرح مولی شاه طاهر بن رضی الدین اسماعیل حسینی شاگرد شمس الدین حصری معاصر محقق ثانی

ث - الفوائد الغریبه تألیف شرف الدین علی حسینی استرآبادی نجفی شاگرد محقق ثانی -

ج - شرح نورالدین علی بن عبدالعالی میسی معاصر محقق ثانی که در سنه ۹۳۸ وفات کرده است

ح - شرح عیسی بن محمد جزائری که در حدود سنه ۱۰۶۰ وفات نموده است
ح - التحفة الرضویه تألیف شرف الدین یحیی بن عز الدین حسین بن عشیره بن ناصر بخرانی یزدی معروف به شیخ یحیای مفتی که شاگرد محقق و نایب وی در یزد بوده است نسخه از شرح مزبور بخط مؤلف در کتابخانه حاج میرزا حسین نوری بوده است

۴ - رسالة الخراجیه ۵ - رسالة الرضاعیه ۶ - رسالة الجمعة ۷ - رسالة اقسام الارضین ۸ - رسالة صیغ العقود والایقاعات

۹ - رسالة نفحات اللاهوت فی لعن الجبت والطاغوت

۱۰ - حاشیه مختلف الشیعه در کتابخانه مشهد رضوی موجود است

۱۱ - حاشیه بر ارشاد علامه حلی او لش چنین شروع میشود: الحمد لله رب العالمین نسخه از آن در کتابخانه شیخ علی آل کاشف الغطاء نجفی و کتابخانه سید مهدی حیدر کاظمی موجود است نسخه اخیر را سید علی اکبر بن عبدالله حسینی طالقانی در ایام اشتغال و اقامت در قزوین نگاشته و در سال ۹۷۷ خاتمه یافته است و از اول اغسال شروع شده و به قسمت بیع منتهی میشود

۱۲ - رسالة السجود علی التربه ۱۳ - رسالة السبحة ۱۴ - رسالة الجنائز

۱۵ - رسالة احکام الاسلام ۱۶ - رسالة النجمیه ۱۷ - رسالة المنصوریه

۱۸ - رسالة فی تعریف الطهاره ۱۹ - شرح الفیه

۲۰ - حاشیه بر الفیه شهیدیه و در این شرح تصریح مینماید که شرح دیگری بر آن کتاب نگاشته است حاشیه الفیه در حواشی کتاب المقاصد العلیه در ۱۳۱۲ طبع شده است

۲۱ - کتاب المطاعن المحرمیه شیخ حسن فرزند محقق ثانی در کتاب عمدة المقال فی کفر اهل الضلال تألیف کتاب مزبور را به پدر خود نسبت میدهد محقق ثانی در آن کتاب اخبار بسیاری و همچنین ادله عقلیه زیادی در ذم و قدح صوفیه مرقوم داشته است

۲۲ - رسالة فی العداله ۲۳ - رسالة فی الغیبه

۲۴ - جواب اسئله که بعضی از آن جواب مسائل فقهی است و فضل الله حسینی آن مسائل را جمع آوری نموده است و چنین شروع میشود:

مسائل متفرقه سمعتها من حضرة شیخنا و مقتدانا و مجتهد زماننا علی بن عبدالعالی
۲۵ - رسالة الحجیه ۲۶ - حاشیه بر تحریر علامه در فقه ۲۷ - رسالة الکریه
۲۸ - رسالة التعقیبات

۲۹ - حواشی متفرقه بر کتب فقهیه مانند کتاب دروس و الذکری و غیره

۳۰ - اجازات بسیار مختصر و مفصل که از آنجمله اجازه علی بن عبدالعالی میسی و شیخ ابراهیم فرزندش که در بغداد بتاريخ ۹۳۴ تحریر یافته است (۱)

۲ - سید قاضی شاه مظفر الدین

Mozaffared - Din

علی بن شاه محمود انجوی شیرازی برادر صدر کبیر ابو الولی انجوی شیرازی مشارالیهما با برادر دیگر خود شاه ابو محمد از علماء و دانشمندان ارجند ایام شاه طهماسب صفوی بوده اند قاضی مظفر الدین از علماء شیراز محسوب میشد و از طرف شاه طهماسب شیخ الاسلام شیراز و وکیل شاه در آن بلده گردید سپس پادشاه محمد خدا بنده صفوی موقع انتقال پایتخت از شیراز بقزوین مسافرت کرد و در آنجا قاضی عسکر بود شاه محمد ویرا بسیار گرامی میداشت صاحب تاریخ عالم آراء شرح حال ویرا نگاشته است (۲)

۳ - شیخ زین الدین علی معروف بمنشار عاملی

Zeyn - ed - Din

از علماء و دانشمندان نامید شیخ علی کرکی بوده است بخدمت شاه طهماسب صفوی رسید و نزد وی گرامی گشته به شیخ الاسلامی اصفهان تعیین شد و آوازه شهرتش در بلاد ایران پراکنده گردید همینکه حسین بن عبد الصمد پدر شیخ بهائی از جبل عامل باصفهان آمد شیخ زین الدین ویرا نزد شاه طهماسب معرفی نمود و شیخ الاسلامی قزوین را برای شیخ حسین ترتیب داد از شیخ منشار فقط يك دختر دانشمند فاضله فقیهه بوجود آمد که عیال شیخ بهائی بوده است پس از وفات شیخ

(۱) ریاض العلماء و امل الامل و عالم آراء و غیره (۲) عالم آراء عباسی و ریاض العلماء افندی

منشار موازی چهار هزار مجلد کتب شیخ بدخترش منتقل شد شیخ مزبور قسمت عمده آن کتب را از هند با خود بایران حمل کرده بود

و کلیه آنها را شیخ بهائی وقف کرده و بعد از وفات شیخ بهائی بواسطه عدم مراقبت متولیان تدریجاً از بین رفت صاحب تاریخ عالم آراء و سایر شاگردان شیخ بهائی در رسائل فارسی راجع بحالات شیخ بهائی از شیخ منشار نیز ذکری نموده اند و ویرا ستوده اند منشار الیه پس از مرگ شاه طهماسب نیز باقی بود (۱)

عزالدین حسین بن عبد الصمد

Hossein

بن محمد بن علی حارثی همدانی عاملی خراسانی والد شیخ بهائی در سال ۹۱۸ یا (۹۱۲ بطوریکه در کتاب لؤلؤة البحرین مذکور است متولد شده و در سنه ۹۸۴ در قریه مصلی از توابع بحرین وفات نموده و در آنجا مدفون شد از فضلاء و دانشمندان نامی در علوم و فنون متفرقه مهارت داشت در علم شعر و ادبیات و ترتیب الفاظ متبحر بود پدر و جدش نیز از دانشمندان دوره خویش بودند منشار الیه از فضلاء تلامذه شهید ثانی محسوب میشود و از سید حسن بن سید جعفر بن حسین کرکی و میرسید حسن مجتهد استاد شهید ثانی نیز روایت کرده است تلامذه دانشمند عالی قدری تربیت نموده که از آنجمله فرزندش شیخ بهائی و رشید الدین بن شیخ ابراهیم اصفهانی هستند و از طرف استادش شهید ثانی اجازه عام مفصلی دریافت نموده است افندی قسمت عمده آنرا در کتاب خود ذکر مینماید قرائت کتب احادیث بوسیله منشار الیه در بلاد ایران انتشار یافت

شیخ عزالدین با خانواده خود از جبل عامل باصفهان وارد شد در آن موقع شاه طهماسب در قزوین اقامت داشت پس از اطلاع بر ورود شیخ خلعتی برای وی فرستاده بقزوین پای تخت خویش احضارش نمود و ویرا شیخ الاسلام قزوین نموده بسیار گرامی داشت شیخ مدت هفت سال در قزوین به افادت و افاضت قیام و اقدام داشت و بر طبق عقیده استاد خود شهید ثانی نماز جمعه را واجب میدانسته و در قزوین بجای نماز ظهر نماز جمعه اقامه مینمود سپس از طرف شاه طهماسب به شیخ الاسلامی خراسان منصوب گشت و تا آن موقع مذهب شیعه در هرات منتشر

(۱) ریاض العلماء افندی

نشده بود شیخ از طرف شاه طهماسب به تبلیغ مذهب شیعه در هرات مأمور شد و سه قصبه از قصبات آن بلده به شیخ واگذار شد بعلاوه شاه طهماسب فرزند خود سلطان محمد خدا بنده و امیر شاه قلی خان حاکم خراسان را فرمان داد که هر روز جمعه در مسجد بزرگ هرات برای استماع احادیث بیای شیخ حاضر شوند عزالدین مدت هشت سال باین ترتیب در هرات اقامت کرد و از برکت قدم او عده بسیاری از اهالی متشیع گشتند بعد شیخ مزبور بقزوین آمده و از شاه برای خود و فرزندش جهت تشریف بیت الله استجازه کرد شاه وی را مرخص نموده شیخ بهائی را اجازه نداد عزالدین عازم حج گشته و در موقع مراجعت از راه بحرین عبور نموده در آن نواحی اقامت کرد و برای فرزند خویش نامه بدین مضمون نگاشت که اگر طالب رفاهیت دنیوی باشی در هند اقامت کن و اگر در صدد سعادت اخروی هستی به بحرین بیا و هرگاه از دنیا و عقبی هردو دست کشیده در ایران اقامت نما (۱) شیخ عزالدین تا ایام آخر زندگانی در بحرین به تدریس اشتغال داشت و در آنجا رحلت نموده قبرش تا کنون مشهور و از مزارات متبرکه است بسیاری از شعراء و شیخ بهائی در مرثیه او اشعاری گفته اند شیخ مزبور مانند فرزندش شیخ بهائی در مدح مشایخ صفویه و نقل کلمات آنان رغبت تام و تمامی داشت

آثار عزالدین

۱ - کتاب وصول الاخیار الی وصول الاخیار کتاب بسیار مفصلی است در علم درایت آغاز آن بادلّه امامت شروع میشود و در آن مبحث مطالب مفصلی مینگارد منشار الیه دومین مؤلفی است که از بین علمای امامیه در علم درایت کتابی تألیف نموده است و قبل از وی استادش شهید ثانی بر وی تقدم دارد و کتاب مزبور بارسالّه مختصری از شیخ بهائی و بدایه شهید ثانی در ایران طبع شده است

۲ - الاربعون اول آن چنین شروع میگردد الحمد لله علی نعمه الغرّ و الصلوة

(۱) این کله طلایی کاملاً بر وضعیت ایران امروزه نیز منطبق است

والسلام علی محمد و آله الاطهار مشتمل بر چهل حدیث و شرح آن مؤلف کتاب کشف الحجب کتاب مزبور را دیده است

۳ - الشوارق اللامعه فی معرفت الواجب و صفاته و ما یستنبه منها من معرفة المبدء و المعاد کتاب مزبور را در مشهد رضوی تألیف نموده و فرزندش شیخ بهائی تقریظ کرده است اولش چنین آغاز میگردد

الحمد لك اللهم اهل الحمد و وارثه و مستحقه و باعته و منشه و معامه و مفیده و ملهمه

۴ - رساله در مناظره شیخ بایکی از علماء حلب در مسئله امامت بقسمی که مناظر مزبور را ملزم و وادار بقبول مذهب شیعه نموده است تاریخ این مناظره بقسمی که در اول رساله مذکور گردیده سنه ۹۰۱ در حلب تحریر شده است

۵ - شرح بر الفیه شهید در فقه مزوج بامتن است شرح مزبور در هرات تحریر یافته است... عده رسائل دیگر در مسائل متنوعه (۱)

(در دوره شاه عباس)

۱- علی نقی بن ابوالعلاء محمد هاشم طغانی

Ali - Naghi

فراہانی کمره شیرازی اصفهانی در سال ۱۰۶۰ در اصفهان وفات نمود فاضل دانشمند در علم فقه و حدیث و شعر متبحر بود نزد سید ماجد بحرانی و سایر علمای شیراز تلمذ کرده در کمره از محال فراہان توطن داشت در زمان شاه صفی صفوی امام قلی خان حاکم فارس ویرا بشیراز دعوت نموده قاضی شیراز قرار داد و همینکه خلیفه سلطان وزیر شاه عباس ثانی شد شیخ علی را از شیراز باصفهان طلبیده و پس از عزل میرزا قاضی ویرا شیخ الاسلام اصفهان قرارداد و تا موقع وفات منصب مزبور را عهده دار بود شیخ مزبور بحرمت نماز جمعه در عصر غیبت امام و حرمت شرب توتون معتقد بوده رساله در آن موضوع نگاشت و دوازده دلیل ذکر نموده که خالی از وهن نیست افندی خلاصه آن را در کتاب خود شرح داده که نقل آن بی فایده است رساله مزبوره در شیراز بتاریخ ۱۰۴۸ تألیف شده

(۱) ریاض العلماء افندی و کشف الحجب و الاستار عن وجوه الکتب و الاسفار سید اعجاز حسین ہندی کہ ہر دو خطی است

است بغیر از رساله مرقومہ تألیفات دیگری نیز از او باقی است کہ عبارتند از

۲ - المقاصد العلیہ فی الحکمة الیمانیہ کتاب نفیس گرانہائی است

۳ - رساله بزرگی در حدوث عالم مشتمل بر ادله عقلی و نقلی اغلب مطالب آنرا از کتاب سابق الذکر نقل نموده است و دارای مطالب مفیدہ میباشد

۴ - رساله مواعظ و نصایح فارسی کہ برآی شاه صفی تألیف نموده است

۵ - کتاب مناسک الحاج والمعتمرین

۶ - کتاب جواب نوح افندی مفتی بلاد عثمانی در زمان سلطان مراد علت تألیف آن کتاب این بود کہ نوح افندی در موقع محاصره بغداد بدست سلطان مراد عثمانی کتابی در وجوب قتل شیعه و مباحیت خون آنان تألیف نمود امیر شرف الدین علی شولستانی کتاب مزبور را نزد شیخ علی فرستاده از وی تمنای تحریر جواب نمود شیخ نیز در دو مجلد بزرگ راجع بمسئله امامت جواب نوح افندی را نگاشته است نسخه از آن در کتابخانه مشهد رضوی موجود میباشد

۷ - پاره مؤلفات و رسائل مختلفه

اولاد و احفاد بسیاری از شیخ مزبور در شیراز و اصفهان باقی ماند افندی بعضی از آنان را ملاقات نموده است (۱)

۲ - میرزا قاضی الدین

Ghazied - Din

محمد بن میرزا کشف الدین یزدی شیخ الاسلام اصفهان

از آثار اوست رساله فارسی در خواص چوب چینی کہ بنام شاه عباس ثانی تألیف نموده و در آخرش ذکر خواص قهوه را نیز مینماید - حاشیه بر یک قاعده از قواعد شہیدیه است پدرش آمیرزا کشف از علماء و دانشمندان بوده شرح حالش ضمن علماء ریاضی عصر خویش مرقوم گردیده است (۲)

(۱) و (۲) ریاض العلماء افندی

۳ - علی صبیح عاملی ساکن یزد

Ali Sabih

از فقهاء نامی دوره شاه عباس کبیر معاصر شیخ بهائی بوده است ظاهراً در یزد بسمت شیخ الاسلامی اشتغال داشت بسیاری از علماء یزد وی تلمذ کرده اند از انجمله محمد باقر بن مولی زین الامیر علی الکوینانی بوده که در بعض رساله خویش شیخ مزبور را بعلم و کمال و زهد و تقوی ستوده (۱)

۴ - شیخ رضی الدین

Razeyed - Din

بن ابی جامع عاملی الاصل شوشتری از فضلاء عصر خود بوده با دو برادر خویش فخرالدین و عبداللطیف نزد شیخ حسن بن شهید ثانی تلمذ کرده است و از وی برای روایت تحصیل اجازه نمود پس از مرگ پدر در شوشتر اقامت کرد و در سال ۱۰۲۵ برای تشریف به مشهد رضوی عازم شد در هنگام مراجعت خدمت شاه عباس کبیر رسیده از طرف وی به نظارت اوقاف قاضی القضاتی شوشتر و دزفول و خرم آباد و بهبهان و دهدشت و کوه کیلویه و توابع آن نواحی معین شد پس از چندی ولایات همدان و نواحی آن نیز بر نقاط فوق افزوده گشت مدت دوسال در همدان اقامت نمود همینکه شاه عباس بر بغداد استیلاء یافت وی از رتبه خود استعفاء داد در نجف اشرف متوطن گشت و در همان بلده لیله عرفه ۱۰۴۸ هجری وفات نموده مدفون شد شعر نیکو میگفت قطعه در عتاب برادر خویش عبد اللطیف و قطعه در مدح علی (ع) گفته است (۲)

- شیخ زین الدین علی

Zeyned - Din

فاضل دانشمند نامی خواند امیر در حبیب السیر شرح حال وی را ذکر نموده و پس از تقدیر بسیار از درجات کمالات وی اظهار میدارد که مشارالیه در سال ۹۲۸ به هرات آمد امیر درویش خان ولد سام میرزا پسر شاه عباس ویرا گرامی داشته منصب شیخ الاسلامی و قاضی القضاتی آن نواحی را بوی واگذار نمود مدت دو سال تمام بان شغل اشتغال داشته بر همکنش فایق آمد سپس به موطن خویش (۳) بلاد عربستان مهاجرت کرد

(۱) - (۳) ریاض العلماء افندی خطی و نجوم السماء طبع هندوستان

باب دوم

در حالات امراء

فصل اول

امرای شیعه از صحابه و تابعین در ایام خلافت علی علیه السلام

مقدمه

در این باب مختصری از حالات رجال شیعه را ذکر می نمایم که در سیاست و ذکاوت شهرت داشته بطور مستقیم یا غیر مستقیم از طرف سلاطین مخالف یا موافق مذهب و سیاست خود حکومت و امارت داشته اند و ابتدا بشرح حال عدّه از صحابه و تابعین از امرای حضرت امیر خواهم پرداخت و حالات آنانرا در فصل مخصوصی شرح میدهم زیرا امارت و ولایت در ایام خلفاء راشدین بکلی بر خلاف امارت ایام بنی امیه و عباسیین بوده است

امارت در زمان حضرت رسول (ص) و خلفای راشدین

همینکه مسلمانان بملکت گیری و جهانگشائی برخاستند معمولشان چنین بود هر سر کرده کشری را فتح مینمود حکومت آن بلده بوی تفویض میکرد یا آنکه قبلاً سردار قشون این شرط را مینمودند چنانکه حضرت رسول اکرم نیز عمر و عاص و ابو زید را برای فتح بلاد مأمور فرمود و نامه بانان سپرد که در صورت تصرف و فتح هر نقطه عمر و عاص و ابی آن محل و ابوزید پیشوای نماز و داعی اسلام خواهد بود در ایام خلفای راشدین سران سپاه بلاد و ممالکی را که فاتح میشدند در همانجا به تمشیت امور پرداخته پیشوائی نماز و اخذ مالیات بانان بود تدریجاً این قبیل امارت و ولایت تغییر یافته و بحکومت های محلی تبدیل گردید و از اواخر خلافت خلفای راشدین این ترتیب شروع شده تا زمان عبدالملک ابن مروان ادامه داشت و در آن موقع مسلمانان دارای دفاتر و دیوانهای مرتبی شده اوضاع امارت و حکومت بر حسب مقتضیات زمان و مکان در ایام بنی امیه و بنی عباس تغییر یافت (۱)

عمال علی (ع) و تعیین آنان بر ولایات

حضرت امیر علیه السلام در سنه ۳۶ هجری عمال و ولات خود را ببلاد مختلفه اعزام فرمود از آنجمله عثمان بن حنیف را والی بصره کرد و عماره بن شهاب را بکوفه فرستاد و عبد الله بن عباس را به یمن روانه نمود و قیس بن سعد را بمصر و سهل بن حنیف را بشام کسب داشت اما سهل همینکه به تبوک رسید اتباع عثمان

(۱) تمدن اسلامی ص ۱۱۳ ج ۱

ویرا گفتند اگر کسی غیر از عثمان تورافرساده باید مراجعت نمائی سهل مطلب را در یافته مراجعت کرد ولی قیس بن سعد وارد مصر گردید فقط دسته از هوا خواهان عثمان مقیم مصر سر از فرمان وی پیچیده اطاعت خود را موکول به انتقام از قتل عثمان نمودند عثمان بن حنیف وارد بصره شده عده با او موافق شده و جمعی مخالفت نمودند عماره بن شهاب عازم کوفه شده در بین راه به طلحه بن خویلد اسدی که در زمان ابوبکر دعوت نبوت نموده بود بر خورده طلحه عماره را از ورود بکوفه نهی کرد باین بهانه که کوفیان دست از حاکم سابق خود بر نمیدارند عماره بخدمت حضرت امیر مراجعت کرد بالاخره عبدالله بن عباس بطرف یمن حرکت نمود اینک مختصری از حالات هر یک آنان را بیان نمائیم (۱)

۱ - ابوابراهیم مالك بن حارث بن حمید بن یغوث بن سامه بن ربیعہ

Malek

نسبش بخالد بن مالك مشهور با شتر نخعی منتهی میشود . . . مالك اشتر مانند عمرو عاص و مغیره بن شعبه و عروه بن مسعود ثقی و معاویه از رجال باذکوات عصر خویش بوده و در میان اعراب به هوش و فطانت اشتها تام دارد مشارالیه نه فقط نزد امیرالمؤمنین (ع) بلکه پیش معاویه که سخت ترین دشمن او بوده قدر و منزلت عالی داشت پس از فوت اشتر حضرت امیر فرمود (رحم الله مالکاً فقد کان لی کما کنت لرسول الله) و در قنوت معاویه و عمرو عاص و ابوعور سلمی و حبیب بن سامه و بشر بن ارطاة عده پنجگانه را لعن مینمود معاویه نیز در مقابل با علی (ع) حسنین و عبدالله بن عباس و اشتر موقع قنوت همان معامله را مجری داشت ابن ابی الحدید مینویسد مالك اشتر در بین شیعه مشهور تر از ابی هذیل بین معتزله است باری با ذکر مراتب فوق خطای اظهارات مقریزی در کتاب الخطط راجع بمالك اشتر معلوم میگردد مقریزی در کتاب مزبور بمناسبت شرح مذاهب مصر چنین مینویسد که تعیین مالك بامارت مصر از طرف امیر مؤمنان برضا و رغبت نبوده بلکه باصرار عبدالله بن جعفر انجام گرفت چه که عبدالله حضرت را بحق جعفر برادرش قسم داد و تمنا نمود که اشتر را بمصر اعزام دارد که اگر غلبه با انحضرت شد فبها والا از دست مالك راحت خواهد شد بعقیده مقریزی

(۲) ابو الفداء ۱۸۱ ج ۱ و ابن اثیر ۷۸ ج ۳

مالك اشتر حضرت علی علیه السلام را خشمگین نموده بود و امارت مصر از ناچاری انجام پذیرفت

شجاعت و اقدامات اشتر

ابو هلال و سایر مورخین مینویسند که در روز جنگ جل اشتر و عبدالله زبیر به یکدیگر بر خورده دست بگریبان شدند و از اسب افتادند ابن زبیر زیر دست و پای اشتر فریاد میزد (اقتلونی و مالکاً معی و اقتلو امالکاً معی) یعنی باید مرا با مالك بکشید از همه جنگ وجدال مطلب این زبیر مفهوم نشد ولی اگر میگفت مرا با اشتر بکشید البته باهم کشته میشدند گویند عایشه در آن موقع از حال عبدالله پرسید گفتند او را با اشتر دست بگریبان دیدیم عایشه گفت وای بحال اسماء مادر عبدالله البته هر کس مرده سلامتی عبدالله را برساند ده هزار درهم باو خواهم داد اشعار ذیل از ابیات اشتر است که دلالت بر شجاعت و رزم جوانی وی بنماید

أَبْقَيْتُ وَفَرَى وَأَنْحَرَفْتُ عَنِ الْعِدَى وَ لَقَيْتُ أَصْيَافِي بَوَجْهِ عَبُوسٍ

أَنْ لَمْ أَشِنَّ عَلَى ابْنِ حَرْبٍ غَارَةً لَمْ تَحُلْ يَوْمًا عَنْ ذَهَابِ نَفُوسٍ

در یکی از ایام صفین حضرت امیر اظهار فرمود که صبح با معاویه جنگ خواهم نمود اشتر که ابن مطلب را شنید اشعار چندی انشاد کرد که از آن جمله است

يَا بَنَ هِنْدٍ شُدَّ الْحَيَا زَيْمَ لَمْوٍ تِ وَلَا تَذْهَبَنَّ بِكَ الْأَمْثَالُ

أَنَّ فِي الصُّبْحِ أَنْ بَقِيَتْ لَهْوَلَا تَتَهَاوَى مِنْ هَوْلِهِ الْأَبْطَالُ

فِيهِ عِزُّ الْعِرَاقِ أَوْ ظَفَرُ الشَّامِ مِ يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ وَالزُّلْزَالُ

همینکه اشعار فوق بمعاویه رسید گفت شعر مهم از شاعر مهم است که گوینده آن سر سلسله اهل عراق و رئیس آنها و پناه گاه حرمشان میباشد بهر حال مصلحت در است که مجدد با علی مکاتبه نموده و از وی حکومت شام را بخواهم اگر چه یکمرتبه نوشته ام و جواب نیامده است . . معذک معاویه در تردید افتاده سپس نامه مشهور خود را نگاشت که چنین شروع میشود (اما بعد فلو علمنا ان الحرب تبلغ نباو بك ما بلغت) این مراسله در نهج البلاغه مفصلاً ذکر شده است . . .

باری در موقع جنگ صفین مالك اشتر بین علی و معاویه کار را قریباً خاتمه میداد

و معاویه را مغلوب مینمود اما حیلۀ عمر و عاص در بلند کردن قرآن ها بر سر نیزه قضیه را لاینحل و خنثی کرد و اهالی عراق حضرت امیر را مجبور ساختند که مالک اشتر را از ادامه جنگ مناعت نماید و اگر نه آنحضرت را شهید مینمودند حضرت امیر یزید بن هانی سبعی را نزد اشتر فرستاد که جنگ را متارکه کند مالک به فرستاده حضرت جواب داد که اندکی مهلت بدهید عنقریب مبارزه به شکست معاویه خاتمه می یابد همینکه یزید گفته مالک را ابلاغ نمود عراقیان بر حضرت تعرض نمودند که تو مالک را بادامه جنگ فرمان داده حضرت مجدد یزید را مامور فرمودند که بمالک بگو البته مراجعت کن زیرا فتنه شروع شده است مالک باحال افسرده و متغیر از رفتار عراقیان میدانرا واگذارده مراجعت کرد (۱)

این مسکویه در تجارب الامم راجع به شجاعت و مردانگی اشتر واقعه ذیلرا ذکر مینماید در جنگ صفین موقعی برای لشکریان علی علیه السلام پیش آمد که همگی فرار نمودند فقط ۸۰۰ صد نفر مرد جنگی از قبیله همذان باقی ماندند که در میمنه صف مقاومت مینمودند ۱۸۰ نفر و یازده رئیس قبیله از آن طایفه کشته شد معذک پافشاری نموده و مبارزه میکردند اتفاقاً بمالک اشتر رسیده بوی گفتند ای کاش تنی چند از اعراب به کمک ما میرسید ما هم قسم میشدیم که تا آخر کار پایداری نموده یا همگی از پای در آئیم و یا فاتح شویم مالک اشتر گفت من با شما این معامله را خواهم نمود اشتر با آنان شروع به حمله نموده فوج فوج دشمن را بخاک میانداخت و شمشیر یمانی در دست داشت که هنگام بلند کردن برق آن چشم را خیره مینمود و چون فرود میآورد خون مثل آب از او سرازیر میشد و همین قسم جنگ نموده فریاد میکرد اکنون خطر مرگ است و عنقریب بر طرف خواهد شد اتفاقاً حرث بن جهمان نزدیک مالک آمده ولی ویرا بمناسبت آغشته بودن در اسلحه آهنین شخصاً نشناخت فقط در مقابل آن رشادتها اظهار داشت « جزاك الله خيراً منذ اليوم عن امیر المؤمنین و جماعة المسلمين » اشتر صدای ابن جهمان را شناخته فرمود پسر جهمان مثل تو کسی از این قبیل مواقع تخلف نمیکند ابن جهمان پس از تکلم مالک را شناخته گفت جانم فدای تو تا این موقع تو را باین قسم نمیدانستم و اینک تا

موقع مرگ از تو جدا نمی شوم در صورتیکه خود ابن جهمان از مردان قوی هیکل شجاع تنومند بوده است بهر حال مالک اشتر چنان بر اهل شام حمله نمود که آنها از جای خود پراکنده شده به صف پنجم اطراف معاویه رسیدند و به حمله دیگر صف چهارم را به صف پنجم اطراف معاویه ملحق نمود معاویه اسب خواست که سوار شده فرار نماید ولی ابیات ابن اطلابه را که ذیل ذکر میشود بیاد آورده

أَبَتْ لِي عَفَّتِي وَ أَبِي بِلَائِي وَ كَسْبِي الْحَمْدَ بِالْثَمَنِ الرِّبِيحِ
وَ تَعْوِيدِي عَلَى الْمَكْرُوهِ نَفْسِي وَ إِقْدَامِي عَلَى الْبَطْلِ الْمَشِيحِ
وَ قَوْلِي كُلَّمَا جَشَأَتْ وَ جَاشَتْ مَكَانَكَ تَحْمُدي أَوْ تَسْتَرْجِي

خود داری نمود

امارت مصر و وفات اشتر

همینکه معاویه قیس بن سعد بن عباده حاکم مصر را نزد اهل شام از شیعیان خویش معرفی کرد حضرت ویرا معزول نموده محمد بن ابی بکر را بدانجا اعزام داشت پس از کشته شدن محمد حضرت فرمان امارت مصر را بنام اشتر مرقوم فرمود معاویه و عمر و عاص که از حسن سیاست و شجاعت اشتر مطلع بودند پس از این انتخاب از تسخیر مصر نا امید شده بفکر حیلۀ و تدبیر افتادند لذا نامه بالجایستار کدخدای قریه عریش نوشته ویرا بمعافی از مالیات و جایزه بسیار تطمیع کردند که مالک اشتر را در موقع عبور از آن محل مسموم نماید (عریش اولین منزلی است که پس از انتهای سرحد حجاز وارد خاک مصر میشود) همینکه مالک اشتر وارد عریش شد کدخدا نزد وی آمده و تمنا نمود اجازه دهند مشروب برای امیر تهیه نماید مالک فرمود شربت عسل بیاورد کدخدا شربت عسل مسموم را نزد وی آورد اتفاقاً اشتر روزه بود و در موقع افطار از آن شربت میل نموده و در گذشت حضرت امیر علیه السلام از مرگ مالک محزون شده فرمودند (فلقد کان لی کما کنتم لرسول - الله) از طرفی معاویه خوشنود گشته به منبر رفت و بر مرگ اشتر شتمت نمود و اظهار داشت (ان الله جنوداً من عسل) و در خطبه خویش برای شامیان در دمشق چنین گفت که علی دو دوست داشت و آن عمار یاسر و مالک اشتر بود

یکی در صفین و دیگری در مصر قطع شد. بهرحال وفات اشتر در سنه ۳۹ واقع گردید و طبری سنه ۳۷ مینویسد این ابی الحدید در سال وفات اشتر اختلاف نقل نموده بقول اصح اشتر در سال ۳۹ در گذشته است.

۲ - قیس بن سعد بن عبادہ

Gheiss

از قدمای صحابه بوده که با ابوبکر بیعت نموده و در خدمت حضرت امیر باقی ماند و فاش در مدینه بتاریخ ششم هجری بود انس بن مالک میگوید قیس بن سعد بمنزله صاحب و رئیس کشیک در خدمت حضرت رسول اکرم میزیست (۱)

حکومت قیس در مصر و سیاحت وی بامعاویه

پس از قتل عثمان حضرت امیر قیس را بحکومت مصر اعزام داشت وی وارد آن مملکت شده برای علی از تمام آنها بیعت گرفت فقط اهالی قریه خربت که قریب ده هزار سوار کاری بودند قتل عثمان را بسیار مهم در نظر گرفته و از بیعت با علی خود داری داشتند قیس نیز از مجادله با آنان خود داری کرد و بنای مکاتبه را گذاشت آنها نیز مطیع شده و قرار دادند که مالیات را تأدیه نمایند و قیس از آنها مالیات دریافت نمود موقعی که حضرت امیر به جنگ جبل رفت و به کوفه مراجعت نمود قیس در مصر بود موقعیت مصر بمناسبت مجاورت با شام بر معاویه بسیار ناگوار میآمد لذا مراسله به قیس نگاشته ویرا از متابعت امیر مؤمنان شمات و ملامت کرد و قتل عثمان را امر عظیمی جلوه داد بالاخره بیعت با خود را بشرط تفویض سلطنت حجاز بر قیس پیشنهاد نمود قیس در جواب مراسله معاویه اولاً از قسمت مداخله حضرت امیر و یا خودش در قتل عثمان مدافعه کرد ثانیاً در قسمت بیعت با معاویه مطلب را محول به تجدید نظر و مطالعه اطراف قضیه کرد معاویه از مضمون مراسله دور بودن قیس را از منظور خویش درک کرد معذلت مراسله دیگری به قیس نگاشته مسئله تبعیت خود را با صراحت تمام تجدید نمود بعلاوه قیس را در صورت عدم قبول تهدید کرد قیس نیز متغیر شده در جواب معاویه چنین نگاشت « العجب من اغترارک فی وطمعک فی و استسقاطک رأی تسوینی الخروج من طاعة اولی الناس بالاماره و اقولهم بالحق و

(۱) الدرجات الرقیه خطی و تجارب الامم بن مسکویه

اقرهم الی الرسول و اهداهم سبلاً و نامرئی بالدخول فی طاعتک ابعد الناس من هذا الامر و اقولهم بالزور و اضلهم سبیلاً فاما قولک انی مالی علیک خیلاً و رجلاً فوالله ان لم اشغلك بنفسک حتی تكون نفسك اهم الیک انک لذوجد و السلام » معاویه پس از وصول این مکتوب بکلی از اطاعت و فرمانبرداری قیس ناامید شده در صدد مکر و خدعه برآمد

سبب عزل قیس از حکومت مصر

معاویه پس از یأس از اطاعت برای تضییع مقام وی در صدد دسیسه کاری بر آمد بدینقسم که گاهی مراسلاتی مبتنی بر پشیمانی قیس از شرکت در قتل عثمان و اطاعت از معاویه جعل نموده از قول قیس انتشار میداد گاهی نیز فرستادگان مصنوعی ترتیب داده و با آنها میآموخت که بییش شامیان از طرف قیس مذاکرات و بیاناتی راجع به هوا خواهی قیس از معاویه بنمایند ضمناً به خواص خود اظهار میداشت که از دشنام دادن قیس صرف نظر نمایند چه که وی سرّاً از اتباع ماست و باندازه این مطالب را جلوه داد که جاسوسان حضرت امیر در شام باشتباه افتاده حضرت را از قضایا مطلع نمودند و از دوستی قیس مردد ساختند ولی حضرت دوستان صمیمی خود را جمع آوری نموده در حضور آنان فرمودند بخدا قسم این مطالب را در باره قیس باور نمیکنم عبد الله بن جعفر در آن موقع حضرت را بعزل قیس اصرار نموده اظهار داشت که قیس را از حکومت مصر بخواه چه قسم بخدا اگر این حرفها راست باشد قیس اطاعت ننموده و در مصر خواهد ماند همین ایام مراسله از قیس واصل گردید که عده (مقصود اهل قریه خربت بوده) از تبعیت و مخالفت ابا نموده منتظر اختتام قضایا هستند من نیز مجادله با آنان را مصلحت ندانسته عجله قضیه را مسکوت گذاردم حضرت امیر با شور عبد الله بن جعفر در جواب قیس چنین نگاشت « اما بعد فسر الی القوم الذین ذکرک فان دخل فیما دخل فیه المسمون و الا فناجزهم و السلام »

قیس از جواب مراسله خویش متعجب شده مجدداً رای خود را مبني بر ادامه و سکوت قضیه اظهار داشت همینکه مراسله اخیر قیس رسید و حضرت امیر آن را

را در حضور یاران قرائت فرمود عبد الله بن جعفر چنین رأی داد که محمد بن ابی بکر بمصر رفته و قیس بیاید زیرا از وی قضایائی شنیده میشود (مقصود تبعیت از معاویه است) حضرت نیز محمد را بمصر اعزام داشت و قیس پس از ورود محمد بسمت مدینه حرکت کرد درین راه مروان واسود بن بختری ویرا تمدید نمودند قیس بطرف حضرت امیر رهسپار شد معاویه که از این قضیه مسبوق شد بر مروان و اسود متغیر شده بآنها نگاشت که بدست خود علی را از وجود قیس منتفع نمودید بخدا قسم اگر صد هزار مرد جنگی برای علی میفرستادید بقدر وجود قیس برای وی نافع نبود همینکه خبر قتل محمد بن ابی بکر رسید حضرت امیر متذکر شدند که قیس در ایام امارت مصر متحمل مسائل گرافی بوده و پیشنهاد کنندگان عزل وی انصاف ننموده اند و از آن ببعد حضرت در کلیه امور مهمه با قیس مشورت میکرد (۱)

۳ - سعید بن سعد بن عباده انصاری

Said

صاحب اصابه مینویسد که تمام مؤرخین سعید را از صحابه شمرده اند و عبدالبر حکومت وی را در یمن از طرف حضرت امیر ذکر نموده است (۲)

۴ - محمد بن ابی بکر والی مصر (۳)

Mohammed

از خواص اصحاب حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام بوده در سال حجة الوداع متولد گردید و در سال ۳۸ هجری در مصر کشته شد محمد از طرف حضرت امیر بحکومت مصر تعیین گردید پس از ورود بمحل قیس ویرا سفارش نمود که به اهل خربتا تعرض نماید محمد این نصیحت را نپذیرفته از آنان تقاضا نمود که یا بیعت نموده و یا از مصر خارج گردند اهالی خربتا از محمد مهلت خواستند که چندی در اینکار تأمل شود اما محمد بآنان مهلت نداد و در سال ۳۸ معاویه عمروعاص را با لشکری بطرف مصر ایفاد نمود محمد از حضرت امیر استمداد کرد حضرت مالک

(۱) و (۲) بالدرجات الرفیعه خطی (۳) ۱۸۸ ج ۱ ابوالفداء و ۱۴۰ جلد ۳ این اتیرو ۲۷۴ رجال میرزا محمد

اشتر را بکمک او فرستاد اما مالک در محلی موسوم بقلزم بوسیله عسل مسموم شده در گذشت عمروعاص بلامانع بسمت مصر رفته بایاران محمد جنگید و آنها را مغلوب نمود و محمد در خرابه پناهنده شده همانجا بدست معاویه بن خدیج گرفتار شد مومی الیه محمد را کشته جسدش را در جیفه حمار نهاده و سوزانید سپس عمروعاص وارد مصر شده و از اهالی برای خود بیعت گرفت حضرت امیر از قتل محمد بسیار متألم شده در حق وی دعا فرمود

۵ - عثمان بن حنیف انصاری

Osman

از اشراف عرب بوده مدتی در زمان عمر و علی علیه السلام امارت داشته است بعد از وفات حضرت امیر در کوفه اقامت نموده و همانجا ایام خلافت یزید بن معاویه در گذشت سید علیخان در کتاب الدرجات الرفیعه ویرا ذکر نموده است

جنگ عثمان بن حنیف با طلحه و زبیر و اتباع جمل

مورخین شرح محاربه عثمان بن حنیف و اتباع جمل را بطور مختصر ذکر نموده اند اینک خلاصه مطلب را از کتاب حرب الجمل (۱) تالیف شیخ مفید محمد بن نعمان درج مینمائیم کتاب مزبور از بهترین کتب معتبره خطی قدیمی است باری شیخ مفید میفرماید: همینکه عایشه از تصمیم عثمان بن حنیف بر جنگ مطلع گردید سوار بر شتر شده و مردم ویرا احاطه نمودند و با اتباع خویش به مرید آمد و ازدحام غربی در آن محل پدیدار شد سپس عایشه شروع به خطبه نموده و همتاقسم سواره مردم را به خونخواهی عثمان تحریض و ترغیب مینمود و از حضرت امیر بدگویی میکرد عده از حضار ویرا تکذیب نموده و عده تصدیق کردند بقسمیکه کار بجبال و پرتاب نمودن نعال رسید پس از آن عایشه به محله دباغین و از آنجا به دارالاماره آمد و از عثمان بن حنیف تخلیه دارالاماره را تقاضا نمود عثمان امتناع نموده بین آنها جنگ در گرفت و تا موقع ظهر دوام داشت و قریب پانصد نفر بر مرد از اتباع امیر علیه السلام و عثمان بن حنیف کشته شد

و کار جدال بجائی منتهی شد که تا مقبره بنی مازن میدان خونریزی توسعه یافت سپس (۱) خطی و نسخه آن کیاب است

به مسیبات بصره حمله نموده تارا بوقه پیدش رفتند و در آنجا جنگ سختی نموده بالاخره قرار بر این شد که دارالاماره و مسجد و بیت المال را به عمان وا گذارند و طلحه و زبیر و عایشه در هر قسمت از بصره بر وفق دلخواه تصرف نمایند و زد و خورد را تا ورود حضرت امیر متارکه کنند باین ترتیب عهد و پیمان بسته عده از مردم را نیز بر قبیله شاهد گرفتند عمان بن حنیف مطمئن شده یاران خود را متفرق کرده و خلع اسلحه نمود اما طلحه و زبیر خدعه ورزیده در شب تاریکی که اتفاقاً باد شدیدی میوزید غفله بدارالاماره حمله نمودند در آن موقع عده از قوم زط که طرف اعتماد عمان بودند بیاسبانی بیت المال کشیک میدادند این طایفه جدید الاسلام و فوق العاده زاهد بوده اند زبیر چهل تن از آنها را کشته و بر آنان استیلاء یافت سپس بخانه عمان حمله نموده ویرا گرفته بند نمودند و محاسن مشارالیه را که شخص پیر بر محاسنی بود بمو کنندند بقسمی که يك مو در صورتش باقی نماند پس از آن طلحه گفت این فاسق را معذب نمائید و موی ابروان و پلک چشم او را نیز بکنید و زنجیرش بنمائید حکیم بن جبلة العبدی که از واقعه مطلع شد با عده از کسان خویش سوار شده و بدارالاماره حمله نمود طلحه و زبیر نیز با همراهان خود بدفاع وی بیرون آمدند جنگ سختی در گرفت بسیاری زخمی و کشته شدند در آن میان یکی از اتباع طلحه و زبیر به حکیم حمله نموده پای وی را با شمشیر قطع کرد حکیم پای خود را گرفته بطرف ضارب خویش پرتاب نمود وی را بی هوش ساخت برادر حکیم موسوم با شرف میان گیرودار رسیده از حکیم ضارب را تحقیق نمود حکیم شخص ضارب را نشان داد اشرف او را مقتول نمود سپس زد و خورد شدت نموده حکیم و اشرف هزدو کشته شدند و مردم پراکنده گردیدند... طلحه و زبیر بیت المال را متصرف شده بطور دلخواه رفتار نمودند و از عایشه راجع به عمان بن حنیف استفسار نمودند عایشه بکشتن عمان اشارت کرد ولی همینکه طلحه و زبیر اهمیت مشارالیه را در قبيله اوس و خزرج بیان نمودند عایشه از کشتن وی منصرف شده به حبس و تضییق عمان فرمان داد چند روزی عمان محبوس ماند مجدد طلحه و زبیر از ترس اینکه مبادا برادر عمان بزرگان آنان را در مدینه محبوس و اذیت نماید عمان را رها کرد عمان از حبس بیرون آمده و حضرت امیر

را در محل موسوم به ذی قار ملاقات نمود حضرت از وضعیت عمان متأثر شده گریه کردند و فرمودند ای عمان من تو را پیر مردی با محاسن فرستادم و اینک بصورت امرد تو را میابم سپس در باره مهاجین تفرین فرمود

۶ - سهل بن حنیف بن راهب برادر عمان بن حنیف

Sahl

در کتاب درجات الرافعه مذکور است که سهل بدوی و از اخبار صحابه بشمار میرود برقی سهل بن حنیف و برادرش را از اصحاب شرطة الحمیس دانسته است حضرت امیر المؤمنین در موقع خروج از مدینه برای جنگ، جل سهل را بحکومت مدینه تعیین نمود و در جنگ صفین بملازمت آنحضرت حضور داشت و در نزد امیر علیه السلام بسیار محبوب بود در سنه ۳۸ پس از مراجعت از صفین در کوفه وفات نمود

حضرت امیر بروی ۲۵ تکبیر فرموده نماز گذارد در موقع حرکت جنازه سهل دسته دسته مردم رسیده و عرض نمودند که ما به نماز سهل نرسیدیم حضرت امیر امر میفرمود جنازه را بزمین گذارده مجدد بروی نماز میگذازد و این قضیه تا موقع دفن سهل پنج مرتبه تکرار شد....

۷ - حکیم بن جبلة عبدی

Hakim

در کتاب الدرجات الرافعه مذکور است که حکیم مرد شجاع نیکو کاری بوده است عمان بن عفان ویرا بحکومت سند فرستاد حکیم از آن محل با نهایت بی میلی مراجعت کرد همینکه عمان علت مراجعت را تحقیق نمود جواب داد «آب آن محل ناگوار است و دزدش دلیرو خرمایش پست و زمینش نا هموار است اگر سپاهی آن محل افزون شود گرسنه مانند او اگر نقصان یابد تلف شوند» که عین متن عربی آن نیز ذکر میشود

(«ماؤها و شل و لاصها بطل و تمرها ذقل و سهلها جبل ان کثر الجند بها جاعوا و ان قلوا بها ضاعوا»)

این جواب را بدیگران نسبت دادند بهر حال حکیم بن جبلة از خیار اصحاب

علی بود و با عثمان موافقت نداشت حضرت امیر در باره حکیم فرموده است
دَعَا حَكِيمٌ دَعْوَةً سَمِيعَةً نَالَ بِهَا الْمَنْزِلَةَ الرَّفِيعَةَ

بطوریکه قبلاً اشاره شد حکیم بن جبلة پس از استحضار بر گرفتاری عثمان بن حنیف بدست طلحه وزیر در بصره با سیصد تن از عبدالقیس حرکت نموده به حمایت عثمان شتافت عایشه نیز بر شتر سوار شده با طلحه وزیر بمقابله وی آمدند و آن روز را یوم الجمل الاصغر نامیدند در میان گیر و دار آنروز یکنفر از دی از قشون عایشه پای حکیم را با شمشیر قطع نمود حکیم پای خود را بان شخص پر تاب کرد از دی مدهوش شد و بعد بدست برادر حکیم کشته شد ولی خود حکیم با سه برادر و کلیه همراهان در آن معرکه شهید شدند

۸ - عبیدالله بن عباس Obeid ollah

عبیدالله درك فیض صحبت نبوی را نموده و از آن محضر اطهر استماع آیات و احادیث کرده است اول کسی است که در میان راه برای عابرین خوان گسترده و همسایگان خویش را باخطار دعوت نموده است و از مردمان با سخاوت معروف میباشد حضرت امیر ویرا بحکومت یمن و امارت موسم تعیین نموده مینکه بسرین ارطات از طرف معاویه بطرف یمن با قشون بسیاری حرکت کرد جنگ سختی فیاین واقع شده عده بسیاری کشته شدند از آنجمله دو پسر عبیدالله بوده است همینکه خبر قتل دو پسر بمادرشان رسیده در مصیبت فرزندان جزع فراوان نمود و اشعار بسیاری در مرثیه آنها گفت که دو بیت آن ذیلاً درج میشود

هَامَنَّ أَحْسَسَ بَابُنِي الَّذِينَ هُمَا كَالذَّرَّتَيْنِ تَشْطَى عَنْهُمَا الصَّدْفُ
هَامَنَّ أَحْسَسَ بَابُنِي الَّذِينَ هُمَا سَمِعِي وَقَلْبِي فَقَلْبِي الْيَوْمَ مَخْتَطَفُ

باری عبد الله تا موقع شهادت حضرت امیر در یمن حکومت داشت وفاتش بتاریخ ۸۵ یا ۸۷ ایام خلافت یزید بن معاویه در مدینه واقع شد شرح واقعه زردو خورد بسرو عبیدالله بن عباس در کتب تواریخ مشهور و محتاج به تشریح نیست

۹ - قثم بن عباس بن عبد المطلب Ghasm

قثم با حضرت امام حسین هم شیر و رضیع بوده اند از طرف امیر علیه السلام تا

موقع شهادت آنحضرت در مکه حکومت داشت و در سمرقند بشهادت رسید قبرش در خارج سمرقند با گنبد و بارگاه عالی موسوم به مزار شاه زنده مشهور است سید علی خان در کتاب درجات الرفیعه ویرا مذکور داشته است

۱۰ - تمام بن عباس

Tamam

مادرش کنیزکی صبا نام بوده است در عهد رسول اکرم بدنیا آمد از طرف امیر علیه السلام حاکم مدینه شد سپس معزول شده دو باره تا ایام شهادت آنحضرت در مدینه حکومت داشت (۱)

۱۱ - جعدة بن هبیره بن ابی و هب بن عمرو

Djoadeh

نسبش به لوی بن غالب منتهی میشود پسر ام هانی خواهر حضرت امیر مؤمنان است در ایام خلافت معاویه وفات نمود (۲) در صحابی بودن وی اختلاف است بعضی او را صحابه دانسته بعضی گویند در ایام حضرت رسالت پناهی متولد شد و تابعی بوده است

عسقلانی می گوید مشار الیه صحابی کوچکی بوده است شجاعت و دلیری فوق العاده داشت از طرف علی علیه السلام حکومت خراسان را نمود در جنگ صفین حضور داشته امتحان شایان داد



فصل دوم

در حالات امرای شیعه

که در دربارهای مخالف مذهب و سیاست خود حکمرانی نموده اند

۱- امرای بنی عباس

مقدمه

شرح وضعیّت امارت در ایام بنی عباس

در ایام بنی امیه و بنی عباس امارت ممالك اسلامی بدو قسمت منقسم میشد امارت خاصه و امارت عامه - امارت عامه نیز بدو قسمت بوده است

(۱) - امارت تفویضی اختیاری بدینقسم که خلیفه یک نفر از رجال کاری مملکت را برای امارت اقلیم یا ایالتی معینی انتخاب نموده زمام امور آن مملکت را بوی تفویض میکرد اختیارات و وظایف مهمه امیر مزبور به هفت شعبه عمده تقسیم میشد

۱ - اداره امور لشکری از حیث ارزاق و علق و حسن انتظام و غیره ۲ - اداره امور قضائی و اجرای احکام ۳ - اداره امور مالی و جمع آوری مالیات ۴ - حفظ و حراست امور دینی ۵ - اجرای احکام شرع ۶ - امامت در نماز ۷ - اداره امور حج - امرای عراق در زمان بنی امیه و امرای مصر و شام در ایام عباسیان و امرای خراسان در هر دو موقع دارای اختیارات مزبوره بودند

(۲) - امارت اجباری و استیلائی بدینقسم که شخص مقتدر با نفوذی بر یکی از نواحی استیلا مییافت خلیفه اضطراراً وی را بر آن ناحیه امیر و حکمران مینمود بدیهی است فرمانفرمائی چنین شخصی در آن نواحی تحت نفوذ و اقتدار خلیفه نبوده است بلکه مستبدانه بطور دلخواه حکومت مینمود این قسم امارت در دوره بنی عباس تشکیل ملوک الطوائفی داده امرای نیم مستقلی مانند آل بویه بنی حمدان غزنویان بنی اخشید و غیره تشکیل گردید که فقط بنام خلیفه خطبه خوانده و سکه زده در باقی مسائل فرمانروای مطلق بودند فقط سالانه مبلغ معینی بعنوان باج خدمت خلیفه ایفا میداشتند و سلطنت را در خانواده خود بالارث مستحکم مینمودند سلطنت خدیوی مصر در اواخر نسبت بدولت عثمانی نیز به همین قرار بوده است موضوع امارت اخیر جزء مطلب این کتاب نبوده است و برای تکمیل قضیه ذکر نموده ایم امارت خاصه - امارت خاصه فرمانروائی در قسمت لشکری و سیاست امور کشوری اختیارات و حدود معینه بوده است اداره امور قضائی و جمع آوری مالیات و سایر مسائل مهمه از طرف خلیفه باشخاص دیگری واگذار میشد در ایام بنی عباس امارت خاصه چندان معمول و متداول نبوده است

ابو الحسن علی بن یقطین اسدی کوفی امیر سفاح

وابی جعفر منصور عباسی
Abol-Hassan-Ali

یقطین (۱) پدر علی که از مشاهیر دعاة شیعیان معروف بوده در زمان مروان حمار آخر خلیفه اموی بدربار خلیفه احضار شد یقطین از ترس زوجه و دوفزند کوچک خود علی و عبید را از کوفه بر داشته بسمت مدینه گریخت همینکه دولت عباسی ظهور نمود یقطین مجدد بکوفه مراجعت کرد و بنحدمنگداری سفاح و منصور اهتمام نمود تا آنکه در سنه ۱۸۵ وفات یافت

علی بن یقطین ولادت ۱۲۴ هجری در کوفه وفات ۱۸۲ در بغداد و در ترویج مذهب شیعه سعی وافر نمود اموال فراوانی حضور امامین جعفر بن محمد و موسی بن جعفر تقدیم کرد بعلاوه از ثقات روای شیعه نیز محسوب میگردد و خبر آن بمنصور و پسرش محمدالمهدی رسید ولی اتفاقاً از مجازات ابن یقطین منصرف گشتند (۲) ابن الندیم در فهرست از مؤلفات علی بن یقطین ذکر کرده ... کتاب ما سأل عنه الصادق من الملاحم . کتاب مناظراته للشاک بحضرت جعفر

عبد الله نجاشی امیر اهواز

Abdollah

احمد بن علی نجاشی از احفاد عبد الله مذکور که در سنه ۴۵۰ وفات نموده ضمن کتاب رجال نجاشی (۳) مینویسد که عبد الله از طرف منصور عباسی والی اهواز بوده است و همان موقع شرحی حضور حضرت امام جعفر صادق عرض نموده دستور رستگاری خواست حضرت در جواب رساله معروف به رساله نجاشی یا اهوازیه را مرقوم فرمودند (۴)

(۱) خاندان یقطین بفضل و تشیع معروف بوده از مشاهیر آن خاندان بر حسب نقل ابن الندیم در فهرس محمد بن عیسی بن یقطین بغدادی که از اصحاب علی بن محمد (ع) بوده و مؤلف کتاب الامل و الرجاء که مشتمل بر امیدهای شیعیان در فضایل و منزلت خود و شیعه به کتاب البشارات میباشد . و یونس بن عبد الرحمن که از اصحاب موسی بن جعفر (ع) و علامه عصر خود بوده و چندین کتاب مختلف تألیف نموده ... حالات این خاندان را کاملاً در باب خود از این کتاب ذکر نمودیم (۲) فهرس ابن الندیم خطی و رجال نجاشی و رجال کشی طبع بیای (۳) طبع بیبی در شرح حالات رجال قرن پنجم شرح حال عبد الله را ذکر نموده ایم (۴) شیخ مرتضی انصاری در کتاب مکاسب خود ضمن مسئله ولایت تمام رساله را نقل نموده است

کشی در کتاب خود حکایتی نقل مینماید که بموجب آن عبد الله ابتداءً زیدی بوده سپس شیعه امامیه شده است

موسی بن یحیی بن خالد بن برمک امیر شام در عصر هارون الرشید
(صفحه ۲۵ از این جزء مراجعه شود)

آل طاهر امرای عصر مامون

از خاندان شرافتمند دانش پرور مشهور بوده اند ضیاء الدین کواکبی در نسمة السحر نقل از تاریخ بغداد (تألیف خطیب) شرح حال آنان و تشیّعشان را ذکر نموده و این ندیم در فهرس بحالات آن اشاره کرده است این خلکان و بسیاری از مورخین شرح احوال اینطایفه را به تفصیل نگاشته اند اینک ما نیز بذکر حالا پاره از مشاهیر این خاندان میبردازیم

۱ - ذوالیمینین طاهر بن حسین بن مصعب رزیک بن ماهان

Zol-Yaminein

از امرای نامی مامون و سردار قشون وی بوده است در شهر ری قشون محمد امین را شکست داد سر کرده آنان علی بن عیسی را بقتل رسانید سپس عازم بغداد شده و آن شهر را محاصره نمود و خلافت مامون را رسمیت داد مامون پیوسته ویرا بملازمت خویش میداشت و در سنه ۱۹۸ امارت موصل و جزیره و شام و مغرب را بطاهر واگذار نمود شرح حالات او مفصلاً در کتب سیر و تواریخ مندرج است (۲) طاهر از شیعیان و محبّین خاندان ولایت بوده است در نسمة السحر مینویسد همینکه ابوالسرایای علوی داعیه استقلال نمود حسن بن سهل در نظر داشت طاهر را بجنگ وی اعزام دارد ولی هماموقع مراسله برای او رسید که شرح تشیع طاهر را ضمن ابیات چندی به حسن بن سهل تذکر داده بودند از آنجمله است

اتَّبَعْتُ طَاهِرًا لِقِنَالِ قَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ طَاعَتِهِمْ يَدِينُ

حسن بن سهل متذکر این مطلب شده هرئمة بن اعین را بجای طاهر کسبل داشت مامون درباره طاهر و سایر رفقای او گفته است: این سه نفر (اسکندر و ابومسلم و طاهر) بزرگترین رجال عصر خود بودند که در تشکیل و تبدیل سلطنت های (۳) مهم اقدام نموده اند طاهر علاوه بر شجاعت و رشادت شخص شاعر فصیحی بوده است رسالات بسیاری

(۱) طبع بیثنی شرح حال مؤلف هم ضمن رجال قرن سوم هجری ذکر شده و کتابش موسوم بر رجال کئی است (۲) ابن خلکان ۲۵۴ ج ۱ و ۱۳۰ ج ۲ آداب الله (۳) الشيعة والفنون ۹۱

از او باقی مانده از انجمله مکتوب مشهوری است که موقع فتح بغداد بمامون نوشته بود (۱) باری ولادت طاهر در سنه ۱۵۹ یا ۱۵۷ واقع شده و در سال ۲۰۷ در شهر مرو وفات نمود سلامی در ضمن احوال ولات خراسان مینویسد مامون امارت خراسان را بطاهر واگذار کرد و او امارت را بیسرش طلحة تفویض نمود پاره گفته اند که طاهر مامون را از خلافت خلع نموده اسمش را از خطبه خارج کرد لذا مامون ویرا مسموم نمود گویند طاهر ذوالیمینین موقع زد و خورد با علی بن ماهان شخصی را بادیست چپ خود چنان ضربت زد که دو نیم گردید بعضی از شعراء در باره وی اشعاری گفتند از انجمله (كَلَيْتَا يَدُ يَكَّ يَمِينُ حِينَ تَقْصُرُ بِهِ) (هر دو دست تو موقع شمشیر زدن دست راست است) لذا مامون ویرا ذوالیمینین ملقب نمود و پاره توجیهات دیگر نموده اند (۲)

۲ - طلحة بن طاهر بن الحسين

Talhah

مامون پس از فوت طاهر طلحة پسر او بر خراسان خلیفه گردید و گویند او را خلیفه برادر خود عبد الله بن طاهر که ذکر او میآید کرده وفات طلحة سنه ۲۱۳ در بلخ واقع شده است (۳)

۳ - منصور بن طلحة بن طاهر بن حسین

Mansour

عبد الله بن طاهر (شرح حالش ذکر میشود) منصور را حکیم آل طاهر میخواند مشار الیه در فلسفه و سایر فنون تألیفات بسیاری نموده است از آنجمله کتاب المونس در فن موسیقی است کندی پس از مطالعه کتاب مزبور گفته بود واقعاً نام المونس اسم بامسمائی میباشد دیگر کتاب الوجود کتاب الابانة عن افعال الفلك کتاب الدلیل و الاستدلال کتاب العدد والمعدودات باری منصور در مرو و آمل و خوارزم حکومت داشت (۴)

۴ - عبد الله بن طاهر بن حسین

Abdollah

مرد عالی همت بزرگواری بوده است مامون پیاس خاطر پدر و فضایل شخصی (۱) فهرس بن النديم (۲) ابن خلکان ۲۰۶ ج ۱ (۳) و (۴) ابن خلکان ۵۸ ج ۱ و فهرس ابن النديم خطی

با او نهایت ملاطفت را مبذول میداشت ابتداء در دینور حکومت مینمود سپس بامر مأمون عازم خراسان شده با خوارج جنگ کرد و در سنه ۲۱۰ وارد نیشابور گردید و در سنه ۲۱۱ بامارت شام و مصر تعیین گردید و در سنه ۲۱۲ عازم بغداد شد بهر حال عبدالله در سنه ۲۲۸ یا ۲۳۰ در سن ۴۸ سالگی وفات کرد (۱) منصور شاعر و ادیب دانشمند بوده رسائل بسیاری تألیف کرده است (۲)

۵ - عبیدالله بن عبد الله بن طاهر

Abeidollah

شاعر و نویسنده و دانشمند بوده است چندی در بغداد حکومت کرد و ریاست این خاندان بوی ختم میگردد و آخرین کسی است از طاهریان که در موقع ریاست وفات نمود کتاب الاشارة در اخبار شعراء کتاب السیاسة الملوکیة مراسله بعدالله بن المظفر کتاب البراعة والفصاحة از تألیفات عبیدالله مذکور میباشد ابن خلکان دیوان شعری بوی نسبت میدهد ولادت عبیدالله ۲۲۳ وفاتش در بغداد بتاریخ ۳۰۰ هجری واقع شد و در مقابر قریش مدفون گردید

کواکبی در نسمة السحر مینویسد عبیدالله شاعر دانشمندی بوده از ابی صلت هروی صحابه حضرت رضا و زهیر بن بکار پاره احادیث روایت نموده است محمد بن یحی صولی عمرو بن حسن اشثانی ابوالقاسم طبرانی و غیره از عبیدالله احادیث روایت نموده اند بحثری در قصیده لایه عبیدالله را مدح نموده و عین آن در دیوان بحثری مندرج است (۳)

ابودلف

AbauDolaf

قاسم بن عیسی بن ادريس بن عمیر بن معقل بن شیخ بن معاویه نسبتش به معد بن عدنان عجل سردار مامون و معتصم عباسی منتهی میگردد وفاتش در بغداد بتاریخ ۲۲۶ واقع شد از خاندان شرافت مند شجاع بوده است ابن خلکان در صفحه ۳۰۳ ج ۱ ضمن ترجمه ابامسلم خراسانی مینویسد ابامسلم در خدمت عیسی بن معقل برادر ادريس بن معقل جد ابودلف مذکور تربیت یافت و با پسر وی بمکتب (۱) ابن خلکان ۲۸۴ ج ۱ (۲) فهرس ابن الندیم (۳) ابن خلکان ۲۹۵ ج ۱ و نسمة السحر خطی

میرفت (بدانجا مراجعه شود) باری ابودلف مرد شجاع با سخاوتی بوده در بسیاری از فنون مهارت داشت فضلاء و ادباء در خدمتش تلمذ مینمودند مخصوصاً در غناء و موسیقی زبر دست بود (۱) در دوستی حضرت امیر و حضرت زهرا افراط مینمود و از وی حکایت میکنند که گفته است هر کس در دوستی و تشیع خاندان علی مضایقه نماید البته حلال زاده نخواهد بود (۲)

فضل و کمال ابودلف

بطوریکه ذکر شد ابودلف در فن غنا مهارت داشت ابونعمان ویرا بقصیده بائیه مدح مینماید که مطلع او این است

عَلِيٌّ مِثْلُهَا مِنْ أَرْبَعٍ وَ مَلَأَ عَيْبِ أَذِيْلَتِ مَصُونَاتِ الدُّمُوعِ السَّوَارِبِ
ابو الحسن علی بن جبلة العکوک قصاید بسیاری در مدح ابودلف گفته از آن جمله است
إِنَّمَا الدُّنْيَا أَبُو دُلْفٍ بَيْنَ بَادِيَةٍ وَ مُحْتَضِرَةٍ

ابودلف در ازای این قصیده عکوک صد هزار درهم جایزه داد و بهمان سبب مامون عکوک را بقتل رسانید (بصفحه ۳۸۳ ج ۱ ابن خلکان در ترجمه عکوک مراجعه شود) ... (از آثار ابودلف) کتاب البرات و الصيد کتاب السلاح کتاب النزه کتاب سیاسة الموک و غیرها (۳) محمد حسن خان در جلد اول کتاب مرات البلدان مینویسد ابودلف عباسی در فراهان شهری بنا نمود که مشتمل بر دو طبقه فوقانی و تحتانی بوده است و چندین بازار و بنا و عمارات داشت که در موقع محاصره و هجوم دشمن اگر طبقه فوقانی اشغال شد اهالی بطبقه تحتانی پناهنده شوند ابتداء آن شهر را دلف آباد میگفتند سپس از کثرت استعمال زلف آباد گردید... ابن خلکان (۴) میگوید شهر کرج بین اصفهان و همدان عیسی پدر ابودلف بنا نموده و تمام نکرده سپس ابودلف تمام کرده و اقامتگاه خود و فامیل خود گردید

(بازماندگان ابودلف)

هبة الله بن علی بن جعفر بن علکان بن محمد بن ابودلف قاسم بن عبید وزیر القائم (۱) ۴۶۲ ج ۱ ابن خلکان (۲) ۴۶۴ ج ۱ ابن خلکان (۳) ابن خلکان ۴۶۴ ج ۱ (۴) ص ۴۶ ج ۱

بامرالله و پسرش ابونصر علي بن هبة الله مذکور معروف باین ماکولا صاحب کتاب الاکمال (راجع به تشیع آنان ذکر شده است بصفحه ۴۶۲ ابن خلکان ج ۱ مراجعه شود)

امرای شیعه در مدینه طیبه در عصر خلفای بنی عباس

و ملوک مصر از سنه ۱۶۰ - ۷۰۹ هجری

مقدمه

باید دانست که حکومت و امارت مدینه منوره تا سنه ۱۶۰ هجری بدست حکام و عمال بنی امیه و بنی عباس اداره میشد از آن تاریخ به بعد امارت بلده مزبور تا اوائل قرن نهم هجری به اشراف سادات حسینی محول گردیده بود قلقتندی در کتاب کبیر خود صبح الاعشی بعد از ذکر امارت بنی جعاز چنین مینویسد: جعاز بن هبة بر مدینه هجوم آورده و بر امارت آن شهر دست یافت اما سلطان ویرا عزل کرده و ثابت بن نعیف را بجای وی تعیین نمود که تا این تاریخ ۸۹۹ هجری در مدینه امارت دارد مشارالیه ثابت بن جعاز بن هبة بن جعاز بن منصور است که نسبش به حسین بن علی (ع) منتهی میشود اکنون امارت ثابت در مقابل بنی عطفه و بنی جعاز توسعه یافته و تمام آنها پیرو مذهب امامیه و رافضی میباشند بامامت دوازده امام و سایر معتقدات دیگر امامیه عقیده مند هستند اما امرای زیدیه مکه قدری معتقداتشان در امور مذهبی از اینان خفیف تر است (۱)

ابن سعید نقل مینماید که در سال ۳۹۰ الحاکم عبیدی امارت مکه و مدینه را بابوالفتوح حسن بن جعفر از قبیله بنی سلیمان واگذار نمود و امارت مدینه را از بنی حسین منتزع ساخت و در صدر پرآمد که جسد اطهر نبوی را شبانه از مدینه به مصر انتقال دهد ولی در همان شب معهود بادشدیدی در مدینه وزیدن گرفت که نزدیک بود اساس و بنیان عمارات پراکنده شود ابوالفتوح مصریان را از انجام آن منظور بازداشت خود نیز بنگه مراجعت کرد و امارت مدینه را به بنی الحسین تفویض نمود (۲)

باری این نکته را نیز بایستی در نظر داشت که اشراف مکه معروف به حبیبه غیر از امراء امامیه است که شرح آنها ذکر مینمایم چه که اشراف مزبور اگر چه امامی هستند ولی مذهبشان مذهب زیدیه است

۱ - حسن الانور بن زید الابلج

Hassan - el - anvar

حسن الانور از اعظم سادات و تابعی بوده است در سنه ۱۵۰ هجری از طرف منصور عباسی بحکومت مدینه تعیین گردید ملقب بشیخ الشیوخ و در باب حلم و کرم وی قصاید بسیار سروده اند اول کسی است که از بنی حسن بامارت مدینه نایل شده است گویند در ابتدای حکومت خود مرد فقیری موسوم باین ابی ذئب را تقریب و منزلت بسیار بخشیده به پیشگاه خلیفه معرفی کرد این ابی ذئب را

(۱) صبح الاعشی ۳۰۱ ج ۴ (۲) صبح الاعشی ۹۹ ج ۴

از ملاقات با خلیفه در حق حسن بدگویی نمود و ویرا مدعی قلمداد کرد منصور حسن را به بغداد احضار کرده اموالش را مصادره نمود ولی پس از اندک زمانی کذب اظهارات ابن ابی ذئب آشکارا گردید خلیفه حسن را بمدینه اعزام داشته اموالش را باو پس داد حسن بعد از ورود بمدینه هدایا و تحفی برای ابن ابی ذئب ارسال داشته و با او بدرقتاری نمود ابن اثیر مینویسد که منصور عباسی حسن را پس از پنج سال حکومت عزل نموده در بغداد حبس کرد ولی مهدی در زمان خلافت خویش حسن را رها کرده اموالش را بوی مسترد نمود بنا بگفته ابن اثیر حسن شخص با سخاوتی بوده است ولی از تبعیت خاندان خویش منحرف شده متمایل به منصور گردید وفاتش در سال ۱۶۸ هجری اتفاق افتاد (۱)

۲ - جعفر حجة الله بن عبد الله بن حسین اصغر

Djafar

از سادات متقی با سخاوت دانشمند بنی هاشم بوده است شیعه در قلمرو حکومت جعفر حجة الله مینامند گویند جعفر بن عبد الله شباهت به زید شهید داشته است و زید در فصاحت و بلاغت شبیه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) بوده است (۲)

۳ - حسن بن جعفر حجة الله بن عبد الله

Hassan

حسن از سادات بزرگوار با سخاوت بنی هاشم بشمار میرود در ایام جوانی بسن ۳۷ سالگی در سنه ۲۲۱ هجری وفات نمود عده بسیاری از اولاد ابی طالب و غیره در تشیع وی حاضر شدند یکی از بنی جعفر در مرثیه حسن ابیات چند سروده است از آنجمله

أَلَا يَا عَيْنُ جُودِي وَ أَسْتَهْلِي فَقَدْ هَلَكَ الْمُرْفَعُ وَ الْمَصِيفُ
وَ قَدْ ذَلَّتْ رِقَابُ النَّاسِ طَرًّا وَ أَوْدِي الْغَرَّ وَ الْفِعْلُ الشَّرِيفُ (۳)

۴ - یحیی بن حسن بن جعفر فقیه و نسابه مشهور

Yahya

در سال ۲۷۶ وفات نموده است یحیی از سادات جلیل القدر محترم عصر خویش میباشد ابن زهره (۱) صبح الاعشی ۲۹۸ ج ۴ و غائد الاختصار (۲) و (۳) صبح الاعشی ۲۹۸ و غائد الاختصار

در کتاب غایة الاختصار راجع بوی چنین مینویسد «یحیی بن حسن بن جعفر الحجة از سادات گرامی دانشمند محترم نسابه بوده بعقیده این جانب اول کسی است که علم انساب را بطور کتاب تدوین کرده از رجال نامی امامیه بشمار میرود امامت مدینه با فرزندان وی بوده و تا کنون نیز آنخاندان امارت مدینه را دارا میباشد کتاب نسب ابی طالب را تألیف نموده است از ابی طالب عبد المطلب بن هاشم شروع کرده و اولاد صلی ویرا بطناً بعد بطن تا مقارن ایام خویش ذکر مینماید کتاب مزبور از بهترین تألیفات نفیسه در علم انساب است و نگارنده کتابی بهتر و نیکوتر از آن در اینموضوع ندیده است» یحیی بن حسن نسابه مذکور در سال ۲۱۴ هجری در مدینه طیبه در قصر عاصم اقامت داشت وفاتش در مکه بتاریخ ۲۷۷ هجری واقع شد هرون بن محمد عباسی حاکم مکه بر جنازه وی نماز گذارد ابوالحسن از سادات محترم دانشمند بنی هاشم است و دارای فرزندان بسیار بوده که در سر تا سر جهان منتشر و پراکنده اند (۱)

۵ - ابوالقاسم طاهر بن یحیی بن جعفر حجة الله

Abol-Ghasem

بر معاصرین خویش سیادت نموده در عقیق خانه بنا کرده بدانجا منتقل شد وفاتش در سنه ۳۱۳ هجری اتفاق افتاد. (۲)

۶ - حسن بن طاهر

Hassan

در ایام امارت کافور اخشید بمصر رفته نزد وی اقامت کرد کافور مستغلاتی بحسن واگذار نموده که سالانه یکصد هزار دینار عایدی داشت وفاتش در سال ۳۲۹ واقع شد پسرش طاهر بن حسن بعد از پدر وارث وی گردید. (۳)

۷ - محمد بن طاهر ملقب به مسلم

Mohamed

با کافور اخشیدی حاکم مصر دوستی تام داشت و از تمام مصریان معاصر خود متمول تر بوده است پس از اختلال حکومت اخشید مسلم بنام المعز امیر افریقا در مصر شروع بدعوت کرد و همینکه ممالک مصر بدست جوهر سردار مفتوح شد و المعز بطرف مصر حرکت کرد مسلم در برقه از نواحی مصر با المعز ویرا

(۱) و (۲) و (۳) صبح الاعشی ۲۹۸ ج ۴

گرامی داشت بر ترك خویش سوار کرده از مخصوصان خود قرار داد وفاتش در سال ۳۶۶ هجری اتفاق افتاد المعز بروی نماز گذارد و با احترام تمام مدفون گردید (۱)

Taher

۸ - طاهر بن مسلم

پس از مرگ پدر بمدینه آمده بنی حسین ویرا بر خود مقدم داشتند مدت دو سال مستقلاً امارت نمود طاهر ملقب به ملیح میباشد و در سال ۳۸۱ وفات نمود (۲)

Abou Mohamed

۹ - ابو محمد حسن بن طاهر

عتبی مینویسد که حسین بن طاهر تا کنون (۳۹۷) هجری حیات دارد ولی بنی اعمام پدرش اولاد ابو احمد قاسم بن عبدالله بن طاهر یحیی بن حسن بن جعفر الحجة بروی استیلا یافته امارت مدینه را از او گرفتند (۳)

امارت اولاد ابی احمد قاسم بن عبیدالله بن طاهر

Abau Ahmad

۱۰ - ابی احمد قاسم

پسری داشت که موسوم به داود و مکتبی بابی هاشم بوده است عتبی مینویسد پس از طاهر بن مسلم پسر عمو و دامادش داود بن قاسم بن عبدالله بن طاهر بامارت رسید بابی علی مکتبی شد داود مزبور سه پسر داشت هانی و مهنا و حسن بنا بگفته عتبی هانی و مهنا پس از پدر چندی امارت نموده و حسن از جمله زهاد گردید شریف حرانی نسابه امیر دیگری از این خانواده موسوم بابی عماره ذکر میکند که در حدود سال ۴۰۸ هجری چندی در مدینه حکومت کرده است عتبی نیز اظهار میدارد که هاشم بن حسن بن داود در سنه ۴۲۸ از طرف المستنصر چندی در مدینه حکومت داشته است (۴)

حکومت اولاد مهنا بن داود بن قاسم بن عبدالله بن طاهر

مهنا سه پسر داشت عبیدالله حسین عماره بعد از مرگ پدر

Obeidollah

۱۱ - عبیدالله

در سنه ۴۰۸ بامارت مدینه رسید ولی وی بدست موالی بنی هاشم در بصره کشته شد

Hossein

۱۲ - حسین بن مهنا

بعد از برادر بامارت رسید (۵)

(۱) - (۵) صبح الاعشی ۲۹۹ ج ۴

۱۳ - مهنا بن حسین Mohanna

شریف حرانی مینویسد که مهنا بن حسین سه پسر داشت حسین و عبدالله و قاسم (۱)

۱۴ - حسین بن مهنا Hossein

بعد از پدر بامارت رسید و برادرش عبدالله در واقعه نخله کشته شد بنا بگفته صاحب تاریخ حماه (۲)

۱۵ - منصور بن عماره حسینی Mansour

نیز از امرای مدینه بوده و در سال ۴۹۵ در آنجا حکومت داشته است مورخ مزبور مینویسد پس از منصور پسرش (نامی از وی نبرده است) بامارت مدینه نایل گشت و تمام آنها از اولاد مهنا میباشد (۳)

۱۶ - ابوفلیته قاسم بن مهنا

Abu-Faliteh

صاحب حماه وی را نیز از امرای مدینه مینویسد با صلاح الدین بن ایوب در فتح انطاکیه بتاریخ ۵۸۴ هجری حضور داشت ابن سعید از قول عدّه از مورخین حجاز نقل میکند که قاسم بن مهنا از طرف المستضی مدت ۲۵ سال در مدینه حکومت داشت و بتاریخ ۵۳۳ وفات نموده پسرش سالم بن قاسم بجای وی تعیین گردید سلطان عماد الدین صاحب حماه در تاریخ خود مینویسد «که ابافلیته در فتوحات صلاح الدین حضور داشت و سلطان صلاح الدین بوجود وی تبرک و تپمن میجست و از ابافلیته شنوائی داشت» (۴)

المعاذ آخرین خلیفه فاطمی برای ضریح مطهر نبوی پرده از حریر سفید ترتیب داده بود که با ابریشم زرد و سرخ تمام سوره یاسین را بر آن پرده نگاشته بودند همینکه پرده مذکور بمدینه رسید قاسم بن مهنا از آویزان کردن وی بدون اجازه خلیفه وقت المستضی امتناع نمود و حسین بن ابی المهیچاء را برای استیذان به بغداد فرستاد خلیفه اجازه داده و مدت دو سال آن پرده آویزان بود سپس المستضی پرده از حریر بنفش با نقوش و قلاب دوزی های عالی بمدینه طیبه ارسال داشت که در یکطرف پرده اسامی خلفاء چهارگانه ابوبکر عمر عثمان علی

و بر قسمت دیگر اسم المستضی منقوش بود قاسم پرده اولی را بر داشته بنجف برای حرم حضرت امیر فرستاد و پرده المستضی را بجای آن آویزان کرد (۱)

۱۷ - سالم بن قاسم Salim

بعد از پدر بامارت رسید تا آنکه برای شکایت از قتاده عازم مصر شده درین راه مرد (۲)

۱۸ - شبجه بن سالم Shabheh

بعد از پدر بامارت رسیده در سنه ۶۴۷ کشته شد (۳)

۱۹ - عیسی بن شبجه Issa

بامارت رسیده و در سال ۶۴۹ بدست برادر خود حمّاز گرفتار شد (۴)

۲۰ - حمّاز بن شبجه Djamaz

بجای برادر خاکم مدینه شد المقر شهابی بن فضل الله در تعریف مینویسد که امارت مدینه تا اینموقع (تحریر کتاب) در خاندان حمّاز است (۵)

۲۱ - ابوالحسین بن شبجه Abol-Hassen

بنا بگفته ابن سعید در سال ۶۵۱ در مدینه حکومت داشته است و بنا بگفته دیگری امارت وی در سال ۶۵۳ بوده است

پس از ابی الحسین بن شبجه برادرش حمّاز بامارت رسیده مدت مدیدی عمر نموده بالاخره نایبنا گشت و در سال ۷۰۵ وفات نمود (۶)

(حکومت بنی حمّاز بن شبجه بن سالم بن قاسم بن مهنا)

۲۲ - حمّاز بن شبجه Djamaz

پدر منصور حاکم کنونی مدینه عزالدین حمّاز امیر طیبه و شیخ بنی الحسین از سادات محترم جلیل القدر عظیم الشان خوش سیرت است در مدینه طیبه اقامت نموده ستم به هشتاد رسیده و اولاد بسیار دارد نسبتش بدینطریق میباشد:

حمّاز بن شیحة بن هاشم بن قاسم بن مهنا بن حسین بن مهنا بن داود (تمام اینان امرای مدینه بوده اند) بن احمد بن عبدالله بن طاهر امیر المدینه بن یحیی امیر المدینه بن حسین بن جعفر الحجة بن الامیر عبیدالله الاعرج رضی الله عنهم اجمعین «انتهی» (۷)

در جلد اول کتاب الدرر الکامنه (۱) عسقلانی نیز شرح حالات جمّاز و مسائلی که دلالت بر تشیع وی مینماید نیز مذکور است بعد از جواز پسرش

۲۳ - منصور بن جمّاز

Mansoor - ebn - Djamaz

بامارت رسید در کتاب غایت الاختصار راجع بحالات عبیداین چنین مینویسد اینان از اولاد عبیدالله الاعرج بن حسین الاصغرین علی بن العبدین امراء مدینه میباشند منصور بن جواز از این خاندان بوده که از حجاز بعراق آمد و امروزه از بزرگان مردان حجاز بشمار میاید اشخاصی موثق از شجاعت وی برای من حکایت نموده اند شخصاً وی را دیده ام جوان نمکین گندمگون خوش صورتی است بیارگه سلطان آمده در حق وی اکرام شد و قطعه از املاک حله باو واگذار گردید قلقتندی مینویسد «مقبل بن حجاز بمصر نزد ظاهر پیرس رفته و بفرمان وی در حکومت مدینه شرکت یافت اتفاقاً منصور بن جواز پسرش کبیشه را در مدینه نایب خود قرار داده و مسافرتی نمود مقبل مدینه هجوم نموده حکومت را از برادرزاده بستاد کبیشه از قبایل عرب استمداد نموده به مدینه حمله کرد و عمورا در سال ۷۰۹ بقتل رسانید و منصور مجدد بحکومت سابق برقرار گردید ولی ماجد بن مقبل در اطراف مدینه بین طوایف عرب مشغول تکاپو بوده و گاه گاه باعمو مخالفت میکرد تا آنکه در سال ۷۱۷ بمدینه آمده آن بلده را متصرف شد منصور از ملک صالح محمد بن قلاوون سلطان مصر استمداد کرد وی عساکری به کومک منصور فرستاد و ماجد را در مدینه محاصره کردند ماجد از مدینه فرار کرد منصور چندی بامارت مدینه اشتغال داشت اما الملك الناصر بروی خشمگین شده و چند روزی برادرش ودی بن جواز را بامارت تعیین کرد مجدد منصور بامارت رسیده در سال ۷۶۵ وفات نمود بعد از منصور پسرش (۲)

۲۴ - کبیشه

Kabisheh

بجای پدر امارت یافت کبیشه بدست پسرعمویش کشته شد پس از آن (۱) خطی است در کتابخانه شیخ علی کاشف الغطاء موجود است (۲) غایة الاختصار و صبح الاعشی

۲۵ - ودی بن جمّاز Uadei

بامارت رسید او نیز وفات نمود (۱)

۲۶ - طفیل بن منصور Tafeil

بن جواز مستقلاً حکومت یافت مقرّ الشهابی در (التعریف) راجع به طفیل شرحی نوشته و معاصر با او بوده است طفیل تا سال ۷۵۱ حکومت داشت (۲)

۲۷ - سیف Seif

سیف نام از اولاد جواز را بحکومت مدینه گماشت پس از سیف (۳)

۲۸ - فضل Feazl

فضل نامی که از احفاد جواز بوده بحکومت رسید و بعد از او (۴)

۲۹ - مابع Manch

از همان خاندان حکومت یافت سپس (۵)

۳۰ - جمّاز بن منصور Djamaz

حاکم مدینه شد وی در ایام الملك الناصر حسن بن الناصر محمد بن قلاوون بدست فداویه کشته شد پس از وی (۶)

۳۱ - عطیه بن منصور Atteieh

مدت دو سال حکومت نموده معزول شد و (۷)

۳۲ - هبة بن جمّاز Hebat-ibn-Djamaz

حاکم مدینه شد هبة نیز معزول گشته مجدد عطیه حاکم گشت پس از مرگ عطیه و هبة (۸)

۳۳ - جمّاز بن هبة بن جمّاز Djamaz-ebn-Hebeh

حاکم شد سپس معزول شده (۹)

۳۴ - نصیر بن جمّاز Nassir-ebn-Djamaz

حاکم مدینه وی نیز کشته شد بعد جواز بن هبة بر مدینه هجوم آورده بر حکومت آنجا دست یافت ولی سلطان ورا عزل نمود (۱۰)

۳۴ - ثابت بن نَعِیر Sabet-ebn-Naeir

بحکومت مدینه گماشت بطوریکه در مقدمه این فصل ذکر نمودیم قلعشندی مینویسد که اکنون (۷۹۹) ثابت بن نعیر در مدینه طیبه حکومت مینماید (۱)

امرای قزوین - طایفه جعفریه

شرفشاه جعفری قزوینی Sharafshah

یکی از امرای مشهور شیعه جعفری در قزوین شرفشاه بن محمد بن احمد بن حسن بن زید بن عبد الله بن قاسم بن اسحق بن عبد الله بن جعفر طیار است که احادیث شیعه را از ابی الحسن محمد بن عمرو بن زاذان روایت مینماید صاحب کتاب التدوین مینویسد شرفشاه در قزوین دارای عظمت و جلال بی اندازه و نفوذ و قدرت تامه است که بطور موروثی پدر بر پدر در این خاندان باقی میباشد و کلیه املاک و مستغلات مهمه قزوین ملک شرفشاه و یا اتباع اوست مصرف روزانه آشپزخانه وی بالغ بر ششصد من نان و یکصد و بیست من گوشت میباشد و سالانه عواید املاک شرفشاه بر ۳۶۶۰۰۰ دینار سرخ بالغ میگردد امارت این خاندان به شرفشاه ختم میشود مشار الیه علماء و ادباء را نوازش بسیار میکرد و قصاید زیادی در مدح و مرثیه وی گفته اند « فوت شرفشاه بر طبق مندرجات کتاب هدیه الخالان در سال ۴۸۴ هجری اتفاق افتاد (۲) »

طایفه عجلیه در قزوین

صاحب هدیه الخالان مینویسد طایفه دیگری که مانند جعفریه در قزوین امارت داشتند خانواده عجلیه است که ابو الحسین عاصم بن حسین بن محمد بن احمد بن ابی حجر عجلی نیز از آن خاندان میباشد صاحب التدوین مشار الیه را از بزرگان امراء دانشمند و با اقتدار قزوین محسوب داشته است و دیگر عباس بن محمد بن سنان عجلی است که از بزرگان این طایفه و مدت زمانی در قزوین امارت نمود در کتاب التدوین مذکور است عباس عجلی وصیت نمود در یکسال هزار حج بیت الله

(۱) صبح الاعشی ۴۳۰۲ ج ۴

(۲) ضیافه الاخوان و هدیه الخالان در شرح حالات روات قزوین و تاریخ قصبات ان تالیف رضی الدین محمد قزوینی مؤلف کتاب لسان الخواص که از رجال قرن یازدهم هجری است و دران کتاب از تاریخ قزوین تالیف خلیل بن عبدالله که در سنه ۴۴۶ وفات نموده و از کتاب التدوین تالیف رافعی نقل مینماید و نسخه ان خطی است و ظاهراً منحصر است بکتابخانه شیخ علی کاشف الغطاء در نجف میباشد

برای وی بنامند و بر طبق وصیت او رفتار گردید (این قضیه تا آتموقع در اسلام سابقه نداشته است)

ابو عبد الله محمد بن عمران مرزبانی در کتاب معجم الشعراء مینویسد که ابراهیم بن نصر الغنوی اعرابی در ایام امارت عباس بقزوین آمده و قصیده در مدح وی سرود که این بیت از آن قصیده است

عَبَّاسٌ دُنْيَا جَمَّةٌ وَ دِينٌ كَلْتَا يَدَيْهِ فِي النَّدَى يَمِينُ

وفات عباس در سنه ۲۵۱ واقع شد دیگر از امرای نامی عجلی ابو القاسم اسماعیل بن احمد بن فضل بن محمد بن سنان بن حلیس عجلی است که در کتاب التدوین به فضل و دانشمندی و قدرت و عظمت مذکور گردیده و در نزد خلفاء و وزراء معاصر اهمیت شایان داشته است گویند پدرش احمد بن فضل دارای املاک بسیار بوده است موازی ۲۰ هزار قریه در نواحی زنجان و اهر و دیلم تا اطراف ری بعد از وفات احمد برای ابو القاسم باقی ماند خود او نیز مقداری بر آن افزود (۱)

خمار تاش Khomar tash

دیگر از امرای نامی متمول قزوین در ایام اخیر خمار تاش بن عبد الله ابو منصور عماری است که بر غایت در خیرات و مبرات اشتهار نام دارد صاحب کتاب التدوین مینویسد « خمار تاش از امرای نامی پرهیز کار میباشد آثار خیریه از وی مانند مسجد جامع جدید و قطعات خمار تاشیه که خود احداث نموده و مدرسه و خانقاه در قزوین باقی است و همچنین در مکه و معنی آثار و ابنیه خیریه این امیر دیده میشود » مؤلف فوق در کتاب التدوین ضمن شرح قنوات شهر قزوین چنین مینماید: (یکی از قنوات های شهر قزوین قنات خمار تاش است که امیر پرهیز کار خمار تاش بن عبد الله در ایام زندگانی خود احداث نمود و بیش از دوازده هزار دینار بمصرف آن رسانید و قسمتی از محلات شهر بواسطه آن مشروب میشود) صاحب کتاب ضیافه الاخوان مینماید که مسجد و قنات تا این تاریخ (۱۰۹۲) هجری باقی است در صورتیکه تاریخ بنای مسجد سال پانصد هجری و اتمام آن در ۵۰۹ بوده است و صورت مفصلی از موقوفات و خیرات جاریه امیر خمار تاش در سمت دیوار غربی مسجد منقوش گردیده که از آنجمله شرایط و ترتیب تقسیم قنات خمار تاشیه

(۱) ضیافه الاخوان خطی (۲) از کتاب ضیافه الاخوان مرقوم

بطریق ذیل میباشد :

« یقول العبد الضعیف المنتظر لعفو ربه الله خمار تاش بن عبد الله بانى القناة الخمار تاشیه جعلته قسمة بین اهل قزوین فو الله لاهل طریق ابهر یاخذون حظهم من رأس سكة شریح و سدسه لاهل رستق القطر یاخذون شربهم من رأس دیوکیه و ربعة لاهل مدینه العتیقه یاخذون نصیبهم من موضعین من رأس سكة الاکافان من عند المسجد و من باب الجامع العتیق الی رستق الصاغه و ما فضل عندهم لاهل طریق ارواق و ثلثه لاهل طریق کرى و الصاغان و سكة الحریریة و اهل طریق المقابر یاخذون حظهم من باب الجامع العتیق الی رستق الصاغه فلا یحل لاحد تغییر هذه الجملة فمن فعل ذلك فعليه لعنة الله و الملائكة و الناس اجمعین فرحم الله من دعاه بالمغفرة »

در یارده از تواریخ مذکور است که خمار تاش در جنب مسجد الحرام برای حجاج قزوین عمارتی بنا نمود و در صدد بر آمد که پنجره از آن عمارت به مسجد الحرام باز نماید امراء و خازنان بیت باین مطلب حاضر نمیشدند خمار تاش برای انجام این منظور مبلغی که امروزه معادل چهار هزار تومان است به اشخاص ذی مدخل هدیه نمود و پنجره را باز کرد که تا کنون نیز باقی است خمار تاش با اوصاف مزبوره از جمله رواة حدیث بوده و از جعفر بن بطور رومی بوسیله ابی شاکر احمد بن علی بن محمد احادیث مهمه روایت مینماید

صاحب کتاب التدوین راجع بروایت امیر خمار تاش چنین مینکارد :

قرات علی الشیخ علی بن عبد الله بن بابویه اخبرنا الامیر الزاهد ابو منصور خمار تاش بن عبد الله الرومی فیما اجاز لنا بقزوین باسناده الی جعفر بن بطور الرومی قال صاحب رسول الله قال رسول الله من مشی الی جرجان فکان مشی علی ارض الجنة و تستغفر له الملائكة و تسبح له اعضائه (حدیث فوق در کتاب هدیه الخلائ نیز مذکور است)

رافع بن حسین بن مسیب اقطع

Rafei ebn Hossein

در نواحی بغداد امارت داشت شعر نیکو میگفت مادرش علویه دانشمندی بوده است در مسائل رزمی و غیره آراء نیکو اظهار مینمود رافع برنواحی تکریت و قادسیه و بوازیر و سن امارت مینمود شخصاً بمسک و بخیل بوده است وفاتش در سنه ۴۲۷

واقع شد بیت ذیل از اشعار اوست

سَا تَفْقُ رِيعَابَ الشَّيْبَةِ آتِفًا عَلَى طَلَبِ أَعْلِيَاءِ أَوْ طَلَبِ الْأَجْرِ (۱)

Tashtkin طاشتکین امیر کبیر

مجدالدین ابو سعد مستجدی والی حله زیدیه و شوش و خوزستان از امرای شجاع خوش سیرت مشهور شیعه است در سنه ۳۰۲ در شوش وفات نمود و حسب الوصیه جسدش را به نجف حل نموده در آنجا دفن کردند (۲)

پارده از امراء بنی العباس

عده از امراء و نویسندگان شیعه که در آن عصر میزیسته اند از آن جمله

ابو عمران موسی بن عبدالمملک اصفهانی

moussa

صاحب دیوان و نویسنده مشهور از رؤسا و دانشمندان عصر خویش بوده و چند تن از خلفاء را خدمت نموده است در ایام متوکل دفاتر مالی بمعده وی واگذار شده بود منشآت مخصوصی داشته است ابن بابویه قمی در کتاب عیون اخبار الرضا تشیع ویرا ذکر نموده مشهور ترین اشعار او در کتاب نسمة السحر ضمن ترجمه تمیم بن معزین بادیس مذکور است ابو عمران در سنه ۲۴۶ وفات نمود (۳)

ابراهیم بن عباس بن محمد بن صول تکین

Ebrahim-ibn-abbass

از شعراء و نویسندگان نامی عصر خویش بوده است رشید الدین بن شهر آشوب در معالم العلماء ویرا ذکر نموده از شعرای شیعه و مادحین اهل بیت شمرده است ابن خلکان از کتاب الورقه در باره ابراهیم چنین نقل میکند مشارالیه بخدمت فضل بن سهل رسید و با کمک وی متصدی امور دیوانی شد تا آنکه در سنه ۲۴۳ موقع تصدی دیوان مالیات (سر من رأی) در همانجا وفات نمود ابراهیم شعر نیکو میگفت و این دو بیت از وی مشهور است

وَلَرُبَّ نَازِلَةٍ يَضِيقُ بِهَا الْفَتَى ذَرْعًا وَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْهَا الْمَخْرَجُ

(۱) فوات الوفيات کتبی ۲۰۶ ج ۱ و طبقات سبکی ۲۰۶ ج ۲ (۲) فوات الوفيات ۲۴۹ ج ۱

(۳) ابن خلکان ۲۶۲ و نسمة السحر فیمن تشیع و شعر خطی است

كَمُلْتُ فَلَمَّا اسْتَحْكَمْتُ حَلَقَاتُهَا قُرَجْتُ وَكُنْتُ أَظْنُهَا لَا تُفْرَجُ

حافظ حمزة بن یوسف سهمی در تاریخ جرجان ویرا جرجانی دانسته و اهالی آن نقطه جرجان را جول میخوانند (۱)

ابن الحجاج

Ebnil Hadjadj

ابو عبد الله حسین بن احمد بن محمد معروف بابن حجاج شاعر مشهور بوده است وفاتش در نیل بتاریخ ۲۲ جمادی الثانی ۳۹۱ واقع شد حسب الوصیه جنازه اش را در جوار مرقد امام موسی کاظم دفن نموده روی قبرش آیه (و کلبهم باسط ذراعیه بالوصید) را نگاشته اند ابن حجاج در فن شعر و شاعری مسلک مخصوصی داشته و با وجود سلامت طبع اشعارش خالی از تکلف نیست در محبت و تمسک بولاء اهل بیت مبالغه مینمود اشعار بسیاری در آن موضوع گفته است چندی در بغداد حکومت نمود و پس از وی ابو سعید اصطخری فقیه شافعی بآن سمت معین شد

دیوان اشعار ابن حجاج ده مجلد و بیشتر در هزلیات میباشد بدیع اسطرلابی ابو القاسم هبة الله بن حسین بغدادی که در سال ۵۳۴ وفات نمود دیوان اشعار ویرا بیکصد و چهل باب مرتب و منتخب نموده است که هر بابی از آن مخصوص یکی از فنون اشعار میباشد این نسخه موسوم به درة التاج فی شعر ابن الحجاج است سید رضی نیز منتخبانی از اشعار ابن حجاج ترتیب داده و بالحسن فی اشعار الحسین موسوم است نسخه از آن در کتابخانه حضرت رضا در خراسان موجود میباشد و قریب شش هزار بیت از آن منتخبات در کتابخانه آل سید عیسی عطار در بغداد باقی است و در اول آن چنین نگاشته شده است: یطلب مشروباً بالخبز والملح یا غلامی یا بدر به الی السعید السلامی: در پشت مجموعه سید رضی این دو بیت از منتخبات اشعار ابن حجاج مذکور است

أَتَعْرِفُ شِعْرِي إِلَى مَنْ ضُوی فَأَضْحِي عَلَى مُلْكِهِ يَحْتَوِي:

إِلَى الْبَدْرِ حُسْنًا إِلَى سَيِّدِي الشَّرِيفِ أَبِي الْحَسَنِ الْمُوسَوِي (۲)

ابن زباده

Ebn Zobadeh

ابو طالب یحیی بن سعید بن هبة الله بن علی بن قزغلی بن زباده شیبانی اصلاً

(۱) ۹۳ الشیعة و الفنون و ابن خلکان ۹ ج ۱ (۲) ابن خلکان ۱۷۰ ج ۱

اهل واسط بوده و در ۵۲۲ هجری در بغداد متولد گردید و بتاریخ ۵۹۴ وفات نمود در جنب روضه حضرت امام موسی کاظم مدفون شد (زباده بفتح زاء مشتق از زباد عطری است که زنان استعمال میکنند) ابن زباده از نویسندگان مشهور در فنون کتابت و انشاء و حساب و فقه و کلام و اصول تتبع و مهارت داشت شعر نیکو میگفت از ابتدای جوانی مصدر خدمات مهمه دولتی بوده است چندی در بصره و حله و واسط عهده دار دفتر مالیاتی بوده است سپس بسمت حاجبی و رسیدگی بمظالم تعیین شد بعد بریاست دارالانشاء و دیوان مقاطعات منصوب گردید شخصاً نیک سیرت و خوش خو بوده است در باره اخلاق حمیده وی مطالب بسیاری نقل نموده اند ابن خلکان وزارت ابن زباده را برای المستنجد عباسی تکذیب کرده و ابن طقطقی در آداب سلطانیه ذکر وی از وزارت وی ننموده است (۱)

۲ - از جمله امراء در مصر و شام

امیر سیف الدین حسین بن ابی الهیجاء

Amir Seyfed-Din

داماد صالح بن رزیک امیر سیف الدین اصلاً کرد بوده است صالح بن رزیک بن صالح همینکه بوزارت نایل شد سیف الدین را بملازمت و معاونت خویش انتخاب کرد پس از مرگ صالح پسرش رزیک بن صالح بوزارت رسید و مانند پدر در کلیه کارها از حسین استمداد مینمود در آموغ مشاور امارت قوص را عهده دار بود رزیک در صدد عزل وی برآمد و از حسین در اینموضوع مشورت کرد حسین بانجام این منظور موافقت نکرد ولی رزیک اعتنا به نصیحت وی ننموده امیر بن رفعه را بجای شاور مأمور ساخت شاور بر رزیک خروج نموده و در سمت واحات مصر عازم حرکت و طغیان گردید رزیک پس از شنیدن خبر شورش شاور در صدد تهیه کار برآمد بالاخره بعنوان عزیمت برای زیارت مدینه طیبه و بذل احسان در باره اهالی اموال و امتعه فراوانی از قاهره بیرون فرستاد و نزد اشخاص امین و دیعت نهاد در این اثنا خبر پیشرفت

(۱) ۳۹۹ ج ۲ ابن خلکان

مشاور منتشر گردید تا اینکه بنزدیکی قاهره رسید اول کسیکه جان خود را بدر برد سیف الدین حسین بود بنی زریک که پیش از سه هزار سوار بودند مهتای دفاع شدند اما همینکه ابن زریک از حال حسین جويا شده و از هزیمت او مسبوق گردید بکلی مأیوس شد زیرا حسین شخص شجاعی بوده و در جنگ ها بر شادت و مهارت تام اشتهار داشت بالاخره ابن زریک بخارج اطفح فرار کرد و بدست ابن نبیض سر کرده اعراب گرفتار شده نزد مشاور اعزام گردید و بامر وی در حبس افتاده

بعد از چند سال وفات نموده است خوچه حسین در مصر مشهور میباشد مقریزی در باب الخوخ ویرا ذکر نموده است و خوچه بمعنای دریچه و پنجره است (۱)

محمد بن احمد بن محمد

Mohamed-ibn-ahmed

وزیر نحوی لغوی است بنا بر روایت یاقوت روز جمعه پنجم جمادی الاخر ۴۳۳ هـ وفات نمود ولی در کشف الظنون بمناسبت ذکر تنقیح البلاغه وفات وی را در ۴۲۳ مینویسد شیخ منتجب الدین بن بابویه در فهرس علماء امامیه که معاصر شیخ ابوجعفر و متأخرین از وی بودند شرح حال محمد بن احمد را چنین مینویسد: محمد بن احمد بن محمد ابو سعید عمیدی بنا بر روایت یاقوت شخصی ادیب نحوی لغوی بوده است چندی در مصر اقامت داشت و متصدی دیوان انشاء بود مدتی معزول شده مجدد بهمان سمت منصوب گردید کتاب تنقیح البلاغه در عروض و قوافی از تألیفات اوست (۲)

وداعی

Vedaei

شیخ علاء الدین علی بن مظفر علی بن عمر بن زید کندی مشهور بوداعی شامی شاعر مشهور در سنه ۶۲۰ متولد شده و در سال ۷۱۶ وفات نمود در نسمة السحر

(۱) ۲۳ ج ۳ خطوط مقریزی (۲) فهرس منتجب الدین خطی

و فوات الوفيات شرح حال وی مفصلاً ذکر شده است کتب و حافظ ذهبی تشیع وداعی را تصریح نموده اند در نسمة السحر مذکور است وداعی نویسنده ماهر و ادیب سخنوری بوده است ابن نباته در شعر از وی استفاده کرده است ابن حجة در کتاب کشف اللثام عن التورية و الاستخدام از نسمة السحر نقل می کند که فضایل وداعی بایستی در چندین مجلد ذکر شود بالاخره تاریخ وفات وی را از تذکره حافظ ذهبی نقل مینماید کتاب مشهور تذکره هندیه مشتمل بر پنجاه مجلد راجع بفنون و علوم مختلفه از تألیفات وداعی است

ابن شاکر راجع بوداعی مذکور چنین می نویسد: نویسنده و ادیب و محدث مشهور علاء الدین کندی معروف بوداعی در سنه ۶۴۰ متولد شده و در سنه ۷۱۶ وفات نمود قرائت قرآن سبعة قرآن را نزد قاسم اندلسی تلاوت نمود در خدمت خشوعی صدر بکری و عثمان بن خطیب قرآن تلمذ نمود در عربیت مطالعات بسیار نمود و اشعار عرب را حفظ کرد چندی در دمشق اقامت داشت تذکره هندیه را در پنجاه مجلد بخط خویش تألیف و تحریر نمود کتاب مزبور در علوم و فنون بسیاری گفتگو میکند

چندی متصدی دیوان جامع اموی و مشیخه نفیسیه بوده است و از مذهب شیعه تبعیت مینمود تا موقع مرگ کیسوان سفیدی برای خود گذارده بود و در باره کیسوان خویش میگوید:

هَمَلًا فَقَدْ أَفْرَطْتَ فِي تَعْبِئِهَا

يَا عَائِبًا مِنِّي بَقَاءَ دُوَائِي

فَعَلَامَ أَقْطَعُهَا زَمَانَ مَشِئِهَا

قَدْ وَاصَلْتَنِي فِي زَمَانٍ شَبِئْتِي

صلاح الدین صفدی شرح حال علاء الدین را با ذکر تشیع وی و تذکره هندیه مفصلاً نگاشته و اشعاری که وداعی در مرثیه حضرت سید الشهداء گفته است نقل مینماید از آن جمله:

حَرَى الْجَوَانِحِ يَوْمَ عَاشُورَاءِ

عَجَبًا لِمَنْ قَتَلَ الْحُسَيْنَ وَآهْلَهُ

وَعَلَيْهِ قَدْ تَجَلَّوْا بِشُرْبَةِ مَاءِ (۱)

أَعْطَاهُمْ الدُّنْيَا أَبْوَهُ وَجَدَهُ

(۱) وفات الوفيات ۹ - ۱ ج ۲ و نسمة السحر خطی ج ۲

۳ - امراء دولت عثمانی در بعلبك و جبل عامل

۱ - خاندان حرفوش در بعلبك

بستانی در دائرة المعارف مینویسد: «خاندان حرفوش از امراء شیعه و در بلاد بعلبك اقامت دارند قدرت و قوت این خاندان در بلاد مزبور فوق العاده و بی اندازه است بحدی که از قدرت خویش سوء استفاده نموده دست به تعدی و اجحاف بر اهالی باز نموده اند و کار بجائی رسید که حکومت مرکزی از حرکات آنها خشمگین شده حکم به تبعید و اخراج آنان از نواحی بعلبك نمود و رسماً از استخدام خانواده حرفوش جلوگیری گردد در اثر این وقایع خاندان مذکور رو باخطاط گذارده و نزدیک بود بکلی منقرض گردد امیر سلیمان و امیرسنجر از مشاهیر رجال متأخر این خاندان میباشند.»

فاضل معاصر عیسی اسکندر المعلوم مقاله در مجله العرفان منطبعه صیدا راجع بحالات این خاندان نگاشته که اینک ذیلاً خلاصه آنرا مینگاریم

نسبت خاندان حرفوش به خزاعه بن لحي بن عمرو بن عامر بن قبة بن الیاس بن مضر منتهی میشود و بعقیده بعضی آنها از خاندان قحطان میباشند سابقاً در اطراف مکه اقامت داشته و از زمان قریش تولیت خانه کعبه با آنها بوده است همینکه تولیت مزبور بابی غبشانه رسیده مشارالیه منصب مزبور را از دست داد و (این قضیه در تواریخ مربوطه مشهور است) خاندان وی باطراف متفرق گشتند باین سبب بنام خزاعه (از کلمه خزاع بمعنای پراکنده شدن) مشهور شدند قسمتی از آنها در اطراف بغداد سکونت دارند و بنام خزاعه یا خزاعل شیعه معروفند گویند یکی از اجداد این طایفه در بعلبك بنام حرفش یا حرفوش موسوم بوده و لذا این خاندان را حرفوش می نامند

تپه های قریه حرفش سمت مشرق بعلبك بفاصله یکساعت و نیم مسافت تا آنجا هنوز باقی و شاید محل اقامت حرفش سابق الذکر بوده است

علاء الدین Alaed-Din

اول کسیکه از این خاندان در تاریخ نام برده شده علاء الدین حرفوشی است که در دوره ملوک چرکس بتاریخ ۷۹۲ هجری امیر طبل خانه (از مناصب قشونی آنموقع بوده است)

امیر علی بن موسی Amir Ali

اولین حاکم بعلبك از خاندان حرفوش امیر علی بن موسی حرفوشی است که سر سلسله آنها محسوب میشود تاریخ امارت این خاندان از سنه ۱۰۰۱ شروع گردیده و در سال ۱۲۸۲ خاتمه مییابد امرای حرفوش از طرف دولت عثمانی در ممالك شام وصیدا حکومت داشته اند در آن نقاط آبادیهای بسیاری بنامودند مخصوصاً قرای بعلبك و قصبات بقاعیه را تعمیر و آباد نمودند و عدّه زیادی از اکراد و اعراب کوچ نشین را اهل ساخته اند و برای ملازمت خود استخدام کردند طوایف دیگر شیعه نیز از جبل عامل و لبنان بسمت آنها شتافته مورد اکرام و پذیرائی شدند شعراء و ادباء در مدح امراء حرفوش قصاید و اشعار فراوان سرانیده و جوائز هنگفت در یافت نمودند خاندان مزبور واقعاً در ایالات صیدا و طرابلس امارت مستقل داشتند و در اواخر ایام باندازه بر اهالی تعدی و اجحاف کردند که در ثلث اول قرن نوزدهم میلادی ابراهیم پاشای مصری و در اوایل نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی دولت عثمانی کاملاً از تعدیات آنها جلوگیری نموده و سران آن خاندان را بقسطنطنیه و جزیره کوت تبعید کردند بهر حال امارت طبل خانه مدتی با طایفه مزبور بوده است و در جلوی امرای حرفوش موقع حرکت طبل های بزرگ نواخته علمهای قرمزی که دارای خط سبز بوده پیشاپیش میبردند

حرفوشیان یکدسته سیاهی مخصوص بنام خوابیه برای خود ترتیب داده بودند که مأموریت وصول مالیات با آنها بود اینیه و عمارات مشهوره امراء حرفوش عبارتند از قصر امیر عمر حاکم بعلبك که در سال ۱۰۷۷ بنا شده است و مسجد المعز بعلبك که بدست امیر یونس حرفوشی تعمیر شده است و بسیاری از عمارات دیگر در اطراف بعلبك که تاکنون باقی و مشهور میباشد قلعه بیوه و قلعه قب الباس و حدث بعلبك و حصن القردوح و غیره از قلاع امراء حرفوش است

خاندان مزبور برزم جوئی و ظلم و جور اشتهار نام دارد

ادباء و دانشمندان بسیاری از این خاندان ظهور نموده که از آنجمله امیر موسی حرفوشی است و شرح حال وی در کتاب لطف السمو تألیف نجم مغربی دمشق مذکور میباشد کتاب مزبور بعنوان ذیل کتاب الکواکب السائره فی اعیان المائه العاشره تحریر یافته و جزء نسخ خطی کتابخانه عمومی دمشق معروف بظاهریه موجود است

امیر موسی

Amir Moossa

امیر موسی بن علی بن موسی معروف بابن حرفوش پس از قتل پدر بامارت بعلبک نایل گردید امیر مزبور مانند پدران خود شخص شجاع یا سخاوت کرمی بوده ولی بر خلاف آنها خاندان خود را بمذهب تسنن نزدیک نمود (حرفشیون از امراء خزاعه هستند) وقایع امارت امیر موسی در تاریخ خاندان حرفوشی مذکور و مشهور است صاحب کتاب لعل الامل فی علماء جبل عامل اشعاری از امیر موسی نقل مینماید

امیر موسی باشیخ محمد بن حسن بن زین الدین پدر شیخ علی صاحب کتاب الدر المنثور و غیره مراسله داشته ویرا مدح کرده است وفات امیر بتاریخ ۱۰۱۶ هجری در دمشق واقع شد و در قبرستان فرادیس در بقعه موسوم به قبه بنی الحرفوش مدفون گردید

شارح کتاب الفاکهی محمد علی بن احمد حرفوشی عاملی دمشقی از این خاندان میباشد مشار الیه از شعراء و علماء علم نحو و لغت بوده است وفاتش در سال ۱۰۵۹ هجرت واقع شد پسرش ابراهیم بن محمد بن علی نیز از مشاهیر ادباء میباشد و در سال ۱۰۸۰ وفات نموده است شرح حال هر دوی آنها را ضمن حالات رجال قرن ۱۱ هجری ذکر نموده ایم. (۱)

(۱) از مجلد دهم مجله العرفان منطبعه صیدا ودائرة معارف بطرس بستانی نقل شده است

۲ - خاندان علی صغیر در جبل عامل

۱ - امیر اسعد خلیل

Amir Asaad-Khulil

از بزرگان خاندان علی صغیر متوطن جبل عامل از نواحی سوریه است پس از وی فاطمه از مشاهیر ادبای نسوان معاصر و پسرش امیر محمد ملک اسعد باقی ماند

۲ - امیر محمد بیک اسعد فرزند امیر اسعد الخلیل

(از حالات این دو نفر فعلاً چیزی در دست نیست البته در تمه کتاب ذکر خواهد شد)

۳ - امیر علی بیک اسعد

Amir Ali

بن امیر علی صغیر در زمان خویش بر خاندان علی صغیر ریاست داشته و از طرف دولت عثمانی در بلاد بشاره حکومت مینمود بحسن سیاست و سخاوت و عدالت اشتهار نام داشت محل اقامت وی قلعه تبین بوده که حاکم نشین بلاد بشاره محسوب میشود قلعه تبین در سال ۱۳۰۷ بعنوان سنگرو پناه گاه نواحی صور بنا شده است و در قطعه زمین مرتفعی واقع شده است که تا اندازه صعب العبور ولی دارای تاکستانهای بی شمار و بیشه و مزارع حاصلخیز است فرنگیان قلعه مزبوره را که حصار مستحکمی بوده است طورون مینامیدند

در سال ۱۵۵۱ هونفردی از طرف بالدین سوم در آن قلعه حکومت داشت در سنه ۱۱۸۷ میلادی مطابق ۵۸۳ هجری صلاح الدین ایوبی برادر زاده خود تقی الدین را به تبین فرستاد وی قلعه را متصرف شده فرنگیان را از آن محل خارج کرد در سال ۵۹۴ هجری قلعه تبین در تصرف ملک عادل بن صلاح الدین ایوبی بود فرنگیان قلعه را از هر سمت محاصره نموده و برای تصرف آن هجوم آوردند و از اطراف بداخل قلعه تقب ها زدند سکنه قلعه پس از مشاهده این وضعیت برای درخواست امان باردوگاه فرنگیان آمدند ولی پاره از فرنگیان اهل

قلعه را تذکر دادند که در صورت تسلیم رئیس قشون کلیه آنها را اسیر و مقتول خواهد نمود اهالی به قلعه باز گشته و مردانه بدفاع پرداختند از طرفی هم ملک عادل از برادر خویش ملک عزیز فرمانفرمای مصر استمداد نموده بود ملک عزیز برای مساعدت برادر حرکت کرد تا اینکه به عسقلان رسید فرنگیان که در آن موقع پادشاه وقائدی نداشتند پس از استحضار از حرکت ملک عزیز مضطرب شده و ملکه خود را برای پادشاه قبرص تزویج نمودند تا بدینوسیله از آنها حمایت کند پادشاه قبرص که شخص صلح طلبی بوده با ملک عادل صلح نمود و محاصره قلعه بر طرف شد از آن زمان تا مدت مدیدی قلعه در تصرف خاندان ایوبی باقی بود بالاخره امراء خاندان علی صغیر در آن نواحی حکومت یافتند و امیر علی بیك الاسعد فاطمه دختر امیر الاسعد را تزویج نموده به قلعه تبین انتقال نمود امیر علی از امراء معظم آن نواحی و اهمیت شایان داشته است گویند در موقع حرکت همیشه دوستان نفر سوار باستانی خدام و فراشان و آشپزان و سایر ملازمان در رکاب وی بودند و در قلعه تبین محل مخصوص برای پذیرائی مهمانان تربیت داده بود که با انواع نجملات و تزیینات عصری آراسته و ممکن بود دو هزار میهمان در آنجا پذیرائی شود خدام و ملازمان و کاشتگان امیر علی وظیفه و شهریه کافی دریافت میداشتند شعراء و ارباب حوائج از اطراف به نزد وی شتافته و مقضی المرام باز میکشیدند دشمنان و بدخواهان در باره وی سیاست کرده دولت عثمانی را باحضر و محاسبه امیر علی وادار نمودند امیر مزبور مدت هشت ماه تمام تحت نظر دولت مشغول تسویه محاسبه و تفریغ حساب بود تا آنکه زوجه اش سیده فاطمه کلیه دیون شوهر را پرداخت نمود و در اواخر سال ۱۲۸۱ هجری فرمان استخلاص امیر علی صادر شد و امیر مزبور در اوایل سال ۱۲۸۲ از محل توقیف خویش (قلعه دمشق شام) عازم مراجعت بوطن بود که اتفاقاً وبای مشهور بقولین در آن نواحی بروز نمود امیر علی مبتلا بوبا شده پس از سه روز بیماری در گذشت اتفاقاً امیر محمد ملک الاسعد که همراه امیر علی بود نیز دچار وبا گردیده در همان هفته وفات نمود (۱)

(۱) الدر المنثور فی طبقات ربات الخدور تألیف زینب قواز طبع مصر

۴ - امرای دولت مغول

۱ - شرف الدین هرون بن شمس الدین محمد جوینی

۲ - خواجه بهاء الدین محمد بن شمس الدین محمد جوینی

(بصفحه ۷۲ و ۷۳ از این جزء مراجعه شود)

ابن فخر اربلی

Ibn-Fakhr

شیخ بهاء الدین ابوالحسن علی بن عیسی فخرالدین ابوالفتح اربلی معروف بابن فخر شخص فاضل موثق محدث ادیبی ابوده شیخ حرّ عامی مراتب فضیلت و برا تقدیر نموده است ابن شاکر ابن فخر را از نویسندگان عالیقدر نام برده مینویسد وی کاتب اربل ابن صلیا بود پس از آن به بغداد آمد و در ایام علاء الدین صاحب دیوان رئیس دیوان انشاء گردید در ایام حکومت یهودیان (مقصود تآمار است) بازار ابن فخر کساد شد پس از آن مجدّد سر کار آمده و تا موقع وفات (۶۹۲ هـ) مشغول بود ابن فخر علاوه بر فضایل و کمالات شخص محترم معرّزی بوده و از مذهب تشیع پیروی میکرد پدرش والی اربل بوده است بهاء الدین تصنیفات ادبی چندی تألیف نموده که کتاب مقامات اربع و رساله الطیف و غیره از آنجمله است پس از مرگ قریب دو میلیون درهم ترکّه وی بوده است که پسرش ابوالفتح تمام آن را تلف نموده و در آخر عمر بفقیر و فاقه مبتلا گردید باری ابن فخر از سید جلال الدین عبدالحمید بن فخر موسوی تحصیل اجازه نموده و از وی روایت میکرد وزیر علقمی وسید رضی الدین علی بن طاوس حسینی معاصر ابن فخر بوده اند پسرش شیخ تاج الدین و نواده او شیخ عیسی بن محمد بن علی اربلی از علماء مشهور و کتاب معروف کشف القمه تألیف ابن فخر را از وی روایت میکردند در تشیع ابن فخر هیچگونه شک و تردیدی نیست چنانکه خود در کتاب کشف القمه این مطلب را تصریح کرده است بعضی از شاگردان شیخ داماد وی را زیدی تصور نموده اند افندی در ریاض العلماء این مطلب را متعزّض شده مینویسد کتاب دیگری بنام کشف القمه تألیف یکی از علمای زیدی در تبریز دیدم و تصور زیدی بودن ابن فخر ناشی از اتحاد اسم دو کتاب است

آثار ابن فخر

کتاب کشف القمه فی معرفة الائمة دو مجلد بزرگ مشتمل بر مناقب حضرت رسول اکرم حضرت رسول اکرم حضرت زهراء و ائمه اطهار شب بیست و یکم ماه رمضان (لیلة القدر) سنه ۶۸۷ از تحریر آن فراغت یافته است ابن فخر در کتاب کشف القمه مینویسد که بتاريخ ۶۷۰ هجری عین فرمان مأمون راجع بولایت عهد حضرت رضا و خط شریف امام علیه السلام را در ظهر ورقه عیناً زیارت نموده است و فرمان مزبور از طوس برای وی فرستاده شده بود و همچنین مینویسد در سنه ۶۷۷ عین مراسله جوابیه حضرت رضا علیه السلام بمأمون را بخط آنحضرت در واسط زیارت نمود بعضی ها علی بن عیسی اربلی را اشتباهاً وزیر یکی از آخرین خلفای عباس تصور نموده اند در صورتیکه شخص مزبور علی بن عیسی بن داود جراح وزیر المقتدر بالله خلیفه هیجدهم عباسی بوده است

افندی در ریاض العلماء مینویسد نسخه صحیح قدیمی کشف القمه را دیدم که مشتمل بر تعلیقات کفعمی و حواشی میرزا محمد طالقانی و اجازه شیخ علی کرکی به پاره از شاگردان بوده است نسخه مزبوره بخط سید حیدر بن محمد بن علی حسینی مورخه ۷۸۴ بوده است که سند نسخه خود را از نسخه استاد خویش شیخ علی کرکی و شیخ مزبور از نسخه خطی علامه مؤرخه ۷۰۶ و علامه از نسخه اصل مصنف استنساخ نموده بود

ابن فخر رسائل بسیار دیگری نیز تألیف نموده از آن جمله ... رساله الطیف المغانم الاربع و دیوان اشعاری دارد که قسمتی از آن در مدح ائمه است و در کشف القمه مذکور است (اربل از توابع موصل و جزء بلاد عراق است) (۱)

ه - امرای دول غیر شیعی هندوستان

مقدمه

پس از استیلای افغانه و دستگیری شاه سلطان حسین صفوی عده از امراء دولت صفویه و شاهزادگان آن خاندان که جانی بودند بسمت هند فراری و متواری گشته و بسیاری در دربار سلاطین و ملوک هند مشغول خدمت شدند و بطوریکه در تواریخ مشهوره مذکور است اساس حکومت تیموریان بآری

(۱) فوات الوفيات ۸۲ ج ۲ و ریاض العلماء افندی و غیره

هندی بدست امرای شیعه ایرانی تأسیس و تشکیل یافت. همینقسم در ایام شاه جهان شاه عده از امرای ایران از بیم آزار شاه صفی صفوی بخدمت سلاطین هند پیوستند چه که شاه صفی فرمان قتل کلیه امراء شاه عباس را صادر نموده بود ولی شاه جهان شاه امراء فراری را بانهایت اکرام پذیرفته بمنصب عالی گماشت اینک شرح حال مشاهیر امراء شیعه ایرانی مقیم هند را که بملازمت پادشاه تیموری هند و غیره اشتغال داشته مختصراً مینگاریم و نظر باینکه غالب حالات آنها از کتابهای تاریخی که در هندوستان طبع شده است موقعیکه مؤلف در نجف از عراق عرب بوده نقل کرده و فعلاً در دست نیامده است که نمره صفحه و تاریخ طبع گذاشته شود لذا فقط بذکر اسم کتاب اکتفاء شده است

(۱) امراء معاصر اکبر شاه هندی

۱ - بهرام خان

Behram

بداونی مینویسد بهرام خان شخصی باذکوت دانشمند عاقلی بوده است ابتداء بملازمت شاه بابر اشتغال داشت بسیاری از بلاد را برای وی فتح نمود بجان خاتان ملقب گشت علماء و دانشمندان قصد خدمتش را نموده مورد بوازش واقع میشدند بهرام خان شعر نیکو میگفته و قصیده در مدح حضرت امیر سروده که این بیت از اوست

بیهی که بگذرد از نه سپهر افسر او اگر غلام علی نیست خاک بر سر او (۱)

۲ - عبدالرحیم بن بهرام خان

Abdol - Rahim

در ادبیات و سیاست قرین پدر بود پاره از بلاد دکن را فتح کرد شعر نیکو میگفت از اوست

کر بدل بردنت فتد سرو کار همه اعضای من دل ارد بار (۲)

۳ - شاه فتح الله شیرازی

Shah Fathollah

بدوانی مینویسد شاه فتح الله در علوم الهی و طبیعیات و ریاضیات و طلسم و نیرنگ مهارت تام داشت در سال ۹۰۹ از عادل خان دکن اجازه گرفته بسمت فتح پور رفت و مورد احترام واقع شد خان خانان و حکیم ابوالفتح مقدمش را گرامی داشته منصب صدارت و امارت پاره بلاد را بوی تفویض کردند سپس عده بر

وی حسد برده بحلیله مقتولش نمودند (۳)

(۱) تاریخ بداونی و تاریخ قطبشاهی (۲) حدیقه العالم (۳) بداونی

۴ - ۵ نوروز میرزا و میرزا رستم صفویان

Novrous Mirza - M. Rustam

در زمان شاه طهماسب صفوی امارت قندهار را عهده دار بودند پس از مرگ شاه طهماسب پسرش شاه اسمعیل ثانی فرمان قتل تمام امرای صفوی را صادر کرد این دونفر نیز مانند سایرین به هند فرار نموده و بمناصب مهمه اشتغال یافتند (۲)

(ب) امراء معاصر جهانگیر شاه

۶ - میرخلیل یزدی

Mir Khālil

میرخلیل یزدی فرزند غیاث الدین محمد میر میران از احفاد شاه نعمه الله ولی است که خاندان وی در خراسان و عراق عجم و بفضل و کمال و قبول عامه اشتها نام دارند مشارالیه در سال دوم سلطنت جهانگیر وارد هند شده و در نزد وی تقریب یافته بمناصب عالیہ نایل شد (۲)

۷ - میر میران بن میرخلیل یزدی

Mir Miran

در سال نهم جلوس جهانگیر شاه وارد هند شده و از طرف وی بسرکردگی ده هزار قشون معین شد (۳)

۸ - احسن الله ظفر خان

Ahssanallah

از مشاهیر علماء و امراء بوده در زمان جهانگیر شاه حکومت کابل با وی بود و در زمان شاه جهان بامارت کشمیر نایل شد سپس فتح کرد وفات نمود (۴)

(ج) معاصر امراء جهان شاه

(۹) خواجه عابد قلیچ خان علی آبادی سمرقندی

Ahed Ghlicht Khan

خواجه عابد در علی آباد از توابع سمرقند متولد شده است نزد پدر و علماء سمرقند به تحصیل علم فقه پرداخت سپس به بخارا رفته به رتبه قضاوت نایل شد و بمقام

(۱) - (۴) حقیقة العالم و تاریخ فرشته

شیخ الاسلامی ارتقاء یافت از بخارا به هندوستان رفته و در اواخر سلطنت شاه جهان بمناصب عالیہ دولتی منصوب گردید در سال ۱۰۸۵ امارت حاج یافته و بمکه مشرف شد در سنه ۱۰۹۰ به لقب قلیچ خانی ملقب گشت و در سنه ۱۰۹۲ بمنصب رفیع صدارت رسید در سنه ۱۰۹۶ بحکومت صوبداریه ظفرآباد معین شد و در سنه ۱۰۹۸ هنگام محاصره قلعه کولکنده بوی رسیده و در گذشت مدفنتش در حوالی حیدرآباد واقع است (۱)

۱۰ - نواب قلیخان

Gholi Khan

سالار جنگ بن خاندان قلیخان بن نوروز قلیخان بن درگاه قلیخان بن خاندان قلیخان از اترک بربر اطراف مشهد رضوی است خاندان قلی خان جد سالار جنگ در ایام شاه صفی حاکم قندهار بود و با علیمردان خان به هند مهاجرت کرد شاه جهان ویرا اکرام و نوازش نمود پس از مرگ خان قلی خان علیمردان خان پسرش درگاه قلیخان را مورد توجه قرار داده بیاره مشاغل مهمه گماشت بعد از وفات علیمردان خان درگاه قلی خان بخدمت اورنگ زیب شتافت و با وی به دکن رفت و مجدد به هند مراجعت کرد بعد از وی پسرش نوروز قلی خان بامارت قسمتی از نواحی بیچاپور معین شد پس از مرگ او پسرش خاندان ابن قلیخان جزء امراء دربار آصف جاه تربیت یافته از امرای مقرب وی گردید تا آنکه در نظام آباد بتاریخ ۱۱۹۰ هجری وفات نمود سالار جنگ امیر دانشمند ادیبی بوده در علم انشاء و تاریخ اطلاع کامل داشت پسران وی امام قلیخان و واهی قلی خان از امرای آصفجاه ثانی محسوب میشوند (۲)

۱۱ - میر محمد سعید

Mir Mohamed

میر جمله ملقب به منظم خان خانان سپه سالار اصلاً از سادات اردستان بوده در ایام سلطان عبدالله قطبشاه به کولکنده وارد شده از طرف وی نوازش یافت و بمناصب مهمه معین گشت تدریجاً اموال و املاک فراوانی تحصیل کرد بقسمیکه

(۱) و (۲) تاریخ قطبشاهیه

پنجهزار سوار برای ملازمت خویش ترتیب داد سلطان عبدالله از وی رنجیده تمام اموالش را مصادره گردید محمد سعید بملازمت شاه جهان شتافته و نزد وی تقرب یافته بالاخره در دوم رمضان ۱۰۷۳ وفات کرد (۱)

۱۲ - نواب علیمراد خان

Ali Morad Khan

در زمان شاه عباس صفوی حکومت قندهار با وی بود پس از مرگ شاه عباس پسرش شاه صفی در صدد دستگیری علیمراد خان بر آمد مشار الیه قندهار را بامراء شاه جهان واگذار نموده بکابل نزد شاه شجاع رفت و مورد اکرام بی نهایت واقع شده از طرف وی مخلص گردید و هدایای بسیار دریافت داشت شاه جهان بزرگترین نشانه‌های سرداران خود را به علیمراد خان اعطاء کرد وی به لاهور نزد شاه جهان شتافته و از طرف شاه بحکومت پنجاب و کشمیر و کابل معین گشت (۲)

۱۳ - آصف خان

Assef Khan

برادر نور جهان بیگم نزد شاه جهان تقرب تام داشت شاه ویرا عمو و وکیل مطلق خطاب میکرد (۳)

۱۴ - شایسته خان بن آصف خان حکومت آله آباد باوی بود (۴)

Shayesteh Khan

۱۵ - اسلام خان بن آصف خان حاکم بنگاله بوده است

Islam Khan

۱۶ - سیادت خان بن آصف خان

Seyadat Khan

۱۷ - میرزا حسین صفوی پسر میرزا رستم

Mirza Hossein

۱۸ - کرم الله بن علیمراد خان

Karamallah

۱۹ - زبردست خان Zebar Dast Khan

۲۰ - مراد کام صفوی Morad Kam

۲۱ - موسی خان Moussa Khan

(د) امرای معاصر عالمگیر شاه محمد اورنگ زیب

۲۲ - سپهسالار ذوالفقارخان

Sepah Salar Zol-Faghar

از امرای نامی عالمگیر بوده است گویند عالمگیر وقتی بوی نامه نگاشت که مفهوم آن عبارات ذیل میباشد: یا ناصر انصر من لا ناصر له * به وجود وسخاوت معروف است ناصر شاعر مشهور در مدح وی قصیده گفته که مطلعش این بیت است ای شان حیدری ز جبین تو آشکار نام تو در نبرد کند کار ذوالفقار ذوالفقار خان پانصد هزار روبیه بشاعر مذکور صله داد (۱)

۲۳ - خلیل الله خان Khalilolah Khan

۲۴ - روح الله خان امیر لامراء Rouhollah Khan

۲۵ - موسی خان Moussa Khan

۲۶ - امیر خان Emir Khan

۲۷ - جعفر خان و غیره (۲) Djaffar Khan

۲۸ - سید علی خان صاحب شلافه وزیر عالمگیر شاه

Seyed Ali Khan

سید صدرالدین علیخان مدنی هندی فرزند میر نظام الدین احمد بن محمد معصوم بن احمد نظام الدین بن ابراهیم بن سلام الله بن عماد الدین مسعود بن صدر الدین محمد بن امیر غیاث الدین منصور بن امیر صدر الدین محمد شیرازی دشتی بطوریکه در کتاب سلوة الغریب (۳) سید علیخان ذکر نموده نسبش به زید بن علی بن الحسین

منتهی شود در سال ۱۰۵۲ در مدینه طیبه متولد شده و در شیراز بتاريخ ۱۱۱۷ وفات نمود (بقول افندی در سال ۱۱۱۸)

از نویسندگان و علمای نامی زبان عربی بوده است تالیفات بسیار نمود که اکثرش مورد استفاده عمومی است بطوریکه سابقاً اشاره شد در مدینه طیبه یا مکه مکرمه متولد شد پدرش امیر نظام الدین از مکه به دکن مهاجرت نمود و دختر عبد الله قطبشاه را تزویج کرد

سید علی خان در مکه نشو و نمو یافته در سنه ۱۰۶۸ بحیدر آباد وارد شده بایدر خویش ملاقات کرد همینکه ابوالحسن قطبشاه بر آن نواحی استیلا یافت از والد سید علی خان رنجیده و برا محبوس ساخت و تمام اموالش را مصادره کرد در اینموقع سید علی خان از دکن فرار نموده بخدمت عالمگیر شاه شتافت و در زمره مقربان او درآمد و از طرف عالمگیر بسمت امارت و نگهبانی اورنگ آباد تعیین شد سپس از حکومت آن محل استعفا داده و از عالمگیر حکومت برهان پور را تقاضا کرد چندی در آنجا بسر برده با اجازه عالمگیر شاه بزیارت حرمین شریفین عازم شد و پس از مراجعت به تشریف اعتاب مقدسه ائمه عراق و مشهد رضوی مسافرت نمود بالاخره بخدمت شاه سلطان حسین صفوی پیوست ولی از وی حسن استقبالی ندیده بشیراز مراجعت کرد و در مدرسه منصوریه تا موقع وفات ۱۱۱۷ به افادت و استفادت علوم اشتغال داشت افندی در کتاب ریاض العلماء و ضامن بن شدقم در کتاب تحفة الازهار و مؤلف کتاب حقیقه العالم ضمن حالات ملوک قطبشاهی شرح احوالات سید علی خان را مذکور داشته اند و بطوریکه خود سید در کتاب سلوة الغریب مینویسد اول کسیکه از اجداد سید علی خان به شیراز مهاجرت نموده است ابو سعید نصیبین میباشد و اول کسیکه از اجداد وی به مکه مهاجرت نمود سید معصوم است و قبل از سید معصوم امیر نصیر الدین حسین عمو و داماد سید معصوم به مکه مهاجرت کرده است نصیر الدین مزبور شخص عالم دانشمندی بوده است و نزد شیخ جعفر بن کمال الدین بحرانی تلمذ نموده وفاتش بمرض طاعون در سال ۱۰۲۳ واقع شد

آثار سید علی خان

۱ - کتاب شرح صحیفه کامله سجّادیه موسوم به ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید السّاجدین در ابتدای هر دعائی خطبه و دیباجه ظریفی ذکر نموده سپس اقوال مختلفه شارحین را بطور اکمل نقل مینماید کتاب مزبور بنام شاه سلطان حسین تألیف یافته و در طهران طبع شده است تألیف و تنظیم آن بهترین دلیلی بر کثرت اطلاعات و ارجندی مقام سید در علوم مختلفه میباشد

۲ - طراز اللغه که بطرز کتاب لسان العرب ابن منظور افریقائی تألیف یافته است کتاب مزبور بحرف صاد و فصل قاف در ضمن شرح کلمه قصص منتهی میشود از مندرجات طراز اللغه میتوان مقامات عالیه سید را در علم لغت و تفسیر و ادبیات زبان عربی درک نمود در حسن اسلوب و ایجاز عبارات یکی از بهترین کتب لغت محسوب میشود و در نظر داریم که پس از تکمیل کتاب آثار الشیعه باتمام آن بپردازیم یک نسخه از کتاب طراز که بحرف راء ختم میشود در نجف موجود است و نسخه تمام آن (تا حرف صاد) در کتابخانه عاطف پاشا در اسلامبول و کتابخانه سلطنتی طهران موجود میباشد و بطوریکه بعضی از مطلعین نقل میکنند کتاب مزبور بوسیله چاپ سنگی در هندوستان طبع شده است یک نسخه از کتاب مذکور در کتابخانه مدرسه ناصری تهران موجود است و نسخه دیگری در کتابخانه مدرسه صدر طهران ملاحظه شد نسخه مزبور در مجلد بزرگی است که تقریباً بالغ بر هشتصد صفحه میشود اول آن از باب الراء بدین عبارت شروع میشود (باب الراء من الطراز الاول فصل الهمزه ابر النخل) و بشرح کلمه عبّس و عبّوس خاتمه مینماید

۳ - کتاب الکلم الطیب والفیث الصیّب در ادعیه ماثوره از حضرت ختمی مرتبت تا تمام است

۴ - شرح ارشاد در نحو

۵ - شرح کبیر بر صمدیه در نحو موسوم به حقایق الندیّه فی شرح فواید الصمدیه در ایران طبع شده است

۶ - شرح دیگر بر صمدیه

۷ - رساله مختصر در اغلاط صاحب قاموس

۸ - انوار الربیع فی شرح البدیع بعقیده مؤلف کتاب مزبور جامعترین شرحی است که بر بدیعیات نوشته اند در ایران بطبع رسیده است

۹ - سلافة العصر فی اعیان العصر در مصر طبع شده است

۱۹ - نظم الصدیق والصدّاقه راجع بآداب دوستی

۱۱ - نفثة المصدور در منظوم و منثور

۱۲ - کتاب الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیعه دو مجلد از آن کتاب در دست است جلد اول راجع بشرح حال ۷۹ نفر از صحابه بنی هاشم و غیره جلد دوم در شرح حال طبقه چهارم از طبقات شیعه امامیه از محدثین و مفسرین مشتمل بر دو باب باب اول در علماء بنی هاشم و آن مشتمل است بر ۳۸ نفر که اول آنها سید محمد طبری مرعشی است سپس بشرح حالات رجال طبقه یازدهم که (طبقه شعراء) پرداخته شش نفر از شعراء را که اولشان نابغه الجعدی و آخرشان کثیر عزه است ذکر مینماید هر دو مجلد در کتابخانه شیخ علی آل کاشف العطاء در نجف و کتابخانه سید صدر در کاظمین موجود است

۱۳ - کتاب سلوة الغریب شرح سفرنامه سید علیخان به هند حاوی فوائد تاریخی و ادبی نسخه از کتاب مزبور را در کتابخانه خونساری در نجف ملاحظه نموده و پاره نوادر از آن کتاب نفیس در آثار الشیعه نقل نموده ایم

مرحوم سید علی خان کتابخانه نفیس عالی برای خود ترتیب داده بود که از جمله کتب ثمنه عالیّه آن کتابخانه نسخه از کتاب فقه الرضا بخط کوفی که بر حسب اظهار افندی در سال ۲۹۹ هجری به خط مبارک حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام تحریر یافته است اخبارات پاره از علماء و خط آنها در پشت کتاب مزبور مندرج و بر قدر و قیمت کتاب افزوده است نسخه آن کتاب در کتابخانه طائف مکه موجود بوده است از قرار مذکور حضرت ثامن الائمه کتاب فوق الذکر را بر حسب تمنای احمد مسکین بن جعفر بن محمد بن زید الشهید جد سید علیخان تألیف و تحریر فرموده اند

هر حال مرحوم سید علی خان دیوان مراسلات منظوم و منثوری داشته است

که نسخه از آن نزد شیخ علی آل کاشف العطاء در نجف و نسخه دیگری در کتابخانه آل سید عیسی العطار در بغداد موجود میباشد دیوان مزبور از مراسلات و مراجعات سید با برادر خویش سید محمد یحیی در سال ۱۰۷۸ و سید حسین بن علی بن شوق در سال ۱۰۸۱ و ۱۰۹۲ و سید عماد بن برکات الحسینی و استاد خود محمد بن علی الشامی و جمال الدین محمد بن عبدالله نجفی و جواب سید علی بن محمد کر بلائی در سال ۱۰۹۴ و جواب سید حسین بن شرف الدین نجفی در سال ۱۰۹۶ تدوین و تنظیم یافته است

اشعار بسیاری از سید در کتاب سلافة العصر و انوار الربیع و غیره مذکور است من جمله قصیده خنریه مشتمل بر اشعار بدیعه که بیت ذیل از آن قصیده است

يَا سَحْبَ نَيْسَانَ رَوِّيَ الْكَرَمَ مِنْ كَرَمٍ فَفَنَى الْحُبَابِ غَنِيَّ عَنْ لَوْلُو الصَّدَفِ (۱)

۲۹ مبارز خان عماد الملک

Mobarez Khan

صاحب مآثر الامراء مینویسد که اسم مبارز خان خواجه محمد بوده است اصلاً از بلخ و در ایام طفولیت بکجرات مهاجرت کرده و آنجا متوطن شد در آن موقع شاه دولت معروف به درویش صاحب در کجرات استیلاء داشت مشار الیه مبارز خان را نوازش نموده خرقة درویش بوی اعطا نمود و جزو امرای خویش قرار داد و بالاخره نزد پسرش محمد کام بخش تقرب یافت در سال ۱۱۱۹ بسمت سرکردگی قشون بیچاپور معین شد پس از مرگ درویش صاحب با حمد آباد رفت رفت و مجدد به کجرات برگشته خزائن درویش صاحب را متصرف شد و از آن موقع نام وی در تمام هندوستان منتشر گشت آثار نیکوئی در حیدر آباد از وی باقیست که از آنجمله حصار اطراف حیدر آباد میباشد حصار مزبور بواسطه قتل وی ناتمام ماند و بدست اصفجاه نظام الملک خاتمه یافت عماد الملک در موقع محاربه اصف جاه با امرای معاصر خود بناریخ ۲۲ محرم ۱۱۳۷ هجری در نزدیکی قصبه شکرکهره مقتول شد (۲)

(۱) از کتاب سلوة الغریب و کتاب ریاض الملاء و کتاب تحفة الازهار که هر سه خطی است و کتاب حدیقة العالم طبع هندوستان و کتاب سلافة العصر طبع مصر و غیره نقل شده است (۲) از کتاب حدیقة العالم

۳۰ - سپار خان Sabbar Khan

بن سید محمد سبزواری از سادات بنی مختار است که مدت زمانی نقابت مشهد رضوی و امارت حاج با آنها بوده است جدش میر شمس الدین علی ثانی در عراق و خراسان نقابت داشت و در ایام سلطنت شاهرخ شاه در سبزواری متوطن شد تا اینکه نوبت نقابت مجدش شمس الدین ثانی رسید که از رجال مهم خراسان محسوب میشد مقارن آن ایام در دوره شاه سلطان حسین صفوی در بلخ مرقدی آشکارا شد که بروی نام امیر المؤمنین علی بن ابیطالب مکتوب بود شاه سلطان حسین ویرا بنقابت آن نواحی مامور نمود پس از مرگ شاه سلطان حسین و حدوث انقلابات شمس الدین از بلخ به هند مهاجرت کرد و در آنجا توطن نمود سید محمد سبزواری فرزند شمس الدین و پدر خان جان سپار خان دهلی بمقامات و مناصب عالیہ نایل گشت و در ایام محمد جهانگیر شاه بلقب مختار خانی ملقب شده سپس وفات نموده

سید محمد سه پسر داشت شمس الدین مختار خان .. آداب خان .. سپار خان همینکه عالمگیر شاه قلعه کولکنده و بیجاپور را فتح نمود سلطان ابوالحسن تاتار شاه را بمصاحبت سپار خان بدولت آباد فرستاده ابوالحسن را در آنجا محبوس کرد سپارخان پس از مراجعت بحکومت صوبداریه، حیدرآباد تعیین شد همینکه اورنگ زیب از دکن برای مقاتله با عالمگیر قیام کرد سپارخان بملازمت عالمگیر حرکت نموده در تمام جنگها با وی بوده پس از خاتمه جنگ و غلبه عالمگیر ترقی نموده و بحکومت بیدر منصوب گشت تا اینکه در سنه ۱۱۱۳ وفات نمود... (۱)

۳۱ - میر شهاب الدین بن خواجه قلیح خان سمرقندی

Shehab-ed-Din

در سال ۱۰۷۹ وارد هند شده جزء امرای عالمگیر شاه بود قلاع محکم متینی برای عالمگیر فتح نمود در محاصره بیجاپور از عوامل مهمه بوده است بالاخره با مساعدت محمد اعظم شاه بیجاپور مفتوح شد ولی شهرت آن فتح بنام شهاب الدین خاتمه یافت در سال ۱۱۱۸ بامارت اکبر آباد و صوبداریه کجرات معین شد وفاتش در سنه ۱۱۲۲ در احمد آباد کجرات واقع شده جسدش بدلی

(۱) کتاب جدیة العالم

حمل نمودند در مقبره مخصوصی که قبلاً برای خویش در خارج شهر تهیه نموده بود مدفون گردید شهاب الدین در ادبیات فارسی وسعت داشت و گاه گاهی شعر نیز میگفت... (۱)

(ه) امرای معاصر محمد شاه

۳۲ - نظام الملک آصفجاء قمر الدین

Nezamel-Molk

پدرش در شهر توران از مشاهیر رجال بوده در سال ۱۰۸۲ هجری متولد شد عالمگیر ویرا قمر الدین نام نهاد تدریجاً بمنصب عالیہ منصوب شد مدتی حکومت نصر آباد سنگل با وی بوده قلعه اکنکره را فتح نمود در سال ۱۱۱۸ بحکومت صوبداریه بیجاپور معین شد و پس از استیلاء محمد شاه طرف توجه آن پادشاه واقع گردیده بمقامات عالی ارتقاء یافت و در ایام معز الدین جهاندار شاه بامارت صوبداریه دکن و سرکردگی قشون کرناٹک منصوب گردید سپس محمد شاه ویرا به شاه جهان آباد احضار نموده در سنه ۱۱۳۵ بحکومت احمد آباد منصوب نمود و پس از کشته شدن مبارز خان فرمانفرمای تمام بلاد دکن گردید وفاتش در سنه ۱۱۶۱ بسن هفتاد و نه سالگی واقع شده و در بقعه برهان الدین مدفون گشت نظام الملک شخص ادیب شاعری بوده است ابتداء شاکر و بعد آصف تخلص مینمود بنای حصار برهان پور در سنه ۱۱۴۱ و تکمیل حصار حیدر آباد از آثار اوست بیت ذیل از نظام الملک است

آصف ز حدیث نبوی میکشد اینجام بی مهر علی آب ز کوثر نتوان خورد
پسران وی عبارتند از میر محمد پناه امیر الامراء میر احمد نظام الدوله میرزا محمد امیر الممالک میر نظام علیخان بهادر میر محمد شریف برهان الملک میر مغل علی ناصر الملک

محمد حسن خان در نمره ۱۷ روز نامه شرف نظام الملک را ذکر نموده و اظهار میدارد پدرات وی از عرفاء سمرقند بودند و بعضی از ایشان برتبه قاضی القضاتی نایل شده اند پس از مهاجرت به هند مدتی زنی خود را تغییر

(۱) تاریخ فرشته طبع هندوستان

ندادند بهر حال نظام الملك مزبور در موقع جنگ نادر شاه و محمد شاه حضور داشته مخدوم خویش را صمیمانه خدمتگذاری کرد (۱)

۳۳ - نظام الدوله

Nezamed Dow/h

میر احمد خان بهادر معروف بناصر جنگ بن نظام الملك سابق الذكر بطوریکه در حقیقه العالم مذکور است نظام الدوله پس از مرگ پدر بامارت دکن منصوب شده و با اهالی بدرفتاری کرد و در سال ۱۱۶۳ با محی الدین خان در نواحی ارکان زد و خورد نموده ابتداء غلبه نمود و بالاخره مغلوب شد افاغنه سر وی را بریده به نیزه کردند و یارانش متفرق شدند نظام الدوله شخص ادیب و دانشمند بوده در شعر و نقاشی و موسیقی مهارت داشت نوادر و ظرایف بسیاری از او حکایت می کنند این بیت از اوست

نمیدانم چه باشد از گلستان نفع گلچین را که میسازد روان از چشم بلبل اشک خونین را (۲)

۳۴ - آصف الدوله

Assefed-Dowleh

امیر الممالک صلابت جنگ سید محمد بن نظام الملك سابق الذكر حکومت حیدر آباد و صوبداریه دکن باوی بود بابرا همه حوالی پونا زدو خورد هائی نموده آنان را مجبور بصلح و تأدیه غرامت نمود در سال ۱۱۷۵ شاه از وی رنجیده یکسال و چند ماه محبوسش نمود و در سنه ۱۱۷۷ وفات نموده در بقعه شیخ احمد ملتانی مدفون شد شرح حالش در کتاب حقیقه العالم مذکور است (۳)

۳۵ - نظام الدوله

Nezamed-Dowleh

میر نظام علیخان آصف جاه بن نظام الملك سابق الذكر مدتی بحکومت بعضی از بلاد منصوب بود در سال ۱۱۷۵ بحکومت صوبداریه دکن معین شد با قشون انگلیس در ابتدای ورود آنان محاربه نمود سپس در سنه ۱۱۸۲ به حیدر آباد مراجعت کرد شخص شجاعی بود و شهرهای بسیاری فتح نمود (۴)

(۱) حقیقه العالم و روزنامه شوف نمره ۱۷ (۲) و (۳) و (۴) حقیقه العالم طبع هندوستان

از امرای نامی هندوستان

۳۶ - نظام الملك

Nezamel-Malk

میر محبوب علی خان فرمانفرمای دکن نواده میر فخر الدین نظام الملك آصفجاه محمد حسن خان اعتماد السلطنه در ضمن نمره ۱۷ روزنامه شرف شرح حال وی را ذکر نموده است خلاصه اظهارات وی آنکه در سنه ۱۸۶۹ میلادی پدرش افضل الدوله فرمانفرمای دکن وفات نمود و میر محبوب علی خان در آنموقع سه سال بود میرزا علیخان نامی از احفاد سید نعمه الله جزایری بامارت بلاد و تربیت محبوبعلی خان قیام نمود تا آنکه وی از طرف دولت بریطانیا به نیابت سلطنت دکن معین شده کفایت و لیاقت نامه از وی ظاهر شد (۱)

۳۷ - نواب تفضل

Tafazzol

حسین خان لاهوری نایب آصف الدوله یحیی خان کمپانی ویرا پناه داده بعد در سنه ۱۲۱۲ بشهر نبارس تبعید کرد وزیر علی خان باعده همراهان متفق شده بر حاکم نبارس شورید و بوا باچند نفر از انگلیسیان بقتل رسانید ولی بالاخره قشون دولتی او را در خانه اش محاصره کردند وزیر علی خان از خانه خود نقب بخارج زده و باخواص خویش نزد راجه پوتان گریخت راجه مزبور در اثر تقنین دولت بریطانی وزیر علی خان را تسلیم نمود انگلیسیان ویرا حبس نمودند و در حبس وفات نمود (۲)

(۱) روزنامه شرف نمره ۱۷ (۲) حقیقه العالم

فصل سوم

امرای شیعه که در دربارهای موافق مذهب و سیاست خود امارت

نموده اند

مقدمه

بر طبق تحقیقات تاریخی رجال بزرگی بنام دعوت شیعه قیام نموده بر خلفاء شوریدند و غالباً موفق گردیده عده بسیاری گرد آنان جمع شدند از آن جمله ابوالسرایا سري بن منصور شیبانی است که در سنه ۱۹۸ در کوفه بر مامون عباسی خروج نمود و بنام حضرت رضا دعوت کرد و بسیاری از علویان دور او جمع شدند ابوالسرایا در کوفه و بصره و واسط پیشرفت نموده به سمت مکه رفت و در آنجا نام خود را روی پرده کعبه نقش کرد و بنام حضرت رضا سکه زد مامون حسن بن سهل را بجلوگیری او فرستاد مغلوب و مقتولش نمود دیگر ابوالحارث ارسلان ترك بساسیری غلام بهاء الدوله دیلمی است که ابتدا از امرای فسا (از توابع شیراز) بود و بعد بر القام خلیفه عباسی شورید خلیفه را حبس کرد و بنام المستنصر خلیفه فاطمی مصر خطبه خواند اما بزودی طغرل بیک سلجوقی متوجه بغداد گردیده ارسلان را فراری و سپس بقتل رسانید ۴۵۱ هـ دیگر امیر توزن دیلمی از امرای مشهور دیاله است بر المقتی خلیفه عباس شوریده خلیفه از بیم وی بموصل گریخت امیر توزن المقتی را استمالت نموده دو باره به بغداد آورد امیر توزن در سال ۵۶۸ وفات نموده در خانه خودش مدفون گردید و از آنجا جسدش را بمقابر قریش نقل دادند

باری بطوریکه ذکر شد بسیاری از امراء بنام تشیع قیام نموده کم و بیش غالب یا مغلوب شدند اما نظر اینکه تشیع و صدق اظهارات آن مسلم نبوده و ممکن است مقاصد سیاسی بیشتر محرک آنان شده باشد لذا فصل مخصوصی راجع به حالات آنان ترتیب نداده فقط بشرح حالات امراء آل حمدان آل بویه آل جلالیه صفویه و سایر امرای شیعی ایران و هند و عراق عرب میپردازیم اطلاعات ما در اینقسمت از کتب تاریخی خطی و چاپی جمع آوری شده و در صورت کسب اطلاعات جدید شود در قسمت تمه کتاب ذکر میکنیم

۱- امرای آل حمدان در موصل و حلب

حکومت بنی حمدان در نواحی موصل الجزیره و شام مدت يك قرن تقریباً امتداد یافت اولین فرمانروای این خاندان ابوالهیجه عبدالله بن حمدان والی موصل در سنه ۲۹۳ بامارت معین گشت امارت این خاندان بمعدالدوله حمدانی خاتمه یافت مشهورترین امرای این خاندان سیف الدوله علی بن عبدالله بن احمد بن حمدان است شرح حالات وی در جلد ملوک از این کتاب چاپ طهران ذکر شده بدانجا مراجعه شود

نکارتنه این اوراق بر دیوان خطی از اشعار ابی فراس حارث بن سعد بن حمدان (از امراء آل حمدان) دست یافت ابو عبدالله حسین بن خالویه (۳۷۰ وفات) بر دیوان مزبور حواشی و تعلیق ادبی تاریخی بسیاری نگاشته بود اینک بمناسبت مقام از آن دیوان مطالب چندی نقل و استخراج میشود

۱ - ابو فراس

Abou-Ferass

حارث بن ابی العلاء سمید بن حمدان بن حمدون حمدانی پسر عموی سیف الدوله حمدانی است ثعالی در باره وی مینویسد: ابو فراس از حیث شجاعت و فصاحت و بلاغت و سخاوت یگانه زمان خویش بوده است صاحب بن عبّاد کراماً گفته بود که شعر عرب از پادشاهی شروع شده و بیادشاهی ختم شد (امرء والقیس - ابو فراس) متبّنی ابو فراس را به فصاحت و سخنوری ستوده بر خود مقدم میداشت ابو فراس نزد پسر عموی خویش سیف الدوله معزّز و محترم میزیست سیف الدوله در جنگها ابو فراس را با خود برده و با جانشین خویش قرار میداد باری ابو فراس دو مرتبه گرفتار اسارت گردید و در هر دو دفعه سالم ماند اسارت اول وی در سنه ۳۴۸ در خرشنه از بلاد روم و اسارت دیگر در ۳۵۱ در منبج اتفاق افتاد در مرتبه اخیر وی را بقسطنطنیه برده چهار سال در اسارت نگاه داشته (۱) ابن خالویه از ابو فراس مطالب ذیل را نقل میکند همینکه به قسطنطنیه رسیدم (ابو فراس) پادشاه روم قسمی بامن رفتار و اکرام نمود که با هیچ اسیری رفتار نمینماید مثلاً بطور معمول هیچ اسیری قبل از ملاقات پادشاه در بلاد روم حق سواری ندارد و بایستی سر برهنه در باز نگاه شهر که معروف به بطوم است حاضر شده و سه مرتبه شاه را سجده نماید دیگر آنکه شاه معمولاً در یکی از مجامع عمومی معروف به (توری) حاضر شده و قدم بر فرق اسیر مینهاد ولی پادشاه روم مرا از انجام تمام این مراتب معذور داشت و امر فرمود که بخانه مخصوصی جایم دهند و گذاشته (برطسان) برای خدمتگذاریم مأمور نمود و هر یک از اسرای مسلمانان را که مایل بودم بدان منزل که بودم انتقال دادند سپس پادشاه روم در صدد گرفتن فدیّه و رهائی من برآمد اما این قضیه را تنگ دانسته از پیشدستی در استخلاص خود و واگذاردن سایر اسرای اسلام امتناع نمود

ابو عبدالله حسین بن خالویه دیوان ابو فراس را بترتیب حروف تہجی مرتب و جمع آوری نموده است بعلاوه شرح مفصّلی متناسب با مقاصد ابو فراس از خود

او وسایر معاصرین در آن کتاب نقل و درج کرده است اوّل کتاب مزبور چنین شروع میشود . الحمد لله الموفق للادّاب الملهم بالصواب و آخر کتاب بعبارات ذیل خاتمه میابد . اوصيك بالصبر الجميل فاتنه خير الوصيه سيد محمد معروف باعير الحاج قصيده ميميه ابو فراس شرح نموده و در سال ۱۲۹۱ در تهران طبع شده است

قتل ابو فراس

ابن اثیر مینویسد : در ماه ربیع الآخر ۳۵۷ ابو فراس بن ابی العلاء سعید بن حمدان کشته شد و علت قتل وی این بود که میان ابی المعالی بن سیف الدوله بن حمدان و ابو فراس مناقشه واقع شد ابو المعالی وی را احضار کرد ابو فراس اجابت او را نموده بطرف (صدد) که قریه از توابع حمص میباشد متوجه گردید ابو المعالی اعراب بنی کلاب و سایر قبایل را بسر کردگی قرعوبه در طلب و تعاقب ابو فراس فرستاد قرعوبه ابو فراس را در (صدد) دستگیر نمود و بیارانش امان داد سپس غلام خود را فرمان داد تا ابو فراس را بقتل رسانید جسدش را در بیابان افکنده سایر اعراب ویرا دفن نمودند و سرش را بنزد ابو المعالی بردند با آنکه ابو فراس دائی ابو المعالی میباشد چه نیکو گفته اند که (الملک عقیم) ابن خلکان نقل میکند که مولد ابو فراس در سنه ۳۲۰ یا ۳۲۱ بوده است (۱)

۲ - ابو العلاء سعید بن حمدان

Abul-Ala

امیر شاعر از ملازمان مقتدر خلیفه عباسی بوده و نزد وی اهمیت بسیار داشت همینکه اهالی بر مقتدر شوریده بخانه وی هجوم آوردند ابن یاقوت حاجب و وحجریه فراری شدند در آن موقع ابو العلاء بدون هیچگونه استعدادی در منزل خلیفه بود خلیفه قشون معتضد را باعده از غلامان همراه ابو العلاء نموده ویرا امر دفاع داد مهاجمین بابو العلاء حمله نموده او را مجروح کردند اما او در مقابل یافشاری نموده شورشیان را فراری ساخت

(۱) شرح دیوان ابی فراس تالیف بن خالویه خطی و ۱۰ ج ۲ فوات الوفيات و ۱۲۸ ج ۲ ابن خلکان

ابو العلاء در منزل ابن مقله وزیر با سپاهیان و سرکردگان قشون خلیفه نیز وقایعی داشته است که پس از آن در مقابل خدمات شایان خویش از طرف خلیفه بحکومت نواحی دجله تا سامیه و امارت راه خراسان تعیین گردیده موقعی دیگر ابو العلاء با سایر حاج عازم بیت الله بوده و بنی سلیم بقافله حاج حمله کردند ابو العلاء مهاجمین را مغلوب و مقتول نمود و شرح واقعه را برای برادر خویش نصر ابو السرا یا که مانند ابو العلاء از شعراء آل حمدان بوده است مفصلاً نگاشت

ابن خالویه مینویسد ابو العلاء در سال ۳۱۹ هجری به جهاد بار و میات شتافت و بداخله بلاد آنها رفته نفوس بسیاری را اسیر گرفت مآثر ابی العلاء از شمارش افزون است مبلغ ششصد هزار دینار ضمانت قبیله بنی مزید را نموده سپس آنان را فرمان فرار داد و پس از فرار از تقصیر آنها در گذشت ...

قتل ابو العلاء

ابن اثیر در کامل التواریخ مینویسد از جمله حوادث سال ۳۲۳ هجری آنکه ناصرالدوله ابو محمد حسن بن عبدالله بن حمدان عموی خود ابو العلاء بن حمدان را بقتل رسانید و علت قتل وی آن بود که ابو العلاء محرمانه از طرف خلیفه بحکومت موصل و دیار ربیع تعیین گردید و بعنوان مطالبه اموال خلیفه از برادر زاده خود ناصرالدوله بدان سمت متوجه گردید ناصرالدوله والی موصل پس از اطلاع از عزیمت ابو العلاء و رسیدن وی در اطراف موصل از راه غیر معمولی بملاقات وی بیرون شتافت ابو العلاء بمنزل برادر زاده در موصل وارد شده و از حال او جويا شد گفته برای ملاقات تو از شهر خارج شده است ابو العلاء بانتظار برادر زاده نشست ولی ناصرالدوله عده از غلامان و کسان خویش را فرستاده ابو العلاء را دستگیر و مقتول نمودند الرّاضی بالله خلیفه عباسی پس از اطلاع بر قضیه خشمگین گشته ابن مقله وزیر را با عده قشون بمبارزه ناصرالدوله فرستاد همینکه سپاهیان خلیفه نزدیک موصل رسیدند ناصرالدوله از شهر خارج شده بسمت زوزان رفت ابن مقله ویرا تعقیب نموده بموصل باز گشت و مدتی در آنجا اقامت کرد سپس به بغداد مراجعت نمود علی بن خلف

بن طیب و ما کرد مبارزه کرد ولی بزودی شکست خورده فرار کرد و مجدداً برگشته در نصیبین باما کرد بر خورد و با وی مصاف داد ما کرد شکست خورده فرار کرد ناصرالدوله بر موصل استیلاء یافت خلیفه نیز از تقصیرات وی در گذشت (۱)

۳ و ۴ - ابوالسرایا نصر بن حمدان و ابو عبدالله حسین بن سعید بن حمدان

Abos-Saruya

باتفاق یکدیگر در موصل و دیار ربیعہ حکومت داشتند در همان اوقات کار ابو یوسف شاری اهمیت یافت مشایخ محلی مصلحت در آن دیدند که مبالغی بابو یوسف تأدیه نموده شر ویرا رفع کنند ابو عبدالله از این پیشنهاد غضبناک شده عمومی خود را بمبارزه و جدال ابو یوسف ترغیب کرد سپس متفقاً بسمت شاری حرکت کردند ابو یوسف از بسیاری عده خویش مغرور شده بود و اظهار میداشت

دَعْنِي مِنَ الْبُحْمِ وَهَاتِ الْجِلَّةَ
أَبَا السَّرَايَا وَأَبَا عَبْدِ اللَّهِ

پس از زدو خورد و سختی ابو یوسف مغلوب و دستگیر شد در هنگام مبارزه ابوالسرایا بمواظبت قشون اهتمام داشت و ابا عبدالله در میدان جنگ مبارزه مینمود

بهر حال ابوالسرایا از تمام برادران خشروتر شجاع تر و ادیب تر بوده است و هیچگاه از تحت حمایت برادر خود ابوالیهجاء خارج نگردید ابن اثیر راجع بوقایع سال ۳۱۸ مطالبی ذکر نموده که خلاصه آنرا ذیلاً مینگاریم : در این سال صالح بن محمود خارجی از سنجار به شجاریه که از توابع موصل است وارد شده و بسمت الحدیثه شتافت و مراسلاتی به اهل موصل نگاشته آنرا تمدید کرد سپس به سلامیه رفت نصر بن حمدان بمقابله وی حرکت کرد صالح از سلامیه به البوازیج عازم شد و در آنجا بایکدیگر زدو خورد نمودند نصر بر صالح ظفر یافت و ویرا با دو پسرش اسیر کرده بموصل برد و از آنجا به بغداد روانه کرد اهالی الحدیثه نیز قبلاً پسر دیگر صالح موسوم به محمد را اسیر نمودند و

(۱) شرح ابن خالویه بر دیوان ابی فراس خطی است و کامل ابن اثیر

نصر بن حمدان والی موصل محمد بن صالح را از آنها گرفت (۱)

۵ - ابوالولید سلیمان بن حمدان الحرون

Abol-Valid

ابن خالویه مینویسد ابوالولید شیخ بنی حمدان بوده است و بمناسبت شجاعت فوق العاده ویرا حرون لقب داده بودند شاعر در باره وی گفته است

قَسَمَ الْمَكَارِمَ رَبُّهَا بَيْنَ الْمُزَقِّنِ وَالْحُرُونِ (۲)

۶ - حسین بن حمدان (۳)

Hossein

بلاد فارس را فتح نمود سبکری را کشته و قتال را اسیر کرد اهالی فارس ۳۰۰ هزار دینار تقدیم وی نمودند که در آنجا اقامت نماید حسین امتناع نموده بموصل و دیار ربیعہ باز گشت ابو عبدالله حسین بن خالویه مینویسد که از بسیاری مردمان موثق شنیدم در خزاین حسین بن حمدان بیست طوق است که هر طوقی علامت یکی از فتوحات وی در مشرق و مغرب بوده است گویند سه مرتبه با شیر رو برو شده آن حیوان را مقتول نمود و یکمرتبه آن در حضور المعتضد خلیفه عباسی بوده است در این موقع حسین شیر را کشته شمشیرش را با پوست آن حیوان پاک نموده و در غلاف کرد و بدون هیچگونه توجهی به خلیفه یا سایرین سوار اسب خویش گشته از میان مردم بیرون آمد در ایام حسین بن حمدان صاحب الشامه در شام خروج نموده و طایفه مهیمه از قبایل بنی کلاب با وی همدست شدند المکتفی در الرقبه توقیف نموده و عده بجلوگیری صاحب الشامه فرستاد حسین بن حمدان ویرا در السموه متعاقب نموده و بارانش را بقتل رسانید صاحب الشامه منفرداً از راه فرات متواری و فراری گشت حسین به هدایت و راه نمائی جلهمه کلبی در السموه به تعاقب صاحب الشامه حرکت کرد جلهمه از تعصب و حمیت بر طایفه خویش (بنی کلاب) حسین راجی را همه از بیابان بی آب و علنی حرکت داد حسین قضیه را درک نموده جلهمه را گردن زد ولی

(۱) و (۲) شرح ابن خالویه بر دیوان ابی فراس (۳) اگر چه یبستی در ضمن امرای بنی عباس درج شود ولی بمناسبت شرح حالات خاندان بنی حمدان در اینجا ذکر نمودیم

بسیاری از همراهان حسین از بی آبی هلاک شدند

در ایام المعتضد هرون الشاری شورش نموده و کارش را بالا گرفت بدر وزیر المعتضد عباسی خلیفه را با عزام حسین بن حمدان اشارت نمود خلیفه حسین و موش گیر را بدفاع و مبارزه هرون فرستاد حسین بر موش گیر تقدم جسته هرون را اسیر و دستگیر ساخته به نزد خلیفه اعزام داشت و یاران و برادرانش را بقتل رسانید از طرف دیگر موش گیر چون وارد موصل شده حسین را نیافت فوراً مراسله به خلیفه نگاشته حسین را به پیشدستی و سازش با هرون متهم کرد خلیفه از این مطلب در غضب شده بکشتن حمدان بن حمدون پدر حسین فرمان داد ولی پدر ویرا از این حرکت باز داشت اتفاقاً پس از چند روزی حسین بطوریکه سابقاً ذکر شد هرون را دستگیر نموده وارد بغداد شد المعتضد از مقدم حسین مسرور شده ابن اثیر در کامل التواریخ ضمن حوادث سال ۳۰۳ چنین مینویسد: در این سال حسین بن حمدان در الجزیره برالمقتدر عباسی یاغی شد علی بن عیسی وزیر خلیفه رائق کبیر را بمبارزه حسین فرستاد حسین با ۲۰ هزار نفر سوار بارائق بر خورده ویرا در اطراف دجله محاصره کرد و کار را بروی دشوار نمود وزیر خلیفه به مونس که آن موقع در شام بود نامه نگاشت و او را بجلوگیری از حسین مأمور نمود مونس بسمت الجزیره حرکت کرد حسین از عزیمت مونس اندیشیده و بسمت دیار ربیع حرکت کرد مونس نیز به تعاقب حسین شتافت در مقابل جزیره ابن عمر اوراق کرد حسین با اولاد و اطفال خویش بسمت ارمنستان فرار کرد سپاهیان مونس ویرا تعقیب کردند تا آنکه در تپه فافان به حسین ملحق شدند حسین اهالی فافان را کشته و آنجا را سوزانید سپاهیان مونس در تعقیب او کوشش کردند تا آنکه جمیع همراهانش فراری شده و بالاخره خودش با تمام خانواده و پسرش عبدالوهاب اسیر شدند مونس آنها را با خود به بغداد آورد در بغداد حسین و پسرش را بر شتر سوار نموده کلاه بلند و لباس موئی قرمز بپوشانیدند و نزد زبدان القهرمانه حبس کردند سپس المقتدر ابی الهیجاء بن حمدان و سایر برادران او را دستگیر نموده محبوس نمودند در آن موقع بعضی از فرزندان حسین فرار کرده بودند خلیفه عدّه به تعاقب آنها فرستاد و علی بن

حسین را کشته سرش را به بغداد فرستادند (۱)
Abou-Soleiman

۷ - ابو سلیمان داود بن حمدان المزرقن

ابو سلیمان با پدرش ابی الهیجاء در جنگ يوم العقبه حضور داشته است و چون در آن روز نیزه هارا مقابل می نمود و باو هیچ آری نمی کرد بدانجهت المزرقن لقب یافت گویند جای بدست و چهار زخم شمیر در يك دستش دیده میشد و عبدالله بن مزروع جیانی ضربتی به سینه ابو سلیمان در آن روز وارد آورد که نزدیک بود ویرا هلاک کند ابن خالویه مینویسد راجع به موقعیت ابو سلیمان و ابو الهیجاء در جنگ يوم العقبه از عدّه مشایخ عرب که حاضر در واقعه بودند سؤالاتی نمودم جواب دادند که او لروزمیدان کارزار بدست ابو سلیمان و در آخر روز بتوسط پدرش ابی الهیجاء اداره میشد گویند ابو سلیمان اسبی داشته که مانند خود او در مقابل تمام سختی ها از زخم و جراحات مقاومت میکرد المقتدر خلیفه عباسی آن اسب را خواسته بروی سوار شده و میگفت من مزرقن هستم یکی از شعراء در هجو پاره مردم اشعار ذیل را گفته که بمناسبت نام مزرقن در اینجا ذکر میکنم

لَوْ كُنْتُ فِي مِثْلِي أَلْفَ جَمِيعِهِمْ مِثْلَ الْمَزْرَقِ دَاوُدُ بْنُ حَمْدَانَ
وَتَحْتَكَّ لَرِيحُ تَسْفِي حَيْثُ تَأْمُرُهَا وَفِي يَمِينِكَ مَاضٍ غَيْرُ حَوَانٍ
لَكُنْتُ أَوَّلَ فَرَارٍ إِلَى عَدْنٍ إِذَا تَحَرَّكَ سَيْفٌ فِي حُرَّاسَانِ

۸ - ابو عبدالله حسین بن سعید بن حمدان

Abou-Abdullah

ابن خالویه مینویسد که عدل بن مهدی باعدّه بسیاری به نصیبین هجوم نمود و خزاین ناصرالدوله را که در آن محل بود متصرف شد ابو عبدالله با غلامان خویش به نصیبین عزیمت کرده عدل را اسیر نموده به بغداد نزد ناصرالدوله فرستاد و ناصرالدوله ویرا نا بینا کرد

ابن اثیر مینویسد که در سال ۳۳۱ حسین بن سعید بن حمدان بر عدل ظفر یافته او را نا بینا کرد و بمدائن اعزام داشت (۲)

(۱) و (۲) شرح ابن خالویه بر دیوان ابی فراس و کامل ابن اثیر

۹ - یحیی بن علی بن حمدان

Yah ya

علی بزرگترین فرزندان حمدان بوده است ولی در جوانی وفات نمود پسرش یحیی نزد عم خویش حسین بن حمدان احترام شایان داشت و حسین ویرا با خود برابر میدانست (۱)

۱۰ - ابوالیقظان عماره بن داود بن حمدان

Abol-Yaghzan

ابن خالویه مینویسد که ابوالیقظان بر تمام عرب از حیث سخاوت و شجاعت برتری داشت (۲)

ابو وایل برادر عماره از سواران نامی عرب بوده است و در حضور سیف الدوله با (ازراریس) پهلوان فارس در روز نوروز مبارزه نموده ویرا مغلوب نمود ابو وایل بحکم امیرالامراء بوده (۳)

۱۱ - ابوزهیر مهلهل بن نصر بن حمدان

Abou-Zoheir

از رجال نامی شجاع و شاعر بوده است شاری را در دیار ربیعہ اورا مغلوب و دستگیر نمود اشعار ابوزهیر بسیار تمکین و اغلب در مکاتبات با ابوفراس انشاء شده است (۴)

۱۲ امیر الامراء بن رائق بن حمدان امیر بصره و واسط

Emirel-Omera

ابن رائق اول کسی است که دو سال ۳۲۴ با امر الراضی بالله بامیر الامراء لقب یافت و بنام وی در منبرها خطبه خواندند ویرا سلطان بغداد و ملک بغداد نیز میگویند این لقب تا سنه ۴۹۴ در آل بویه موجود بود از آن پس بسلاجقه منتقل گردید و طغرل بیک سلجوقی اولین امیر سلجوقی بوده که بلقب امیرالامرائی ملقب شد آل بویه در ایام عظمت و اقتدارشان امیر الامراء را باختیار خود انتخاب مینمودند فقط انتخاب و تعیین لقب رئیس الرؤساء برای خلفاء باقی مانده بود (۵) (حالات ابن رائق مفصلاً در کتاب کامل ابن اثیر و غیره ذکر شده است)

(۱) - (۴) شرح دیوان ابی فراس تألیف ابن خالویه (۵) تاریخ تمدن اسلامی ص ۱۳۶ ج ۱

۱۳ - هبة الله بن ناصر الدولة بن حمدان

Hebatollah

ابن اثیر مینویسد در سال ۳۵۲ اهلای حرّان بر حاکم خود هبة الله بن ناصر الدولة شوریدند زیرا مشار الیه از طرف عموی خود سیف الدوله بر حرّان و سایر بلاد مصر حکومت داشت اما با اهلای بد رفتاری نموده و بر آنها تعدی و سخت گیری مینمود موقعی که هبة الله در حلب نزد سیف الدوله بود اهلای حرّان بر نواب وی شورش کرده و آنها را اخراج نمودند هبة الله از قضیه خبر دار گشته به حرّان آمد و مدت دو ماه با آنها زد و خورد کرده عدّه بسیاری کشته شدند سیف الدوله وخامت اوضاع را متذکر شد و به حرّان آمده بوسیله مکاتبه اهلای را آرام نموده با آنها صلح کرد اهلای در های شهر را گشودند و هبة الله وارد حرّان شد عدّه از سر کردگان انقلاب از اسم هبة الله فرار کردند ابن اثیر نیز مطالبی راجع به هبة الله مینویسد که ما خلاصه آنرا ذیلأ مینگاریم سیف الدوله چندی بیمار شد هبة الله بگمان اینکه عموی او خواهد مرد ابن رنجای نصرانی را که از ملازمان خواص سیف الدوله بود بقتل رسانید زیرا ابن رنجاری متعرض غلام هبة الله گردیده بود و این مطلب بر هبة الله گران میآمد اتفاقاً سیف الدوله بهبودی یافت هبة الله از ترس عمرو به حرّان فرار نمود و خبر مرگ سیف الدوله را منتشر کرد اهلای با هبة الله متحد شده برای سلطنت وی قسم خوردند سیف الدوله غلام خود نجّا در تعقیب هبة الله فرستاد هبة الله بموصل نزد پدرش ناصر الدوله فرار کرد نجّا وارد حرّان شده اهلای آنجا را به يك مليون درهم مصادره و جرمه نمود (۱)

۱۴ - امیر بدرالدین ابوالمحاسن یوسف بن سیف الدوله

Yousef

بن زماح بن برکه بن ثمامة ثعلبی حمدانی مهندار که در اواخر قرن هفتم هجری وفات نموده از ادبای عصر خویش بوده و در فهرست کتابخانه خدیوی مصر کتاب ازالة الالتباس في الفرق بين الاشتقاق والجناس که خاتمه آن رساله در بعض

(۱) شرح دیوان ابی فراس تألیف ابن خالویه و کامل ابن اثیر

بلاغت قرآن مجید قرار گذاشته است نسبت بایشان داده شده است (۱)

۲ - امراء کاکویه زادگان سلاطین دیلمه در ایران

مقدمه

دولت دیلمه آل بویه در سنه ۳۲۵ تأسیس شده و در سنه ۴۴۷ منقرض گشته بصفحه ۵ - ۱۲ از جلد چهارم این کتاب که بطبع رسیده ملاحظه شود - شرح حالات و زرای آنان در فصل دوم این جزء نیز ذکر نمودیم ولی از حالات امرای برجسته این دولت چیزی در دست نیامده است جزو حالات امرای کاکویه که دانی زادگان آنها بوده اند و حکیم دانشمند ابی علی احمد بن محمد معروف باین مسکویه مؤلف کتاب الفوز الاکبر والفوز الاصغر و کتاب طهارت الاعراق که خازن عضدالدوله دیلمی بوده است و نظر باینکه ایشان مظنون التشیع و التسنن بوده است لذا شرح حالات وی در فصل خود از کتاب مزبور کاملاً ذکر نمودیم و حالات امرای کاکویه مختصراً در اینجا مینگاریم

دیلمه دانی را کاکویه گویند نخستین امیری که از این خاندان امارت و اشتیاء تام یافت ابوجعفر محمد حسام الدوله دانی زاده مجد الدوله بن فخر الدوله دیلمی نسب این سلسله به پادشاهان دیلمه منتهی شده و از ملحقات آن سلسله محسوب میشوند مؤلف جهان آرای فارسی و سایر مورخین شرح حال آنان را ذکر نموده اند

۱ - ابو جعفر محمد حسام الدوله

Abou Djafar

در سال ۳۹۸ نزد مادر مجد الدوله آمده و از طرف مشار الیها بمحکومت اصفهان تعیین گردید و در سال ۴۱۴ بمحکومت همدان نایل شد از مردمان دانشمند برتر عصر خویش بوده است دختر سلطان مسعود غزنوی را تزویج کرد و با علاء الدوله زرد و خورد نموده و فاش در سنه ۴۳۳ واقع شد (۲)

۲ - ظهیر الدین ابو منصور فرامرز بن حسام الدوله

Zahired-Din

بعد از وفات پدر بامارت رسید برادرش گرشاسب نهادند و توابع آن ناحیه را متصرف شد ظهیر الدین گاهی به سلاجقه و گاهی بابی کالیجار والی شیراز ملتجی گشت بالاخره ابوکالیجار در اصفهان مابین دو برادر اصلاح نمود (۳)

۳ - ابوکالیجار گرشاسب بن علاء الدوله بن کاکویه

Abou Kalijar

در زمان پدر حکومت همدان و توابع با وی بود همینکه سلاجقه در سنه ۴۳۷

(۱) فهرس کتابخانه خدیوی مصر (۲) و (۳) جهان ارا

بلده مزبور را متصرف شدند ابوکالیجار نزد فلاستون حاکم شیراز رفت و از طرف او بمحکومت اهواز تعیین شد در سال ۴۳۶ همدان را مسخر نموده عمال طغرل را اخراج کرد و بنام خویش خطبه خواند و فاش در ۴۴۳ هجری واقع شد (۱)

۴ - علاء الدوله بن فرامرز بن علاء الدوله

Alaed-Dowleh

بعد از پدر حکومت یزد و توابع با وی بود در موقع جنگ بر کیارق بامادرش (علاء الدوله) کشته شد (۲)

۵ - فرامرز بن علی

Feramérz

مادرش ارسلان خاتون دختر جعفر بیگ عمه سلطان ملکشاه سلجوقی است مشار الیها از زنان دانشمند با معلومات بوده پسرش فرامرز ابتداء در تحت نظر القائم خلیفه عباسی میزیست نزد سلاطین سلاجقه مخصوصاً سلطان سنجر تقرب مخصوص داشت در موقع جنگ سلطان مزبور با قراخطای بتاریخ ۵۳۶ کشته شد حصار اطراف شهر مشهد رضوی از آثار فرامرز است و در سال ۵۱۵ بانمام رسید از فرامرز دو دختر باقی ماند که بیاداش خدمات پدر از طرف سلطان سنجر بمحکومت یزد رسیدند بهر حال امراء و حکام خاندان کاکویه فراوان و در تاریخ جهان آراء شرح حال آنان مفصلاً مذکور است بدانجا مراجعه شود (۳) ...

۳ - امرای ایلخانی آل جلایر در عراق عرب و ایران

پادشاهان آل جلایر از ۷۲۶ تا ۸۱۳ حکومت نموده اند بصفحه ۴۳ از مجله ملوک امامیه مراجعه شود

امیر حسین بیگ بن علی الجلایر

Emir I. ossein

از امرای شجاع مشهور دوره شاه بابر بهادر بوده است از شعر و ادبیات بهره کافی داشت غازی سمرقندی در اواخر تذکره خویش شرح حال وی را ذکر نموده و قسمتی از اشعار آن را درج مینماید و این بیت از اوست
زباغ حسن مگر سرو قامتی برخاست که در میانه مردم قیامتی برخاست (۴)

(۱) - (۳) جهان آراء (۴) تذکره سمرقندی

۲ - امیر شیخ حسن الصغیر

Emir Sheikh Hassan

بن امیر تیمور تاش بن امیر چویان امیرالامراء

از امراء دوره سلطان محمد خدا بنده است در اوایل سلطنت وی حکومت ارزنة الروم را عهده دار بود سپس به شیخ حسن کبیر والی خاندان ایلخانیه خروج نموده بر آذر بایجان دست یافت شیخ حسن کبیر در آن موقع در بغداد میزیست و همانجا اسباب چینی نموده شیخ حسن صغیر را بقتل رسانید ۷۴۴ (۱)

۳ - ملک اشرف بن تیمور تاش

Melek Ashraf

بعد از برادر بامارت نایل شد جانی بیک خان از اولاد جوجی خان از راه دربند بر وی خروج کرد و در سال ۷۷۹ وارد تبریز شده ملک اشرف را مقتول و اموالش را به یغما برد (۲)

۴ - یوسف شاه

Yousef Shah

بن سلطان احمد بن سلطان اوئیس بن شیخ حسن کبیر مدتی از طرف پدر در بغداد امارت داشت (۳)

۵ - سلطان اوئیس

Sultan Oveiss

بن شاه ولد بن شیخ علی بن سلطان اوئیس در شوشتر و بصره و واسطه امارت داشت (۴)

۶ - سلطان محمود بن

Sultan Mahmood

شاه ولد بن شیخعلی در بصره و شوشتر و واسطه حکومت داشته است و مدتی در نجف و کربلاء و حله نیز امارت مینمود (۵)

(۱) - (۵) تذکره سمرقندی

۴ - امراء سربداریه در خراسان و جوین و اسفراین و غیرها

سربداریه از ۷۳۶ تا ۸۸۴ در آن نواحی حکومت داشته اند حالات و تاریخ آنان از سفر نامه بن بطوطه و تذکره سمرقندی در صفحه ۴۹ - ۵۲ از مجلد ملوک امامیه ذکر شده است

۱ - الامیر شاهی اقلک بن ملک جمال الدین

Ghamlek

الفیروز کوهی سبزواری خواهر زاده خواجه علی مؤید است که مشار الیه آخرین پادشاه خاندان سربداریه است امیر شاهی در سبزواری تولد و نشو و نمو نمود وفاتش در استرآباد در سن ۷۰ سالگی بتاریخ ۸۵۷ واقع شد جسدش را بسبزواری حمل نموده و در خانقاه پدران امیر شاهی دفن کردند امیر شاهی از فضلاء و دانشمندان معاصر خویش بوده در نقاشی و موسیقی مهارت کامل داشت شعر نیکو میگفت خطش بسیار زیبا بود حسن محاضره و مصاحبه وی شهرت دارد

همینکه سلطنت سربداریه منقرض گشت امیر شاهی در عهد میرزا شاهرخ گورکانی بملازمت بایسنغر اشتغال یافت و از طرف بایسنغر بامارت پاره از مستملکات سربداریه تعیین گشت و مورد نوازش واقع شد ولی امیر شاهی از امارت و حکومت کناره گیری نموده به تحصیل علم و ادب پرداخت و مجلس علمی آراسته بمصاحبت دانشمندان اشتغال یافت دیوان شعر امیر شاهی موجود و غزلیاتش در نهایت لطافت است

روزی در مجلس یکی از سلاطین وارد شده مورد بی احترامی واقع گردیده ویرا در صف نعال جای دادند امیر شاهی ایستاد ذیل را بدان مناسبت انشاد نموده است.

شاهها مدار چرخ فلک در هزار سال
چون من چگنه نماید بصد هنر
گر زیر دست هر کس و نا کس نشانیم
اینجا لطیفه ایست بدانم من این قدر
بحریت مجلس تو در بحر بی خلاف
لؤلؤ بزیر ماند و خاشاک بر زیر
سمرقندی قسمتی از اشعار امیر شاهی را در تذکره خویش ذکر نموده است (۱)

(۱) تذکره سمرقندی طبع لیدن و تذکره هفت اقلیم خطی

۵ - امراء دوره صفویه - از خاندان صفویه و غیره

۱ - بهرام میرزا پسر شاه اسمعیل

Bahram Mirza

که از جمله ادباء و دانشمندان عصر خویش بوده در سال ۹۵۶ وفات نموده
آذر بیگدلی در آتشکده نام او را برده و گفته که بجزو قلم و انشاد شعر
معروف بوده (۱)

۲ - ابراهیم میرزا بن بهرام میرزا بن شاه اسمعیل صفوی

Ebrahim Mirza

در مشهد و توابع آن شهر حکومت داشت از شاهزادگان دانشمند بشمار میرود
در شعر بجاهی تخلص مینموده از علم فقه و اصول و حدیث و تاریخ و انساب بهره
وافی داشت بازی شطرنج میدانست رنگرزی نقاشی مذهب کاری صحافی نیکو
میدانست در نواختن عود استاد بود در سن ۴۴ سالگی بامر پدر کشته شد
جنازه اش را از قزوین بمشهد حمل نموده درین راه حرم دفن کردند (۲)

۳ - الفاس میرزا پسر شاه اسمعیل صفوی

Alghass Mirza

در زمان پادشاهی برادر خود شاه طهماسب بادولت عثمانی و برعلیه او قیام نمود
در سال ۹۴۰ در مشهد وفات نمود شعر نیکو میگفت (۳)

۴ - سام میرزا پسر شاه اسمعیل صفوی

Sam Mirza

از پیشوایان ادباء عصر خویش بوده بسامی تخلص مینموده از آثار وی کتاب
تحفة السامی در حالات شعرای عصر خود تألیف کرده است ۶

خواجه محمد شریف هجری

Mohamed Sherif

ادیب و شاعر بوده است ابتداء در خدمت سلطان محمد خان و پسرش غرق
(۱) آتشکده ۱۴ طبع بمبای (۲) مطلع الشمس در تاریخ ارض اقدس ج ۲ و آتشکده ۱۵
(۳) و (۴) آتشکده ۱۸

خان . میزیست بالاخره بخدمت شاه طهماسب پیوست و از طرف وی بحکومت
بزد و ابرقوه تعیین شد شرح حال او در تذکره هفت اقلیم مذکور گردیده
و قسمتی از اشعارش نیز مندرج است از آنجمله

من آنستکه که نقصان نپذیرد هرگز مهر آنستکه یکذره تنزل نکند
خواجه غیاث الدین محمد و خواجه محمد هر دو پسران خواجه محمد شریف از ادبای
نامی دوره صفویه بودند و همچنین برادرش خواجه احمد از شعراء و ادبا مهم
محسوب میگردد امین احمد رازی صاحب کتاب هفت اقلیم فرزند خواجه احمد در
کتاب هفت اقلیم ضمن حالات شعراء و ادباء شرح حال آنها را نیز ذکر نموده است
مسیب خان بن محمد خان شرف الدین اوغلی (۱)

Mossayeb-Khan

از اعظم امراء در علم موسیقی و نظم اشعار بهره کامل داشت رضا قلیخان
در ذیل کتاب روضة الصفا شرح حال ویرا ضمن معاصرین صفویه ذکر نموده است (۲)

اسکندر بیگ مؤلف کتاب عالم آراء

Eskander Beik

از نویسندگان و ملازمین شاه عباس کبیر صفوی بوده و پیوسته در سفر و حضر
با شاه عباس مصاحبت داشت متأسفانه شرح حال مشارالیه در هیچیک از کتب
موجوده دیده نشد و فقط بذکر آثار قلمی وی میپردازیم

۱ - تاریخ عالم آرا در حالات سلاطین صفوی تا زمان شاه عباس کبیر در سنه
۱۳۱۴ این نسخه در طهران بطبع رسیده است نسخه خطی نفیس از این
کتاب در کتابخانه سلطنتی تهران دیده شد و نسخه دیگر در کتابخانه حالت
افندی در اسلامبول موجود میباشد

از عالم آرا یازده رساله کوچک فارسی باقیمانده که نزد سردار حیدر علیخان
کابلی مقیم کرمانشاه دیده شد شرح آن بقرار ذیل است

۱ - مرآت المذاهب در اثبات حقیقت ائمه ابتدای کتاب: « صنوف حمد مبری

از مذاهب آنها عندلیب حمد و ثنا لائق شاخسار زبان هست ... »

(۱) و (۲) تذکره هفت اقلیم و تته روضة الصفا تألیف هدایت

۲ - مرآة الکرامه در کرامت اولیاء شرحی راجع بمشایخ صوفیه نیز در آن کتاب مندرج است اول آن : بعد الحمد لله

۳ - هشت بهشت در مطالب عرفانی

۴ - مسائل سبعة اول آن : لائلی حمد عالی و جواهر صلوات متعالی

۵ - مرآة التقی در تجوید و پاره حکایات اخلاقی اول آن : حمدی که شیرازه مجموعه مخلوقات منوط

۶ - مرآة الحقیقه در شرح اصطلاحات عرفاء از خط و خال و شقیقه و غیره اول آن : حمدیکه نکات آیات آن در متون صحف الواح نکنجد ...

۷ - رساله در علم عروض و قافیه اول آن : حمدی که عروض آن از حدود و جواهر و اعراض و اوزان و کمیات ...

۸ - منتخب اخلاق ناصری تألیف خواجه طوسی اول آن : اما بعد بر ارباب بصائر پوشیده نماند

۹ - منتخب روضة الشهداء اول آن (ای لطف و عطای تو بنای هستی وی حمد و ثنای تو بقای هستی)

۱۰ - مرآة الارواح اول آن : حمد زائد از قوائد عقاعد و صاعد از جرائد قواعد ...

۶۱ - شرح کلام دقوقی که ملای رومی در مثنوی بآن اشاره کرده است اول آن : الحمد لله والصلوة علی نبیّه اما بعد توضیح کلام دقوقی رحمه الله که مولوی معنوی ...

۱ - موالی آل مشعشع امرای صفویه در اهواز و حویزه

از سنه ۸۱۴ تا ۱۰۲۵ طایفه بنام آل مشعشع از سادات عرب در اهواز و حویزه و غالب نقاط خوزستان مستقلاً حکومت داشته سپس استقلال آنها از بین رفته از طرف پادشاهان صفویه در آن نواحی امارت نمودند اولین پادشاه این سلسله فلاح بن محمد در سنه ۸۵۴ وفات نمود فلاح و پسرانش مشهور بموالی از غلاة شیعه و در تردستی و یرنگ اشتباه داشته اند افندی در ریاض العلماء مینویسد آل مشعشع از غلاة شیعه بودند و شمشیر را میخوردند در عصر حاضر یکی از آن خاندان بخدمت پادشاه آمده در حضور شاه و عدّه دیگر شمشیری را شکسته و خورد اینطایفه را بواسطه انتساب بجدشان آل مشعشع میگویند .

ضمن صفحه ۵۸ - ۶۰ از کتاب سلاطین شیعه منطبعة طهران شرحی راجع بآل مشعشع و سلاطین آنان ذکر شد مطالب مذکوره در آن کتاب از تحفة الازهار و زلال الانهار تألیف ضامن بن شدم و کتاب رض العلماء افندی و کتب بسیار دیگری نقل شده است که نسبشان بعد الله عوکلانی فرزند امام موسی کاظم منتهی میشود فلاح بن محمد فقط در حویزه حکومت مینمود

و در سنه ۸۵۴ درگذشت بعد از او فرزندش محمد بن فلاح ملقب به مهدی بر اهواز و سواحل فرات تا حله استیلاء یافت محمد بن فلاح از غلاة شیعه بوده مخصوصاً به نجف مسافرت کرده اطراف ضریح مرقد مطهر را سوزانید و اظهار میداشت حضرت امیر خدا بوده و خدا نمیرد بهر حال محمد بن فلاح در علوم غریبه اشتباه داشته و از شاگردان احمد بن فهد حلی است پس از مرگ محمد پسرش محسن بن محمد بن فلاح حکومت نمود و شهر محنتیه را بنا نهاده و در آن توطن کرد سید بن مهناک کتاب عمده الطالب در انساب ابناء علی بن ابیطالب را برای وی تألیف کرد پس از محسن دو پسرش علی و ایوب حکومت نمودند و بعد از آنان عبد المطلب بن حیدر بن محسن بن مهدی بن فلاح بکومت رسید سید علی خان بن خلف بن عبد المطلب مجموعه از منتخبات خود تألیف نموده بخدمت شیخ علی سبط شهید ثانی ایفاد داشت مؤلف مذکور در آن مجموعه مینویسد عبد المطلب اولین حکمرانی بوده که از آخانواده اظهار تشیع کرد (بصفحه ۵۹ شرح حال سلاطین شیعه مراجعه شود) بهر حال عبد المطلب مساجد و مدارس چندی بنا کرد امراء و ادباء از اطراف بخدمتش شتافته کمال الدین حسن بن محمد استرآبادی نجفی کتاب شرح حال خواجه طوسی را بنام وی تألیف کرده است - پس از مرگ عبد المطلب پسرش مبارک حکومت نمود بررامهرمز و دزفول و بنادر دست یافت بسیاری از امراء و اشراف جزیره را بقتل رسانید و در سال ۱۰۰۴ شیخ عبداللطیف جامعی عاملی را و عدّه از علماء و اهل تقوی را دعوت کرد تا باهالی اصول مذهب شیعه را تعلیم دهند - اسکندر یک در عالم آراء مینویسد بلاد دورق در ایام شاه طهماسب تحت نظر امراء قزلباش حکام کیلویه اداره میشد پس از مرگ شاه طهماسب سید مبارک دورق را جزء قلمرو خود نمود و همینه قسم در دست موالی اداره میشد تا در سال ۱۰۲۹ سید راشد کشته شده سید سلامه بران نواحی استیلاء یافت ولی امام قلیخان بعد از زد و خورد بسیاری دورق را از تصرف سید سلامه خارج نمود سید مبارک در سنه ۱۰۲۵ درگذشته و حکومت آل مشعشع بدست سلاطین صفویه خاتمه یافت ولی اولاد آنان از طرف حکومت داشتند - تا آنکه در سنه ۱۳۰۰ حکومت آل مشعشعی به بنی کعب منتقل یافته و آنان از طرف حکومت مرکزی ایران در آن نواحی فرمانروائی داشتند آخرین حاکم بنی کعب در عصر حاضر خائن وطن و دین خزعبلت نظر به تغلف از اوامر دولت دستگیر شده و فعلاً در طهران مجبوس است و باین ترتیب فرمانروائی بنی کعب نیز خاتمه یافت

۱ - مولی خلف بن مطلب بن حیدر بن محسن

Movla Khalaf

امیر عالم بزرگواری بوده و تا اندازه تمایل بمتصوفه داشته است فرزندش سید علیخان در مجموعه منتخبی شرح حال پدر را ذکر کرده و تقدیم شیخ علی سبط شهید ثانی نموده است و افندی نیز در ریاض العلماء قسمتی از حالات مولی خلف را متعرض گشته و بطور خلاصه افندی و سید علی خان پس از آنکه قدری مولی خلف را بصلاح و فضیلت ستوده اند اظهار میدارند همینکه برادر بر وی غلبه نمود و چشمانش را نا بینا ساخت مومی الیه به جمع آوری آثار علمی و ادبی و مادی پرداخت

مؤلفات مولی خلف قبل از نابینائی

۱ - کتاب حق الیقین فی علم السلوک والطریقہ مجموعه ایست که مأخذ آن احادیث ائمه اطهار میباشد مشتمل بر پانزده هزار بیت تقریباً از ترهات متصوفه راجع به حلول و خلق و غیره نسخه خطی آن کتاب که در زمان حیات مؤلف بتاریخ ۱۰۸۰ بخط عبد الله بن ناصر خاتمه یافته در کتابخانه آل السید عیسی العطار در بغداد موجود است و بر طبق مندرجات پشت کتاب سید شبر بن محمد بن ثنویان در سنه ۱۱۵۵ کتاب مزبور را مالک بوده است و ابتدای آن چنین شروع میشود الحمد لله رب العالمین نور الانوار الغامر سبحانه وجوده.....

۲ - کتاب الحق المبین مشتمل بر هشت هزار بیت در معرفت علم منطق و کلام دارای چند مقدمه است

۳ - سبیل الرشاد در صرف و نحو و اصول و فروع مشتمل بر شش هزار بیت

۴ - سبیل الرشاد در شرح زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه کتاب مزبور مشتمل برده هزار بیت و بنا بخواهش میرزا محمد استرآبادی در مکه تالیف شده است

۵ - النهج القویم فی کلام امراء المؤمنین این کتاب مشتمل بر قسمتی از بیانات امیر (ع) میباشد که در نهج البلاغه جمع آوری نشده است (ناقص)

۶ - البلاغ المبین مشتمل بر احادیث قدسی منزله برانیا (ع) و حکم و مواظب و کلمات ائمه اثناعشر و پاره از امثال و غیره

(مؤلفات مولی خلف پس از نابینائی که بمساعدت پسرش سید علیخان تالیف نموده است).

۱ - فخر الشیعه مشتمل بر هشت هزار بیت در فضایل و معجزات علی امیر المؤمنین

۲ - سیف الشریعه در مطاعن دشمنان علی مشتمل بر ۲۳ هزار بیت

۳ - الحجۃ البالغه در اثبات خلافت امیر المؤمنین از آیات قرآنی و آثار نبوی مطابق روایات اهل تسنن و تشیع مشتمل بر ۱۵ هزار بیت

۴ - برهان الشیعه در اثبات امامت علی (ع) به براهین عقلی و نقلی از طریق عامه و خاصه مشتمل بر چهل برهان و چهل مجلس تقریباً ۳۰ هزار بیت

۵ - سفینه النجاة در مناقب علی (ع) و ائمه اطهار مشتمل بر ۱۰ هزار بیت.

۶ المودّة فی القربی در فضایل فاطمه زهراء سلام الله علیها و ائمه دوازده گانه و تاریخ ولادت و وفات و ردّ بر سایر شیعه امامیه که قائل به تمام ائمه دوازده گانه نیستند مانند زیدیه و کیسانیه و واقفیه و غیره.....

۷ - خیر الکلام فی المنطق و الکلام مشتمل بر ۲۷ هزار بیت در کتاب مزبور نیز از ائمه اطهار و حضرت قائم آل محمد علیه السلام ذکر شده است

۸ - رسائل اتنا عشری در طهارت و صلوة

۹ - رساله دلیل النجاح در ادعیه

۱۰ - کتاب الدروع الواقیه در ادعیه

۱۱ - دیوان اشعار عربی و فارسی

فرزندش سید علیخان پاره از قری و قصبائیکه مولی خلف احداث کرده ضمن شرح حالات وی ذکر مینماید

افندی مینویسد قصبه خلف آباد که از قصبات معموره این دوره است ظاهراً از ابنیه مستحدثه مولی خلف میباشد

سید شهاب الدین در مرثیه مولی خلف قصیده گفته که مطلعش این است:

هُوَ الْمَرْءُ يُوَاحِرُ بِتَثْنِي حِرَابُهُ عَلَيْهِ وَفِي الْمِحْرَابِ يَعْرِفُهُ الدِّكْرُ (۱)

۲ - منصور بن المطلب بن حیدر بن محسن بن محمد بن

Manssoor

در سال ۱۰۳۲ ایام سلطنت شاه صفی بن شاه عباس ثانی بحکومت خوزستان منصوب گردید سپس وی معزول گشته برادرزاده اش محمد بن مبارک بجای او تعیین گشت و در سال ۱۰۴۴ بر برادرزاده اش استیلاء یافته ویرا نایبنا ساخت و تا سال ۱۰۵۵ حکمرانی نمود همانموقع عدّه از اعراب بروی شوریده و نزد شاه عباس ثانی از او شکایت کردند شاه عباس منصور را احضار و در شهر مشهد حبس نمود و تا آخر عمر محبوس بوده همانجا وفات کرد در اطراف حرم مطهر مدفون گردید برکت واسحق و طالب و ناصر و غالب و هاشم پسران منصورند که ضامن بن شدقم از ایشان نام برده است (۲)

(۱) مجموعه سید علیخان و ریاض العلماء افندی و تحفة الازهار ضامن که هر سه خطی است (۲) تحفة الازهار

۳ - برکة بن منصور بن عبدالمطلب

Berket

بنساختنخواهش اعراب و امر شاه عباس ثانی در سال ۱۰۵۵ پس از حبس پدر امارت یافته مدت شش سال حکومت نمود و بالاخره در مشهد محبوس ماند شعراء عرب در ایام حکومت برکت قصایدی در مدایح او سرانیده اند من جمله قصیده سید شهاب الدین احمد بن ناصر بن حویزی که مطلع وی این بیت است
لله در جمالیها من زائر رستم الحیال مثالها بتصوری (۱)

۴ - ناصر بن مبارك بن عبدالمطلب

Nasser

ضامن بن شدقم مینویسد مشار الیه امیر شجاع باساختنی بوده است پدرش ویرا بعنوان وثیقه نزد شاه عباس فرستاد ناصر مورد الطاف شاهانه واقع گردیده و بشرف مصاهرت شاه مفتخر شده بعد از وفات پدر هفت روز امارت نموده بدست راشد بن سالم مسموم شد بنا بقول صاحب کتاب عالم آراء حکومت عربستان پس از مرگ وی بدست راشد افتاد (۲)

خلاصه مقالات اسکندر بیك در کتاب عالم آراء راجع ببلاد

دورق و حکام آن نواحی از خاندان موالی

اسکندر بیك مینویسد که نواحی دورق تازمان شاه طهماسب تحت تصرف اسرای قزلباش حکام اطراف کیلویه بود و بعد از وفات شاه طهماسب مبارك بن عبدالمطلب بر آن نقاط دست یافته و ضمیمه حویزه نمود و تا موقع قتل سید راشد در تصرف وی بود سپس سید سلامه در آن بلاد استیلاء یافت ولی امام قلیخان بیگر بیگی فارس با سید سلامه مبارزه نموده بعد از زدو خورد بسیاری دست سلامه را کوتاه نمود و حکومت آن نواحی را به سید منصور برادر سید مبارك واگذار کرد ولی انقلاب شدیدی در آن نقاط پدید آمد و بالاخره امارت بلاد دورق و غیره به سید محمد خان بن سید مبارك تفویض گشت.

۵ - محمد بن مبارك بن عبدالمطلب

Mahamed

در سال ۱۰۳۸ بامارت نایل گشت عمویش منصور بر علیه اوقیام نموده معزولش کرد (سابقاً اشاره شد) ضامن بن شدقم مینویسد که تا این ایام ۱۰۸۵ بلاد مزبور تحت حکومت سلاطین صفوی اداره میشود (۱)

۶ - سید بدران بن مبارك

Seyed Bedran

از مشاهیر امراء نامدار خاندان موالی معاصر با شاه عباس صفوی بوده است (۲)

۷ - سید علیخان والی حویزه

Seyed Ali Khan

از امراء با فضل و دانشمند پرهیزکار ادیب خاندان موالی ابوالحسن علی بن خلف بن مطلب بن حیدر بن محسن است مانند پدرش مولی خلف بمسلك متصوفه متمایل بوده نزد محمد بن علی حرفوشی در اصفهان و صالح بن علی بن غانم و معین الدین جزائری و عبد اللطیف جزائری تلمذ کرده است در سن ۱۴ سالگی شعر میگفت و در علم و ادب بهره وافیه داشت بعد از برکة بن منصور از طرف شاه عباس بن شاه صفی بسمت خانی حویزه معین شد و تا سال ۱۰۸۵ بدان سمت باقی بود افندی مینویسد «سید علی خان در ایام معاصر (زمان افندی) وفات نموده اولاد بسیاری از پسر و دختر باقی گذارد حکومت آن نقاط در این تاریخ (۱۱۱۷) از خاندان وی سلب گشته و بدست دیگران است عده از اولاد وی به تحصیل علوم اشتغال داشتند و بعضی از اقرباء و احفاد سید علیخان در جنگ با اعراب بادیه کشته شدند»

سید علی خان سیزده پسر داشت از آنجمله حسین نام که ولیعهد و مقرب نزد پدر بود ولی باغوازی اعراب بر پدر خروج نموده تمام دارائی خویش را تلف کرد و بالاخره فراری گشته به والی بصره حسین بن علی افراسیاب پناهنده شد چندی نزد وی محترماً زیسته تا پدرش او را احضار نمود وی نیز اطاعت کرده بخدمت پدر حاضر گشت

آثار علمی سید علیخان

- ۱ - مجموعه مشتمل بر مطالب ظریفه بدیعه که از رسائل چهار گانه خویش جمع آوری و انتخاب نموده بعنوان هدیه برای شیخ علی سبط شهید ثانی مقیم اصفهان ارسال داشت
- ۲ - رساله دیگری که بعنوان هدیه برای شیخ علی سابق الذکر ارسال نموده است در اول آن رساله شرحی از میر سید شریف وجواب وی راجع به خبر غدیر نگاشته سپس شرحی بر رد سید شریف مینگارد رساله مزبور از کتاب النور المبین خود سید علی خان انتخاب شده است
- ۳ - رساله دیگری ایضاً بعنوان هدیه شیخ علی در شرح حدیث الاسماء ومنتخب از کتاب نکت البیان مؤلف مزبور است
- ۴ - کتاب النور المبین فی اثبات النص علی امیرالمؤمنین (ع) در چهار مجلد ابتدای تألیف کتاب مزبور ذی الحجة ۱۰۸۲ و تاریخ اختتام آن ربیع الاول ۱۰۸۳ هجری است بر طبق اظهارات حاج فرهاد میرزا در آخر کتاب القمقام چنین معلوم میشود که النور المبین نزد شاهزاده مومی الیه موجود بوده است
- ۵ - کتاب خیرالمقال در شرح قصائد در مدیح حضرت رسول اکرم در چهار مجلد است تاریخ شروع آن نیمه ربیع الاول ۱۰۸۹ هجری و همانسال خاتمه یافته
- ۶ - کتاب نکت البیان مشتمل بر چند باب باب اول در تفسیر آیات قرآنی و ذکر پاره از مطالبی که سایر مفسرین ذکر ننموده اند باب دوم در شرح احادیث مشکله و قسمتی که راجع بآن صحبت نشده است باب سوم در ذکر اقوال علماء راجع بمسائل مختلفه و چند باب دیگر در موضوع کلمات حکماء و فضلاء و عرفاء و تنقید و شرح قسمتی از آن مطالب و حکایات مستظرفه و اشعار بدیعه از مدح و مرثیه و غزل و غیره کتاب مزبور در مدت پنجمه تاریخ ۱۰۸۴ هجری تألیف شده است
- ۷ - منتخب التفاسیر در تفسیر کلام الله مجید بدینقسم که در ابتداء اقوال مفسرین را ذکر نموده و اظهارات آنان را تزییل و یا تنقید مینماید تفسیر مزبور در سال ۱۰۸۶ هجری شروع شده و در ماه ربیع الاول ۱۰۸۷ تا تفسیر سوره الرحمن

بطوریکه در ابتدای رساله ذکر شده است خاتمه مییابد بعقیده افندی اغلب فواید کتب سید نعمت الله جزایری از تألیفات سید علی خان حویزی مقتبس و ماخوذ است نگارنده این اوواق مجلد بزرگی از کتاب منتخب التفاسیر تقریباً ۷۰۰ صفحه است در نجف ملاحظه نمود که با حضور مؤلف بقلم شیخ حسین بن عی الدین عاملی تحریر یافته است اول آن بکلمات ذیل شروع میشود: الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله و آخر کتاب بدین کلمات: انک المثلان الغفور الرحیم خاتمه مییابد

۸ - دیوان شعر موسوم به خیر جلیس در اقسام شعرایات ذیل از آثار طبع آن سید است

اجتَنَّا أَنْتُمْ لَنَا الرُّوحَ هَلْ عَلِيٌّ مُفَارِقِ رُوحٍ مِنْ مَلَامٍ إِذَا حَنَّا
أَلَا إِنَّ بَيْنَ الْجِسْمِ وَ الرُّوحِ الْفَاقَةُ إِذَا فَارَقَتْ تَبْقَى كَلْفُظٌ بِلا مَعْنَى

اشعار فارسی نیکوئی از سید علیخان نیز باقی است (۱)

حکومت احفاد موالی در حویز

بقسمیکه سابقاً اشاره شد افندی در کتاب ریاض العلماء ضمن حالات سید علی خان بن خلف چنین مینویسد: این سید در زمان ما وفات نموده و اولاد بسیاری از ذکور و اناث باقی گذارد و تا این موقع سنه ۱۱۱۷ حکومت آن نواحی از احفاد وی سلب شده است و عدّه از اولاد و بستگان سید علی در موقع مبارزه با اعراب بادیه کشته شدند

مقصود افندی از جمله «حکومت آن نواحی از احفاد وی سلب شده» بعقیده مؤلف حکومت تأمه مستقله بوده است زیرا تا اواخر ۱۳۰۰ هجری خاندان موالی و احفاد سید علی خان حکومت نیم مستقلی داشتند عید الله و پسرش مولی نصرالله و مولی اسماعیل بن فرج الله و مولی محمد بن نصرالله و برادرش مطلب از امرای و موالی و حکام حویزه اند بالاخره قبایل کعب از بنی طرف و غیره در سال ۱۳۰۰ بر آنها استیلاء یافته حکومتشان منقرض گردید حکومت حویزه بشیخ

(۱) ریاض العلماء افندی و تحفة الازهار ضامن

جابر و پسرش خزعل از خاندان کعب منتقل گردید

سید علی بن سید عبدالله بن سید علی خان شرحی راجع بسفر نامه مکه خویش مرقوم داشته و ضمناً بطور فهرست تاریخ وفات قسمتی از امراء آل مشعشع را از زمان ظهور سید محمد بن فلاح تا عصر مؤلف ۱۱۲۸ ذکر نموده است کتاب مزبور در کتابخانه ناصری تهران موجود و اینک عین آنرا مینگاریم

- ۱ - سید محمد بن فلاح در ماه رجب ۸۴۴ ظهور نموده و در ۸۶۶ وفات نمود
- ۲ - سید محسن بن محمد بن فلاح در ۹۰۵ وفات کرد
- ۳ - سید فلاح بن محسن برادر خویش سید حسن بن محسن را در سال ۹۰۰ بقتل رسانید
- ۴ - سید فلاح بن محسن بن محمد بن فلاح در سال ۹۱۲ وفات کرد
- ۵ - سید حیدر بن سید علی خان در سال ۱۰۸۲ بامارت نایل گشت و در ۱۰۹۲ وفات نمود

- ۶ - سید فرج الله بن سید علی خان در سال ۱۰۹۸ بامارت رسید
 - ۷ - سید هبه الله بن سید خلف در اوایل ۱۱۱۱ « «
 - ۸ - سید بدران در سنه ۹۲۰ بامارت رسیده و در ۹۴۸ وفات نمود
 - ۹ - سید عامر بن بدران در سال ۹۶۴ کشته شد
 - ۱۰ - سید مبارک در سال ۱۰۶۴ وفات نمود
 - ۱۱ - سید بدر و سید برکت پسران سید مبارک در سال ۱۰۲۴ وفات نمود
 - ۱۲ - سید ناصر بن مبارک در سال ۱۰۲۶ وفات نمود
 - ۱۳ - سید علی بن سید خلف در سال ۱۰۶۰ بامارت رسید
 - ۱۴ - محمد بن مبارک در سال ۱۰۳۶ بامارت رسید
 - ۱۵ - سید علی بن سید عبدالله بن سید علی خان در سال ۱۱۱۴ بامارت رسید
 - ۱۶ - سید عبد الله بن فرج الله بن سید علی خان در سال ۱۱۱۴ بامارت رسید
- مولی علی در سال ۱۰۸۸ وفات نموده و شاعری ایرانی ماده تاریخ وفات ویرا بدین دو بیت بیان مینماید
- از فوت علی والی والا آفاق دور عربان گرفته پرشورو تهاق
چون رفت علی ماده تاریخ او انّ الاعراب اشدّ کفراً ونفاق

۲ - امرای دنباله درخوی و آذربایجان

مقدمه

صاحب قاموس مینویسد دنبیل بر وزن قنفذ نام قبیله از اکراد است که در اطراف موصل سکونت دارند احمد بن نصیر قبیله مشهور شامی و علی بن ابی بکر بن سلیمان محدث از این طایفه میباشد

ابا حنیفه دینوری در کتاب انساب الاکراد مینویسد که سر سلسله این طایفه بامیر عیسی منتهی میشود و امیر عیسی از احفاد برامکه وزرای بی عباس بوده . مؤلف تاریخ بخش فارسی سلسله نسب این طایفه را بطریق ذیل بیان میکند - ابا مظفر جعفر شمس الملک بن امیر عیسی ملقب بسلطان صلاح الدین بن یحیی کرد بن امیر یحیی بن امیر جعفر ثانی بن امیر سلیمان بن امیر شیخ احمد بک بن امیر موسی ملقب بملک طاهر بن امیر عیسی ملقب بملک طاهر بن امیر موسی بن امیر یحیی وزیر هرون الرشید بن قباد بن برمک بن اردوان بن برمک بن انوشیروان -

اسلاف امرای دنباله جزء نقباء و مرشدین متصوفه محسوب بودند امیر یحیی که یکی از آن مشایخ است بنا بر روایت صاحب شرفنامه هزار ودو ست تکه و خانقاه در اطراف آذربایجان و شام بنا نمود و سلسله بکتاشیه را رونقی جدید داد قبور مشایخ دنباله زیارتگاه عمومی بوده است مشایخ این سلسله با سلاطین صفویه موافق و متفق بودند عده از محدثین و رواة مذهب اثنا عشری از دنباله بوده اند محمد بن وهبان الدنبلی بواسطه کمیل بن زیاد نخعی از حضرت امیر المؤمنین (ع) حدیث روایت میکنند امیر احمد خان دنبلی معاصر نادر شاه بوده و در سامراء آثار بسیار از او باقی است مقبره دنباله در سامراء تاکنون مشهور است موطن اصلی این فرقه نواحی کردستان بوده سپس بآذربایجان کوچ کرده و در آن نواحی اقامت نمودند شهر خوی را کرسی نشین امارت خود قرار داده و آن شهر را کاملاً آباد کردند احمدخان دنبلی که معاصر نادر شاه بوده است در تعمیر شهر خوی اقدامات بسیار نمود قلمرو حکومت این سلسله در کردستان و اطراف تبریز بوده است امیر بهلول دنبلی همعصر سلطان حیدر صفوی بوده و از روی خلوص عقیده تسلیم مشار الیه شد سایر امرای دنباله نیز از ملوک صفویه اطلاعات داشته و دنباله بچندین شعبه مختلف منشعب شده اند که عبارتند از قبیله یحیی دنبلی منسوب به امیر یحیی و شمسکی منسوب به شمس الملک دنبلی و عیسی بگلواز اولاد امیر عیسی و بگزادگان از نسل امیر فریدون و ابویحانی منسوب به ایوب خان که بامر مامون عباسی و امیر تیمور و سلطان سلیم باطراف کاشان و خراسان و خیوشان و شیروان و گنجه و قره داغ متفرق شدند یکی از رسوم و عوائد دنباله این بوده است که همیشه سرسلسله آنها از نسل امیر عیسی انتخاب شود عبد الرزاق بن نجفقلی دنبلی کتابی موسوم بریاض الجنه فارسی راجع بحالات دنباله تألیف نموده است و نسخه مطبوعی از آن کتاب در کتابخانه سلطنتی طهران موجود بوده که مؤلف ملاحظه نموده و نسخه دیگری نزد آقای بهار ملک الشعراء نیز موجود است

سید حسن زنوزی نیز مختصری از حالات دنباله را در کتاب ریاض الجنه عربی نقل نموده است و نسخه از آن در مشهد رضوی مؤلف ملاحظه نموده امین احمد رازی در کتاب تذکره هفت اقلیم شرحی راجع بدنباله مینویسد باری مختصر حالات آنها از کتب فوق الذکر اقتباس شده

قسمت ملوک از این فرقه در باب خود ذکر شده و قسمت امراء از آنها ذیلاً بطور فهرس درج میشود

۱ - امیر بهلول بن امیر قلیچ ملقب بحاجی بیک

Emir Bahl u l

ثانی در ایام سلطان حیدر صفوی ظهور نموده طبرستان و داغستان را متصرف شد و عازم تسخیر داغستان گردید سلطان خلیل شیروان شاه از وی استمداد نمود ولی امیر بهلول باطناً بواسطه اتحاد و مسلک مذهبی متقابل با سلطان حیدر بود امیر بهلول در سال ۸۸۰ موقع مبارزه سلطان حیدر و شاه خلیل در میدان کارزار کشته گشت و در مقبره خانوادگی خویش مدفون شد و کتب مخصوصی برای مزار وی ساخته گویی که مدفن وی بوده بحاجی بیک معروف شده و امروزه آن محل را حاجی بیگلرگویند (۱)

۲ - امیر رستم ملقب بشاه وردی بیک

Emir Rustam

بن امیر بهلول ملقب بحاجی بیک بن امیر قلیچ در موقع قتل پدر یازده ساله بود و امارت طایفه دنباله بوی منتقل گردید برادرش علم شاه مرد عاقل زیرکی بود سلسله علم شاه بگلر و دنباله منسوب باوست سلسله مزبوره در این ایام مشهور به بیک زاده های علم شاه بگلر میباشد بر طبق مندرجات تاریخ شرف نامه در سال ۸۹۸ جنگ سختی بین سلطان حیدر و یکی از سلاطین داغستان واقع شد که اتفاقاً سلطان حیدر شکست خورده و با امیر رستم در رودخانه مجاور میدان جنگ غرق شدند جسد آنها را از آب بیرون آورده امیر رستم را بر طبق وصیتش در قریه نازک که قشلاق و دنباله بود دفن نمودند و بر قبر وی کتب و بارگاهی بنا نموده که تا کنون آثارش باقی است و تاریخ وفات امیر رستم بر روی سنگ مزار نقش گردیده است (۲)

۳ - امیر بهروز ملقب بسلیمان خلیفه

Emir Behrooz

بن امیر رستم جوان دانای هوشمندی بوده خیرات و میراث بسیار از او بازمانده خود بخدمت فرزند سلطان حیدر شتافت و از طرف وی بسلیمان خلیفه ملقب گشته و اذن ارشاد یافت مدت زندگانی سلیمان خلیفه ۹۵ سال بوده که پنجاه سال آنرا بحکومت و امارت گذرانید در تاریخ شاه طهماسب مذکور است که سلطان

(۱) - (۳) ریاض الجنه در تاریخ دنباله خطی است

سلیمان بن سلطان سلیم عثمانی در ۹۴۵ آذر بایجان را فتح نموده متوجه ایران گردید و در ان موقع شاه طهماسب با عده معدودی در قریه ابهر از قرای قزوین اقامت داشت سلیمان خلیفه دنبلی بادو هزار سوار بخدمت شاه رسید شاه از ورود آنان تقویت یافته بر سلطان سلیمان حمله نمود و ویرا مغلوب ساخت در جامع التواریخ مذکور است که کیلان و اردبیل مدتی تحت تصرف سلیمان خلیفه بود اما وی پس از جلوس شاه اسماعیل از امارت کناره گیری نموده بارشاد دنباله پرداخت وفاتش در سال ۹۹۵ واقع گردیده و مدفنش در قریه نازک از قرای سلیمان سرای و تا کنون مختصر آثاری از او باقی است کنعان خان پسر سلیمان خلیفه در ایام حیات پدر بمرض سخته در گذشت و بدین جهت نواده وی ایوب خان بامارت رسید (۱)

۴ - ایوب خان بن کنعان خلیفه

Ayoob Khan

بن امیر بهروز ملقب بسلیمان خلیفه در شجاعت و جوانمردی از پدر و اجداد برتری داشت و نظر باظهار رشادتهای گوناگون از طرف شاه طهماسب باعطاء بیگلریگی و سپهداری مفتخر گشته ولی نشان او را رد کرد وفاتش در سال ۹۹۴ واقع گردید و در قریه نازک در بقعه مخصوصی نزد پدر و اجداد مدفون شد ایوبخان دو پسر داشت شاه بنده خان و بهروز خان (۲)

۵ - شاه بنده خان

Shah Bendeh Khan

پس از پدر بامارت رسید فتحعلی خان و ایوب خان پسرهای وی هستند رحیم خان پسر فتحعلی خان است که طایفه بگزادیه رحیم خانی بوی انتساب دارند و بگزادیه ایوبخانی منسوب بایوبخان میباشد (۳)

۶ - بهروز خان دوم ملقب بسلیمان خان

Behrooz Khan

از خواص شاه عباس بود و از طرف وی بلقب جد خود سلیمان ملقب گردید بحسن خلق و شجاعت اشتها کامل دارد شرح رشادت بهروز خان در کتاب تاریخ شرفنامه و تاریخ عالم آراء و تاریخ جهان نمای ترکی مذکور است

(۱) - (۲) ریاض الجنه در تاریخ دنباله خطی

وفاتش بتاريخ ۱۰۱۴ هجری در قریه پورس که خود بنای آنرا نهاده بود اتفاق افتاد و در مقبره اجداد خویش مدفون گشت. بهروز خان دو پسر داشت علی خان ملقب به صنی قلی خان و ایوب خان که بگزادی ایوب خانی بوی منسوبند - (۱)

۷ - علی خان ملقب به صنی قلی خان بن بهروز خان

Ali Khan

از مقربان شاه صفی صفوی بوده است و در موقع محاربه با سلطان مراد عثمانی و هجوم بخاک آذربایجان رشادتهای بسیار ظاهر نموده است در تاریخ سیاق و تاریخ نواب محمود خان بن امیر محمد بیك دنبلی شرح حال و صفات حمیده علی خان مذکور است همینکه احمد پاشا باقشون از طرف بغداد بامر سلطان مراد خان عثمانی مأمور تسخیر ایران گردید فرهاد پاشا نیز از سمت آذربایجان بایران حمله کرد علی خان در کوهستان هکاری مدتی با عثمانیان زدو خورد نمود بالاخره خبردار شد که احمد پاشا شاه صفی را محاصره نموده و بر آذربایجان و گرجستان و داغستان استیلاء یافته است علی خان با احمد پاشا صلح نمود مشروط بر اینکه آذربایجان و تبریز و ارمنستان را بوی واگذار نمایند که دوره پدران خویش مالک تاج و سکه گردد و دیگر آنکه فرهاد پاشا دختر خود را به علیخان تزویج نموده خواهر علیخان را برای خویش عقد کند (همان قسم که برای ایوبخان درایام شاه طهماسب اتفاق افتاد) بعد علی خان وفات نموده نزد پدران خویش مدفون گردید و از وی دو پسر موسوم بمرتضی قلیخان و غیاث بیك باقی ماندند (۲)

۸ - مرتضی قلیخان بن علی خان ملقب به صنی قلیخان

Morteza Gholi Khan

مدت زمانی در اصفهان بملازمت شاه عباس ثانی اشتغال داشت و عمارات بسیاری در آن شهر موقع حکومت پدر خویش بنا نمود بطوریکه در تاریخ سیاق مذکور است شاه عباس ثانی بمساعدت مرتضی قلیخان سلطان گردید و پس از جلوس ویرا بلقب خانی که از القاب امیر الامرائی است ملقب نمود بالاخره بین غیاث بیك و مرتضی قلی خان کدورتی حاصل شد مرتضی قلی خان به قصد تنبه برادر بطرف کاشان حرکت نمود غیاث بیك از قم باستقبال وی آمده اظهار اطاعت

(۱) و (۲) ریاض الجنه خطی است

نمود مرتضی قلی خان نیز وی را عضو کرد ولی غیاث بیك مخفیانه برادر را مسموم کرده هلاک نمود شهباز خان پسر مرتضی قلی خان که همراه پدر بود و صلاح در اظهار مطلب نداشت و نعلش پدر را با خود به قم آورده دفن نمود از مرتضی قلی خان پانزده دختر و سه پسر باقی ماند که از آنجمله شهبازخان و ایوب خان و شاه نواز بیك و نواب محمود خان در دیباجه دیوان خویش شرح حال ویرا ذکر نموده است از آثار مرتضی قلی خان باره عمارت عالیه در اصفهان و مرمت ایوان معصومه قم و دو مسجد و قلعه چورس و ابنیه دیگر ذکر نموده اند (۱)

۹ - غیاث بیك بن علی خان

Gheyas Bik

بن مرتضی قلیخان از مقربان شاه عباس ثانی بوده است و با مروی با عده قشون بسیار عازم فتح قندهار گردید و در خدمت شاه تعمید فتح قلعه قندهار را نمود ولی بقدری در موقع محاصره قندهار تلفات داد که از ترس برادر و سایر افراد طایفه دنباله جرئت مراجعت بوطن ننمود شاه عباس باره از قری و قصبات توابع کاشان را بعنوان تیول به غیاث بیك واگذار نمود و تا این تاریخ (۱۲۶۰ هجری) قری و قصبات مزبور بموجب فرمان شاه عباس ثانی در تصرف اولاد غیاث بیك است که معروف به طایفه ضرابی میباشد فتحعلی خان ملک الشعراء قاجار به و محمود خان پسرش و بسیاری از اهل فضل از آن طایفه ظهور نموده اند (۲)

۱۰ - امیر شهباز خان بن امیر

Emir Shehbaz

مرتضی قلیخان در سال ۱۱۲۲ بر عموم دنباله ریاست داشته است ولی بالاخره از خدمت شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی کناره نموده بمرمت آثار اسلاف خود پرداخت تا آنکه عبدالله پاشا بر خوی حمله نمود شهباز خان برادران خود را بریاست دنباله گماشته و با دو هزار سوار در قلعه متحصن گردید و پس از زدو خورد بسیار قلعه را فتح نموده اهالی را قتل عام کردند و شهبازخان با ۳۸ نفر از پسر عمویان و فرزندان کشته شد ۱۱۴۴ هجری از شهباز خان دو پسر باقی ماند مرتضی قلی خان و نواب نجفقلی خان (۳)

(۱) - (۲) ریاض الجنه خطی

۱۱ - مرتضی قلیخان شهپاز خان

Mortaza

شخص فاضل دانشمندی بوده و مخصوصاً در علم نجوم اطلاع کامل داشت و فاش در سال ۱۱۶۰ هـ و مدفنش در بقعه معروفی است که تاریخ وفاتش نیز بر لوح مزار منقوش میباشد مرتضی قلیخان سه پسر داشت شهپازخان احمدخان سلیمان خان (۱)

۱۲ - نجفقلی خان بن شهپاز خان (۱)

Nadjafgholi Khan

از سران سپاه نادر شاه افشار بوده در موقع ورود بشهر شاه جهان آباد مرتبه امیرالامرائی یافت بعد به تبریز مراجعت نمود و بیگلرگری تبریز با او بود پنج پسر از او باقی ماند پنجم آنها عبدالرزاق بیك که شخص فاضل دانشمند ادبی بوده است آثار مادی وی بسیار است منجمله قلعه محکمی در تبریز بنا نموده است وفاتش در ۱۱۹۴ و مدفنش در نجف میباشد

بهر حال نجفقلی خان مذکور به پنج طبقه سلاطین مهم خدمت نموده و از طرف ده پادشاه مورد اکرام و نوازش واقع گردیده است بدین ترتیب که در زمان شاه سلطان حسین امیرالامراء بوده است و در زمان شاه طهماسب سمت سرداری تعیین گشت و ایام افغانه سرحد دار شد و دوره نادر شاه سردار شهر شاه جهان آباد گردید و نایب السلطنه علیشاه افشار بود و در دوره کریم خان و علی مراد خان زند سمت بیگلرگری تبریز را عهده دار شد و ایام آغا محمد خان قاجار نیز سمت مزبور باقی بود و از طرف کلیه آنان مورد اکرام واقع شد

محمد رضای تبریزی در تاریخ اولاد ائمه اطهار که در سال ۱۳۰۴ طبع شده مینویسد نجفقلی در سال زمین لرزه تبریز ۱۱۹۶ حاکم تبریز بوده پسر او در همان سال فوت کرد و خود نجفقلی از زیر ردم بیرون آوردند و مدت دو سال مشغول بنائنی تبریز شده و برای او حصار بزرگی ساخت که دوازده دروازه داشته شعراء برای او چندین تاریخ ساخته اند از آنجمله هادی همدانی متخلص بنسبت میگوید

چو گشت از گردش چرخ جفا کیش اساس قلعه تبریز بر باد
خدایو معدلت آئین نجف خان که داد معدلت اندر جهان داد

(۱) تاریخ ریاض الجنه خطی

بنای قلعه بنهاد از نو که مثلش کس ندارد در جهان باد
بتاربخش رقم زد کلک نسبت ز نو سد سکندر گشت آباد (۱)
(۱۱۹۶)

۱۳ - امیر خدا داد خان بن نجفقلی خان

Emir Khodadad Khan

شخص عاقل هوشمندی بوده است و ناگهانی کشته شد يك پسر و يك دختر شاعره ادبیه از وی باقی ماند (۲)

۱۴ - امیر فتحعلی بیك بن امیر خدا داد خان

Emir Fatahali Bek

در زمان فتحعلی شاه فرمانفرمایی تمام آذربایجان معین شد (۳)

۱۵ - نجفقلی خان بن امیر فتحعلی بیك بن خدا داد خان

Nadjafgholi Khan

نزد عباس میرزای نایب السلطنه تقرب نامی داشت و دختر نایب السلطنه را تزویج کرد در سنه ۱۲۵۰ بحکومت خوی تعیین گردیده و در ایام ناصرالدین بحکومت خلخال منصوب شد (۴)

۱۶ - آقا محمد آقا پسر نجفقلی خان

Agha Mohamed

شخص فاضل دانشمندی بوده است کتاب بزرگی در تفسیر قرآن مجید تألیف نموده و دیوان شعری بطریق شعرای ترکستان انشاد کرده است (۵)

۱۷ - عبد الرزاق بیك بن نجفقلی

Abdol-razagh

عبد الرزاق بیك بن نجفقلی دنبلی در سنه ۱۲۴۳ وفات نموده است از خانواده مشهور آذر بایجان بوده شعر نیکو میگفت و مقتون تخلص مینمود نزد نایب السلطنه عباس میرزا تقریبی نام داشت تألیفات وی بقرار ذیل است :

۱ - کتاب مآثر سلطانی در حالات سلاطین قاجار از بدو تأسیس تا سنه ۱۲۴۱

(۱) ریاض الجنه عبد الرزاق دنبلی خطی و تاریخ اولاد ائمه اطهار تألیف حشری تبریز م ۱۲۴
(۲) - (۵) ریاض الجنه خطی - این قسمت از دنباله اگرچه در عهد قاجاریه فرمانفرما بوده اند ولی بنسبت مقام در اینجا ذکر میکنیم

این کتاب در طهران طبع شده است

۲ - کتاب تاریخ دنباله نسخه خطی آن در کتابخانه سلطنتی تهران موجود است و نسخه دیگر از آن کتاب نزد ملك الشعراء ادیب دانشمند معاصر میباشد ابتدای کتاب : باز نمودن احوال قبیله و اجداد جامع این نسخه بدیع بنیان بقول حاوی الاوراق التمسك بحبل النبی و الوصى بن نجفقلی الدنبلی عبد الرزاق حکایات و نوادر مطبوعی در ذیل کتاب مرقوم شده و در خاتمه آن زایرجه رستم خان بن احمد خان دنبلی نوشته شده است

۳ - کتاب تذکره در شعر و شعراء (۱)

۱۸ - بهاء الدین محمد آقا

Bahad-din

پسر عبد الرزاق بيك جوان رشید با فضلی بوده و نزد عباس میرزا نایب السلطنه و پسرش تقرب نامی داشت در اواخر عمر بحکومت تبریز معین گشت دیوان اشعار نیکوئی از وی باقی است چندین پسر از وی باقی ماند از آنجمله حسینقلی آقا که در یکی از مدارس فرانسه تربیت شده در علم هندسه و طب اطلاعات کامل دارد السنه فرانسه و انگلیسی و غیره را بخوبی تحصیل نموده است (۲)

۱۹ - کوچك خان (خدا داد خان)

Kootchek Khan

امیر دانشمندی بوده است عمارات بسیاری بنا نمود و ناگهانی در گذشت (۳)

۲۰ - شهباز خان بن مرتضی قلیخان دوم

shahbaz Khan

در شیراز به منصب امیر الامرائی نایل شد نواب محمود خان در تاریخ خود مینویسد که در سال ۱۱۲۵ شهباز خان بر جمیع اکراد آذر بایجان امارت داشت و با فتحعلی خان افشار متفق بوده است تا آنکه کریم خان بمبارزه وی آمده او را اسیر و دستگیر نمود شهباز خان محترماً نزد کریم خان میزیست و دختر کریم خان را برای پسر خود ابو الفتح خان تزویج کرد مشارالیها مسأله به صاحب سلطان خانم از

(۱) - (۳) تاریخ ریاض الجنة عبد الرزاق دنبلی

سر آمد دانشمندان عصر خویش بوده است در علم نجوم تألیفاتی نموده دیوان اشعارش مانند دیوان عنصری و ابو الفرج رومی است در علم انشاء و اغلب صنایع مستظرفه مهارت کامل داشت خط وی بخوبی مانند خط درویش بوده است از شهباز خان چند پسر باقی ماند که یکی از آنها امیر محمود خان میباشد (۱)

۲۱ - امیر محمود خان

Emir Mahmood Khan

در ابتداء به تحصیل علوم ظاهری پرداخت و پس از مختصر مدتی برتبه امیرالامرائی نایل گشته و بالاخره بیگلربیگی اصفهان گشت دیوان شعرش مانند دیوان انوری بغایت نیکوست در بسیاری از فنون اطلاعات وافی داشت وفاتش در سنه ۱۲۶۰ واقع شد و چندین پسر از وی باقی ماند که از آنجمله امیر شهباز خان است (۲)

۲۲ - امیر شهباز خان بن امیر محمود خان

Emir Shehbaz Khan

در زمان ناصرالدین برتبه آقاسی باشی نایل گشت شاعر و مورخ بوده است در ایام محمد شاه سمت ایشیک آقاسی باشی و قوریسال باشی را عهده دار بوده است (۳)

۲۳ - امیر احمد خان بن مرتضی قلی خان ثانی

Emir Ahmed Khan

احمد خان شخصی نیک سیرت خوش طینتی بوده است سیرت احمد خان و نیک نامی وی در نادرشاه اثر نموده پشت قرآنی که بخط میرزا احمد تبریزی بوده مهر کرده و قسم یاد نمود که تمام نواحی کردستان را با احمد خان تفویض خواهد کرد و مصالحه نامه شاه صفوی را در باره آنها مجری میدارد احمد خان از گفتار نادر مطمئن شده بایکصد هزار خانوار از اکراد بقرای خوی و مرند و زنوز و ارولق تا اطراف رود ارس مسکن کرد و بااطمینان گفتار نادر در آن نواحی اقامت نموده به تعمیر شهر خوی مشغول گشت (۴)

مرمت خوی بدست دنباله

شهر خوی چندین مرتبه بدست قدمای دنباله تعمیر شده است از آن جمله بدست امیر

(۱) - (۴) تاریخ دنباله تألیف عبد الرزاق بيك دنبلی خطی

موسی مرمت یافت سپس توسط شمس الملک تعمیر و توسعه یافت خاقانی شیروانی در قصاید خویش عمارات و ابنیه شمس الملک را در خوی مدح نموده است دفعه دیگر بدست امیر ولی ترمیم شد و بعد در مهاجرات امیر تیمور رو بخرابی نهاده توسط سلمان خان و پسرانش رو بآبادی گذارد و بالاخره در اواخر دوره صفوی اهالی آن دچار قتل عام گردیده و شهر مخروبه شد

مشار الیه در مرمت و بنای صحن عسکریین (ع) اموال بسیاری صرف نمود ولی خود موفق بانجام آن نگشته پسر بزرگش امیر حسینقلی خان آن بنارا تمام نموده مسجد حضرت حجة کاروانسرا و حمامی نیز در آنجا ساخت ... احمد خان دوازده محله در شهر خوی ساخته باغهای زیبایی ترتیب داد و چهار صد هزار خانوار از یهود و مسلمان و نصاری و سایر ملل در خوی و توابع آن مسکن داد مدت امارت احمد خان پنجاه سال و ششماه امتداد یافت در تمام این مدت اهالی در نهایت رفاه و امنیت میزیستند سلطان سلیم خان دوم پادشاه عثمانی جمیع امراء و حکام مجاور آذربایجان را باطاعت احمد خان توصیه کرده بود بالاخره احمد خان بدست شهبازخان و سایر اولاد برادر خود که در خدمت کریم خان زند بودند کشته شد پسر بزرگ احمد خان و برادرش سلمان خان که سیه سالار وی بود نیز بدست اشخاص مزبور با احمد خان کشته شدند حسینقلیخان پسر احمد خان در پنجاه سال بجای پدر جلوس نمود و جنازه احمد خان را با هزار سوار و عده از علماء و قراء قرآن بسامره حمل کرد و مجاور قبه عسکریین در بقعه که از سابق تهیه شده بود بفاصله چند ذرع از حرم مطهر مدفون گشت در این اوقات قبر احمد خان پشت حرم واقع شده است و سنگی از مرمر بر روی قبر منصوب میباشد از احمد خان هشت پسر و چهار دختر باقی ماند (۱)

۲۴ - امیر حسینقلی خان بن امیر احمد خان

Emir Hossein Gholi Khan

شخصی عاقل دانشمندی بوده و از علوم طب و نجوم و هندسه بهره وافعی داشت خط فارسی را خوب مینوشت مساجد و حمام های بسیار و عمارات نیکو از امیر مزبور بیادگار باقی ماند تعمیر بنای صحن و بارگاه عسکریین که در زمان

(۱) ریاض الجنة خطی

احمد خان شروع شده بود بدست حسینقلیخان تمام یافت مشار الیه مسجدی بنام مسجد صاحب نیز بنا کرده قبه عسکریین را تذهیب کرد حسینقلی خان ناگهانی کشته شد فتحعلی خان ملک الشعراء قصیده در مرثیه وی گفته که پسرش محمد صادق خان قصیده مزبوره را بر سنگ مزار پدر جاری نموده است وفات محمد صادقخان در سنه ۱۲۱۳ واقع شده و جسد برادرش جعفرقلی خان را بجوار عسکریین حمل نموده و همانجا دفن نمودند (۱)

۲۵ - نواب محمد صادق خان

Navab Mohamed Sadigh Khan

پسر حسینقلی خان بیگلر بیگی آذربایجان مدتی در آذربایجان حکومت داشت و بعد امیرالامراء گردید پس از وفات فتحعلی شاه از حکومت آذربایجان کناره نمود (۲)

۲۶ - مسلمان خان دنبلی

Salman Khan

بیگلر بیگی پسر حسین خان در نزد عمو تربیت یافت سپس بخدمتگذاری دولت روس پرداخت و بعد از خواص نایب السلطنه عباس میرزا گردید در سال ۱۲۵۸ حکومت خوی و سلماس را عهده دار بود محمد شاه ویرا از حکومت آنجا معزول نموده بحکومت شاهرود و بسطام فرستاد (۳)

۲۷ - سلیمان خان

Soleiman Khan

پسر حسین خان بیگلر بیگی دنبلی خط نیکوئی داشت از مسلک عرفاء پیروی مینمود و از آنها تحصیل اجازه ارشاد کرد بالاخره بسمت سرتیپی فوج شاهرود و بسطام معین گشت (۴)

۲۸ - نواب جعفرقلی خان

Djafar Gholi Khan

بن احمد خان شهید در موقع قتل پدر و برادر و اعمام خود را از پشت بام

(۱) - (۴) ریاض الجنة خطی - مترجم گوید شکست عمده قشون ایران بوسیله خیانت کاری خوانین دنباله و مخصوصاً در اثر سازش جعفرقلیخان با سردار روسی بوده و بایستی از خیانت وی نیز ذکر شود

بزرگ انداخت جانی بدر نبرد و همان موقع بسمت روسیه فرار کرد ولی آنجا آقا محمد خان وی را در نزد خود آورده و در محاربه فارس و کرمان بملازمت شاه حاضر بود و در سفر قره باغ سپه سالار قشون او گردید پس از کشته شدن شاه مجدداً باطراف کوهستان متواری شد دولت ایران و عثمانی از وی رنجیده و بر اعدامش قیام کردند مدت ده سال تمام با قشون دولتین مقاومت میکرد در سال ۱۲۱۶ فتحعلی شاه با یکصد هزار قشون برای محاربه روس عزیمت نمود و همینکه بجوالی کوهستان معروف به کور اغلی وارد شد جعفر قلی خان مخفیانه وی را خبردار ساخت که سردار روس در صدد شبیخون بر شاه میباشد ابتداء فتحعلی شاه از این مطلب متغیر گشت ولی میرزا شفیع صدر اعظم مراتب خیر خواهی جعفر قلی خان را تأکید نمود شاه حرف وزیر را قبول نموده شبانه از اردو خارج شد و اتفاقاً همان شب روسها بقشون ایران حمله نمودند دولت روس که از حیث شجاعت و رشادت جعفر قلی خان مستحضر گشت نشانهای عالی و تاج و سکه طلا و غیره برای وی فرستاد و حکومت شهر شگی را بطور موروثی باو واگذار نموده مسجد صاحب الامر در تبریز و بسیاری از عمارت عالیه شهر از بناهای اوست وفاتش در ۱۲۲۹ واقع گشت و جنازه اش را بسامراء حمل نمودند و حکومت شگی بدست اولاد وی باقی مانده (۱)

۲۹ — کلبعلی خان بن احمد خان

Kalb Ali Khan

مدتی ریاست دنا بله باوی بوده همینکه در سنه ۱۲۴۰ روسها بر آذربایجان استیلاء یافتند و برا تا مدت سه سال بحکومت آن نواحی بر قرار نمودند پس از مصالحه با ایران مشار الیه بر بلاد ارض روم دست یافته مدتی در آن نقاط حکمرانی نمود پس از انعقاد عهد نامه روس و عثمانی حکومت تپه و داغستان از طرف دولت روس بوی تفویض شد و در همان ایام وفات نمود جسدش را بسامراء حمل نمودند (۲)

(۱) و (۲) ریاض الجنه خطی

۳۰ — امیر اصلان خان بن امیر احمد خان

Emir Aslan Khan

مدتی در تبریز حکومت نمود سپس بایران مورد اکرام عباس میرزا نایب السلطنه گردید در سنه ۱۲۴۰ حکومت خوی را باو واگذار نمود در ایام محمد شاه بحکومت خسته و زنجان معین گشت و بالاخره حکومت قره باغ بوی تفویض شد مشار الیه شخصی فاضل دانشمندی بوده از علم فقه و حدیث اطلاع وافیه داشت خط فارسی را نیکو مینوشت در اواخر ایام زندگی بحلقه درویشان در آمده جزء عرفاء شد موقع محاربه ایران و عثمانی از طرف نایب السلطنه عباس میرزا بحکومت شهر بایزید معین گشت نزد رجال دولت روس و ایران و عثمانی معروف بود وفاتش در سنه ۱۲۵۴ و نزد پدران خویش در سامراء مدفون شد چندین پسر از وی باقی ماند (۱)

۳ — والیان فیلی در پشت کوه

مقدمه

تاریخ زندگانی این خاندانرا از کتاب انیس المسافر مختصراً نقل میکنیم کتاب مزبور تالیف سردار غلامرضا خان والی فیلی در سنه ۱۳۲۹ در بوشهر بطبع رسیده است سر سلسله خاندان کنونی والیان پشت کوه منصور نام بوده که نسبش به حمزه اکبر منتهی میشود حمزه از احفاد حضرت ابوالفضل العباس (ع) بوده و مدفونش در میان دشت از اراضی پشت کوه است بهر حال سردار غلامرضا خان در کتاب انیس المسافر بشهادت سید جعفر اعرجی (۱) نسابه معاصر مشهور نسب خود را بطریق ذیل شرح میدهد والله اعلم :

غلامرضا خان بن حسینقلی خان والی لرستان فیلی پسر حیدر خان والی فرزند محمد حسن خان والی لرستان پسر اسد خان فرزند اسمعیل خان والی پسر شاه وردی خان بن منوچهر خان والی فرزند حسین خان والی پسر شاه وردی خان دوم فرزند حسین خان ثانی پسر منصور بن زهیر بن ظاهر بن سنور بن محمد بن المرجعی بن المنصور بن ابی الحسن الدیلمی بن احمد العیسان بن حسن بن علی بن عبدالله بن حسین بن حمزه اکبر بن عبدالله شاعر بن عباس خطیب بن حسن بن عبدالله عمید بن ابی الفضل عباس بن امیر المؤمنین علیه السلام

صاحب تاریخ جهان آراء مینویسد که طوایف کرد در سنه ۵۸۰ بنا به مصلحتی شجاع الدین خورشید بن ابی بکر بن محمد بن خورشید را برخود امارت دادند شجاع الدین از قبیله مهمی بوده و بحسن سیرت مشهور است احفاد شجاع الدین مذکور را بنام عباسیه میخوانند وجه تسمیه این اسم معین نیست و بعقیده خودشان منتسب بعباس علی بن ابی طالب (ع) میباشند اسکندر بیک در تاریخ عالم آراء ضمن حوادث سلطنت شاه عباس صفوی در سال ۱۰۰۲ مختصری از حالات طوایف مذکور را شرح داده است

(۱) تاریخ ریاض الجنه خطی (۲) منقولات سید جعفر مذکور کاملاً موثق نبوده

۱ - منصور بن زهیر

Mancore

سر سلسله والیان پشت کوه و رئیس آنخاندان مجبوراً از میان عشایر ریبعه خارج نزد شاه وردی خان احمدی رفت شاه وردی خان در آن موقع از قبل سلاطین صفویه در نواحی پشت کوه امارت داشت و خواهر خود را برای منصور تزویج کرد و از آن مزاجعت احمد حسین بیک متولد گردید پس از چندی شاه وردی خان داعیه استقلال بر سرش زده بنای طغیان گذاشت شاه عباس کبیر با عده قشون بسمت لرستان آمد همینکه بخرم آباد رسید شاه وردی خان به قلعه جنگوله از نواحی پشت کوه فراری و متحصن شد شاه عباس در صدد جستجو بر آمده بقلعه مزبور راه برد و عده سپاهی بدان قلعه اعزام داشت که شاه وردی را محاصره کردند شاه وردی از صاحب قلعه امان خواسته وی نیز نظر بقرابت با شاه وردی اورا امان داد اما بعد از امان اورا دستگیر نموده بوسیله یکی از سرداران نزد شاه عباس فرستاد سپس قلعه را سپاهیان شاه غارت کردند در اطراف قلعه درخت توت فراوانی غرس شده بود و اهالی تربیت کرم ابریشم مینمودند کلیه ابریشم های موجوده بتساراج رفت در بالای قلعه جنگوله قریه آبادانی بود که نخلستان بسیار داشت قریه مزبور از بنا های سعد وقاص نام داشت به مرور ایام در اثر سیل و باران رو بخرابی نهاده اکنون مختصر آثاری از او باقی است باری همینکه شاه وردی خان به حضور شاه عباس رسید بوی فرمود رنگ رخساره ات را زرد می بینم شاه وردی جواب داد که آفتاب هنگام غروب رو بزردی میگذارد شاه عباس غضبناک شده فرمان ویرا صادر کرد (۱)

احضار شاه غفران برای دریافتن امارت لرستان

پس از قتل شاه وردی خان شاه عباس همشیره زاده حسین بیک بن شاه وردی مسمّاء بشاه غفران را احضار نمود و امارت لرستان را بر وی پیشنهاد کرد مشار الیه معتدّله نداشتن قوا و استعداد کافی نموده پیشنهاد را رد کرد شاه عباس ویرا رخصت مراجعت داده سفارش کرد که این مطلب را بازگو نکنند (۱)

(۱) رساله انیس المسافر طبع بمبای

قتل شاه عباس قبيله شاه وردی خان و پسران او را

سپس شاه عباس بستگان و پسران شاه وردی خان را احضار نموده که شخص لایقی از میان آنان برای حکومت لرستان انتخاب کند همینکه تمام افراد خاندان شاه وردی بطمع امارت لرستان در حضور شاه عباس حاضر شدند شاه تمام آنها را بقتل رسانید و در محلی معروف بشاه آباد مدفون شدند (۱)

۲ - حسین بیک بن شاه وردی خان

Hossein Bik

پس از قتل عام افراد خاندان شاه وردی حسین بیک بن شاه وردی خان از طرف شاه احضار شده و تأمین یافت و حکومت لرستان بدو تفویض شد بعد از انجام این قضایا شاه عباس بطرف اصفهان مراجعت کرد و حسین بیک نیز بزودی وفات نموده در جوار امامزاده معروف بشاهنشاه مدفون گردید

۳ - شاه وردی خان پسر حسین بیک Shah Verdi Khan

۴ - منوچهر خان بن شاه وردی خان Menootchehr Khan

Hossein Khan

۵ - حسین خان بن منوچهر خان ملقب بوالی

۶ - علی مردان خان Ali Mardan Khan

بن منوچهر خان با برادرش شاه وردی خان بر سر امارت لرستان نزاع نموده شاه وردی را دستگیر و نابینا نمود علیمراد خان از طرف نادرشاه بعنوان سفارت عازم اسلامبول گردید بین راه در کرکوک موصل وفات نموده در محلی موسوم به مقام زین العابدین مدفون گردید علیمردان خان اولاد لایق معروفی نداشت که پس از وی بر لرستان حکومت نمایند

۷ - اسمعیل خان Esmail Khan

بن شاه وردیخان بعد از علیمردان خان بامارت رسید در سن هشتاد سالگی در گذشت دو پسر از وی باقی ماند اسدالله خان و محمدخان

(۱) - (۷) انیس المسافر طبع بوشهر

۸ - محمد خان بن اسمعیل خان (۱) Mohamed Khan

۹ - محمد حسنخان بن اسدالله خان بن اسمعیل خان Mohamed Hassan Khan

در ایام آغا محمد خان بامارت لرستان نایل شد و در سن ۲۵۵ سالگی بتاريخ ۲۵ هجری فوت کرد (۲)

۱۰ - حیدر خان بن محمد حسن خان (۳) Heyder Khan

۱۱ - حسینقلی خان Hossein Gholi Khan

بعد از حیدر خان در زمان ناصرالدین پسرش حسینقلی خان بامارت لرستان منصوب گشت در ایام حکومت عباسقلی خان پسر عموی حسینقلی خان قصبه نمکزار مشهور به مشهد در تصرف قشون عثمانی آمده بود حسینقلی خان برادر خود موسی خان با وزیر خویش میرزا موسی برای استرداد قصبه نمکزار اعزام داشت محمدپاشا سردار عثمانی نیز باعده بمقابله آنها قیام کرد ولی بعد از دو ساعت زد و خورد محمدپاشا فراری شده نمکزار را تخلیه کرد ناصرالدین از اقدامات حسینقلی خان مسرور شده ویرا بدرجه سرتیپی ارتقاء داد و پس از چندی بلقب صارم السلطنه سردار اشرف از طرف ناصرالدین ملقب گردید

حسینقلی خان در سن شصت و پنج سالگی وفات نموده جسدش را بوادی السلام نجف حمل و در مقبره که قبلاً تهیه شده بود دفن کردند بقعه مزبور دارای آجرهای سبز و تا کنون به قبه حسینقلی خان معروف است (۴)

پس از مرگ حسینقلی خان پسرش غلامرضا خان سردار والی کنونی پشت کوه و مؤلف کتاب انیس المسافر بامارت رسید

کتاب انیس المسافر بتاريخ ۱۳۲۹ در بوشهر بطبع رسیده است و در ابتدای آن مختصری از شرح حال آباء و اجداد خود ذکر نموده سپس شرح حال طیور و وحوش و سباع و حیوانات اهلی و وحشی آن سامان پرداخته خواص و امراض و معالجه آنان را شرح میدهد عدد صفحات کتاب ۷۷ و قطعش متوسط است در آخر آن قصیده موسوم به فتح نامه لرستان از انشاء شیخ شهاب شاعر کرمانشاهانی مندرج است (۵)

فهرست اسماء جمعی از مشاهیر امراء صفویه

از آنجمله . . طائفه ذوالقدر که در مرغش وایلیستان حکومت داشته اند بعد از آن

(۱) - (۵) انیس المسافر طبع بوشهر

احفاد آنها متفرق شده جمعی بعراق عجم و برخی بمصر روانه شدند و برای ملوک صفویه در فارس و غیرها حکومت و امارت گرداند بترتیب ذیل

الیاس بیك ذوالقدر - (شاه اسماعیل)
علیخان - سلطان محمد
خلیل سلطان
علی سلطان
مراد سلطان
جزه بيك - (شاه طهماسب)
غازی خان
ابراهیم خان
محمد خان
ولی سلطان قلخانی

امام قلیخان ولد الله ویردی خان
محمد قاسم بيك - (شاه عباس ثانی)
الله ویردی سلطان
امام ویردی بيك - (شاه سلیمان)
ایمانی بيك (۱)

رضا قلیخان هدایت در جلد دوم کتاب ذیل روضه الصفا اشخاص ذیل را از امرای دوره شاه عباس صفوی ذکر نموده

زینل خان یگدلی
امامقلی ایناتلو
جانی خان
مرتضی خان شاملو
امامقلیخان بن الله ویردی خان
آقاخان معروف بمقدم از خانواده اتوزایکی
پسر بوداق خان
حسن خان شاملو
احمد خان اردلان
خسروخان استرابادی

رستم خان سیه سالار ایران
سید محمد خان والی عربستان
صفی قلیخان کرجی
طهماسب قلیخان قاجار
علی مراد خان بن گنجعلی حاکم قندهار
منوچهرخان بن قره چغای خان
عیسی خان بن معصوم بیگ شیخاوند صفوی
چراغ خان زاهدی از احفاد شیخ زاهد کبلانی
امیرخان ذوالقدر بن رستم سلطان

۶ - از معاریف امرای افشاریه و زندیه

میرزا تقی خان مستوفی میرزا حسین بيك حاتم خان کرد بالو
نجفقلیخان دهبلی - بصفحه ۲۱۰ از این جزء مراجعه شود
علی مردان خان والی فیلی - بصفحه ۲۱۹ مراجعه شود
فتاحقلی اقا قورت (علی عادلشاه و شاهرخ شاه)
صادقخان زند پدر خان زند
صالح خان بیات

جزء چهارم از کتاب آثار الشیعه یعنی جزء سوم تاریخ سیاسی آن فرقه باتمام رسید پس از این جزء قسمت پنجم راجع بتاريخ ایران جدید شروع خواهد شد که در موضوع سیاست و ادبیات و مردمان نامی و اقتصاد جدید ایران از زمان قاجاریه تا عصر حاضر گفتگو مینماید

(۱) و (۲) آثار المعجم ۵۸۳ - ۵۸۴ ج ۲

مصادر جزء چهارم

چون مجلد مخصوص راجع بفهرست مطالب و مصادر مهمه مندرجات (مجلدات کتاب مزبور) تألیف شده است لذا در اینموقع فقط بذکر قسمی از مصادر مهمه و اسناد اساسی این جزء اکتفا میکنیم

از کتب مخطوطه نادره

اسم کتاب	اسم مؤلف	مکان نسخه
الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیعه - ۲ جزء	سیدعلیخان مدنی	نجف - کتابخانه شیخ علی کاشف الغطاء
السدر الکامنه فی اعیان المائة الثامنة - ۲ جزء	عسقلانی	
نسمة السحر فیمن تشتع و شعر - جزء دوم	ضیاءالدین کواکبی زیدی	
ضیافة الاخوان و هدیه الخلائد در تاریخ قزوین رضی الدین صاحب لسان الخواص		
تحفة الازهار و زلال الانهار در اسباب و رجال ضامن بن شد قم		
تذکره هفت اقلیم (فارسی)	امین احمد رازی	تهران کتابخانه سلطنتی و مدرسه ناصری
سفرنامه سیدعلی بن سید عبدالله حویزی	سیدعلی حویزی	 کتابخانه مدرسه ناصری جدید
کشف الحجب عن وجوه الکتب	سید اعجاز حسین هندی	 آقا ضیاء الدین نوری
ریاض الجته در تاریخ دنباله (فارسی)	عبدالرزاق بیگ دنبلی	 ملک الشعراء بهار
ریاض الجته زنوزی در تراجم (فارسی)	سید حسن زنوزی	خراسان - بستکان متولی مسجد کوه رشاد
الوافی بالوفیات	صلاح الدین صفدی	کرمانشاه - کتابخانه امام جمعه
ریاض العلماء افندی ۲ مجلد بزرگ	میرزا عبدالله افندی	کرمانشاه کتابخانه شیخ عبدالعزیز طهرانی
فهرس ابن التندیم	محمد بن یعقوب ندیم	زنجان - میرزا ابو عبد الله
شرح دیوان ابی فراس	ابن خالویه	نجف شیخ محمدعلی اردود بادی
ترجمه ادبیات ایران تألیف ادوارد برون و ترجمه رشید یاسمی (فارسی) - وزارت معارف ایران		
سلوة الغریب - سفرنامه - سید علیخان مدنی - نجف کتابخانه خونساری		

از کتب چاپی

اسم کتاب	اسم مؤلف	مکان و تاریخ طبع
آداب سلطانیه یا الفخری	ابن الطقطقی	مصر ۱۳۱۷
تاریخ ابی الفداء - ۴ جزء	ملک مؤید	اسلامبول ۱۲۸۶
تاریخ الوزراء	ابی هلال صابی	بیروت ۱۹۰۴
خسط مصر - ۴ جزء	مقریزی	مصر
سفرنامه ابن بطوطه - ۲ جزء	ابن بطوطه	مصر ۱۳۸۷
مقدمه العبر و المبتدا والخبر (۱)	ابن خلدون	مصر ۱۲۸۴

(۱) این کتاب تغییر بر حسب تقاضای وزارت جلیله معارف مؤلف از عربی یفارسی ترجمه میکنند که پس از چندماه دیگر برای استفاده عمومی بطبع برساند - مترجم



اسم کتاب	اسم مؤلف	مکان و تاریخ طبع
قوات الوفيات - ۲ جزء	ابن شاکر کتبی	مصر ۱۲۸۲
کامل التواریخ - ۱۲ جزء	ابن اثیر	مصر ۱۳۰۲
کشف الظنون - ۲ جزء	کاتب چلبی	اسلامبول ۱۳۱۰
معجم البلدان - ۸ جزء	یاقوت حموی	مصر ۱۳۲۳
مروج الذهب - ۲ جزء	مسعودی	مصر ۱۳۰۴
وفیات الاعیان - ۲ جزء	ابن خلکان	ایران ۱۲۷۸
معجم الادباء - ۵ جزء	یاقوت رومی	لیدن ۱۹۰۶
تذکره اسلامی - ۵ جزء	جرجی زیدان	مصر ۱۹۰۶
تاریخ آداب اللغة عربیه - ۴ جزء		۱۹۱۹
عصر المأمون - ۲ جزء	رفاعی	مصر ۱۲۴۰
طبقات شافعیه - ۳ جزء	سبکی	مصر ۱۳۴۰
صبح الاعشى - ۱۴ جزء	قلقشندی	مصر
الشیعة و الفنون	سید حسن صدر	صیدا ۱۳۳۱
نجوم السماء فی احوال العلماء (فارسی)	سید محمد صادق	هندوستان ۱۲۹۰
تاریخ فرشته - ۴ جزء (فارسی)	محمد قاسم فرشته	هندوستان ۱۲۹۰
تاریخ قطبشاهی - ۲ جزء (فارسی)	عبد الطیف جزائری	بمبای ۱۳۴۳
تحفة العالم (فارسی)	محمد باقر	تهران ۱۲۹۶
جنة النعم (فارسی)	جمال الله مستوفی	لیدن ۱۳۲۱
تاریخ گریده (فارسی)	عطا ملک جوینی	لیدن ۱۳۲۹
تاریخ جهانگشای (فارسی) دو جزء	سمرقندی	لیدن ۱۳۱۸
تذکره شعراي ایران (فارسی)	محمد تقیخان	تهران ۱۳۰۵
کنج دانش (فارسی)	شیخ یوسف بحرینی	ایران
لؤلؤة البحرين	علی بن محمد بنداری	مصر ۱۳۱۸
راحة الصدو در تاریخ سلجوقیه	فرصت شیرازی	بمبای ۱۳۱۴
آثار المعجم - ۳ جزء (فارسی)	صنیع الدوله	تهران ۱۲۹۴
مرآت البلدان - ۴ جزء (فارسی)		۱۳۰۱
مطلع الشمس - ۳ جزء (فارسی)		از سنه ۱۳۰۰ - ۱۳۰۹
روزنامه شرف		ایران
امل الامل	حر عاملی	تهران ۱۲۷۴
ذیل روضة الصفا - ۳ جزء (فارسی)	هدایت	۱۲۹۰
مجمع الفصحاء - ۲ جزء (فارسی)		
انیس المسافر (فارسی)	غلامرضا خان والی	بوشهر ۱۳۳۹
السدر المشور فی طبقات ربّات الغدور	زینب قواز	مصر ۱۳۳۹
تاریخ و صاف (فارسی)	وصاف	ایران ۱۲۶۱
آ تشکده (فارسی)	اذریگدلی	بمبای ۱۲۷۷
عالم آراء عباسی (فارسی)	اسکندر بیگ	تهران ۱۳۱۴
غایة الاختصار	ابن زهره	مصر ۱۳۰۰

کشکول میبدی (فارسی)	سید علی میبدی	تهران
یتیمه الدهر - ۴ جزء	ابو منصور ثعالبی	مصر
تاریخ ایران (فارسی)	سر جان مالکم	بمبای ۱۸۶۷
حقایق الاخبار (فارسی)	میرزا جعفر خان	تهران
تاریخ دول الاسلام - ۳ جزء	منقر یوس	مصر ۱۳۴۴

فهرست مندرجات جزء چهارم از کتاب آثار الشیعه

مقدمه مترجم	۱	فلسفه بدیختی برامکه بعقیده ابن خلدون ۲۷
مقدمه تمام کتاب	۳	بنو سهل و زرای مأمون ۲۸
مقدمه جزء چهارم	۶	وزارت فضل بن سهل برای مأمون ۲۹
فصل اول از باب اول		حسن بن سهل وزیر مأمون ۳۱
وزرای شیعه که در دربارهای مخالف مذهب و سیاست خود وزارت کرده اند		ابو فضل جعفر اسکافی وزیر المعتز بالله ۳۳
۱ - وزرای دولت عباسیان		وزارت بنو فرات ۳۳
در عراق - تمهید ۹		ابوالحسن علی بن محمد فرات وزیر مقتدر بالله ۳۳
نفوذ ایرانیان در سیاست و ادبیات عرب		ابو الفضل جعفر بن محمد فرات وزیر مقتدر بالله ۳۴
بعد از اسلام ۹		فضل بن جعفر بن فرات وزیر الرازی بالله ۳۵
وزیر آل محمد ابوسامه خلال وزیر سفاح ۱۳		ظهیر الدین محمد وزیر المتمدی بالله ۳۶
وزارت برامکه ۱۵		هبة الله بن احمد وزیر المستظهر بالله ۳۶
مقام سیاسی و ادبی برامکه ۱۷		حسن بن صدقه وزیر المسترشد بالله ۳۷
دارائی برامکه ۲۰		علی بن صدقه وزیر المقتفی بالله ۳۸
خالد بن برمک وزیر سفاح و منصور ۲۰		سید ناصر الدین بن مهدی وزیر الناصر بالله ۳۸
یحیی بن خالد بن برمک وزیر هارون ۲۱		بن عبد الکریم قمی وزیر الناصر والظاهر بالله ۳۹
فضل بن یحیی وزیر هارون ۲۴		مؤید الدین بن علقمی وزیر المستعصم بالله ۳۹
موسی بن خالد امیر شام در عصر هارون ۲۵		۲ - از وزرای دولت اخشیدی
جعفر بن یحیی وزیر هارون ۲۵		در مصر - مقدمه ۴۱
قتل جعفر و گرفتاری برامکه ۲۶		ابن حنزله جعفر بن الفضل بن فرات ۴۱

- ۳- وزرای دوات فاطمی در مصر - مقدمه ۴۲
- طلایع بن رزیک وزیر العاضد لدین الله ۴۳
- عادل بن طلایع وزیر العاضد لدین الله ۴۶
- ۴- وزرای دوات سلجوقیان در ایران
- مقدمه ۴۷
- ابونصر عمید کندی وزیر طغرل ۴۸
- ابومنصور بن حسین آبی وزیر طغرل ۴۸
- تاج الملك ابو الغنائم قمی وزیر ملک شاه ۴۹
- مجد الملك اسعد قمی وزیر برکیارق ۴۹
- سعد الملك ابی وزیر سلطان محمد بن ملک شاه ۵۰
- شرف الدین بن سعد وزیر سلطان سنجر ۵۰
- مؤید الدین طغرانی وزیر سلطان مسعود ۵۰
- انوشیروان بن خالد وزیر سلطان محمود ۵۲
- معین الدین احمد وزیر محمود بن ملک شاه ۵۳
- ظاهر بن معین الدین وزیر ارسلان بن طغرل ۵۴
- معین الدین بن طاهر ۵۴
- وزرای دولت مغرل و تاتار مقدمه ۵۴
- خواجه نصیر الدین طوسی ۵۵
- خاندان صاحب دیوان وزرای آل جوین ۷۰
- خواجه شمس الدین محمد جوینی وزیر هولاکو ۷۱
- شرف الدین جوینی امیر ارغون خان ۷۲
- بهاء الدین محمد جوینی امیر اباخان ۷۳
- عظام ملک جوینی وزیر غازان خان ۷۴

- سعد الدین اوی وزیر غازان خان ۷۸
- علاء الدین فریومندی وزیر سلطان ابوسعید ۷۸
- فصل دوم از باب اول
- وزرای شیعه که در دربار های موافق مذهب و سیاست خود وزارت نموده اند ۷۹
- ۱- وزرای آل بویه در عراق - مقدمه ۷۹
- حسین بن محمد ملقب به عمید وزیر مرداویج ۷۹
- محمد بن حسین عمید وزیر عماد الدوله بویه ۸۰
- ابوالفتح علی بن محمد عمید وزیر رکن الدوله ۸۱
- ابو محمد حسن مهلبی وزیر معز الدوله ۸۴
- صاحب بن عباد وزیر فخر الدوله بویه ۸۴
- ابو القاسم حسین بن علی معروف بوزیر مغربی وزیر شرف الدوله بویه ۸۹
- حسن بن سهلان وزیر سلطان الدوله ۹۰
- علی بن خلف واسطی وزیر بهاء الدوله ۹۱
- علی بن احمد ابرقوئی وزیر بهاء الدوله ۹۱
- ابو نصر سابور وزیر بهاء الدوله ۹۱
- ابو سعد منصور بن حسین ابی وزیر مجد الدوله ۹۲
- ۲- وزرای دولت صفویه - مقدمه ۹۳
- امیر عبد الباقي وزیر شاه اسماعیل صفوی ۹۳
- میرزا شاه حسین وزیر شاه اسماعیل ۹۴

فصل سوم از باب اول

- در حالات مشاهیر صدور و شیخ الاسلام های صفویه که تقریباً جزء وزرا بودند و در امور سیاسی شرکت نمودند و تاریخ روحانیت و سیاست در ایران ۱۰۵
- ۱- از صدور پادشاهان صفویه
- مقدمه ۱۱۰
- امیر قوام الدین ۱۱۰
- امیر سید شریف ۱۱۱
- میر محمد بن یوسف - امیر غیاث الدین منصور ۱۱۲
- سید میرزا رفیع الدین ۱۱۲
- امیر نعمه الله حلی ۱۱۳
- شمس الدین گیلانی - میرزا اشرف جهان ۱۱۴
- محمود انجوی شیرازی ۱۱۴
- شمس الدین محمد کرمانی - سید محمد باقر صدر خاصه ۱۱۵
- ۲- از مشایخ اسلام صفویه
- مقدمه ۱۱۵
- محقق کرکی ۱۱۶
- شاه مظفر الدین - شیخ منشار عاملی ۱۱۹
- حسین بن عبدالصمد پدر بهائی ۱۲۰
- محمد هاشم طغائی ۱۲۲
- میرزا قاضی الدین ۱۲۳
- علی صبیح - رضی الدین - زین الدین ۱۲۴
- فصل اول از باب دوم
- امرای شیعه از صحابه و تابعین در ایام خلافت علی (ع) مقدمه ۱۲۵
- معصوم بیگ وزیر کبیر شاه اسماعیل ۹۵
- محمد کججی وزیر شاه اسماعیل و شاه طهماسب ۹۵
- سید علی باقی وزیر شاه طهماسب ۹۶
- قاضی جهان سینی وزیر شاه طهماسب ۹۶
- سید علاء الدین وزیر شاه عباس ۹۷
- حاتم بیگ اردو بادی وزیر شاه عباس ۹۹
- میرزا سلیمان اصفهانی وزیر سلطان محمد ۱۰۰
- میرزا طاهر قزوینی وزیر شاه سلیمان صفوی ۱۰۰
- ۳- از وزرای زندیه - مقدمه ۱۰۱
- ابراهیم خان کلانتر وزیر لطفعلی خان زند ۱۰۱
- محمد حسین پدر میرزا بزرگ قائم مقام ۱۰۲
- ۴- از وزرای عادل شاهیه و قاجاریه
- مقدمه ۱۰۲
- شیر جنگ بهادر ۱۰۲
- محمد خاتون ۱۰۳
- میر محمد مؤمن استرآبادی ۱۰۳
- ۵- بعضی - از وزرای مختلف امامیه
- علی بن الحسین مغربی وزیر سعد الدوله حمدانی ۱۰۳
- جمال الدین قفطی وزیر الظاهر بالله ۱۰۴
- آصف الدوله وزیر محمد شاه هندی ۱۰۴

- ابو ابراهيم مالك اشتر امير مصر ۱۲۶
قيس بن سعد بن عبادہ امير مصر ۱۳۰
سعيد بن سعد بن عبادہ انصاري امير يمن ۱۳۲
محمد بن ابی بکر امير مصر ۱۳۲
عثمان بن حنيف امير بصره ۱۳۳
سهل بن حنيف امير مدينه ۱۳۵
حكيم بن جبلة عبدی امير سند ۱۳۵
عبيد الله بن عباس امير يمن ۱۳۶
قشم بن عباس بن عبدالمطلب امير مکه ۱۳۷
تمام بن عباس امير مدينه ۱۳۷
جعده بن هيره امير خراسان ۱۳۷
- فصل دوم از باب دوم
امرای شيعه که در دربارهای مخالف مذهب
و سياست خود حکمرانی نموده اند
- ۱- امرای بنی عباس - مقدمه ۱۳۸
علي بن يقطين کوفي امير سفاح و منصور ۱۳۹
عبدالله نجاشی امير منصور براهواز ۱۳۹
آل طاهر امرای مامون - ذو اليمينين
طاهر بن حسين ۱۴۰
طلحه بن طاهر - منصور بن طلحه -
عبد الله بن طاهر ۱۴۱
عبيد الله بن عبد الله بن طاهر ۱۴۱
ابو دلف ۱۴۲
امرای شيعه دز مدينه دز عصر خلفاي
بنی عباس مقدمه ۱۴۴
- حسن الانور ۱۴۴
جعفر حجة الله - حسن بن جعفر حجة الله
يحيى بن حسن ۱۴۵
طاهر بن يحيى - حسن بن طاهر محمد بن
طاهر ۱۴۶
طاهر بن مسلم - حسن بن طاهر - ابو
احمد قاسم - عبيد الله - حسين بن مهنا ۱۴۷
مهنا بن حسين - حسين بن مهنا - منصور
بن عماره - ابو قلينه قاسم بن مهنا ۱۴۸
سالم بن قاسم - شبچه بن سالم - عيسى
بن شبچه - جاز بن شبچه - ابو الحسين
بن شبچه - جاز بن شبچه ۱۴۹
منصور بن جاز - کيشه ۱۵۰
ودی بن حجاز - طفيل بن منصور - سيف
فضل - مانع - جمار - عطيه ۱۵۱
هبة بن جاز - جاز بن هبة - نصير بن جاز ۱۵۱
ثابت بن نعيم ۱۵۲
- امرای قزوین
طايفه جعفریه - شرف شاه جعفری ۱۵۲
طايفه عجليه در قزوین ۱۵۲
خمار تاش ۱۵۳
رافع بن حسين بن مسيب امير تکریت و
قادسيه وغيره از نواحی عراق عرب ۱۵۴
طاشکين کبير امير حله زبديه و خوزستان ۱۵۵
موسي بن عبد الملك صاحب ديوان خراج ۱۵۵

- ابن صول تکين متصدی ديوان ماليات ۱۵۵
ابو عبدالله حسين بن الخجاج شاعر معروف ۱۵۶
ابو طالب يحيى بن زباده ۱۵۶
- ۲- از جمله امراء در مصر و شام
سيف الدين حسين بن ابی الهيجاء امير
صالح بن رزيك و رزيك بن صالح ۱۵۷
محمد بن احمد متصدی ديوان انشاء در مصر ۱۵۸
علاء الدين علي بن مظفر و داعی كندی
متصدی ديوان جامع اموي در شام ۱۵۸
- ۳- امراء دولت عثمانی در بعلبك
و جبل عامل
۱- خاندان حرفوش در بعلبك ۱۶۰
علاء الدين حرفوشی امير پادشاهان چركس ۱۶۱
امير علي بن موسی حرفوشی امير بعلبك ۱۶۱
امير موسی بن علي معروف بابن حرفوش ۱۶۲
۲- خاندان علي صغير در جبل عامل
امير اسعد خليل ۱۶۳
امير علي بيك اسعد امير بلاد بشاره ۱۶۳
- ۴- امرای دولت مغول
شرف الدين بن شمس الدين جويني ۷۲
خواجه بهاء الدين بن شمس الدين جويني ۷۳
ابو الحسن علي بن عيسى معروف بابن فخر از بلخ ۱۶۵
- ۵- امرای دول غير شيعی هندوستان
مقدمه ۱۶۶
- (۱) امراء معاصر اکبر شاه هندي
بهرام خان - عبد الرحيم بن بهرام خان
- شاه فتح الله شيرازی ۱۶۷
نوروز ميرزا و ميرزا رستم صفويان ۱۶۸
- (ب) امرای معاصر جهانگیر
مير خليل يزدي - مير ميران بن مير
خليل يزدي ۱۶۸
احسن الله ظفر خان ۱۶۸
- (ج) امراء معاصر جهان شاه
خواجه عابد قليج خان ۱۶۸
نواب قليخان - مير محمد سعيد ۱۶۹
نواب عليمراد خان - اصفخان - شايسته
خان - اسلام خان - سيادت خان
ميرزا حسين صفوی - کرم الله ۱۷۰
زير دست خان - مراد کام - موسی خان ۱۷۱
- (د) امرای معاصر عالمگیر شاه
ذوالفقار خان - روح الله خان - موسی خان ۱۷۱
امير خان - جعفر خان
سيد عليخان مدنی صاحب سلافة ۱۷۱
مبارز خان عماد الملک ۱۷۵
سپار خان - مير شهاب الدين بن ۱۷۶
- (ه) امرای معاصر محمد شاه
لظام الملک اصفجاء ۱۷۸
نظام الدوله - آصف الدوله - نظام الدوله ۱۷۸
از امرای نامي هندوستان
نظام الملک - نواب تفضل ۱۷۹

فصل سوم از باب دوم

امرای شیعه که در دربار های موافق مذهب
سیاست خودآمارت نموده اند - مقدمه ۱۸۰

۱ - امرای آل حمدان در حلب

و موصل ۱۸۰

ابو قراس ۱۸۱

ابوالعلاء سعید بن حمدان ۱۸۲

ابوالسرایا نصر بن حمدان و ابو عبدالله

حسین بن سعید بن حمدان ۱۸۴

ابوالولید سلیمان بن حمدان ۱۸۵

حسین بن حمدان ۱۸۵

ابو سلیمان داود بن حمدان مزرقي ۱۸۷

ابو عبدالله حسین بن سعید بن حمدان ۱۸۷

یحیی بن علی بن حمدان - عمارة بن داود بن

حمدان - مهلهل بن نصر بن حمدان ۱۸۸

امیر الامراء بن رائق امیر بصره و واسط ۱۸۸

هبة الله بن حمدان امیر حران و مصر ۱۸۹

امیر بدرالدین یوسف بن سیف الدوله ۱۸۹

۲ - امرای کاکویه زادگان سلاطین

دیلمه در ایران - مقدمه ۱۹۰

ابوجعفر محمد حسام الدوله امیر اصفهان

فرامرزن حسام الدوله امیر اصفهان -

ابوکالیجار کر شاسب امیر همدان ۱۹۰

علاء الدوله بن فرامرزا میریزد - فرامرز

بن علی امیر یزد ۱۹۱

۳ - امرای ایلخانی آل جلایر در

عراق عرب و ایران

امیر حسین بیگ بن علی الجلایر ۱۹۱

امیر شیخ حسن الصغیر امیر ارزنه روم

ملک اشرف بن تیمورتاش - یوسف شاه

امیر بغداد - سلطان اویس امیر بصره

و واسط و شوشتر - سلطان محمود بن شاه ولد

امیر بصره و واسط ۱۹۲

۴ - امرای سربداریه در خراسان

و جوین و اسفراین و غیرها

امیر شاهی ۱۹۳ سبزاواری

۵ - امرای دوره صفویه -

بهرام میرزا بن شاه اسماعیل - ابراهیم

میرزا بن بهرام میرزا امیر مشهد و توابع

آن - القاس میرزا بن شاه اسماعیل -

سام میرزا بن شاه اسماعیل ۱۹۴

خواجه محمد شریف هجری امیر یزد ۱۹۴

مسیب خان بن محمد خان ۱۹۵

اسکندریک مؤلف کتاب عالم آرا ۱۹۵

۱ - موالی آل مشعشع امرای صفویه

در اهواز و حویزه - مقدمه ۱۹۶

مولی خلف بن مطلب بن حیدر بن محسن ۱۹۷

منصور بن مطلب بن حیدر بن محسن ۱۹۹

برکه بن منصور - ناصر بن مبارک ۲۰۰

خلاصه مقاله اسکندر بیگ در کتاب

عالم آرا راجع ببلاد دورق و حکام آن

نواحی از خاندان موالی ۲۰۰

محمد بن مبارک - سید بدر بن مبارک ۲۰۱

سید علیخان والی حویزه ۲۰۱

حکومت احفاد موالی در حویزه ۲۰۳

۲ امرای دنا بله در خوی و آذربایجان

مقدمه ۲۰۵

امیر بهلول - امیر رستم - امیر بهروز ۲۰۶

ایوب خان - شاه بنده خان - بهروز

دوم ۲۰۷

علیخان - مرتضی قلیخان ۲۰۸

غیاث بیگ - امیر شهباز خان ۲۰۹

نجف قلیخان بن شهباز خان ۲۱۰

امیر خدا داد خان - امیر فتحعلی بیگ -

نجف قلیخان - آقا محمد بن نجف قلی ۲۱۱

عبدالرزاق بیگ بن نجف قلی مؤلف کتاب

مآثر سلطانی و ریاض الجنه ۲۱۱

بهاء الدین محمد آقا - کوچک خان -

شهباز خان ۲۱۲

امیر شهباز خان - امیر احمدخان ۲۱۳

مرمت خوی بدست دنا بله ۲۱۳

امیر حسین قلیخان بن امیر احمدخان ۲۱۴

نواب محمد صادق خان - سلیمان خان

جعفر قلیخان ۲۱۵

کلبعلی خان بن احمد خان ۲۱۶

امیر اصلاخان بن امیر احمدخان ۲۱۷

۳ - والیان قبلی در پشت کوه

مقدمه ۲۱۷

منصور بن زهیر ۲۱۸

حسین بیگ بن شاه وردی - شاه وردی

منوچهر - حسین - علی مردان ۲۱۹

اسمعیل - محمد - محمد حسن - حیدر

حسین قلی ۲۲۰

۶ - از معارف آراء افشاریه و

زندیه ۲۲۱



بطوریکه در کلیه مطابع شرق بلکه اروپا اتفاق می افتد... اغلاط چندی (تصحیف یا تحریف) موقع
طبع این کتاب واقع شده لذا متمنی است بغلط نامه ذیل مراجعه فرمایند
غلطنامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۰	۱۹	یشناسف	یشناسف	۱۳۲	۱۶	ابن اثیر	ابن اثیر
۲۱	۱۱	ایران	ایوان	۱۳۶	۲۲	از آنجمله	از آنجمله
۲۲	۲۲	لشکری	لشکری	۱۴۵	۱۴	غایه	غایه
۲۴	۲۶	المأمون	المأمون	۱۰۳	۱۱	کتاب التدوین	کتاب التدوین (۲)
۲۸	۸	با کمال	با کمال	۱۰۲	۳	صدر بکری	و صدر بکری
۲۹	۱	مقنم	مقنم	۱۶۶	۱۶	حضرت زهرا	و حضرت زهرا
۳۱	۱۲	محب	محب	۱۶۸	۱۶	فتح کرد وفات	پاره بلاد فتح کرد و وفات
۴۱	۲۲	کشوریای	کشوریان	۱۷۱	۱۷	و دنجیفه مود	در نجف موجود
۴۳	۲۰	با حکومت	با حکومت	۱۷۸	۲۰	۴۴۹	۳۹۴
۴۴	۸	عباس	عباسی	۱۸۰	۱۴	وهند	و سوره
۴۵	۲۰	از مقام یسعی	زیاد	۱۹۰	۱۹	وار	واز
۴۷	۳	محمد	محمد	۱۹۱	۱۴	از مجله	از مجلد
۴۸	۱۷	در کتاب نقض فضایل الروافض	(۲)	۱۹۴	۲۳	الغاس	الغاس
۴۸	آخر صفحه	(۲) از کتاب	(۳)	۱۹۶	۱۸	ریاض العلماء	ریاض العلماء
۵۳	۷	سلجوقی	سلجوق	۲۹۶	۹	مقدمه	مقدمه
۵۴	۱۲	وزرای دولت مغول	وزای دولت مغول	۱۹۸	آخر صفحه	ر کلام	و کلام
۵۴	۱۷	جلد چهارم	جلد سوم	۲۱۸	۱۷	طبع بمبای	طبع بوشهر
۶۸	۶	بشیر انما	بشیر انما	۲۲۱	۱۷	قلیخان	قلیخان
۷۱	۲۱	بنام او	زیاد	۳۴	جعفر	Djaafar	Djaafar
۷۲	۲۰	احمد	و احمد	۸۰	فضل	Fazl	Fazl
۸۰	۱۳	متنبی	متنبی	۱۴۲	عبدالله	Obeidollah	Obeidollah
۹۷	۱۷	حسین بن صدر کبیر	رفیع السدین	۱۶۳	خلیل	Khalil	Khalil
۱۰۰	۱۸	در نسخه	در تنه	۱۶۸	عابد	Abed	Abed
۱۱۴	۲۰	۳ - صدر کبیر	۱ - صدر کبیر	۱۷۸	دوله	Dowleh	Dowleh
۱۱۶	۴	باشخاص	اشخاص	۱۸۴	سرایا	Saraya	Saraya
۱۲۶	۱۶	بشر	بشر	۲۱۸	منصور	Mansoor	Mansoor
۱۲۷	۲۳	در است	در است				



محل فروش جزء چهارم از کتاب آثار الشیعه

ایران - کتابخانه طهران - عراق عرب - کتابخانه محمود حلمی در بغداد
مصر - کتابخانه مجله الهلال - هندوستان - اداره روزنامه جبل المتین در بمبای
قیمت مقطوع یک تومان بیول ایران - بعلاوه اجرت پست

کتاب هایه در شرح و تحریر کفایه

کفایه الاصول تألیف ملا محمد کاظم خراسانی

ارباب فن و اهل اصطلاح معتقدند که تألیف کتاب کفایه الاصول و تدریس آن
در مدارس عراق عرب و ایران یکنوع جنایت ادبی بوده و نتیجه جز تضییع اوقات
گراشهای معلم و متعلم نداشته و ندارد آری در چنین عصری که ملل متمدنه
دنیا برای تسهیل و پیشرفت امور معارفی مسائل مشکله هر علم و فنی را بساده
ترین اسلوب و آسان ترین عبارات تألیف و تصنیف نمایند تألیف کتاب کفایه الاصول
با آن عبارات پیچیده و جملات درهم و برهم و اصطلاحات مشکله حتماً جنایت
ادبی محسوب میشود متأسفانه سایرین نیز تعالیق و شروخی بر این کتاب نوشته اند که
معماراً لاینحل نموده بر صعوبت آن افزودند در واقع اصل کتاب و شروح آن مانند
معماهای معمولی و لغزهای شاعرانه محتاج هزاران تفکر و تأمل است

لذا نگارنده پس از مطالعه و مباحثه و احاطه بر تمام مطالب کتاب مزبور در
صدد بر آمد که شرح ساده مختصری با عبارات ساده و بیانات آسان بر آن بنسجارد و مطالب
مشکله آنرا بطرز کتابهای علمی کلاسی مصر و اروپا شرح و تقریر نماید تا بدین وسیله
حتی المقدور از تضییع وقت محصلین جلوگیری شده و کتاب کفایه مورد استفاده
عمومی واقع گردد شرح مزبور مشتمل بر سه قسمت است

۱ - در مباحث لفظیه

۲ - در ادله عقلیه

۳ - در انتقادات علماء بر ریاضه از مسائل آن و نظریات ما در آن بابت

قسمت اول فعلاً در مطبعه سنگی علمیه تهران تحت طبع میباشد